



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی (خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی)

فرهنگ‌های دین (علم و معن)

تألیف و گردآوری

دکتر علی بابایی خورزومی

دکتر محسن بابایی خورزومی
معاون مدیر انتشارات معارف



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامي (خودسازي، جامعه پردازي و تمدن سازي)

نویسنده:

علي بابايي خورزوقي

ناشر چاپي:

دارخوين

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی (خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی) ۷
- مشخصات کتاب ۷
- اشاره ۸
- فهرست: ۹
- اشاره: ۱۱
- طلیعه ۱۴
- آیا بیانیه دوم انقلاب شاخه تناور شجره طیبه اسلام ناب محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) است؟ ۲۵
- بیانیه گام دوم انقلاب: ۳۹
- شاکله کلی بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟ ۶۱
- کدام یک از موارد در بیانیه گام دوم انقلاب قابل تامل است؟ ۸۱
- اهمیت «خودسازی انقلابی» در بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟ ۱۲۷
- ویژگیهای تمدن اسلامی با عنایت به نظر مقام معظم رهبری کدام است؟ ۲۴۱
- آیا محبوبیت انقلاب در جهان ، مقدمه ای برای تحقق گام دوم و ظهور است؟ ۲۶۹
- (۱) رتبه های تکان دهنده و کم نظیر علمی کشور: ۳۰۳
- (۲) رشد بی نظیر کشور در قدرت نظامی: ۳۰۴
- (۳) آموزش و پرورش کودکان: ۳۰۶
- (۴) رتبه های کم نظیر جهانی در «اندازه بازار»: ۳۰۷
- (۵) ایران بالاترین کشور در شاخص توسعه انسانی: ۳۰۸
- (۶) تولید ناخالص ملی «مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان»: ۳۱۰
- (۷) توسعه های خیره کننده در صنایع دانش بنیان: ۳۱۱
- (۸) شاخص جینی «توزیع ثروت عادلانه بهتر از آمریکا، روسیه و...»: ۳۱۳
- (۹) رشد عجیب در شاخص انرژی: ۳۱۴
- (۱۰) رتبه های بی سابقه و استثنایی در صنعت و معدن: ۳۱۵

- ۳۱۷ (۱۱) رتبه های باور نکردنی در صنعت خودرو:
- ۳۱۸ (۱۲) ارتقاء خیره کننده در فناوری ارتباطات: -
- ۳۱۹ (۱۳) سلامت عمومی «امید به زندگی از ۵۷ سال به ۷۶ سال»: -
- ۳۲۱ (۱۴) کولاک و دگرگونی در حمل و نقل شهری مخصوصا مترو: -
- ۳۲۳ (۱۵) رتبه های ارزشمند در حمل و نقل: -
- ۳۲۵ (۱۶) شاخص های بسیار عالی در کشاورزی: -
- ۳۲۶ (۱۷) رشد قابل توجه آموزش عالی و پرورش نخبگان: -
- ۳۲۸ (۱۸) فرهنگ و رسانه: -
- ۳۳۰ (۱۹) جایگاه ورزشی ایران در جهان: -
- ۳۳۲ (۲۰) قدرت شگفت انگیز جهانی ایران از زبان دشمن: -
- ۳۳۷ آیا بیانیه گام دوم انقلاب زمینه ساز ظهور حضرت حجت(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) است؟ -
- ۳۵۵ نتیجه گیری -
- ۳۵۸ منابع: -
- ۳۶۲ کتابهای زیر تا کنون از این شاعر و مولف چاپ و منتشر شده است: -
- ۳۶۶ درباره مرکز -

گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی (خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: بابایی خورزوقی، علی، 1342-

عنوان و نام پدیدآور: گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی (خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی) / مولف و شاعر علی بابایی خورزوقی؛
با همکاری مجتبی بابایی، اکرم ترک.

مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، 1399.

مشخصات ظاهری: 493 ص.؛ 5/14×5/21 س م.

شابک: 3-970-380-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 490 - 492؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357

موضوع: Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979

موضوع: شعر فارسی -- قرن 14

موضوع: Persian poetry -- 20th century

شناسه افزوده: بابایی خورزوقی، مجتبی، 1365-

شناسه افزوده: ترک، اکرم، 1367 -

رده بندی کنگره: DSR1553

رده بندی دیویی: 955/083

شماره کتابشناسی ملی: 6167308

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

بسم الله الرحمن الرحيم

خمینی نام محبوب زمان است * پیامش رهگشا بهر نهران است

عزیزم گر تو خواهی راه او را * درون یک خراسانی عیان است

گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی

(خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی)

جلدسی و سوم:

فریاد خاموش درون

مؤلف و شاعر: دکتر علی بابایی خورزوقی

با همکاری: دکتر مجتبی بابایی (عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان) و اکرم ترک (از طلاب حوزه علمیه قم)

چاپ دوم 1399

همراهانی که به دنبال گمشده فطرت یعنی انقلاب نجات بخش و به دنبال آن طالب آرامش واقعی در زندگی و سعادت حقیقی در دنیا و آخرت می باشند حتما این کتاب را بخوانند

«چرا که این کتاب به دنبال نیازهای واقعی فطرت بشری بوده و به بیانی می خواهد به فریاد خاموش درون انسان پاسخ مثبت دهد؛ لذا مؤلف معتقد است انقلاب الهی ایران و به دنبال آن کلمه به کلمه و بند بند بیانیه گام دوم انقلاب همانی است که فطرت بشریت و ضمیرهای حق جو و حق پذیر در تمام اعصار و ازمنه طالب و مشتاق آن است... بدین جهت پیام و آثار آن تا ابدیت ماندگار خواهد بود...»

(کلیه اشعار موجود در کتاب توسط مؤلف سروده شده است)

ص: 1

===== گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی و تمدن سازی =====

فهرست:

۴ اشاره:

۶ طبیعه

۱۲ مقدمه

۱۷ آیا بیانیه دوم انقلاب شاخه تناور شجره طیبه اسلام ناب محمدی(ص) است؟

۳۱ بیانیه گام دوم انقلاب:

۵۳ شاکله کلی بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟

۷۳ کدام یک از موارد در بیانیه گام دوم انقلاب قابل تامل است؟

۱۱۹ اهمیت «خودسازی انقلابی» در بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟

۲۰۶ آیا اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم قابل تغییر است؟

۲۱۱ آیا بیانیه دوم انقلاب در راستای تغییر افکار انقلابی‌های جهان است؟

۲۳۲ ویژگی‌های تمدن اسلامی با عنایت به نظر مقام معظم رهبری کدام است؟

۲۶۰ آیا محبوبیت انقلاب در جهان، مقدمه ای برای تحقق گام دوم و ظهور است؟

۲۶۷ کم و کیف برنامه ریزی برای تحقق گام دوم انقلاب چگونه باید باشد؟

۲۷۸ آیا دستاوردهای معجزه گونه انقلاب؛ پشتوانه ای محکم برای گام دوم است؟

۲۹۴ (۱) رتبه های تکان دهنده و کم نظیر علمی کشور:

۲۹۵ (۲) رشد بی نظیر کشور در قدرت نظامی:

۲۹۷ (۳) آموزش و پرورش کودکان:

۲۹۸ (۴) رتبه‌های کم نظیر جهانی در «اندازه بازار»:

۲۹۹ (۵) ایران بالاترین کشور در شاخص توسعه انسانی:

۳۰۱ (۶) تولید ناخالص ملی «مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان»:

۳۰۲ (۷) توسعه های خیره کننده در صنایع دانش بنیان:

۳۰۴ (۸) شاخص جینی «توزیع ثروت عادلانه بهتر از آمریکا، روسیه و...»:

۳۰۵ (۹) رشد عجیب در شاخص انرژی:

۳۰۶ (۱۰) رتبه های بی سابقه و استثنایی در صنعت و معدن:

۳۰۸ (۱۱) رتبه های باور نگر دنی در صنعت خودرو:



===== دستاوردهای کم نظیر و معجزه گونه انقلاب در چهل سالگی =====

- ۱۲) ارتقاء خیره کننده در فناوری ارتباطات: ۳۰۹
- ۱۳) سلامت عمومی «امید به زندگی از ۵۷ سال به ۷۶ سال»: ۳۱۰
- ۱۴) کولاک و دگرگونی در حمل و نقل شهری مخصوصا مترو: ۳۱۲
- ۱۵) رتبه‌های ارزشمند در حمل و نقل: ۳۱۴
- ۱۶) شاخص‌های بسیار عالی در کشاورزی: ۳۱۶
- ۱۷) رشد قابل توجه آموزش عالی و پرورش نخبگان: ۳۱۷
- ۱۸) فرهنگ و رسانه: ۳۱۹
- ۱۹) جایگاه ورزشی ایران در جهان: ۳۲۱
- ۲۰) قدرت شگفت انگیز جهانی ایران از زبان دشمن: ۳۲۳
- آیا بیانیه گام دوم انقلاب زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت(عج) است؟ ۳۲۸
- نتیجه‌گیری ۳۴۶

اشاره:

اشاره: در آغاز جا دارد نظر جنابعالی به جمع بندی خبری در خصوص رونمایی ده اثر از آثار مولف که در برخی از رسانه ها منتشر شده؛ معطوف گردد:

حوزه: اخبار منتخب, فرهنگ و تاریخ, مجموع اخبارها 25 بهمن, 1397 :: 11:15 کد خبر: 18005

رونمایی کم نظیر از 3413 صفحه در ده اثر شاعر و مؤلف انقلابی دکتر علی بابایی خورزوقی در دانشگاه...

تصویر



به گزارش پایگاه خبری صدای جویا از اصفهان، ظهر امروز در چهلمین فجر انقلاب اسلامی طی آیینی در واحد دولت آباد دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان و با حضور مسئولین استان اصفهان از ده اثر ارزشمند شاعر و مؤلف انقلابی دکتر علی بابایی خورزوقی رونمایی به عمل آمد.

این آثار به همراه چندین جلد دیگر حاصل حدود چهل سال از عمر این مؤلف است که صرف تحقیق و تفحص در جهت خنثی سازی

اندیشه های روانشناسان و فلاسفه معاصر و آراء تربیتیغرب که متاسفانه بر خلاف فطرت بشری و فریاد خاموش آدمی در قالب ایسم های مختلف از جمله لیبرالیسم، سکولاریسم و اومانیزم بوده و به نوعی با دین ستیزی و معنویت زدایی؛ مسیر انسانیت و رستگاری را به انحراف کشیده اند؛ با

ص: 4

رویکرد معنوی با استفاده از آیات و روایات می باشد... در این روز جمعا از سه هزار و چهارصد و سیزده (3413) صفحه از آثار این شاعر و مولف رونمایی شد؛ که در نوع خود واقعا در سطح کشور کم نظیر بوده است. یاد آور می شود که کلیه در آمد حاصل از فروش کتب این شاعر و مولف وفق وصیت ایشان فقط و فقط صرف نشر و ترویج معارف قرآن و اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) شده و انشا... برای همیشه خواهد شد. همچنین امتیاز همه کتابها و مقالات ایشان در این است که به مناسبت موضوع همراه با اشعاری از مولف؛ تدوین شده که در نوع خود کم نظیر است. و نیز همانند پدر بزرگوارشان با خدا عهد بسته اند تا زمانی که قدرت و توان دارند برای رضای یار، در محافل و مجالس مذهبی و علمی که دعوت می شوند بدون هر گونه انتظار و منت سخنرانی نموده و بابت آن هیچ گونه مبلغ، هدیه و... دریافت نکنند. در این راستا یکی از ائمه جمعه در همایشی فرموده اند: که خداوند متعال در سخنرانی و بیان نعمت را بر ایشان تمام کرده است.

عناوین و مطالب کتب مولف که تا کنون سی و دو جلد آنها به حول و قوه الهی در مجموعه ای تحت عنوان "فرباد خاموش درون" بصورت نظم و نثر منتشر شده و اسامی تعدادی از آنها در انتهای همین کتاب آمده است؛ معمولا از بین سوالات مستمعین در جلسات آموزش خانواده، کارگاه های آموزشی، مجامع هم اندیشی و بحث و انتقاد که بصورت پرسش و پاسخ، توسط مولف پاسخ داده، استخراج و با استفاده از منابع مختلف، به لطف الهی تدوین گردید.

در خاتمه یاد آور می شود که مولف از نظر علمی در کلاسهای خارج فقه (معادل دکترا) در حوزه شرکت و از درس خارج علمایی همچون حضرت آیت ا... خزعلی از فقهای شورای نگهبان استفاده کرده و در دو رشته متفاوت دانشگاهی تحصیل و در مقطع دکترای تخصصی phd در رشته فلسفه تعلیم و تربیت به تحصیل ادامه داده است...

مجتبی بابایی

ص: 5

(سوره اعلی)

(مکی 19 آیه) سوره 87 صفحه 591

- 1- خوان تو نام رب اعلی و برین * با همان تسبیح و پاکی و یقین
- 2- آن خداوندی که خلق کرده جهان * خوب و عالی با هدفهایی عیان
- 3- هر که را در کم و کیف اندازه داد * تا رود سوی کمالش در نهاد
- 4- آنکه از دامان خاک بی صفا * هم چراگاه و گیاه کرده به پا
- 5- بعد از آن کرده همه، خشک و خموش * درفضایی که بود، بی جنب و جوش
- 6- می کنیم خوانا، تو را در جان و سر * کی شود پنهان، ز دیده و نظر
- 7- آنچه را خواهد، کند اندر جهان * عالم است، بر سر و پنهان و عیان
- 8- می کنیم یاری تو را، در راه دین * تا شود آسان، رسالت، بر زمین
- 9- پس تو آنان را، تذکر ده ز جان * گر تذکر، سودمند، افتاد، بدان
- 10- آنکه ترسد از خدای مهربان * می رود با جان و دل، سوی همان

ص: 6

(چون که قلبش، گشته آماده برآن * می پذیرد آن تذکر را ز جان)

11- آن شقی و منحرف، در راه کین(1) * می کند دوری، زحرف حق دین

12- با چنین فکری، رود در قعر نار * سوزد اندر، آتش کبری و زار

13- پس چو مرده، می شود در آن جهان * کی شود زنده، همی سوزد در آن

14- رستگار شد آنکه در سر و عیان * پاک و کرد از هر بدی، هم جسم و جان

15- با همان، یاد خدای مهربان * با خضوع و هم نماز، اندر نهان

16- پس چرا؟! ای خفتگان این دیار * از فلاح، دوری و رفتید سوی نا

آن سرای فانی را، در جان و سر * داده ترجیح، بر بقایی پر ثمر

17- آخرت، بهتر بود از هر نظر * تا ابد، خیرش رسد بر جان و سر

18- آنچه آمد از تمام این امور * ثبت در دیگر صحف، ای با شعور

در کتب انبیای پیش از این * 19- همچو ابراهیم و موسی، اهل دین

ص: 7

1- آنکه بوده از همه شقی ترین

ولایت پایگاه فقه و دین است * چو در غیبت همان جبل المتین است

ولایت نام مأنوس یمین است * زمان انگشتی و او نگین است

ولایت دشمنان را مهر و کین است * به قدرت مطلق و فتح المبین است

ولایت منشأ خیری وزین است * چو با آن ارزش ایمان عجین است

فقاہت علم کل عالمین است * به کُنه و بُنه بینش ها رهین است

ولایت ناجی و روح الامین است * زمشروعیت حق اینچنین است

ولایت نور چشم مرسلین است * وجودش رحمہ للعالمین است

ولایت مرهم قلب حزین است * شفا بخش دل و جان غمین است

ولایت عشق و عاشق آفرین است * به اوج عاشقی حق یقین است

فقاہت ملجأ فکری برین است * چو از قرآن و عترت خوشه چین است

ولایت شور و حالی نازنین است * زجان بر جان نفوذش برترین است

ولایت مشعل کل زمین است * هدایت را علمداری امین است

ولایت را نظر بر آخرین است * زغیبت تا ظهورش جانشین است

ولایت مخزن الاسرار دین است * حقیر سوز و گدازش با یقین است

ای عزیز بزرگوار با عنایت به چهارده بیت مزبور که مولف به نیت چهارده معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) سروده است باید با معرفت و بصیرت همواره مواظب و مراقب باشی که وفق مضمون ابیات غزل زیر به هیچ وجه از ولی امرت جلوتر و یا عقب تر نیفتی و دقیقاً تابع و پیرو ولایت باشی. چرا که:

گر که گشتی از ولایت پیش و سر * می شوی خوار و ذلیل و در بدر

با ولی کن تو عبور از هر گذر * تا رسی راحت به مقصد در سفر

گر چنین کردی شوی اهل ظفر * چون که این داد درون است بر بشر

گر بشر خواهد شود آقای دهر * یا که گردد پیروز و دور از خطر

بی شک و تردید ولایت چون سپر * می کند محفوظ بنی آدم ز شر

دان بشر با هر نوعی دید و نظر * وفق داد دختر و هم هر پسر

در زمان غیبت صاحب امر * با فقاقت می رود سوی قمر

با ظهور معصوم و خورشید چوزر * کن ز غیر آن عزیز من حذر

گر ز عصمت گردی دور با هر نگر * می زنی بر نفس و جان خود ضرر

راه مولا بوده مملو از گوهر * بهر شیعه با دو صد داد دگر

هر چه دیر آیی بسوی این خبر * ظلم وافر کرده ای بر جان و سر

از ولایت جان و دل گیرد اثر * چون که آن باشد عظیم و پر ثمر

این همان خواست حقیر است تا به سر * از من و ما تا همان جد و پدر

انقلاب اسلامی ایران، نهضتی بزرگ، شکوهمند و تأثیرگذار است، اما همان گونه که مقام معظم رهبری می فرمایند: «این انقلاب، بی نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست.» چرا که:

خمینی همچو نوری در زمین بود * شفا بخش دل و جان غمین بود

پیامش رهگشا بهر یمین بود * چو با روح بنی آدم عجین بود

همچنین مقام معظم رهبری در پیام خود به مناسبت بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1377 چنین می فرمایند: «امام بزرگوار ما با تکیه به تعالیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم، و با اعتماد به ایمان دینی مردم، و با شجاعت و اخلاص و توکل کم نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختی ها و مصائب طاقت فرسا گشود و پیش رفت و صبورانه و پیامبرگونه ذهن و دل مردم را با واقعیت های تلخ و راه علاج آن آشنا کرد. ملت ایران که از اولین قدم ها به ندای این مرد الهی و روحانی گوش فرا داده و به منطق حق و درس روشنگر او دل بسته بودند، با انگیزه نیرومند ایمان و عشق به اسلام، فداکاری ها و جان فشانی های فراموش ناشدنی کردند. امام بزرگوار ما در این مدت، در عین هدایت مردم و گستردن دامنه آگاهی همگانی و کشاندن توده میلیونی به مبارزه، اندیشه حکومت اسلامی را نضج و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رایج سیاسی عالم... راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان به طور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده مردمی بزرگ ترین شاخصه آن است.»

در اینجا به خاطر اهمیت موضوع، جا دارد اشاره شود که مولف در کتابی تحت عنوان "تنها راه سعادت در پرتو بهترین نوع ولایت و مدیریت که در سال 89 منتشر و چاپ سوم آن در اپلیکیشن طاقچه قابل رویت و ملاحظه است، با ادله عقلی؛ بصورت علمی اثبات می کنند که سعادت دنیا و آخرت و آرامش روحی و روانی هر انسانی در کنار پذیرش ولایت حاصل خواهد شد. لذا مطالعه کتاب مزبور به همه فطرت‌های پاک و ضمیرهای حق جو و حق پذیر توصیه می گردد. چرا که:

اگر خواهی روی در راه یزدان * خراسانی نما در جان نمایان

ولایت بوده باشد قلب ایمان * درون را کن مهیا از دل و جان

و بدان که:

ولایت آل علی (عَلَيْهِ السَّلَام) که بی بصر نمی شود * زعامت سید علی که بی بصر نمی شود

ح- کایت ناب نبی، رها کند دیده و دل * اطاعت از ولی امر، که بی بصر نمی شود

ای عزیز، راه ولایت سوی جانان می رود * این دل غم دیده با شوری دوچندان می رود

چون که مولا وا کند ارکان هر نوع فتنه را * روح و جان آدمی، راحت به میدان می رود

غرق گشتم در حریم کوی مولاتا که چون دریا شوم * قطره ای هستم ز دریای ولا، همراه آن دریا شوم

ای عزیز جان و دل، راهی بده تا سوی آن مولا روم * جان جانان هم‌رهی کن تا که من هوشیار آن دریا شوم

ص: 11

آنچه کرده انقلابی، در درون ما مدام * آنچه کرده بر من و تو، حجت یار را تمام

بوده باشد، داد خاموش ولی و هم امام * آن ولایی که، ز هر موجی همی گیرد انام

انقلاب اسلامی ایران نهضتی مبارک و انفجار نوری است که در شبستان تاریک و ظلمانی گمراهی ها و سرگردانیها رخ داده و رعدی بوده که بر تارک طاغوتیان فرود آمده است که از آن تولد دوباره یک ملت پدیدار و آرزوی دیرینه همه انبیاء و اوصیاء الهی به وسیله آن نهضت برآورده گشته است و چقدر زیباست که بیان شود این انقلاب ظهور صغرا است و زمینه ساز ظهور کبری حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه الشریف) است. و به فرموده بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره): «انقلاب ما نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد».⁽¹⁾

ملت مسلمان منزجر از نظام ستم شاهی حاکم بر ایران تحت بیرق امام خمینی (ره) بپا خاسته و بساط حکومت ظلم و اختناق شدید و وابسته به آمریکا را در 22 بهمن 57 برچیدند و به فاصله کمتر از 50 روز از پیروزی انقلاب پرشکوه و پرافتخار اسلامی خود برای اولین بار در انتخابات آزاد شرکت کرده و پای صندوق های رأی رفتند. آن ها شعار خود که «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» بود را با تعیین نوع حکومت در رأی «آری»

ص: 12

به «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیش با 98.2 درصد آرا برگزیدند و بدین صورت فصل نوینی در شکل‌گیری مردم‌سالاری دینی در کشور و دنیا شکل گرفت که سرآغاز تحولات عظیمی در کشور و جهان گشت. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بزرگ‌ترین تحول جهانی قرن بیستم به وقوع پیوست. بنیان‌گذار این انقلاب با قیام خود، غرور ملت‌های مستضعفی را که سالیانی مدید مورد ظلم قرار گرفته بودند، به آنان بازگرداند. او نه تنها سرنوشت کشورش را تغییر داد، بلکه میلیون‌ها انسان گم‌گشته در برهوت جاهلیت عصر مدرن را بر خلاف جریان فکری ایسم‌های مختلف؛ به بازگشتی دوباره به معنویت و بکتاپرستی فراخواند. آری:

عشق مولا، آتشی بر پا کند* در فراق وی، درون غوغا کند

جان آدم با ولایت شدعجین* تا که با آن، اندکی نجوا کند

ویژگی اصلی انقلاب اسلامی، تبلیغ اسلام و اصول اساسی آن است. جهانی بودن انقلاب در گسترش فرهنگ اسلامی و افزایش اقتدار اسلامی جلوه‌گر می‌شود. گسترش انقلاب اسلامی نه تنها حرکتی انقلابی، بلکه وظیفه‌ای دینی به شمار می‌آید. به همین دلیل در اصل 154 قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان‌ها در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

پیروزی انقلاب اسلامی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، ناظران را با پدیده‌ای تازه در صحنه سیاسی جهان روبه‌رو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و سرنوشت خود، در هیچ‌یک از معیارهای سیاسی جهان نمی‌گنجد. و اینک پس از چهل سال پر افتخار با بیانیه الهی مقام معظم رهبری تحت عنوان گام دوم انقلاب وارد مرحله حساس

تمدن سازی اسلامی در جهان شده است. بیانیه گام دوم در یک تقسیم کلی شامل نگاهی به گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی است و از این منظر، سیاست ها و راهبردهای آینده را مشخص نموده است. آرمان ترسیم شده در بیانیه؛ ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای قیام مهدوی است. راهبردها و سیاستهای انقلاب اسلامی براساس این سند عبارتند از: دفاع از نظریه نظام انقلابی، پایبندی به اصول و حفظ مرزبندی با دشمنان انقلاب، شناخت درست گذشته به منظور برداشتن گام های استوار آینده، لزوم بهره گیری از مدیریت های جهادی و روحیه ما می توانیم، لزوم توجه به شعارهای انقلاب و جریان های انقلابی، دمیدن امید و نگاه خوشبینانه به آینده در جامعه، جهاد علمی به منظور عبور از مرزهای دانش در مهم ترین رشته ها، لزوم اتخاذ منشور رفتار اخلاقی و معنوی از سوی حاکمیت و زمینه سازی برای ترویج معنویت، برجسته کردن ارزشهای معنوی به منظور رشد هرچه بیشتر شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، عملیاتی نمودن سیاست های اقتصاد مقاومتی، مبارزه دائمی با فساد در دستگاه های حکومتی به منظور استقرار عدالت تا رفع محرومیت ها، حراست از استقلال ملی و آزادی اجتماعی به عنوان دو ارزش اسلامی و عطیه الهی، لزوم حفظ عزت ملی و مرزبندی با دشمن، لزوم به میدان آمدن جوانان در تمامی عرصه های جهادی، جهادی همه جانبه و هوشمندانه در مقابله با ترویج سبک زندگی غربی و به بیانی اصطلاحاتی همچون جوانمردی، مروت انقلابی، نظریه نظام انقلابی، انحطاط تاریخی طولانی و ظرفیت امیدبخش از جمله مفاهیمی است که در بیانیه گام دوم از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابداع شده است.

این بیانیه نه تنها همه مردم ایران بلکه برای همه مسلمانان جهان صادر شده است. بیانیه «گام دوم انقلاب» تبیین کننده فصل نوین حرکت انقلابی و عمل جهادی ملت بزرگ ایران و امت اسلام و جبهه مقاومت است. در این منشور با تحلیلی روشن از گذشته، نقشه راه برای تحکیم نظام انقلابی پویا، توانمند و پیشتاز در راستای دستیابی به تمدن اسلامی و بهبود جدی عملکرد ارکان نظام ارائه شده است. آرمان هایی که در بیانیه مزبور ارائه شده است برای همیشه و تا ابدیت ماندگار و باثبات است؛ چرا که با فطرت، روح،

جان و عقل بشریت هماهنگ است. به بیانی این اندیشه و تفکر با طراوت و نشاط خود قلب و روح و جان انسان ها را فتح می کند؛ چون که با مبانی عقلانی و با فطرت بشر هماهنگ و از پشتوانه برهانی و علمی برخوردار است.

در طریق شور و عشق و عاشقی * نقشِ مولایم بُود، همچون بی

چونکه داد اندرون، با آن ولیست * می کند غوغا، درون آدمی

به این جهت که با حقایق ناب الهی عجین شده و این حقایق ماندگار است، مبانی انقلاب، اصول و ارزش های حکومت اسلامی برآمده از قرآن، سنت نبوی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و سیره اولیاء معصوم الهی (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) است. این مبانی استوار است و استحکام منطقی و علمی دارد؛ لذا رهبر معظم انقلاب به درستی اشاره می کنند که این اصول و ارزش ها برای همیشه در نزد انسان ها و جوامع بشری زیبا و پرجاذبه است، زیرا با فطرت آن ها هماهنگ است.

گفتنی است که اصول و مبانی انقلاب قابل تردید و فاصله نیست، انقلاب به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی با رقیبان و دشمنان حساس است و با خطوط اصلی خود هرگز بی مبالا-تی نمی کند. چون این اصول و مبانی برآمده از اصول دینی است. انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده، با اراده و همواره با انعطاف است و آماده تصحیح خطا های خویش است. نقص ها و کاستی ها را می شناسد و در حوزه های مدیریتی برطرف می کند، اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست. این یکی از مهمترین عوامل ماندگاری انقلاب است.

انقلاب اسلامی دین و دنیا را، علم و دین را، روح و جسم را در کنار هم مورد توجه قرار داده است؛ از این رو شعار های جهانی انقلاب دینی ماندگار و باثبات است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری شعار های انقلاب است که هر کدام جای بحث مفصلی دارد. این ها اصول و مبانی برآمده از آموزه های دینی است و انقلاب اسلامی این آرمان های بلند را در دستور کار خود دارد. این مبانی برآمده از اصول و حیانی است، حق است و حق ماندگار است.

از طرفی با رواج و گسترش تفکرات مادی و غیرالهی که اساساً انسان را تک بعدی مطرح می کنند جهان نظرگاهی بسیار تنگ جلوه می نمایند. «استاد شهید مطهری در مباحث اسلام شناسی خود اسلام را از نظر جهان بینی و ایدئولوژی دارای ویژگی های جامع، فراگیر و جهان شمول عنوان می کند. در تحلیل این متفکر اسلام به دلیل آن که مبتنی بر فطرت آدمیان است و انسانیت انسان رابه عنوان جوهر و ماهیت واحد مورد خطاب قرار می دهد، مرزهای خونی، نژادی و زبانی را در می نوردد و تا مرز انسانیت امتداد می یابد و چون میان وحی آسمانی و عقل زمینی جمع میکند و عنصر پویایی اجتهاد را مطرح می نماید در همه زمان ها و مکانها کارایی داشته و از جامعیت برخوردار می باشد.»(1)

لذا با عنایت به نیاز درون مخصوصاً "دردوران فتنه که حقایق مشتبه می شود و تشخیص حق از باطل تا حدودی مشکل به نظر می رسد؛ خواهشمند است که با تأمل و دقت لازم مطالب این کتاب مطالعه شود. چرا که فریاد خاموش درون و ذره ذره وجود بنی آدم بصورت فطری و ذاتی به دور از رنگ و نژاد و مذهب به دنبال این انقلاب الهی و مفاد بیانیه دوم گام انقلاب بوده و جهت رسیدن به سعادت واقعی راهی جز پذیرش آن برایش متصور نمی باشد. بنابر این ای عزیز سعادت خواه:

با ولایت جان و دل، گویی که در بیراهه نیست * خیر عظمای بشر، دانی که در بیراهه نیست

داد خاموش درون، گوید به تو هر روز و شب * راه حق، راه ولیّ و راه او بیراهه نیست

ص: 16

مع الوصف باید اعتراف کرد که تنها اعتقادی که می تواند فرد و جامعه را در لابه لای فتنه ها و افکار منحرف به سر منزل مقصود رساند و جامعه بشری را از بحرانهای کشنده روحی و روانی نجات و خلع معنویت را بر طرف آرامش را بر ذره ذره وجود حاکم فرماید همین اعتقاد است و بس؟؟؟ به شرط وجود بصیرت و اجابت این دعا:

الهی فتنه ها را بر ملا کن * مرا با راه مولا آشنا کن

همی دانم بصیرت در دو دنیا * دهد جان را بها، غیرش رها کن

آیا بیانیه دوم انقلاب شاخه تناور شجره طیبه اسلام ناب محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) است؟

دان که حرف انقلاب و هم ولی بی هر گمان * حرف اسلام و همان حرف نبی است در این زمان

آن درخت ثابت و پر ریشه اندر روح و جان * روز و شب با تو همی گوید بدون شک چنان

با خدا باش و ولی راکن اطاعت در جهان * تا شوی فارق ز اغیار برون اندر نهان

این همان راز سعادت بوده باشد در عیان * بهر آنهایی که گفتند یا علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از عمق جان

انقلاب و داد خاموش درون در هر زمان * می زند فریاد حقی با زبانی بی زبان

اضطراب و دلهره گردد خاموش در جسم و جان * چون که مولا می دهد آرامشی دور از فغان

یأس و ترس آدمی گردد تمام بی هر گمان * با همان عشقی که جان را می کند هر دم جوان

در چنین حالی فسرده کی شود روح و روان * جام شادی سویت آید در همه کون و مکان

گر چه گمنام و نباشد از تو حتی یک نشان * در حضور یار نیرزد چیزی جز تقوا بدان(1)

با خلوص است که توانی تو روی تا کهکشان * از ملک برتر شوی اندر زمین و آسمان

گر سعادت خواهی و خواهی روی باغ جنان * با ولایت شو و بعد در راه مولا رو روان

تا شوی اهل فلاح در این جهان و آن جهان(2) * با همان داد ولایت در تمام روح و جان

قدر تو والاتر است از آنچه آید در بیان * چون که روح حق برد بالا تو را تا آن کران

پس حقیر گوید عزیزم کن رها تو این و آن * تا شوی با انقلاب و از خدا گیری امان

توحید و یکتا پرستی و نیز ولایت و ولایت پذیری حقیقی و شناخت و معرفت صحیح نسبت به کم و کیف آنها از جمله بحران های معرفتی بشر در جهان غرب است. توحید و یکتا پرستی و نیز ولایت و ولایت پذیری واقعی و درست همان چیزی است که فطرت پاک بشری و فریاد خاموش درون آدمی؛ تشنه بهره مندی درست از آنها است. ولی در نهایت تاسف ایسم های مختلف نه تنها از فهم و درک درست آنها عاجزند. بلکه در برابر بسترها و زمینه های معرفت واقعی نسبت به شناخت کم و کیف ابعاد و چارچوب واقعی و الهی آن ایستاده اند. و با ترویج عقاید کاذب، غلط و نامشروع که منجر به بی بند و باری و خارج شدن انسان از مسیر انسانیت و فاصله گرفتن با شجره طیبه ای که به درخت تناور و پرثمر در قرآن تشبیه شده می شود؛ و با این اعتقاد بالا-ترین ظلم و جنایت را در حق نفس خود و بشریت روا نموده اند.

کلمه طیبه ای که به درخت تناور و پرثمر تشبیه شده، کلمه مبارک «توحید» است؛ همان که خداوند به عنوان پیام اصلی همه پیامبران معرفی کرده است: «و لقد بعثنا فی

ص: 18

1- گرچه در گمنامی ات هرگز نیابی یک نشان در حضور یار این را حکمت و تقوا بدان

2- تا که گردی با سعادت در فضای دو جهان یا تا که خوشبخت گردی اندر این جهان و آن جهان

کل اُمَّه رَسولاً ان عبدوا اللّٰه و اجتنبوا الطاغوت؛(1) و ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که [بگویند]: خدا را پرستید و از طاغوت دوری کنید.» اعتقاد به توحید و یگانگی مبدأ و خالق و حاکم و مدیر و ربّ و مدبّر جهان و دست ردّ زدن به سینه همه خدایان دروغین و قطب های طغیان و عصیان، شجره مبارکی است که به وسیله پیامبران صلوات اللّٰه علیهم اجمعین کاشته شده و تناور گردیده و هر آن برگ و ثمر فراوان می دهد. پیامی فطری که از زبان رسول خدا (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آله) صبح و شام به مردم ابلاغ می شد و فریاد خاموش درون طالب و مشتاق آن بوده و تا ابدیت خواهان آن خواهد بود؛ یعنی: «قولوا لا اله الا اللّٰه تفلحوا؛(2) [در

بیان و عمل] بگویند: جز خدای یگانه قهار خدایی نیست، تا رستگار شوید.»

آن بزرگوار در طول دوران رسالت خویش بر تبیین این حقیقت و اجرایی کردن آن همت گماردند و تشکیل نظام اسلامی در مدینه منوره قدم بزرگی به سوی این هدف مقدس بود. آن بزرگوار در آخر عمر شریف خود به امر خدا با تعیین و نصب «ولی» و جانشین برنامه آینده حکومت اسلامی را مشخص کردند. تشکیل حکومت مهم ترین اقدام رسول خدا برای اجرایی کردن اهداف رسالت بود. این اقدام برای دشمنان نیز تحمل ناپذیر بود و در تداوم یافتن آن؛ ریشه کن شدن کفر و شرک و ظلم را می دیدند از این رو همانند سایر طواغیط در طول تاریخ که بر خلاف حق و فطرت بشری عمل کردند؛ با تمام توان در صدد مقابله با آن بر آمدند و در دوران بعد از هجرت با تحمیل جنگ های فراوان سعی در ساقط کردن این نظام فطری و الهی داشتند که در رسیدن به هدف شوم خود ناکام بودند. آخرین نقطه امید مشرکان و کافران در ساقط یا استحاله کردن نظام اسلامی به بعد از رسول خدا بود. آنان امید داشتند پس از وفات رسول خدا و رهبر امت، کسانی که هنوز تربیت نشده و شایستگی نداشتند، زمام امور را به دست بگیرند و در کوتاه مدت یا درازمدت بتوانند با اجرای برنامه های مورد نظر، نظام را منحرف کنند و از اهداف رسالت باز بدارند.

ص: 19

1- نحل، آیه 36

2- بحار الانوار، ج 18، ص 202.

رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قبل از غدیر بارها به صورت غیر مستقیم، رهبری آینده نظام اسلامی را معرفی کردند و بر خصوصیات مورد نظر در رهبری اشاره فرمودند.

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) جمع اضداد جهان است * بدون نور او دنیا خزان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) داد پنهان زمان است * همان قرآن ناطق در بیان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) در شب تاریک عیان است * اگر چه شب ز دید ما پنهان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) برترینها بی گمان است * فراتر از زمین و آسمان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) را نشان ها بی چنان است * تولد هم به کعبه یک نشان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) عدل و دادش جاودان است * چرا که باقی و فوق زمان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) در عمل دانی چه سان است * پیامش بهر ما تا کهکشان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) الگوی پیر و جوان است * به هر قدری که پیرو را توان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) بی گمان جان جهان است * چه گویم من که او جانان جان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) مصدر آتش فشان است * اگر چه خاموش و در لا مکان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) بهر هر شیعه امان است * همان فردی که در راهش روان است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) خاصّ خاصان جنان است * ندارد قیمت و وصفش گران است

علی جان(عَلِيَّهِ السَّلَامُ) داد خاموشش همان است * رهایی همچو تیری از کمان است

علی جان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در دو عالم چون شبان است * حقیر گوید شفا بخش روان استعلی

آری پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صلاحیت های لازم رهبر را بر می شمردند و اعلام می فرمودند که با صلاحیت ترین فرد در جامعه باید تصدی حکومت را به عهده بگیرد و عهده داری امر حکومت از جانب دیگران در صورت وجود فرد باصلاحیت تر، غیر مشروع و گناه عظیمی است: «اگر مسلمانی، کسی را مسئولیت دهد در حالی که می داند کسی دیگر سزاوارتر از او و عالم تر به کتاب خدا و سنت پیامبر است، به خدا، پیامبر و همه مسلمانان خیانت کرده است.»⁽¹⁾ و در جواب کسی که از آن حضرت حکوت و امارت طلبید، فرمودند: «به خدا قسم ما کسی را که بر حکومت طالب و حریص است به آن نمی گماریم.»⁽²⁾

ایشان علاوه بر این رهنمودها، در روز عید غدیر به وضوح و با تفصیل تمام شمای رهبر را ترسیم کردند و شایسته ترین فرد در آن زمان را به رهبری منصوب نمودند و این را به عنوان تکمیل دین و یک برنامه اصولی برای همیشه اسلام و جامعه اسلامی مطرح فرمودند. بنابر این ای عزیز بزرگوار در خصوص عظمت حادثه الهی غدیر که روز اكمال نعمت و عید بزرگ مسلمین است؛ باید گفت:

غدیر عیدی بود والا و برتر * برای جن و انس در جام اطهر

ولایت گر نمی گشتش * رسالت دون آن می گشته ابتر

هویدا بنا بر گفته ی آن یار یکتا * بشر گشته رها از دام اکبر

چرا که بر بشر امروز و فردا * شده کامل همان دین پیامبر

تمام نعمت حق گشته پیدا * برای روح و جان در کل اختر

ص: 21

1- سنن بیهقی، ج 10، ص 118

2- صحیح مسلم، ج 3، ص 1456؛ کتاب الاماره، باب 8، حدیث 1839

به حق آن ناعم بی مثل و همتا * نموده نعمتش کامل به خاور

همانا نعمتی که در دو دنیا * بود اصل و اساس هر دلاور

بدون شک در آن روزی که مولا * ولایت را گرفت از دست داور

سعادت را همی کردش مهیا * برای پیروش آن یار و یاور

اگر چه داد خاموش است به آشنا * منافق گشته مایوس همچو کافر

همان یاسی که در هر دشت و صحرا * کند نابود و هر فتنه ی انتر(1)

یقین دان که شود رسوای رسوا * تمام ظلم و کین با حرف دلبر

درون هر بشر تنهای تنها * همی خواهد ولایت را چو مادر

چرا که با ولایت در همه جا * شود آدم همی آقا و سرور

بصیرت می کند هر فتنه خنثی * اگر باشی همی پیرو رهبر

عزیزم پس نما خود را تو احیا * درون فتنه هایی پر ز جوهر

چرا که با بصیرت تا به عقبا * روی راحت به سوی کاخ و گوهر

نکن خود را اسیر و شو محیا * به ذکر و یاد و آن محراب و منبر

ص: 22

حقیر گوید تو گر خواهی خدا را * علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را زن صدا تا حوض کوثر غدیر

متأسفانه گروهی گمان کرده اند که مسئله غدیر فقط مربوط به زمان رسول خدا و نصب امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بوده و یک مسئله ای مربوط به زمان گذشته است در حالی که غدیر روز ترسیم و تعیین وظیفه مردم و عالمان و نخبگان در پذیرش رهبری صالح ترین فرد و شبیه ترین انسان به رسول خدا می باشد. در صدر اسلام رسول خدا برای مدتی صالح ترین ها را به نام معرفی کردند و برای بعد از آن با وصف مشخص نمودند.

حضرت آیت الله امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرمایند: «وقتی برای یک ملت قضیه ولایت و حکومت حل شود، آن هم به شکلی که در غدیر خم حل شد، حقیقتاً آن روز برای آن ملت، عید است؛ چون اگر ما بگوییم که مهم ترین و حساس ترین مسئله هر امتی، همین مسئله حکومت و ولایت و مدیریت و حاکمیت والای بر آن جامعه است، این تعیین کننده ترین مسئله برای آن ملت است. ملت ها هر کدام به نحوی این قضیه را حل کرده اند؛ ولی غالباً نارسا و ناتمام و حتی زیانبخش. پس اگر ملتی توانسته باشد این مسئله اساسی را به نحوی حل کند که در آن، همه چیز آن ملت کرامت او، معنویت او، توجه او به خدا، حفظ سعادت دنیایی او و بقیه چیزهایی که برای یک ملت مهم است رعایت شده باشد، واقعاً آن روز و آن لحظه برای آن ملت عید است. در اسلام این قضیه اتفاق افتاد. روز عید غدیر، ولایت اسلامی یعنی رشحه و پرتوی از ولایت خدا در میان مردم تجسم پیدا کرد و این چنین بود که دین کامل شد. بدون تعیین و تبیین این مسئله، دین واقعاً ناقصی ماند و به همین خاطر بود که نعمت اسلام بر مردم تمام شد. مسئله ولایت در اسلام این طور مسئله ای است. ولایت، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی، طبیعتاً چیزی جدا از ولایت و سرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان های دیگر را به عهده بگیرد. این حق مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسان ها، بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است خدای متعال، این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاص اعمال می کند یعنی

آن وقتی هم که حاکم اسلامی و ولیّ امور مسلمین، چه براساس تعیین شخص آن چنان که طبق عقیده ما در مورد امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام تحقق پیدا کرد و چه براساس معیارها و ضوابط انتخاب شد، وقتی این اختیار به او داده می شود که مردم را اداره نکند، باز این ولایت، ولایت خداست و اما آن کسی که این ولایت را از طرف خداوند عهده دار می شود، باید نمونه ای ضعیف و پرتو و سایه ای از آن ولایت الهی را تحقق بخشد و نشان بدهد یا بگوید در او باشد. خصوصیات ولایت الهی قدرت و حکمت و عدالت و رحمت و امثال اینهاست. آن شخص یا آن دستگاهی که اداره امور مردم را به عهده می گیرد باید مظهر قدرت و عدالت و رحمت و حکمت الهی باشد؛ مظهر عصمت امام در شکل غایی و اصلی و مطلوب در اسلام هم همین است که هیچ گونه امکانتخطی و تخلفی نداشته باشد. آنجایی هم که عصمت وجود ندارد و میسر نیست، دین و تقوا و عدالت باید بر مردم حکومت کند که نمونه ای از ولایت الهی محسوب می شود.» (1)

... در سال هفتم هجری جمعی از یاران حضرت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به فرماندهی افراد تعیین شده از جانب رسول خدا برای جنگ با مشرکان عازم جبهه موته گردیدند و متأسفانه فرماندهان منصوب به شهادت رسیدند و سپاه اعزامی موفقیت درخشانی کسب نکرد و با دادن تلفات فراوان به مدینه بازگشت. با رسیدن خبر شهادت اصحاب موته به مدینه، مسلمانان به گریه و زاری افتادند. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با مشاهده جزع و فرع مسلمانان فرمودند: چه چیز شما را به گریه و بی تابی واداشته است؟ عرض کردند: چگونه نگریم در حالی که خوبان، اشراف و اهل فضل از ما رفتند.

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن روز پیش بینی عجیبی فرمودند و به ثمر نشستن زحمات فرسای خود در آینده را خبر دادند: گریه نکنید زیرا مثل امت من به مانند باغی است که صاحبش بر اصلاح آن همت گماشته و بناهای لازم را بنیان گذارده و شاخه های اضافی را بریده (و هرس کرده) پس این باغ به ثمر نشسته و هر سال جماعتی را طعام

ص: 24

می دهد و چه بسا که طعام های آخری آن [میوه هایش] هم خوشه هایش بهتر و هم شاخه هایش بلندتر باشد و به آن کس که مرا به پیامبری مبعوث گردانیده قسم که عیسی بن مریم جانشینی صالح حواریانش را در امت من خواهد یافت. (1)

آری، گرچه بسیاری از اصحاب رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اصحاب امامان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ستارگان بی نظیر در آسمان امت اسلامی می باشند؛ ولی در جمع، امت رسول خدا و امت امامان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) متأسفانه به حد کافی از رشد و تربیت نرسیده بودند که بتوانند برنامه حکومتی رسول خدا را اجرا کنند و الگوی نبوی را به زعامت بپذیرند و بعد از رسول خدا برنامه ای که ایشان ترسیم فرموده بودند به اجرا در نیامد و اگر در برهه هایی رشحاتی از آن نمود یافت ولی دولت مستعجل بود تا اینکه بعد از چهارده قرن مردم مسلمان ایران توانستند الگوی ترسیم شده در غدیر را مبنای گرفته و براساس آن انقلاب کنند و نظام حکومتی تشکیل دهند و شاید همان گونه که امام خمینی «ره» احتمال دادند، سرّ اینکه با همزمان با ولادت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهارده کنگره از طاق کسری فرو ریخت این باشد که برنامه حکومتی پیامبر که مهم ترین کارکرد ایشان است، بعد از چهارده قرن اجرا خواهد شد. (2)

در هر حال ای عزیز بزرگوار، گرچه امامان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) بعد از رحلت رسول خدا زحمت بسیار کشیدند و به تبیین اسلام ناب همت گماردند؛ ولی متأسفانه اصلی ترین اقدام پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ناکام گذارده شد و نظام حکومت از مسیری که پیامبر تعیین کرده بودند، منحرف گردید. این انحراف اصولی به انحراف های فرعی فراوانی منجر گشت و بسیاری از میراث گرانقدر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را خدشه دار کرد. در طول این مدت طولانی، آنچه به عنوان میراث پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جهان معرفی شد، اسلام خلافت و آموزه های آن بود. پس از آن عصر نیز اسلام آمریکایی، اسلام صفوی، اسلام شاهنشاهی، اسلام تسلیم و خمود و تحمل، اسلام ظلم پذیری، به عنوان اسلام پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) معرفی می شد. آموزه های نبوی هم غبار و زنگار تحریف گرفت. زهدی که به معنی مصرف کم و بازدهی بسیار است به ترک

ص: 25

1- بحار الانوار، ج 21، ص 51

2- صحیفه امام، ج 19، ص 435

دنیا و رهبانیت تفسیر گردید، تقیه یعنی رعایت اصول حفاظتی و پنهان کاری در مبارزه اما به سکوت معنا شد. کار و تلاش و تولید، دنیاطلبی معرفی گشت و ناپسند! دنیا که مزرعه آخرت است به عنوان جیفه و مردار که باید به دشمنان داده شود، زن که نیمی از جامعه است و باید نقش سازنده خود در صحنه خانواده و اجتماع را داشته باشد، محبوس در خانه و مطرود از جامعه خواسته شد. حضور اجتماعی زن با بی بند و باری و فساد هم معنا گردید، هنر ابتذال و در خدمت فساد و ظلم نشان داده شد و...!

آری بعد از پانزده قرن از صدر اسلام، با ظهور انقلاب اسلامی، رجوعی دوباره به سیره و سنت نبوی و احکام و معارف دین صورت گرفت و با بنیانگذاری حکومت جمهوری اسلامی ایرانبار دیگر جهان با اسلام ناب، اسلام حکومتی، اسلام مستضعفان، اسلام محرومان، اسلام پابرهنگان، اسلام ظلم ستیز و نابود کننده ستم و ستمگر، اسلام عدالت... آشنا شد و مردم در چهره خاضعانه رهبر فقید انقلاب که به مسند قدرت و حکومت تکیه زده بود، نور پیامبر رحمت(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دید و بسیاری از جهانیان جذب این نور شدند. خانم هاجر سینسوات از تازه مسلمانان جهان می گوید:

وقتی عکس امام خمینی (قدس سره) در سالگرد انقلاب اسلامی ایران در فرانسه زیر درخت در حال نماز بر صفحه تلویزیون نقش بست، خضوع ایشان در نماز چنان مرا مجذوب کرد که تصمیم گرفتم در مورد افکار این مرد به مطالعه بپردازم زیرا می خواستم بدانم چه تفکری قادر است به انسان این خضوع و معنویت فوق العاده را ببخشد. به نظر من امام خمینی سنت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دوباره احیا کرد و درست زمانی که انواع مختلف اسلام از قبیل اسلام آمریکایی، اسلام عربی و غیره وجود داشت، امام خمینی اسلام راستین و واقعی را که همان اسلام پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود را به مسلمانان و جهانیان شناساند.

پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در دوران مدینه تمامیت اسلام را بیان کردند و احکام و معارف و تکالیف عبادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام را ابلاغ نمودند و راهکارهای اجرایی را نشان و به آن عمل کرده و الگوسازی نمودند. پیامبر اعظم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با اجابت دعوت و بیعت مردم مدینه، به آن شهر آمدند و نظام سیاسی تشکیل دادند و ده سال تمام امور را به

دست گرفتند و با غدیر به دوران خود پایان دادند تا اعلام کنند حکومت و نظام سیاسی اسلامی زمانی فعلیت و تحقق می یابد که مردم با رغبت و اشتیاق زمینه اجرایی شدن ولایت را فراهم کنند. رابطه حاکم با مردم در این نظام یک رابطه قراردادی و خشک نیست؛ بلکه ارتباطی اعتقادی و همراه با محبت و عشق طرفینی است. حاکم اسلامی آشنا به احکام و معارف اسلامی و متعهد به اجرای آن است و همواره در عرصه های مختلف به عنوان اسوه و الگو برای بشریت مطرح بوده و مردم چنین انتظاری از او دارند. آری:

دان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده اسوه بهرکل انس و جان * خلق وی باشد سراسر درس و پند اندر جهان

آنچه فطرت طالب است باشد عجین در خلق آن * داد خاموش درون دادش بود بی شک همان

گر سعادت خواهی و آرامشی فوق بیان * کن عمل بر خلق خاتم تا شود روحت جوان

در زناشویی و همسررداری در سرّ و عیان * یا که در برخورد خود با قوم و خویش و دیگران

همچنین در ذکر و یاد و بندگی تا آن کران * یا که آنچه خلق نیک است و همی آرد امان

آنچه باشد ارزش و خواهد ز تو روح و روان * بهر عقبایی که با آن تو روی باغ جنان

لحظه لحظه گو تو بر خود در درون هر مکان * با همان لطف خدا بهرش نما کوشش چنان (1)

همّت راکن دو چندان در همه دور و زمان * تا روی از خود برون و زیر و رو گردد روان

وفق سنّت کن عمل ای جان من با هر توان * در فضایی که روان خواهان آن است بی گمان

خلق نیکو بوده آن خلق رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با صد نشان * این همان داد درون است در زمین و آسمان

ص: 27

1- با توانی پر توان کوشش نما تو همچنان

پس حقیر گوید در این دوران به هر خرد وکلان * خواست فطرت باشد آن خلق رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مهربان

از آنجا که در زمینه های فراوان الگوگیری و تجدید حیات سنت نبوی در سیره رفتاری امام راحل به وضوح مشاهده می شد؛ همانند زمان پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مقاومت ها بر علیه شروع شد و از سوی جهان خواران زالوصفت و ایادی آنان و متعبدان جاهل و خشک مغز مورد حمله واقع گردید و به قدری این حملات بخصوص از جانب جبهه دوم که عامل بی جیره جبهه اول است، شدید بود که امام خمینی فرمودند: «ما باید حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برسیم و امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی های آن گردم.» (1)

و همان گونه که دوره مدینه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بهترین و بزرگ ترین الگوی امام (ره) و انقلاب بود، امام (ره) هم در بین عالمان اسلام از صدر تا کنون، واضح ترین تصویر از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به جهان ارائه کردند. امامان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) جز امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و عالمان اسلام در دوران غیبت، هیچ کدام نتوانستند حکومت تشکیل دهند و به سیره حکومتی پیامبر رحمت (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اقتدا کنند و معرفی کننده آن سیره در زمان خود به جامعه بشری باشند. مردم اخلاق فردی، عبادی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و سیاسی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در آینه رفتار عالمان دینی کم و پیش دیده بودند و می دیدند ولی اخلاق حکومتی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کاملاً فراموش شده بود و حاکمان اسلامی اعم از خلفای اموی، عباسی، عثمانی، فاطمی و شاهان سلسله های مختلف ایرانی هیچ کدام نشانگر رفتار حکومتی رسول خدا نبودند بلکه رویکرد و نمایشگر رفتاری غالب آنان با رسول خدا تضاد کامل یا بسیار داشت و این سیره و این وجه شخصیتی پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مورد غفلت و ناشناخته مانده بود و امام (ره) در مدت یازده ساله رهبری خویش، نشانگر این وجه شخصیتی پیامبر بودند و بنیان حکومت و نظام طوری ریخته شد که همیشه حاکم اسلامی ریشه ای از سجایای اخلاقی،

ص: 28

مدیریتی، رفتاری پیامبر را داشته باشد و در آن عصر تا حد ممکن آینه جمال بی مثال نبوی باشد.

انقلاب و جمهوری اسلامی در این عصر، غدیر فراموش شده را دوباره به یاد آورد و شعله های شوق را در ضمیر انسان ها روشن ساخت تا گوش ها برای شنیدن پیام غدیر تیز شود و همه فرودکش کند. مردم شنیدند و فهمیدند که غدیر روز تعیین تکلیف حاکمیت اسلام و عزت یافتن مسلمانان بود تا حکومت های تحمیلی رخت برنهد و حکومت مردمی به دست باکفایت ترین انسان هم‌رنگ پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سامان یابد و از این رو نام «مهدی» پیامبر (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) دوباره ورد زبان ها گشت و این بار نه فقط در کنج مساجد و حسینیه ها یا در زاویه خانه ها بلکه در صحنه اجتماع و بازمینه سازی های بسیار حضور مهدی آل محمد (عَلَيْهِ السَّلَام) تقاضا گشت و عموم مسلمانان ایران با فقیه جامع الشرایط به عنوان نایب مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) بیعت کردند و حاکمیت او را پذیرفتند تا انتظار خود را فریاد کشیده و عملاً اعلام کرده باشند: ای موعود پنهان، چون دست ما از ساحت مقدس تو کوتاه است، به نایب تو دست بیعت داده ایم تا به زعامت و رهبری و مدیریت او زمینه های ظهورت را ایجاد کنیم و جهان را به فیض حضورت مشرف گردانیم و خود سربازانی به خدمت منتظر باشیم تا به رهبری حضرتت عدالت جهانی را محقق ساخته و بساط کفر و ظلم جهانی و جاهلیت دومین را برچینیم همان گونه که یثربیان با تقاضای قدوم مبارک جدت و به رهبری ایشان بساط جاهلیت اول را برچیدند و عدل و داد را در برهه ای حاکم ساختند. (1) در هر حال:

ای رکن زمین و آسمان، ادرکنی * ای مهر تو اندر تن و جان، ادرکنی

با بار گناه و شرم بسیار، چه گویم * ای حجت حق در دو جهان، ادرکنی

در ضمن ای عزیز بزرگوار، بصیرت و آینده نگری از ویژگی های بارز امام خمینی بود. ایشان به مسائل و تحولات داخلی و خارجی، بسیار فراتر و ژرف تر از دیگران توجه

ص: 29

داشتند. به طوری که سال ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مبارزه خود را آغاز و شروع به آگاهی بخشی به مردم و تربیت اشخاص مبارز و انقلابی کردند. پس از انقلاب نیز دقت نظر و دوراندیشی امام بارها ایران را از خطرات رها کرد. از جمله توصیه ایشان به اطرافیان برای رهبری آیت الله العظمی امام خامنه ای پس از خود، را می توان از موارد آینده نگری ایشان دانست. امروزه و پس از گذشت سالها از رهبری هوشمندانه مقام معظم رهبری، می توان فهمید که امام خمینی تا چه اندازه از توانایی های شاگرد برجسته و خردمند خود در عرصه سیاست و دیانت، بویژه پاسداری از انقلاب اسلامی، آگاه بوده است. شاگرد و مریدی که هرگز حاضر به عدول از آرمانهای استادش نبوده و در توصیف ایشان می فرمایند: «نام آور بزرگ دوران معاصر، یعنی امام خمینی (ره)، دانشمندی پارسا و خردمندی پرهیزکار و حکیمی سیاست مدار و مؤمنی نواندیش و عارفی شجاع و هوشمند و فرمانروایی عادل و مجاهدی فداکار بود. او فقیه و اصولی و فیلسوف و عارف و معلم اخلاق و ادیب و شاعر بود...» و در چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب چه زیبا و با صلابت و در عین حال به صورت کاملا شفاف؛ آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می کنند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می فرمایند. تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر معظم انقلاب با این تعبیر آمده است: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید.»(1)

می شود روزی که فریاد خموش * حکم حق ا حصا کند با جنب و جوش

ص: 30

در ره مولا همی گوید به گوش * جان جانان بهر حق جانانه کوش

با همان داد خموش قلب وهوش

بیانیه گام دوم انقلاب:

فدایی امام حق، که بی وفا نمی شود * زعمق کوی لاله ها، کمی جدا نمی شود

نگر تمام عشق او، اطاعت از ولایت است * ولایتی که بهر او، دمی رها نمی شود

چکیده اشک او اگر، به زیر حلقه های صبر * شراب ناب این ظفر، که بی خدا نمی شود

قلم به دست اجنبی، گرفته طاقش اگر * صبور بهر این ستم، که بی بها نمی شود

برویرو بسیجی ام، به اوج شاخه ظفر * بگو به آن حرامیان، که بی بلا نمی شود

اگرچه شمع محفلش، مست رخ ولایت است * حریم سوز و عاشقی، که بی بقا نمی شود

زبان شر یار بد، شرر زند به جان و سر * نهان زشت ناکسان، که بی سزا نمی شود

قلوب عشق و عاشقی، مسافر ولایت است * نوای گرم این سفر، که بی صدا نمی شود

عزیز کوی علوی، باور نما تو از حقیر * اطاعت از خامنه ای، که بی صفا نمی شود

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه ی پنجم حیات الهی خود نهاد که اگر

چه دشمنان مستکبرش گمان های باطلی در سر داشتند؛ اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش ها

و به دست آوردن پیشرفت های خیره کننده، همواره سر بلند دیده اند. در چنین نقطه ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه ی گذشته پرداخته و توصیه هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده اند.⁽¹⁾

انقلاب، روح و روان از جانب یزدان گرفت * بهر دشمن آیه الحق و الرحمن گرفت

تا کند ویران همه ارکان ظلم و ظالمان * در جهانی که سپر از مکر آن شیطان گرفت

بیانیه ی «گام دوم انقلاب» با الهام از آیه الحق و الرحمن و مدد از جانب یزدان؛ تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله ی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحناfade) هست» نزدیک خواهد کرد. در اینجا ابتدا عین متن کامل این بیانیه آورده می شود سپس

ص: 32

1- با این که سی سال از رهبری نظام پس از رحلت حضرت امام(ره) و مدت هشت سال از ریاست جمهوری را رهبر معظم انقلاب به عهده داشتند و یکی از شخصیت های تأثیرگذار در این دست آوردها معظم له بودند ولی از سر اخلاص، تدین و تقوا تحت هیچ عنوانی از آغاز تا پایان بیانیه از نقش و تأثیرگذار بودن خود در این برکات اشاره ای نکردند و این همان پشتوانه معنوی و ماندگاری بیانیه و درس عملی برای بسیاری از ماهاست که چگونه می توان با خدای خود معامله کرد نه آن که گام کوچکی برای نظام برداشتن و خود را همیشه طلبکار دانستن که خلاف اخلاص و تقوا است. با این ملاحظات پیام یک حرف مهم را نمی گوید. پیام در این باره که اگر این انقلاب این راه را آمده و چنین سرفراز و پر نشاط است، اگر به آینده امیدوار است و دشمن را خسته و ناامید کرده، اگر گام اول را با قهرمانی برداشته و در تدارک گام دوم است، همه به این سبب است که رهبری حکیم، امین، با تقوا، بنده خداوند و خادم بندگان خداوند، و تیزهوش و استثنایی بالای سر آن بوده است. صاحب پیام عمداً از کنار این نکته اصلی و بنیادین می گذرد ولی ما دقیقاً همین جا باید توقف کنیم. رهبری حق هدایت و پیشگامی را برای این ملت تمام کرده و سهم خود را تمام و کمال به میدان آورده است، سوال این است که آیا ما هم سهم خود را به تمامی انجام داده ایم؟ (اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی)

در خصوص کم و کیف آن مطالبی مطرح و در انتها به برخی از دستاوردهای معجزه گونه انقلاب در عرصه های مختلف پرداخته می شود:
و اما ای عزیز بزرگوار در راستای این پیام الهی و فطری باید اینچنین زمزمه کرد:

رحمت حق ز فجر دارد خبر * مرکب نور ز روح دارد اثر

قاصدی آمد ز بزم کوی دوست * با پیامی که به فجر دارد نظر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين وصحبه المنتجبين ومن تبعهم باحسان الى يوم الدين.

ورود انقلاب اسلامی به دوّمین مرحله ی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی:

از میان همه ی ملّتهای زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت میگمارد؛ و در میان ملّتهایی که به پا خاسته و انقلاب کرده اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملّت ایران که بزرگ ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه ی وسوسه هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله ی خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملّت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوّم می شود.

پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم:

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیبرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهار چوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد

و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده‌ی انقلاب اسلامی: برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلائیّت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل زده شوند. هرگاه دل زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها.

دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی:

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حسّاسیّت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها: جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها، همواره وجدانهای آرمانخواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ی طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی؛ مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی:

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است، نشده است. در هیچ‌معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه‌ی متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت:

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلیم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول درباره‌ی گذشته است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده

است. ما دیده ایم و شما خواهید دید. دهه های آینده دهه های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمیٰ (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه ای قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهنمان فکرو عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمیتوان شنید.

آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه ی صفر:

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه ی پیشینی و راه طی شده ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیامهای مارکسیستی و امثال آن نمی توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

تقابل دوگانه ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده ی برجسته ی جهان معاصر:

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانهای جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادیخواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان پذیر نمی شد.

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می توانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها:

به رغم همه‌ی این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزبه روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

*برکات بزرگ انقلاب اسلامی:

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی وقاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان مایه‌ی پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون

مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران:

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی اش را پدید آورد.

دو) موتور پیشران کشور در عرصه ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی:

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده ی آن روزبه روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون ها تحصیل کرده ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده ها طرح بزرگ از قبیل چرخه ی سوخت هسته ای، سلول های بنیادی، فناوری نانو، زیست فناوری و غیره با رتبه های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده ها نمونه ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت.

سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه ی خدمت رسانی:

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک رسانی ها و فعالیتهای نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه ی خدمت رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.

چهار) ارتقاء شگفت آور بیش سیاسی آحاد مردم:

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین المللی را به گونه ی شگفت آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله ی جنگ افروزی ها و رذالتهای و دخالتهای قدرتهای قلدر در امور ملتها و امثال آن را از انحصار طبقه ی محدود و عزلت گزیده ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه ی کشور و همه ی ساحتهای زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پنج) سنگین کردن کفه ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور:

خامساً: کفه ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برابری عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه ی زیرساختی و خدمت رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیتهای جهان در جابه جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرفه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. آمار

بزرگ راه سازی و خانه سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سدّ و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخار آفرین است؛ بی شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه:

سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه های ایمان مردمش بسی ریشه دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی بندوباری در طول دوران پهلوی ها به آن ضربه های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دلهای مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه ی دینی از عزیزان خود که به جبهه های گوناگون جهاد می شتافتند دل کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون آلود یا جسم آسیب دیده ی آنان روبه رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج

سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه داری و پیاده روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه روز بیشتر و با کیفیت تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان:

سابعاً: نماد پر ابّهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت کار، روزه روز برجسته تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملتایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست نشانده ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه ی دوباره ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

* انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم:

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل های عمده در سرگذشت چهل ساله ی انقلاب اسلامی است، انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید. محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزّت، متدیّن، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل

جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه های بالا در دانشها و فناوری های مهم از قبیل هسته ای و سلول های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه ی جهت گیری های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله نمیبود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود- بی شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشوردر مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.

اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالشها و شکست مستکبران:

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران رویه رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته ی حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده ها دولت معاند یا مرعوب میبندد و البته باز هم در رویارویی، شکست میخورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهیمتعالی و شایسته ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

اما راه طی شده فقط قطعه ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته ی اسلامی بسازند.

نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور:

نکته ی مهمی که باید آینده سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست اندرکاران تاکنون بی استفاده یا کم استفاده مانده است. همتهای بلند و انگیزه های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر 40 سال که بخش مهمی از آن نتیجه ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ی 60 است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. 36 میلیون نفر در سنین میانه ی 15 و 40 سالگی، نزدیک به 14 میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه ی دوم جهان در دانش آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه ی انقلابی رشد کرده و آماده ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛

اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور:

به جز اینها، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای 7 درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن 15 همسایه با 600 میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

* گام دوم و سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوشبینانه به آینده:

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما

خود و همه را از نومییدی بی جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه ای دشمن و فعال ترین برنامه های آن، مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه ی همیشگی هزاران رسانه ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند که با استفاده از آزادی ها در خدمت دشمن حرکت می کنند. شما جوانان باید پیش گام در شکستن این محاصره ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شما است. نشانه های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست و دل های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و اما توصیه ها:

یک) علم و پژوهش:

1) علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه ی دانش در میان خود اصرار میورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به

ص: 45

دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نو پدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت. اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده ایم. عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.

(دو) معنویت و اخلاق:

2) معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.

سه) اقتصاد:

ص: 47

3) اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت، و توزیع عدالت محور، و مصرف به اندازه و بی اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی این جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بی‌کاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به

آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه حل ها است. بی گمان یک مجموعه ی جوان ودانا و مؤمن و مسلط بر دانسته های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه ی راه حل ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم سازان و تصمیم گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود.

چهار) عدالت و مبارزه با فساد:

4) عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه ی حکومتها عارض شود، زلزله ی ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیتهای مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظامها است. وسوسه ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه ی زهد انقلابی و ساده زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فسادپرور بود، بسی

کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دلهایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه جانبه ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد. عدالت در صدر هدفهای اولیّه ی همه ی بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه ای مقدّس در همه ی زمانها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواحنافداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گامهای بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه ی واژگونه نمایی و لااقل سکوت و پنهان سازی که اکنون برنامه ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دلهای مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته ی آن

چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

پنج) استقلال و آزادی:

5) استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ی ارزشهای اسلامی اند و این هر دو عطیه ی الهی به انسانهاست و هیچ کدام تفصل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله ی خود از جمله ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه های رفیع انسانیّت. این ثمر شجره ی طیبه ی انقلاب را با تأویل و توجیه های ساده لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

شش) عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن:

6) عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه هایی از اصل «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین المللی اند. صحنه ی جهانی، امروز شاهد پدیده هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست های آمریکا در منطقه ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش

حضور قدرتمندانه ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

هفت) سبک زندگی:

7) سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخار انگیز و دشمن شکن ملت عزیز در بیست و دوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر می کنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می سایم. سلام بر حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه)؛ سلام بر ارواح طیبه ی شهیدان والا مقام و روح مطهر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه ی ملت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان. (1)

ص: 52

شاکله کلی بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟

بهر حق روح خدا فجری دگر برپا نمود* در مصاف ظالمان قهری دگر برپا نمود

با دم موسی و هم عیسی و هم ختم رسل* در فضای جان و تن مهری دگر برپا نمود

بیانیه گام دوم را می توان در یک نگاه کلان «دایره المعارف» انقلاب اسلامی نامید؛ زیرا در این بیانیه مهم ترین و سرنوشت سازترین حوادث و رخداد‌های پیش از انقلاب و شکل گیری آن و رخداد‌های پس از آن و تحولات تاریخی و تأثیرگذاری آنها در ایران و جهان و نیز معجزات این پدیده بزرگ و برکات و دستاوردهای آن سخن به میان آمده است. این بیانیه ی حدود 6200 کلمه ای که هر کلمه آن به جهت اهمیت بالای آن دارای قابلیت و زمینه های تعمق و اندیشه سازی است. گامی است مهم، که در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران با عنایت ویژه حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) صاحب عصر و تدبیر درست جانشین برحقش ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای برداشته شده است. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده اند.

بنابر این بیانیه منتشر شده از سوی مقام معظم رهبری یک منشور راه است. این بیانیه در عین انقلابی بودن، بسیار عالمانه و مدبرانه به تحریر درآمده و با پشتیبانی از راه طی شده انقلاب و بیان کاستی های موجود در راه رسیدن به اهداف عالی آن جوانان عزیز را برای «ساختن ایران اسلامی بزرگ» به مبارزه دعوت می کند. لذا باید به شدت مراقبت کرد تا این بیانیه به «سندی بالادستی» به این معنی که تمجید و تجلیل بشود اما به کار بسته نشود، تبدیل نشود و اتفاقاً «سندی دم دستی» یعنی منشوری کاملاً عملیاتی و اجرایی باشد. این بیانیه یک راهبرد کلی است که می تواند ما را به اهدافی که نظام مقدس جمهوری اسلامی داشته برساند. در بیانیه گام دوم به محور های سه گانه اشاره شده که باید ابتدا متوجه کلیات آن شد. بخش اول روایت ایشان در بیانیه، روایت از ماهیت انقلاب

اسلامی است. بخش دوم روایتی از روند چهل ساله انقلاب و جمهوری اسلامی و بخش سوم روایتی از آینده نظام اسلامی است.

الف) بخش اول بیانیه: بخش اول روایتی است که رهبری معظم انقلاب در جاهای مختلف این بیانیه از ماهیت انقلاب اسلامی دارند. آن وجوهی که ایشان برای انقلاب اسلامی برمی شمارند؛ این است که این انقلاب وجه تمایزی با دیگر انقلاب ها و پدیده هایی که در دنیا موجود است، دارد. نکته اولی که ذیل این روایت می فرمایند این است که انقلاب اسلامی یک نهضت بزرگ دینی بود که پیوند بین دین و سیاست ایجاد کرد. ما خیلی از نهضت های دینی داشتیم که به این بزرگی نبودند یا خیلی از نهضت ها را داشتیم که سیاسی بودند ولی دایره دینی نداشتند. انقلاب اسلامی از این جهت با خیلی از انقلاب های قبل از خودش به خصوص قرن بیستم متفاوت است. نکته بعدی که می فرمایند این است که انقلاب اسلامی منجر به تأسیس یک نظام سیاسی شد، بدون آن که هیچ تجربه پیشینی داشته باشد. عین سخن ایشان است که: ما از صفر شروع کردیم و این وجه مهمی از نظام است. نکته سوم در مورد وجه تمایز انقلاب، برهم زدن نظم رایج در جهان است. رهبری می فرمایند: ابتدا نظام اسلامی فضای دوقطبی جهان را تبدیل به سه قطب کرد و بعد از آن، دوگانه جدیدی بین اسلام و استکبار ایجاد کرد. چهارمین نکته ی مورد اشاره ایشان اصلاح وضع داخلی است. ما یک میراثی از عقب ماندگی و تحجر و تحقیر را از دوره قاجار و پهلوی همراه داشتیم. نظام اسلامی، فضای سلطنتی را تبدیل به فضایی مردمی کرد، جوانان را به میدان آورد و با اتکاء به توانایی های داخل، سعی در اصلاح وضع داخلی کرد.

نکته دیگر این است که وقوع انقلاب اسلامی، یک مخالفت اساسی، هم در جبهه چپ و هم در جبهه راست در دنیا به وجود آورد. خیلی از انقلاب های قرن بیستم، ماهیت چپ و یا ماهیتی از جانب دیگر دارند. تنها انقلابی که بدون توجه به چپ و راست، حرف سومی را می زند، انقلاب اسلامی است و نکته آخر در مورد ماهیت انقلاب اسلامی، بحث دوام انقلاب اسلامی است. معمولا این مثل را می گویند که تمدن ها وقتی که این دامنه کوه

تمدن سازی را پشت سر می گذارند و به قلّه می رسند، رفته رفته مسیر قلّه را به سمت پایین طی می کنند. صاحب بیانیه این مثل را قبول ندارند و می گویند: انقلاب اسلامی به مثابه یک حرکتی است که رشد می کند و زمانی که به پیروزی می رسد و به وقوع می پیوندد، دائمی می شود. زیرا شعارها و ارزش هایی که انقلاب اسلامی بر آنان اصرار دارد، متناسب با فطرت بشری است و اگر برای بشر جا بیافتد، بشر دلبستگی دائمی به انقلاب پیدا می کند. فقط یک مسأله ای در این بین مطرح است که چرا بعضی مواقع می بینیم یک بخش خاصی از مردم علی الظاهر از انقلاب دل زده شده اند؟ رهبر معزز انقلاب، این شبهه را این گونه پاسخ می دهند که دل زدگی مردم به خاطر اهمال ماست، زیرا شعار می دهیم و در عمل کار دیگری می کنیم و مردم از این دوگانگی مسئولان خسته می شوند. وگرنه کمتر کسی است که شعارهای انقلاب بر او عرضه بشود و بگوید که شعار انقلاب را قبول ندارد و یا برایش جذاب نیست. این یک روایت از ماهیت انقلاب اسلامی بود که آقا مطرح کردند. اما بعضی از گزاره ها، گزاره های جدیدی بود و بعضی دیگر قبلاً مطرح شده بود ولی نکته این جاست که وقتی این ها در کنار هم قرار می گیرند، یک روایت ناب و قابل توجه ای از انقلاب اسلامی مشاهده می شود.

در هر حال محور اول آن، نگاه به گذشته است، اینکه کشور و نظام قبل از انقلاب کجا و چگونه بوده است و حالا از نظر اقتصادی، وضعیت زنان، وضعیت دانشگاهها، وضعیت بهداشت و... چگونه است و چه پیشرفتهای و تغییراتی اتفاق افتاده است. عدم آگاهی مردم و مخصوصاً جوانان از وضعیت گذشته و حال کشور نوعی مظلومیت برای انقلاب تلقی می شود. در این راستا، اندیشمندان باید بیانیه گام دوم را به نحو احسن برای جامعه تبیین کنند که متأسفانه تا کنون ضعیف عمل شده است و جا دارد هر قشری به نوبه خود، نقش خود را در جهت عملی کردن آن به خوبی ایفا کند.

ب) بخش دوم بیانیه: بخش دوم بیانیه، روایتی است که ایشان از چهل سالگی نظام دارند. حضرت آقا در این روایت، صحبت از منطق رفتاری جمهوری اسلامی می کنند. یعنی آن جا که می گویند رویه ما این بوده و این گونه عمل کردیم. در این راستا یکی از موارد

مهم، بحث آمادگی برای تصحیح ایرادات است. ایشان می گویند جمهوری اسلامی در حرف خود محکم و استوار است، ولی این به معنای آن نیست که ما برای اصلاح ایرادات خود تلاش نکنیم. نقد، اگر مثبت و سازنده باشد می پذیریم. این یک منطق رفتاری یا پیوند بین آرمان گرایی و واقع گرایی در جمهوری اسلامی است؛ ایشان مطرح می کنند و می گویند که ما به اقتضائات جامعه ی امروز دقت داریم ولی این اقتضائات باعث نمی شوند که ما از آرمان ها دست بکشیم.

نکته بعد بحث رفق و مدارا و مهربانی و دلسوزی نظام است که ایشان می فرمایند که در عین قاطعیت، این موضوعات را داریم. مهربانی نظام را باید در کنار قاطعیت آندر جاهایی که خط قرمز نظام است، مشاهده کرد. یا در بخشی دیگر مطرح می کنند زمانی کشور ما زیر دست آمریکا بود، ولی امروز ماجرا فرق کرده، اگر آن روز چالش با آمریکا سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیست در تهران و یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدین فلسطینی در قلب سرزمین های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.

به بیانی محور دوم بیانیه نگاه به وضعیت کنونی کشور و انقلاب است و اینکه باید مقایسه درست و مطلوبی از وضعیت گذشته و حال شود. در زمینه شفاف سازی آثار و برکات انقلاب و وضعیت گذشته و حال نیز، باید به خوبی عمل شود. در بخش دوم بیانیه، مقام معظم رهبری به چالش ها، کامیابی ها، توطئه های دشمنان و دستاورد های مادی و معنوی انقلاب اسلامی می پردازند. رشد علمی و فرهنگی، نظام سازی، اقتدار ملی، قدرت منطقه ای، تحقق مردم سالاری دینی در کشور و ترویج معنویت و شهادت از جمله موارد اشاره شده در این بخش است. این دستاورد ها تنها محدود به دستاورد های مادی هم نیست و ابعاد دیگری، چون استقلال سیاسی، وحدت ملی، غرور، عزت و اقتدار ملی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. معظم له به دست آوردن این دستاورد ها را در عین بی تجربگی

در نقطه آغاز راه می دانند. این بدین معناست که انقلاب اسلامی از جایی الگو و الهام نگرفته است. کامیابی ها محصول ملی، تلاش و اندیشه بومی است. هر کجا انقلابی عمل کرده ایم، دستاورد ها نیز محقق شده است. اگر با وجود درگیری در جنگ، تحریم، تجزیه طلبی، فتنه، فشار های بین المللی و تنگنا های مختلف دیگر در مسائلی همچون انرژی هسته ای و تسلیحات موشکی به قله رسیده ایم، محصول تجربه و تلاش خودمان بوده است. اگر هم در مواردی مثل کنترل جمعیت خطایی مرتکب شده ایم، در عین حفظ اصول اساسی و خط امام دست به اصلاح اشتباهات می زنیم. بنابراین اصلاح و تجدید نظرناپذیری که در بیانیه به آن اشاره می شود به عنوان یک اصل و نکته ای بسیار مهم در گام دوم انقلاب است.

ج) بخش سوم بیانیه: نگاه به آینده محور سوم بیانیه می باشد. در بخش سوم بیانیه گام دوم، نقشه راه افق بلند تمدن نوین اسلامی با محور های شش گانه ترسیم شده است. محور ها نشان می دهد شرط حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، توجه به عرصه ها با نگاهی کلان و جامع نگر است. این بخش از بیانیه هم شامل نکاتی ویژه حوزه عمومی و هم شامل نکاتی متوجه حاکمیت است که هر کدام از آن ها نیازمند طراحی راهکار های عملیاتی است. اقتصاد به عنوان محوری اساسی در کنار دیگر ابعاد مانند سبک زندگی، عزت ملی در روابط خارجی، معنویت، اخلاق و مرزبندی با دشمن مورد توجه قرار گرفته است.

جامعیت این خصایص و ویژگی ها در کنار تأکید بر مبانی انقلاب اسلامی، بیانگر آن است که انقلاب در گام دوم نیز همچنان بر اصول اولیه ای، چون اسلام سیاسی، روحیه اسلامی - انقلابی، حفظ استقلال سیاسی و عزت ملی تأکید خواهد داشت و مرزبندی تمدنی با غرب لازمه هویت تمدن نوین اسلامی است. خطاب این بخش عمدتاً به جوانانی است که سکاندار عرصه های علمی، فکری و مدیریتی کشور در آینده خواهند شد. ورود این جوانان به صحنه مدیریتی کشور نیازمند قوانین و ضوابط حاکمیتی است که مجلس و دولت باید با کمک هیئت های اندیشه ورز نظام بدان اهتمام ورزند. لذا روی سخن و تأکید

رهبر معظم انقلاب به نیروی جوان برآمده از انقلاب و با روحیه جهادی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. تاکید مقام معظم رهبری به استفاده از نیروی جوان و انقلابی از شگفتی های بیانیه گام دوم است. اینکه همانطور که نامه ی رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپایی ، یک الهام الهی بود ، توصیه های ایشان به جوانان نیز، از الهامهای الهی است.

بیانیه ی گام دوم، سندی ناظر به آینده است. بیشتر این گونه اسناد مبتنی بر «پیشران»هایی تدوین و طراحی می شوند تا آینده و دورنمای تحقق اهداف را عینی تر ترسیم کنند. رهبر معظم انقلاب در بیانیه «گام دوم انقلاب» با مرور تجربه چهل ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند: انقلاب «وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است». گام دومی که باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنفاذاه)» برداشته شود. ایشان در این بیانیه مسیر طی شده و مسیر پیش رو را در نقشه راهی روشن در اختیار ملت عزیز و عالی قدر ما قرار داده است.

این بیانیه دارای بُعد تربیتی و آسیب شناسانه و هم دارای ویژگی جهادی و حماسی است. این جامعیت را در این منشور استوار می توانید به خوبی مشاهده کنید. زیبایی روایی این بیانیه قابل توجه است. واژه های خوش ساز، ترکیب های بدیع، متنی متین، عمیق، روان فشرده و خلاصه را به عنوان نقشه راه ملت ایران در دسترس ملت ایران قرار دادند. مخاطب این نامه به صورت خاص و ویژه جوانان رشید ما هستند.

آری ای عزیز بزرگوار، به بیانی جامعیت از نظر دربرگیری طیف گسترده ای از موضوعات و گفتنی ها شاخصه مهم این بیانیه است؛ موضوعاتی که ذکرشان در آغاز ورود به پنجمین دهه از حیات انقلاب اسلامی بار معنایی متفاوتی دارد. از بازخوانی نظریه استمرار انقلاب و نظام انقلابی و برشماری الزامات ورود به دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی و... گرفته تا واکاوی دستاورد های چهل ساله انقلاب و برکات آن در حوزه های مختلف و موانع و چالش های موجود در این مسیر و مأموریت های راه

پیش رو و اقتضائات حرکت در مسیر آن و...، از همین رو است که می توان این بیانیه را به نوعی مانیفست انقلاب اسلامی در دوره بلوغ خود تلقی کرد.

باید دانست که مقایسه با گذشته، بازخوانی راه طی شده و نیز جهت گیری و رویکرد به آینده، از جمله مؤلفه هایی است که جامعیت بیانیه «گام دوم انقلاب» را بیش از پیش به رخ می کشد؛ جامعیتی که با ارائه نسخه هایی عملی برای دوره بلوغ انقلاب و پرهیز از توصیف صرف وضع موجود، دوچندان می نماید و جمع بندی مشخصی را در مقابل دیدگان قرار می دهد. ضمناً یادآوری چشم اندازها و افق های انقلاب اسلامی و توجه به مطالبات مردم در این بیانیه نمود خوبی دارد. به بیانی خطاط به ولی امر مسلمین جهان باید گفت:

دان پیامت بوده حجّت بر دل و دلدار ما * گشته پر نور از پیامت باطن بیمار ما

گر به قلب آید ندای عاشقی از کوی دوست * این پیام بی شک کند روشن ره و رهوار ما

این بیانیه یک متن منسجم است که ابتدا و انتها دارد، مقدمه و غایت دارد و در خلال آن هم تأمل های فراوان، جملات آن اندازه گیری شده است، حواشی و زوائد ندارد، مجموعه ای کار شده و پردازش شده است. بیانیه ای فکر شده، تأمل شده، عبارت پردازی شده، سازمان دهی شده و هدف گذاری شده است.

این بیانیه در عین انقلابی بودن، بسیار عالمانه و مدبرانه به تحریر در آمده و با پشتیبانی از راه طی شده انقلاب و بیان کاستی های موجود در راه رسیدن به اهداف عالی آن جوانان عزیز را برای «ساختن ایران اسلامی بزرگ» به مبارزه دعوت می کند. رهبر جوان باور انقلاب، خوب روحيات و توانمندی جوانان را می شناسند، آفاق ذهن او، دل شوره های او را بهتر از هر کسی می داند و رویش های عظیم انقلاب را در تربیت نسل جدید می دانند. در واقع بیانیه «گام دوم انقلاب» برای «دومین مرحله خود سازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» بوده که انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست» نزدیک می سازد.

بگو آخر، به که گویم، که عشق تو عیان باشد * وجود من فدای تو، چو مهرت در نهان باشد

تمام جان و جانانم، نثار جان و جانانت الا ای منجی بر حق، همه جانها فغان باشد

سراسر این پیام سرشار از روح امید و خودباوری است. در این بیانیه رهبر عزیز خود باوری را مد نظر قرار دادند. شرایطی درست در نقطه مقابل تحقیر تاریخی ملت ایران را بنا نهاده اند. طرح ایده ی نظریه نظام انقلابی، به عنوان نسخه نجات رهایی و رفتن به سوی آینده ترسیم شده است. مسأله صبر انقلابی، فسادستیزی در درون؛ عزت همراه با حکمت و مصلحت در برابر بیگانگان از موضوعات طرح شده در این بیانیه است. پیام روشن این بیانیه این است که اگر انقلابی تر بمانیم بیشتر پیشرفت می کنیم.

ویژگی بعدی این بیانیه نورانی، یک روایت خلاقانه، نوآورانه و بدیع از انقلاب اسلامی است. آن تبیین فوق العاده و دلیرانه یک روایت به روز و پیش برنده فعال مستند و باورپذیر در اختیار ملت عزیز ما و جوانان ما است. در عین حال آرمان گرا و مسئولیت آفرین است. در مجموع این بیانیه به نوعی کارنامه چهل سال مدیریت انقلاب و گزارشی از چهار دهه از انقلاب و آینه ای است برای مدیران تا کارنامه کاری خود را گزارش دهند؛ شاید یکی از حلقه های مفقوده نظام مدیریت در کشور ما عدم ارائه گزارشی مردمی از مدیریت، موفقیت ها و ناکامی ها باشد برای همین هم بیشتر مدیران انقلابدوره های مدیریتی خود را با نگاهی سوگیرانه موفق و کارآمد می دانند.

ما اهداف و مقاصد انقلاب اسلامی را می توانیم به اهداف و مقاصد کوتاه، میان مدت و بلندمدت تعریف کنیم و آرمان نهایی ما قرب الی الله و خدایی شدن باشد. اما برای نیل به لقای الهی، حیات طیبه هم در ردیف مقصد قرار می گیرد و به تعبیر ویژه تر که در بیانیه آمده، تمدن نوین اسلامی هم در بخش مقصد قرار می گیرد. در خصوص خدایی شدن که هدف ذاتی این پیام الهی است؛ باید اینگونه زمزمه کرد:

داد خاموش پیام بی هر گمان * از تو می خواهد خدا را هر زمان

ذره ذره گوشت و خون و پوست و جان * دادشان باشد خدای مهربان

گر دهی تو پاسخش را از نهان * می شوی شاد و همی دور از فغان

غیر از این پاسخ بود دردی گران * حزن و اندوهش بود فوق بیان

ظلم وافر می کند بر نفس و جان * آن که دور است از خداوند جهان

دان که ذکرش در قلوب و هم زبان * می کند غوغا به پا اندر روان

چون که با یاد خدا در هر مکان * می شوی آرام و شاد و پر توان

گر چه خواست فطرت پیر و جوان * بوده عشق خالق هفت آسمان

پس حقیر گوید به هر خرد و کلان * با خدا باش و خدایی شو چنان

برای تحقق تمدن نوین اسلامی به جامعه سازی اسلامی نیاز داریم و برای این نیز به خودسازی احتیاج است؛ که این ها همه در مسیر مقصد قرار می گیرند. منتهی برخی ابزارهایی هستند که ما را در نیل به مقصد کمک می کنند. برخی ارزش وسیله ای و افزاری دارند و برخی ارزش ذاتی دارند و آنچه ارزش ذاتی دارد، قرب الی الله و لقای الهی است که انقلاب اسلامی برای تحقق آن به وجود آمده است، تمام همه اهداف ما قرب الهی است. انقلاب اسلامی به دنبال توحید است و بقیه اهداف را به عنوان اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت می توان در این مسیر طبقه بندی کرد.

مبدأ در بیانیه گام دوم (مانند گام اول) توحید است و مقصد هم نیل به توحید است «اول العلم معرفه الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه» و تمدن هم تمدن توحیدی است، حیات طیبه زندگی توحیدی است و عدالت و آزادی و استقلال هم مبتنی بر توحید است و ما نمی خواهیم به طاغوت وابسته باشیم و روبروی این حرکت در مبدأ و مقصد، نظام

استکبار و سلطه است که مخالف توحید، استقلال و آزادی انسان‌ها است. به بیان دیگر لطفاً غزل زیر را که در همین راستا است با تامل و دقت لازم مرور فرما:

تمام این پیام با لحن زیبا * زمان و لحظه‌ها امروز و فردا
همه گویند ز جان با بانگ و فریاد * خدایی شو بشر تا گردی دریا
اگر خواهی شوی آرام و هم شاد * برو راه رسول و راه مولا
درونت این بخواهد با دو صد داد * نما آن را تو حاصل تا به بالا
بگو از یک ز دهها تا به هفتاد * به دنیا و درون بی هر نوع پروا
ز خاک من بسازی ای چو فولاد * که با آن من زنم آهنگ عقبا
کنم با معرفت من از خدا یاد * همان یادی که کرده جانم اقنا
روم با آن عزیزم مثل فرهاد * به سوی شیرینم با سوز و گرما
تمام این پیام داد است و بیداد * برای آن ظهور شو تو محیا
حقیر گوید درون را کن چو شمشاد * همیشه سبز و باش در دار دنیا

ما انسان‌ها متحرک هستیم و مردم ایران و مسلمانان و مستضعفان جهان باید بیانیه گام دوم را بر اساس هفت توصیه‌ی مأموریتی، رهبر عزیز تحقق ببخشند، رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی در این بیانیه به این مطلب مهم اشاره می‌کنند که ما باید به گونه‌ای زمینه‌ها را فراهم کنند که ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را شاهد باشیم که این حرکت جهانی است.

در این رهگذر باید دانست که اینک قدرت ما نسبت به گام اول انقلاب افزایش یافته است و رهبر معظم انقلاب در این باره مثال هایی زدند: اگر در گام اول نظام استکبار مراقبت هایی که نسبت به ما انجام می داد، این بود که موشک و تسلیحات و غیره به ما نرسد، اما امروز نگرانند که برد موشک ها بیشتر نشود، بنابراین انسان در این بیانیه باید به حرکت در آید و برای اینکه انسان به حرکت درآید، باید محرک ها را بشناسیم. ما دو دسته محرک های معرفتی و انگیزشی داریم که محرک های معرفتی یا دانشی از جنس آگاهی است و محرک های انگیزشی از جنس انگیزه است. محرک های معرفتی و انگیزشی هر یک به دو نوع تقسیم می شوند، در محرک های معرفتی یا معرفت و دانش حقیقی هستند و یا توهمی، که نادرست و کاذب به حساب می آیند. علم و معرفت وقتی شیطانی می شود، کاذب می شود؛ همین کار را نظام استکبار انجام می دهد؛ نظام استکبار در سیستم تبلیغاتی و رسانه ای خود، دروغ را ترویج می کند، می گوید من می خواهم حقوق بشر را در جهان پیاده کنم، آزادی را به کشورها به ارمان بیاورم، با تروریست مبارزه کنم و غیره که همه اینها کذب محض است در معرفت طاغوتی از عقل و وحی خبری نیست؛ در مقابل معرفت توحیدی و حیانی است و از وحی سرچشمه می گیرد و عقلانی و قرآنی است.

رهبر معظم انقلاب مدظله العالی در بیانیه گام دوم می فرماید: «دشمنان انقلاب با انگیزه ای قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می کنند و از پول و همه ی ابزارها برای آن بهره می گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید». اگر شما گذشته را از منابع درست شناسید، گذشته را به شکل نادرست به شما می شناسانند و اگر شما گذشته را نادرست شناسید، درباره آینده دچار خطاهای مخرب و جبران ناپذیر می شوید. بنابراین ما باید مراقب تبلیغات و محرک معرفتی توهمی و کاذبی که از سوی دشمن به ما ارائه می شود، باشیم.

اما محرک های انگیزشی به دو نوع تقسیم می شوند، برخی محرک های انگیزشی از جنس میل و علاقه و برخی از جنس نفرت و بیزاری است؛ برخی امور برای ما خوشایند

و برخی ناخوشایند هستند؛ در محرک های انگیزشی توحیدی گفته می شود که اینها را با توحید بسنجید، چنانچه خداوند در آیه 46 سوره سبأ می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدِهِ أَنْ تَتُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ وَفْرَادِي؛ به مشرکان بگو: من شما را فقط یک پند می دهم و بدان توصیه می کنم، و آن این که به خاطر خدا، دو تا دو تا، یا یکی یکی به پا خیزید».

در محرک های انگیزشی طاغوتی، حرکت و محرک انگیزشی برای نفس است و برای خداوند متعال نیست؛ تولی و تبری همین است که ما کسانی را دوست بداریم که خداوند آنها را دوست بدارد، اگر برائت و ولایت در ارتباط با توحید قرار گرفت انگیزه ها و حب و بغض ما الهی می شود و وقتی نظام انگیزشی الهی شد، انسان، مسیر مبدأ تا مقصد را الهی طی می کند. محرک های انگیزشی و معرفتی در همه وجود دارد، چنانچه محرک های انگیزشی و معرفتی ما غیر الهی باشد، جاهلیت انسان را فرا می گیرد، چنانچه گفته اند در دنیای جدید، جاهلیت مدرن حاکم است. در بازخوانی دقیق تر بیانیه گام دوم می توان بر اساس اهمیت و اولویتی که به واژگان کلیدی متن داده شده از یک سو و منظومه ی اسناد راهبردی انقلاب از سوی دیگر، در پی استخراج پیشران ها و نقاط عطف بیانیه بود. (1) که این کتاب از آنجا که به دنبال نیازهای واقعی فطرت بشری بوده و به بیانی می خواهد به فریاد خاموش درون انسان پاسخ مثبت دهد؛ با استفاده از منابع مختلف در جهت تبیین آنها گام برداشته است. چرا که مولف معتقد است انقلاب الهی ایران و به دنبال آن کلمه به کلمه و بند بند بیانیه گام دوم انقلاب همانی است که فطرت بشریت و ضمیرهای حق جوو حق پذیر در تمام اعصار طالب و مشتاق آن است...

حال توجه جنابعالی به مهمترین نکات بیانیه معطوف می گردد:

1. برای برداشتن گام های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدید های ناشناخته قرار خواهد گرفت.

ص: 64

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (با کمی تغییر)

2. دشمنان انقلاب با انگیزه ای قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می کنند و از پول و همه ی ابزارها برای آن بهره می گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید.
3. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است.
4. گسترش عدالت در جامعه هر چند نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است.
5. اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله نمی بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود - بی شک دستاورد های انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.
6. نخستین توصیه ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه ی قفل ها، هیچ گامی نمی توان برداشت. آنچه می گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است.
7. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته ام، اما خود و همه را از نومییدی بی جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر می دارم.
8. خبر های دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت ها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّسات بزرگ، برنامه ی همیشگی هزاران رسانه ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند که با استفاده از آزادی ها در خدمت دشمن حرکت می کنند.

9. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکار های ایرانی، در بسیاری از عرصه ها با چشم تکریم و احترام می نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

10. با پیروزی انقلاب، قطب جدیدی در جهان بروز کرد و با حذف یکی از اقطاب؛ اینکدوگانه اسلام و استکبار در جهان ایجاد شده است.

11. موتور پیشران در عرصه علم و فن آوری و زیرساخت های اقتصادی و عمرانی با مرجعیت بخشی و تأکید بر ظرفیت جوانان باید ادامه و نهضت علمی نهادینه شود.

12. با مروری بر چله انقلاب، اینک وارد گام دوم انقلاب یعنی؛ مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده ایم و در گام دوم باید با تاسی از نظریه نظام انقلابی، با تلاش و مجاهدت جوانان، بسوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» و آمادگی برای طلوع و رشید ولایت عظمی گام برداریم.

13. در پرتو اجتهاد پویا با لحاظ تغییرات روزآمد؛ نظریه انقلابی مستلزم نظریه پردازی جدی است؛ به گونه ای که اصول و ارزش های ثابت آن، با تغییرات فرارو هم زیستی واحد داشته باشد و از لحاظ نظری با ایجاد یک مفهوم پیش رو فاقد تناقض و همگن با تغییرات جلوه کند. (1)

در واقع جنس این بیانیه با رویکرد آینده پژوهانه و افق گشایانه و امید افزاست. رهبر فرزانه انقلاب در این بیانیه، برای آینده افق سازی کرده است؛ از این رو تمام فرمول های تحلیل در آینده پژوهی روی این بیانیه قابل پیاده سازی است. ایجاد امید و تحقق تمدن نوین اسلامی در پرتو نظریه نظام انقلابی در این بیانیه بسیار پررنگ و واضح دیده شده و از مأموریت های عمده آن به شمار می رود. هفت مأموریت پایانی در انتهای بیانیه تعیین کننده راه و افق های فرداست که باید مفاهیم متعالی آن از جمله: عزت، استقلال، اقتصاد، اخلاق و معنویت و سبک زندگی بررسی و در حوزه روابط داخلی و بین المللی تحلیل شود.

ص: 66

این بیانیه، در حقیقت نقشه راه ملت بزرگ ایران در مسیر تعالی و پیشرفت کشور است. در این بیانیه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، فرا تحلیلی دقیق از سرگذشت انقلاب و مسیر آینده را به خوبی ترسیم کرده اند. حقیقتاً در بسیاری از فرازهای این بیانیه، الفاظ و کلمات برای انتقال کامل روح معنایی حاکم بر آن عاجز هستند؛ در پشت صحنه این الفاظ، گویی یک پیر راه، مسیر عظیمی را که خود طی کرده و از پیچ و خم های آن به خوبی آگاه است، فرادید می نهد و گذشته ها را مورد تحلیل قرار داده و مسیر پیش رو را به مردم می نمایاند.

در مجموع بیانیه ی تفصیلی رهبر حکیم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب و آغاز «فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم» به جهات متعددی مهم و راهبردی و دارای اهمیت است:

1. به دلیل صادرکننده و امضای ذیل آن! مهم است. صادرکننده ی این بیانیه شخصیتی است با ویژگی های حقیقی ممتاز و جایگاه حقوقی رفیع؛ این بیانیه ی حدوداً شش هزار و دویست کلمه ای از چنین شخصیتی که تک تکواژگانش با عنایت انتخاب شده اند مسلماً مهم و نیازمند تعمق و شایسته ی تدبّر در آن است.

2. به دلیل مقطع صدور آن یعنی چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز دهه ی پنجم و چهل سال دوم انقلاب بسیار مهم است. فراموش نکنیم که سردمداران شیطان بزرگ در خفا و علن وعده ی پایان انقلاب تا قبل از این ایام را داده بودند.

3. به دلیل مخاطب اصلی آن یعنی جوانان، هم مهم است. جمعیتی انبوه، تحصیل کرده، پُرانرژی و آینده ساز؛ حدود 36 میلیون نفر (اگر فقط جوانان ایرانی را مخاطب این بیانیه بدانیم) که هر کدامشان می توانند موتور محرکه و پیشران حرکت و اقدام کننده ای مهم و سازنده برای کشور باشند.

4. همچنین به دلیل محتوا و مضامین راهبردی آن نیز مهم است! در این بیانیه که می توان آن را منشور انقلاب اسلامی در نقطه ی عطف چهل سالگی ارزیابی کرد، محورها،

فرازها و نکته های پرمغز موج می زند و با تعمق و ژرف اندیشی در آن، این حقیقت روشن تر می شود.

5. این بیانیه از امید و نگاه خوش بینانه به آینده؛ به عنوان کلید اساسی همه ی قفل ها تا دست یافتن به قله ی دانش، و از معنویت و اخلاق تا اقتصاد و عدالت و مبارزه با فساد و استقلال و آزادی و عزت ملی و مرزبندی با دشمن و در پایان لزوم مقابله ی جهادی و هوشمندانه با سبک زندگی غربی؛ سخن می گوید. 6. بیانیه یا منشور گام دوم انقلاب اسلامی در عین انقلابی بودن، بسیار عالمانه و منصفانه به نگارش درآمده و ضمن دفاع کامل از راه پیموده شده، کاستی ها و فاصله ی طولانی تا بایسته ها و آمادگی برای تصحیح خطاها در آن پذیرفته شده است.

7. ادبیات سلیس، جامعیت، عالمانه و منصفانه بودن این بیانیه در عین انقلابی و تهاجمی بودن را می توان از ویژگی های دیگر این بیانیه برشمرد که بخشی از عصبانیت دشمن، عناصر بیگانه و ضد انقلابیون رسوای خارج نشین را باید در برخورداری از همین ویژگی ها جستجو کرد. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در این بیانیه نه تنها خط القای یأس و ترس دشمن را فرو پاشیده اند بلکه امواج واقعی امید را در ملت ایران و خصوصاً جوانان جاری کرده اند.

بدیهی است که در اینجا مجال مناسبی برای پرداختن و حتی مرور همه ی یافته های بیانیه نیست، لذا فقط به ذکر برخی سرفصل ها و فرازهایی از این منشور - که خود گویای اهمیت آن است - بسنده می شود:

الف. ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله ی یعنی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی؛

ب. عطف توجه به نسل جدیدی که وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می شود؛

ج. انقلاب اسلامی؛ آغاز عصر جدید در جهان؛

د. تأکید بر دوگانه های ظریف در بیانیه؛

ه. تقویت امید و خودباوری به ملت و همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی؛ و. تأکید بر سبک زندگی اسلامی در تقابل با سبک زندگی غربی؛

ز. تمرکز بر شعارهای جهانی، فطری و همیشه زنده انقلاب اسلامی؛

ح. نظام سازی انقلاب اسلامی با دفاع ابدی از نظریه ی نظام انقلابی؛

ط. متحجر نبودن انقلاب و در عین پابندی به اصول و ارزش های خود؛

ی. قدرتمند اما مهربان، با گذشت و حتی مظلوم بودن انقلاب در پاره ای از موارد؛

ک. صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن کشان و دفاع از مظلومان و مستضعفان؛

ل. سه قطبی شدن جهان با وقوع انقلاب اسلامی و دوقطبی ماندن جهان در عصر حاضر «اسلام و استکبار»؛

م. یادآوری برکات بزرگ انقلاب اسلامی: از ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران تا به اوج رساندن مشارکت مردمی و ارتقاء شگفت آور بینش سیاسی آحاد مردم و از سنگین کردن کفه ی عدالت در تقسیم امکانات کشور تا پیشرفت ها در عرصه ی علم و فناوری و افزایش معنویت و اخلاق؛

ن. عطف توجه به مأموریت های هفت گانه برای دست یابی به موفقیت های بزرگ مانند: حوزه ی علم و پژوهش (دانش)؛ معنویت و اخلاق؛ اقتصاد به مثابه ی یک نقطه کلیدی تعیین کننده، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، روابط خارجی در قالب دو ستون عزت ملی و مرزبندی با دشمن و درچارچوب اصل عزت و حکمت و مصلحت، و همین طور عطف توجه به سبک زندگی...

حال نظر جنابعالی به برخی از محورهای بیانیه «گام دوم انقلاب» بصورت کلی معطوف می گردد:

1. شعار های جهانی انقلاب اسلامی: برای همه چیز می توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعار های جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ چرا که بنابر نیاز فطرت الهی انسان تنظیم شده و آثارش تا ابدیت باقی خواهد بود.

2. مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده ی تصحیح خطا های خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست؛
3. حساسیت بر مرزبندی ها: جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پای بند و به مرزبندی های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است؛
4. مشی انقلاب از ابتدا تاکنون: این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. (1)
- و اما محورهای گفتمانی بیانیه گام دوم انقلاب می تواند متمرکز بر موارد ذیل باشد: - آمادگی و مبارزه همه جانبه انقلاب اسلامی با غرب در بالاترین سطح تقابل (یعنی آینده پژوهی و آینده سازی)؛
- باور به رویش و رشد برآیندی انقلاب اسلامی طی چهل سال گذشته در موازنه با ریزش و افول؛
 - باور به امکان ایجاد تمدن نوین اسلامی و ایجاد منطقه امنیت استراتژیک جدید و خاص در منطقه با محوریت و مدیریت ایران؛
 - معرفی راهبرد ایمان و اعتقاد به نصرت الهی در پشت سر گذاشتن تنگناها و فتح قله ها؛
 - مؤید بودن انقلاب اسلامی به تأییدات و نصرت های الهی و پشتیبانی خاص الهی در تحقق و ادامه آن؛
 - افول امپراطوری غرب به دلیل تعارض ذاتی با سرشت طبیعت و پیشرفت قهری انقلاب به دلیل صبغه الهی و فطری داشتن؛

ص: 70

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (ره) (با کمی تغییر)

- معرفی دنیای غرب و استکبار به عنوان مهمترین چالش دنیای امروز جهان و انقلاب اسلامی؛
- توجه به موقعیت ممتاز منابع انسانی، مالی، ویژگی های ژئوپولوتیکی و ایدئولوژیکی و... ایران در جهان؛
- معرفی جمهوری اسلامی به عنوان مهم ترین چالش و مسأله دنیای غرب و نظام سرمایه داری؛
- باور به جوانان به عنوان پیشران و موتور حرکت اصلی انقلاب در تمامی دوران ها؛- معرفی مردم ایران به عنوان انقلابی ترین مردم، و انقلاب اسلامی به عنوان مردمی ترین انقلاب و تأکید بر رابطه دوسویه انقلاب اسلامی و مردم در همه ابعاد؛
- نقطه قوت و برتری نسبی غرب در جنگ نرم با انقلاب اسلامی، در جبهه ترویج تهاجم فرهنگی، بی بند و باری و سبک زندگی غربی بوده است.
- نقطه قوت و برتری نسبی جمهوری اسلامی در مقابل غرب، محبت اهل بیت (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فرهنگ عاشورا و دشمن شناسی و دشمن ستیزی و روحیه انقلابی و مقاومت است.
- مهمترین دستاورد جمهوری اسلامی، تزریق روحیه خودباوری و ما می توانیم در همه عرصه ها و، لزوم ایستادن روی پای خود و عدم تکیه و اعتماد به بیگانه است؛
- لازمه استقلال در سیاست، اقتصاد و فرهنگ و... جمهوری اسلامی، تلاش و مبارزه در خارج از مقیاس مرزهای جغرافیایی خویش است؛
- آزادی انسان و جامعه به معنای رهایی از سرشت و فطرت پاک الهی نبوده، بلکه به معنی گسستن بندهای شیطان و ابراز مطالبات به حق است؛
- با وجود توفیقات نسبی فراوان در برقراری عدالت، فقرزدایی و...؛ اما همچنان فقر، فساد و تبعیض تهدید کننده اصلی انقلاب اسلامی است؛
- باور به تفاوت اساسی و ماهوی ملت ایران نسبت به ملت های دیگر چه نسبت به حال، آینده و گذشته؛
- ضعف بدنه مدیریتی نسبت به تحقق بایسته ها و آرمان های انقلاب؛

- عقب ماندگی تاریخی از علم و فناوری علت اصلی سلطه دشمن و فشار بر ملت ایران؛

- پیشاهنگی و برتری فرهنگ و معنویت بر همه عصرها چون اقتصاد و... به ذاته و اهمیت یافتن تولید ثروت و اقتصاد به عنوان ثانوی. (1)

مطالب مزبور با هدف تبیین مفاهیم اصلی بیانیه گام دوم مطرح شد و بصورت خلاصه موارد زیر قابل تامل می باشد:

1- بیانیه گام دوم انقلاب، نقشه جامع پیشرفت و اقتدار کشور است که از یک طرف نسخه جهانی شدن انقلاب اسلامی در ساحت تمدنی را ترسیم کرده و از طرف دیگر حرکت انقلاب اسلامی در مدار تمدنی خویش، که از انسان سازی و جامعه پردازی شروع شده و به تمدن سازی می رسد، را به خوبی بیان کرده است.

2- بدون تردید نظریه پردازی، گفتمان سازی اجتماعی و مطالبه گری عمومی پیرامون مفاهیم اصلی بیانیه گام دوم انقلاب، از جمله اقدامات راهبردی است که کمک بسیار مهمی به اجرایی شدن آن خواهد کرد. زیرا تا زمانی که این بیانیه به گفتمان رایج آحاد جامعه تبدیل نشود و پیرامون آن مطالبه گری عمومی شکل نگیرد، امکان تحقق عملی آن ضعیف خواهد بود.

3- ارائه مدل و الگوی بومی مبتنی بر مبانی هویتی انقلاب اسلامی در حوزه های ساختاری، کارگزاری و سبک زندگی ایرانی - اسلامی در بخش های هفت گانه مندرج در بیانیه گام دوم، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. چراکه بعد از انقلاب اسلامی هر کجا ساختارها، مدل ها و الگوهای حکمرانی از دل مبانی هویتی و معرفت شناختی انقلاب اسلامی برآمده و مناسب و متناسب با گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته و عملیاتی شده، هم کارآمدی خویش را به اثبات رسانده و هم ظرفیت تکثیر پیدا کرده و به محیط های منطقه ای و بین المللی نیز سرایت نموده و با نوعی عمق بخشی خارجی جمهوری

ص: 72

1- همان

اسلامی ایران توانسته در برابر الگوها و مدل های وارداتی و به عاریت گرفته شده از تمدن لیبرال سرمایه داری، نه تنها موفق عمل کند، بلکه آن ها را از حیز انتفاع انداخته و به شکست کشاند.

4- بدیهی است هر گونه تحول عظیم و حرکت به سمت بالندگی و شکوفایی ایرانی - اسلامی در راستای اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، مستلزم تحول ساختاری با تاکید بر روز آمد شدن ساختارها، نهادها و فرآیندهای اجتماعی و تحول گفتمانی در عرصه حکمرانی اسلامی و همچنین تحول مدیریتی با تاکید بر نقش آفرینی جوانان در عرصه مدیریتی کشور می باشد.

ان شاء الله با عنایت ویژه خداوند سبحان و دعای خیر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) و با تدابیر حکیمانه امام المسلمین و همت و رادمردی امت اسلامی، مفاد الهی و ارزشمند این بیانیه که در راستای نیاز فطرت و فریاد خاموش درون بشریت است؛ صورت تحقق به خود گرفته و با فراگیری انقلاب اسلامی در جهان، پرچم پرافتخار تمدن نوین اسلامی به امامت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سرتاسر گیتی برافراشته گردد. بنابر این بصورت کلی در عرصه های مختلف همواره باید اینگونه زمزمه کرد:

الا ای منجی عالم تو بهر ما دعا ها کن * گره بهر فلاح ما، ز چنگ اشقیاء وا کن

چو تو نزد خدا داری، مقام و قرب روحانی * شفاعت مرحمت فرما و درد ما مداوا کن

کدام یک از موارد در بیانیه گام دوم انقلاب قابل تأمل است؟

دلم می خواست کمی عشق ولی را * دلم می خواست همان سید علی را

پیامش را کنم آویز گوشم * چو با آن می روم راه نبی را

این بیانیه حاصل عمر پر برکت رهبر معظم انقلاب در فراز و نشیب های انقلاب اسلامی و پایه های گفتمان انقلاب اسلامی است. معظم له کسی است که در همه فراز و

فرودهای انقلاب حضور داشته و بیانیه یاد شده مبنای یک جمع بندی تجربیات گذشته و ترسیم گری 40 ساله بعد انقلاب است که برخی از آنها در این بیانیه آشکار است و برخی نیز از مطالب استنباط می شود. این تئوری ها پایه های انقلاب هستند. بیانیه گام دوم دارای آموزه ای جامع و کامل است. نکته آن است که به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می کند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می کنند. تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر معظم انقلاب با این تعبیر آمده است: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید.» حال ابتدا از باب اهمیت نظر جنابعالی به مهم ترین مأموریت های نسل جوان بنابر نظر معظم له برای تحقق گام دوم انقلاب معطوف می گردد: 1. حوزه علم و پژوهش: باید به قله ها دست یابیم. باید از مرز های کنونی دانش در مهمترین رشته ها عبور کنیم. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است، ناکام سازید؛

2. حوزه معنویت و اخلاق: شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد. این بی گمان محتاج جهاد و تلاش است؛ و این تلاش و جهاد بدون همراهی حکومت ها توفیق چندانی نخواهد داشت؛

3. حوزه اقتصاد: جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه ی راه حل ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است، خطایی نابخشودنی است؛

4. حوزه عدالت و مبارزه با فساد: اگر زمام اداره ی بخش های گوناگون کشور به جوانان مومن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمد الله کم نیستند - سپرده شود امید اجرای عدالت و مبارزه با فساد برآورده خواهد شد ان شاءالله؛

5. حوزه استقلال و آزادی: بدیهی است که استقلال نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرز های خود، و آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش های الهی و حقوق عمومی، تعریف شود؛

6. حوزه عزت ملی و روابط خارجی: امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولت های اروپایی را نیز خدعه گر و غیر قابل اعتماد می داند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت؛

7. حوزه سبک زندگی: مقابله با سبک زندگی غربی، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان ها است. (1)

در خصوص برخی از ابعاد و مفاد بیانیه باید به نکات قابل تاملی بصورت ویژه تر توجه شود. که در ادامه پیرامون موارد مورد نظر مطالبی به شرح زیر مطرح می شود:

1) برخوردار از جملات حکمت آمیز: این جملات، جملات حکیمانه و پر از تواضع است: انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطایای خویش است. این را در واقع رهبر یک انقلاب می گوید.

اولاً- انقلاب را به یک موجود زنده تشبیه می کند که این، یکی از تشابهاتی است که نوع کسانی که در مورد انقلاب ها و تاتولیت های انقلاب کار کرده اند از این تمثیل استفاده بسیار برده اند. در کتاب های مربوط به تئوری های انقلاب، از این جملات زیاد می بینیم. البته رهبری معظم علاوه بر زنده بودن پدیده، آن را موجودی با اراده می داند، و بعد از آن، این نکته را که همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطایای خویش است را مفروض می گیرد که انقلاب، مثل هر موجود با اراده زنده ای خطاهایی داشته است، ولی مزیت

ص: 75

انقلاب را به این می‌گیرد که دارای انعطاف لازم و آمادگی برای تصحیح خطاها بوده است و یا اینکه به نقدها حساسیت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد. یعنی نه تنها خطاها را تصحیح می‌کند بلکه در مقام کسانی که انقلاب را نقد می‌کند، نقدها را نفی نمی‌کند و با دیدگاه الهی که در انقلاب اسلامی هست این نقدها را نعمت خدا می‌داند، یعنی کلمات اندازه‌گیری شده است و این نقدها را هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌داند.

در این جا البته یک نقدی و یک تیپولوژی در انقلاب هم می‌کند که مردان دو دسته‌اند، مردان و صاحبان حرف‌های باعمل و حرف‌های بی‌عمل؛ و بعد نقد می‌کند صاحبان حرف‌های بی‌عمل را و در واقع آن‌ها را یک جوری متوجه می‌کند که باید به این نقدها حساسیت نشان داده و آن را نعمت خدا دانست و آن را هشدار دانست که جلوی انحرافات احتمالی را بگیرد و باعمل به آن نقدها و جدی گرفتن شان گام‌های اصلاحی برداشت. این نگاه، نگاهی حکیمانه است. یا جمله‌ای که می‌گوید جمهوری اسلامی متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست.

نکته جالب‌تر این است که ایشان، مجموعه‌ای از دوگانه‌ها را جمع می‌کند و وسط این دوگانه‌ها تلاش می‌کند که تمایز انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، تفکر اسلام انقلابی، تفکر حضرت امام، تفکر جنبش‌های اسلامی، تفکر بیداری اسلامی، تفکر اسلام سیاسی را برایش نقاطی با مختصات جدید تعریف کند. این جمله به همین بر می‌گردد، می‌فرماید: بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد. اصولاً فهم اینکه همیشه میان بایدها و واقعیت‌ها فاصله است. فهم اینکه واقعیت‌ها نافی بایدها نمی‌تواند باشد و بایدها واقعیت‌ها را نمی‌تواند نادیده بگیرد و اعلام آن در یک بیانیه‌ای به این مهمی و اعلام اینکه وجدان‌های آرمان‌خواه این فاصله عذاب‌شان داده و می‌دهد و خود ایشان هم به عنوان یک وجدان‌آرمان‌خواه، دائماً از فاصله میان واقعیت و بایدها، عذاب دیده و می‌بیند. با این وصف، در ادامه با امیدواری می‌فرماید: چاره

اما این فاصله ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته، در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده هم ادامه دارد.

ایشان در جای دیگر از بیانیه می فرمایند: انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند، اما مهربان، باگذشت و حتی مظلوم بوده است. این جمله هم حکیمانه است. می فرماید در هر حال در این چهل سال، انقلاب ایران قدرتمند بوده است، اما قدرت مانع از مهربانی آن نبوده است. این یکی از دوگانه هاست؛ و این مهربانی مانع از گذشت نبوده است و این مهربانی و گذشت تا جایی بوده که حتی مظلوم واقع شده است. یعنی به عبارتی مظلومیت در اوج اقتدار. و این توصیفی است از یک واقعیت تلخ چهل ساله انقلاب؛ انقلابی قدرتمند که در اوج اقتدار به دلیل مهربانی و باگذشت بودن بعضا مظلوم هم است.

2) هم گرایی در بیانیه: بیانیه ی گام دوم، با ساخت و نظام ارزش های جامعه ارتباط تنگاتنگ و دوسویه ای دارد؛ از سویی بر ساخت اجتماعی و مسائل واقعی جامعه و در امروز و فردا تأثیرگذار است و از سوی دیگر برآمده و تأثیرپذیر از بافت اجتماعی و تاریخ گذشته و دیروز انقلاب است. از راهبردی ترین مسائل جامعه ی دینی - از صدر اسلام تا امروز - مسأله ی وحدت مسلمین بوده است. بیانیه ی گام دوم، در سطوح مختلف جامعه می تواند - و باید - مایه و منبع هم گرایی فکری شود. بر اساس اشتراکات و هم گرایی های فکری است که جامعه در لایه ی هنجارها و کُش ها نیز به هم گرایی و وحدت عمل نزدیک می گردد و بر اساس روندی که از لایه ی فکر تا کُش اجتماعی محقق می شود، ساختارهای جامعه نیز از این فرآیند تأثیر خواهد پذیرفت و به تدریج، استحکام ساخت درونی نظام و جامعه ی اسلامی، افزون تر خواهد شد.

این هم گرایی، در تداوم ولایت پذیری جامعه از ولی فقیه نیز سهمی به سزا خواهد داشت؛ توصیه ها و دستورهای رهبری، قطعاً در جامعه ای که هم گرایی فکری و وحدت اجتماعی در آن رو به تزاید است، بهتر و درست تر فهم و اجرا خواهند شد. عمق تأثیر واقعی این بیانیه نیز در چهار سطح کلیت جامعه ی ایران، منطقه ی غرب آسیا، جهان اسلام و جبهه ی مقاومت جهانی علیه استکبار قابل پی جویی است.

کسی جز ولیّ ام ندارد ندا* به جان گیر و عبرت نما در خفا

بیانیه باشد چو حرف خدا* ز وحدت دهد دین و دنیا به ما

3) انسجام و نظام وارگی: این نکته ی مهمّی در مباحث روش شناختی است که راه حل ها و روش ها با مسأله (یا مسأله های) ما متناسب هستند. اگر در مسیر پیچ در پیچ و پُر حادثه ی نظام سازی و جامعه سازی دینی، گاهی در انتخاب راه حل ها، مسیرهایی را به درستی انتخاب نمی کنیم، بخشی از علّت این وضع را باید در شناخت نادرست مسأله های اصلی کاوید. بیانیه ی گام دوم انقلاب، فهرست منسجم و دقیق و تعریف شده ای از موضوعات اصلی و مسائل اساسی ما را در یک پیوستار زمانی (از گذشته تا آینده) فراروی می گشاید. در این بیانیه، اصلی ترین قوّت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای جامعه ی ما طرح و تعریف می شوند. ما در این بیانیه، صرفاً بافهرستی از مسائل و مفاهیم اصلی و کلیدی نظام اسلامی رویه رو نیستیم. این گونه نیست که این کلیدواژگان مهم، فهرست واره ای در متن بیانیه باشند. بین این کلیدواژگان مهم، روابط معنایی خاصّی برقرار است که این روابط معنایی، برگرفته از کاربرد این کلیدواژگان در یک منظومه اندیشه است.

این بیانیه، شعاع و تصویری کلی و متنی فشرده و برآمده از سپهر و منظومه ی فکری انقلاب اسلامی است؛ و حاکی از قوّت نظام فکری صاحب سخن است. کارکرد مهمّ این بیانیه نیز چنین خواهد بود که مردم و مسئولان و نخبگان، دریافتی از منظومه ی مسائل کلیدی کشور خواهند داشت و از رهیافت های جزئی نگر، خطّی و غیر سیستمی در تحلیل مسائل اساسی ایران، فاصله خواهند گرفت. فراموش نکنیم که همواره در جامعه ی ایران، با رفتارهای زمان آگاهانه مردم در موسم فتنه ها و دشواری ها رویه رو بوده ایم و نزدیک ترین شاهد این مدّعا، راهپیمایی پُرشور و گسترده ی مردم در 22 بهمن 97 است. این زمان آگاهی وقتی با رهیافت منظومه وار دیدن مسائل و مفاهیم اصلی و کلیدی نظام اسلامی، تلفیق شود، عمق و کارکرد اجتماعی بسیار بیشتری خواهد یافت.

مضامین و محورهای موضوعی این بیانیه را می توان از گذشته های دور در اندیشه ی انقلاب اسلامی کاوید و بازجست. جای جای این بیانیه برخاسته از نظریه ها و بیانات متعددی است که از سالیان گذشته تاکنون، از زبان رهبرانقلاب به دست ما رسیده است. از زاویه ی دید خواننده، باید این بیانیه را در بافتار متون گذشته ی انقلاب اسلامی خواند و با تعمق در آن نگریت؛ و از زاویه ی دید گوینده، این بیانیه ناظر به انسجام دلالت های درونی نظام و سامانه ی فکری گوینده ی آن است. به سخن دیگر، با مبنا قرار دادن این بیانیه، این گونه نیست که ما با تعارض های مفهومی و مضمونی در یک اندیشه روپرو شویم، بلکه گذشته ی اندیشه رهبر انقلاب، مدام در تأیید انگاره ها و نظریه های پسین است؛ سیری تدریجی و استکمالی در نظام اندیشه که با حفظ مبانی و اصول به امروز رسیده است و طرحی نو درباره فردایی دیگر می گشاید.

4) نظام اولویّت دهی در بیانیه: در امر جامعه چه چیزی مهم تر است؟ این پرسشی است که از رأس تا قاعده ی جامعه، همواره - چه آگاهانه و چه غیر التفاتی - بدان توجه می کنند. مردم همواره در پی چیزی هستند که مهم است و مسئولان و حاکمان هم؛ و ساختارهای جامعه همواره در صدد تأمین امور مهمّ جامعه است. مسأله وقتی شکل پیچیده تری به خود می گیرد که ما فرصت ها و امکانات محدودی داریم و نیازها و مسائلی گسترده، ما را احاطه کرده اند؛ در اینجا است که مسأله ی «انتخاب» برای جامعه موضوعیّت پیدا می کند؛ و قاعدتاً گزینش ها باید مبتنی بر «مهم ها» باشند.

در بیانیه ی گام دوم انقلاب، با منظومه ای از «امور مهم» رویه رو هستیم؛ این نکته، بسیار بنیادی است که ما در شناخت مسائل جامعه و تمدّن خود، با فهرستی بلندبالا و پُرشمار از انواع و اقسام مسأله ها و راه حل ها و عرصه های حرکت عمومی رودررو باشیم یا بر اساس حکمت دینی و عقلانیّت انقلابی و با نوعی آرمانگرایی واقع بینانه، «سامانه» و فضای منسجمی از «امور مهمّ نظام» و فرآیند تمدّن سازی اسلامی پیش چشم ما گذارده باشند. این بیانیه، ضمن ارائه ی منطقی در «اصولی - فرعی کردن امور» دست کم به برخی پرسش ها درباره ی نظام اولویّت دهی پاسخ می دهد.

چه چیزی باید برای ما مهم و مبنایی باشد که ما کمتر بدان امور مهم توجه کرده ایم؟ در نگاه رهبر انقلاب، نظام اسلامی «اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.» و «نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌ظیر است.» گفته شده است که ایران دارای ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. فهم این مسأله و اعتراف به آن خیلی مهم است. چون خود این، یک نکته‌ی منفی دارد و آن این که، اگر جمهوری اسلامی این‌طور است چرا از منابع موجود استفاده نکرده‌اند؟ رهبری جواب این را می‌دهد که به هر حال تا یک جا‌هایی گام‌هایی برداشته شده است و دوبار تکرار می‌کنند که ما از صفر شروع کردیم. ولی در ادامه می‌فرمایند که، انصافش در این است که، شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید.

5) حلقه مفقوده الگوی سند اسلامی - ایرانی پیشرفت: بُرش کلامی دیگر از بیانیه، این است که وقتی این بیانیه صادر شد دوباره از اولین چیزهایی که به ذهن می‌رسد این است که این شاید، همان حلقه مفقوده یا آن پشتوانه گم شده الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت است. اگر آن الگو به همین بیانیه برگردد خصوصاً هفت مأموریت آخر و بر اساس این هفت توصیه آخر تکمیل شود به نظر کارآمدتر، عینی‌تر، علمی‌تر، واقع‌گرایانه‌تر و شدنی‌تر می‌شود و افق بهتری را می‌تواند ترسیم کند، یعنی به طور مشخص بیاید در هفت حوزه‌ی: علم و پژوهش یعنی دانش؛ معنویت و اخلاق و اقتصاد به مثابه یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، روابط خارجی در قالب دو ستون عزت ملی و مرزبندی با دشمن و در چارچوب اصل عزت و حکمت و مصلحت و همین‌طور در سبک زندگی راه‌نشان باشد. اگر سند پیشرفت هم افق چهل سال آینده را کاربردی‌تر نشان بدهد، عملیاتی‌تر خواهد شد. در رویکرد کلان، این بیانیه پشتوانه‌ای بسیار خوب است برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. به نظر می‌رسد که این هفت مأموریت از سوی کسی است که از پایین‌ترین سطوح مسئولیت نظام را تا بالاترین سطح

آن را مدنظر داشته است و دائماً روزانه درگیر با ریزترین و درشت ترین مسائل کشور بوده است و می خواهد در هشتاد و چندسالگی میراث گذشته را حداقل به جوانان و آیندگان در قالب بیانیه بسپارد.

6) متنی به روز شده از مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی: این بیانیه، سند و مانیفستی به روز شده برای اسلام سیاسی یا میثاق نامه ای روزآمد برای اسلام گرایی است. به عبارتی، این بیانیه، قابل مقایسه با مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. مقدمه جمهوری اسلامی ایران، به رغم گذشت چهل سال، هنوز که هنوز است مانیفست اسلام گرایی و اسلام سیاسی در جهان معاصر محسوب می شود. یک متن کوچک، اما پرمغز و پر محور برای اعلام مواضع اسلام است. چستی و چرایی و چگونگی اسلام سیاسی، تفکر اسلام سیاسی و تفکر اسلام گرایی در جهان امروز است. به نظر می رسد بر اساس تجربه اسلام سیاسی در چهل سال پس از انقلاب اسلامی در ایران، این بیانیه، مانیفست جدیدی است که آن را روزآمد کرده است خصوصاً آن مأموریت های هفت گانه پایانی اش؛ زیرا در توصیه هفت گانه آخر آن، رهبری نگاه خودش را در مهم ترین مسأله های ایران، جهان اسلام و جهان امروز بیان کرده است.

ناگفته نماند که سیدجمال از مهم ترین نکته هایی که بر آن تأکید می کرد آشتی مسلمانان با علوم و فنون جدید بود. آن زمان الازهر ریاضیات را حرام اعلام کرده بود و با این رویکرد سیدجمال او را تکفیر می کردند و او باید با الازهر می جنگید تا اسلام سیاسی - به مفهوم اسلام روزآمد - بتواند حاکمیت پیدا کند. اما اینک بیش از گذشت 150 سال از دوران سیدجمال، مهم ترین رهبر سیاسی اسلام در جهان امروز، اولین نکته ای که توصیه به نسل بعد و جوانان می کند می گوید علم و پژوهش «دانش»، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است البته این توصیه یک مانیفست است. یعنی می خواهد بگوید اسلام سیاسی - در قالب مدیریت سیاسی - برای خروج جهان اسلام از وضعیت فعلی اولین بحثی که روی آن تأکید می کند، دانش است. دیگر چیزی که بیان می کند مانیفست «معنویت و اخلاق» است. پس از آن تأکید بر مسأله «اقتصاد» است و نقطه نظرشان را در

مورد اقتصاد بیان می‌کند. مانند این جملات: که فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. سپس درباره‌ی «عدالت و مبارزه با فساد»، می‌فرماید که این هم خود مانیفست دیگری است. آنگاه دریچه‌ای رو به «استقلال و آزادی» می‌گشاید که آن هم مانیفستی است. یا بر روابط خارجی در چارچوب عزت ملی با مرزبندی دشمن مبتنی بر اصل عزت و حکمت و مصلحت، تأکید می‌نماید که این هم برای خود مانیفست جداگانه‌ای است. و همچنین «سبک زندگی» که آن هم از دیگر مانیفست‌ها است. البته دستاوردهای هفت‌گانه قبل از مأموریت‌ها نیز می‌تواند به گونه‌ای مکمل مباحث مانیفست فوق‌الذکر بیانیه باشد.

در هر حال انقلاب اسلامی توانسته، ضمانت، ثبات، امنیت، پیشرفت در عرصه علم و فناوری، به اوج رساندن مشارکت مردمی، ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی، سنگین کردن کفه عدالت، افزایش دادن چشمگیر عیار معنویت و اخلاق، برجسته شدن روز به روز شکوه آمیز و ایستادگی در برابر زورگویان را دنبال کند. رهبری در بیانیه می‌گویند: معنویت و اخلاق جهت‌دهنده‌ی همه حرکت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. ولی با این همه، باید اقتصاد را نیز حمایت کنیم ولو اینکه اقتصاد هدف جامعه نیست، ولی وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. رهبری معظم، وقتی به اقتصاد می‌رسد می‌گوید یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. جمله‌ی جالبی که می‌گوید اینکه اهمیت اقتصاد تا جایی است که فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. یعنی اگر شما اقتصاد را نادیده بگیرید، معنویت و اخلاق را هم دچار مشکل می‌کنید. این‌ها مشروط به همدیگر هستند، یا این یا آن نیست، بلکه هم این، هم آن است.

ایشان معتقدند حالا- که ما تجربه غرب را داریم به جای اینکه پا جای پای غرب بگذاریم و به جای اینکه آن‌ها رسیدند و دچار مشکل هستند برسیم. باید راه را اصلاح شده طی کنیم و همزمان ماده و معنا را با هم داشته باشیم. این آن دوگانه‌ای است که ظرافت

ولطایف فراوان دارد، ولی راه نجاتدر آن است. باید دانست که دوگانه های بیانیه یک تفاوتی با دوگانگی غرب دارد که آن جا معمولاً دوگانه ها همیشه در مقابل هم مطرح می شود. مثلاً دولت قوی، دولت ضعیف یا غرب و شرق! در غرب همیشه یکی از یگانه ها اولویت دار است، ولی در این جا دوگانه را با هم می بینیم یکی همین مسأله دوگانه دیدن ماده و معنا در کنار هم است. علتش هم آن است که اسلام در انسان و هستی و جهان، دو ساحتی اندیش است هم ساحت مادی و ساحت معنوی را در نظر دارد.

7) اشتراک گام دوم انقلاب اسلامی با انقلاب دوم (تسخیر لانه جاسوسی): وقتی از گام دوم صحبت شد یا این بیانیه، شهرت به گام دوم پیدا کرد، به یاد انقلاب دوم می افتیم. حضرت امام، اشغال سفارت آمریکا در ایران را انقلاب دوم و آن را انقلاب بزرگ تر از انقلاب اول نامیدند. اگر بخواهیم از همین رویکرد، استفاده کنیم گام دوم انقلاب هم گامی است بزرگتر از گام اول، البته انقلاب دوم به فاصله نه ماه از انقلاب اول اتفاق افتاد و امروز، گام دوم انقلاب با فاصله چهل سال از گام اول اتفاق می افتد.

اشتراک این هردو، شاید عبارت از این باشد که هر دوی این ها تضمین کننده سلامت و حیات انقلاب اسلامی هستند. یعنی اشغال سفارت آمریکا، سلامت و حیات انقلاب اسلامی را تضمین کرد. حیاتش به این دلیل که اگر اشغال نمی شد و آمریکایی می ماندند با توجه به تجربه ای که همین الان در مورد کشوری به ناموزئولا داریم، می بینیم و آن ها برای اینکه بتوانند خودشان را نجات بدهند مجموعه آدم هایی آمریکایی را اخراج کردند تا بلکه کودتا اتفاق نیفتد و سرنگونشان نکنند. اگر سفارت آمریکا بر جا می ماند معلوم نبود که انقلاب اسلامی بتواند با توجه به شبکه ای که آمریکایی ها در ایران داشتند؛ بتواند به حیات خویش ادامه دهد با همه ی آن اهداف شومی که در سر داشتند؛ لذا شاید به همین دلیل هم، امام برغم آن که در جریان آن نبودند اما وقتی در جریان آن قرار گرفتند آن را تأیید کردند و آن را انقلاب دوم و بزرگتر از انقلاب اول نامیدند. امروز هم گام دوم انقلاب بعد از گذشتن چهل سال، برای یک گام چهل ساله دیگر، در واقع همان حالت را دارد، این

بیانیه ان شاء الله حیات انقلاب اسلامی را و در واقع سلامت انقلاب اسلامی را تضمین خواهد کرد.

8) تثبیت نظریه نظام انقلابی: حرف های اصلی این بیانیّه، تکرار و تأکید بر حرف های اصلی و مبنایی گذشته ی انقلاب اسلامی است. بر همین اساس است که انقلاب اسلامی «تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست.» و «به هیچ بهانه ای از ارزش هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی گیرد.» و «از نظریه ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می کند.» دلالت این گزاره ها حاکی از لزوم استقامت بر ایمان گذشته تاکنون و تثبیت نظریه ی نظام انقلابی است. برخی تعابیر در این پیام چنان پخته و نیرومند است که انگار سال های طولانی در ذهن مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی بالا و پایین شده و به آن اندیشیده اند. نظریه نظام انقلابی یک تعبیر بدیع است که نظام سازی را که مستلزم ثبات و استقرار است با تغییر و تحول دائمی که مقتضای انقلاب است، ترکیب می کند. کاملاً روشن است که در این باب باید بسیار تأمل کرد و سخن گفت. رهبر دورانیش انقلاب اسلامی پیام انقلاب را به عنوان یک مفهوم جاری و مستمر در نظر می گیرد و از تفسیرهای ایستا درباره ی انقلاب که منجر به سکون و خمودگی می شود، عمداً پرهیز دارد.

«تئوری نظام انقلابی» که در این پیام برای نخستین بار از آن سخن گفته شده، در واقع نظریه ای است در این باره که چگونه انقلاب هرگز نباید تمام شود و ویژگی مهم نظام اسلامی این است که هرگز انقلاب زدایی نمی شود، همه پیشرفت ها و حرکت ها هم وصل به همین اصل است و تمام تلاش دشمن نیز این است که این نظام انقلابی یا به تعبیر امام، نهضت، را انقلاب زدایی کرده و آن گونه که هنری کیسینجر زمانی گفته تبدیل به یک «کشور» ایستا و ساکن بکند.

با این وصف، مضمون مرکزی این پیام مفهوم نظام سازی انقلابی است. رهبر انقلاب از تئوری نظام انقلاب اسلامی به عنوان تئوری اصلی گام دوم انقلاب صحبت کردند که مستلزم نظریه پردازی های جدی است و این تئوری ریشه دارد. تأکید امروز ایشان بر

انقلابی ماندناست دقیقاً در زمانی که دشمن تأکید انقلابی زدایی در ایران دارد بسیار سنجیده و حساب شده است. ایشان می فرمایند این نظام، زمانی درست عمل کرده و محفوظ است که اصول، ارزش ها و آرمان های انقلاب اش حفظ شود و این بدین معناست که اگر این نظام دچار سکون و محافظه کاری شود و از ارزش های انقلابی دور شود و دشمن موفق شود این نظام را انقلاب زدایی و سکولار کند، در آن صورت نظام اسلامی از ماهیت اصلی تهی شده است و نظام جمهوری اسلامی اگر غیر انقلابی باشد اساساً نظام جمهوری اسلامی نخواهد بود. این موضوع بسیار قابل توجهی است که بایستی در خصوص ابعاد آن بحث و فحوص کنیم ضمن این که ظاهراً مفهوم نظام انقلابی مفهومی پارادوکسیکال است؛ یعنی از طرفی دربرگیرنده ی مفهوم نظام است که یعنی شما با یک سیستم اثبات مواجهید و از طرفی مفهوم انقلاب در کنار آن قرار دارد که به معنای تحول دائمی، مستمر و برخورد انقلابی با پدیده هایی که پیش روی این نظام است. اما این نگاه ظاهری است و در نگاهی واقعی در حقیقت پارادوکسی وجود ندارد؛ همان طور که در مفاهیمی مثل مردم سالاری دینی و جمهوری اسلامی پارادوکسی نیست. نوع نگاه به این مفاهیم بایستی تغییر کند تا این مفاهیم بتوانند در کنار هم قرار گیرند و یک هم زیستی کارآمد و از لحاظ نظری فاقد تناقض و همگن و بلکه یک مفهوم پیشرو خلق کند.

9) توجه به واقعیات و عینیات: چگونه باید راه جامعه سازی و تمدن سازی را پی گرفت؟ بخشی از پاسخ بدین پرسش را باید در وجه نرم افزاری تمدن نوین اسلامی دانست. سبک زندگی اسلامی. تحلیلی از چگونگی تحقق این مهم در یک فضای میانه، بین دو وجه آرمان گرایانه و الگومندی جامعه تعیین می شود؛ در آرمان گرایی، سخن از کمال مطلوب و وضع معهودی است که فرد و جامعه (و حتی تاریخ) می خواهند بدان برسند، اما در الگوسازی، پیگیری یک اُسوه، نمونه و شرایط تعیین یافته است که خود را به فرد و جامعه معرفی می کند. اگر ما در جامعه، مدام از آرمان های بلندپروازانه در دوردست ها سخن بگوییم، این البته کارکردهای خاص خود را خواهد داشت، اما وقتی درباره ی الگوسازی سخن می گوئیم، باید بدانیم که الگو، باید واضح و همه فهم و جامعه پذیر باشد. در غیر این

صورت، افراد جامعه خواهند گفت: من اگر الگویی را نمی شناسم و یا نمی توانم بفهمم، چگونه می توانم آن را در زندگی تکرار کنم و بر اساس آن رفتار کنم؟

اهمیت و کارکرد این بیانیته، در همین جا است که صرفاً بلندنگرانه و آرمانگرا نیست، بلکه به واقعیت ها و عینیت ها نیز به طور مکرر ارجاع می دهد. همچنین پیام کاملاً صادقانه نوشته شده و ابایی هم ندارد که بگوید در مواردی ضعف های مهم وجود دارد و تا آنچه هدف انقلاب اسلامی است، هنوز فاصله ای بزرگ مانده است. در همه جای این پیام دشمن حضور دارد و این نشان دهنده ی این است که هیچ برنامه ریزی برای آینده نمی تواند بدون توجه به برنامه دشمن و فارغ از تدوین یک راهبرد متقابل باشد. باید دانست که این پیام آینده را وعده نمی دهد بلکه پیش بینی می کند و این نشان از آن دارد که صاحب پیام، در واقع «صاحب خبر» است و از امری محتوم برای این ملت و کشور در آینده نوید می دهد؛ همچنان که از اجل محتوم برای دشمن هم سخن گفته است.

10) آسیب شناسی و خودانتقادی انقلابی توجه به واقعیات و عینیات: در آسیب شناسی انقلاب اسلامی، باید «وجدان های آرمان خواه» را محور شناخت قرار داد؛ «بی شک فاصله ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدان های آرمان خواه را عذاب داده و می دهد.» لذا در این بیانیه با رویکرد عدالت خواهی در نقد گذشته در فرازی آمده است: «صریحاً می گویم آنچه تاکنون شده، با آنچه باید می شده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است.»

همچنین فرمودند که در نقد مدیریت های اجرائی و اقتصادی نیز باید موارد زیر در نظر داشت: «انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است.»؛ «اکنون پس از چهل سال «بدانید که اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله نمی بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود - بی شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.»

لازم به توضیح است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در یک فرازی از بیانیه اشاره می‌کنند که «انقلاب همواره آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است.» بعضی‌ها این تکه از بیانیه را به شکل خاصی ضریب داده و بازنمایی کرده‌اند. بر اساس منظومه‌ی اعتقادی و ارزشی انقلاب، معنای گزاره‌ی «انقلاب آماده تصحیح خطاهای خویش است» چیست؟ و ساز و کار و روش درست این اصلاح چیست؟

آیت الله مصباح یزدی اینگونه سوال و یا شبهه مزبور را پاسخ می‌گوید: این اشتباه یکی از مواردی است که از کاربرد لفظ از معنایی به معنای دیگر ایجاد می‌شود. مغالطه‌ای است در استعمال یک لفظ در چند معنی مختلف. این جا که ما می‌گوییم خطای انقلاب، یک وقت خطا یعنی ما در فکر انقلابی خطا کردیم و آن را باید اصلاح کنیم. این چیزی است که دشمنان می‌خواهند نسبت بدهند که شما می‌گویید خطا کردیم، یعنی فکر ما غلط بود و اصلاً نمی‌بایست انقلاب کنیم یا به این شکل نباید انقلاب کنیم. جوابش این است که این جا انقلاب قرائن دارد. انقلاب یعنی این که ما محصول آن حرکت را امروز در اختیار داریم و این را می‌گوییم. این نظامی، احکامی، مقرراتی، قوای تعریف شده‌ای و قانون اساسی‌ای دارد و این را می‌گوییم انقلاب. در مقام عمل اگر درست مقررات و اصول و ضوابط این انقلاب رعایت نشده باشد، می‌گوییم اشتباه این انقلاب یعنی اشتباه کسانی که متصدی اجرای منویات انقلاب بودند و در عمل اشتباه کردند؛ یا نفهمیدند، یا عمداً به خاطر اغراض نفسانی و منافع شخصی شان مخالفت کردند. این‌ها را باید شناسایی و جبران کنیم.

لازمه‌ی ارزیابی هر حرکتی همین است و البته اگر یک حرکتی اسلامی باشد، اسلام می‌گوید شما باید همیشه محاسبه کنید. حتی می‌گوید هر فردی باید محاسبه کند ببیند کارهایی که روز کرده، درست بوده یا نه؛ اگر اشتباه بوده، استغفار و جبران کند. یک پدیده‌ای که چهل سال در میان مردم وجود داشته، نباید ارزیابی کنند که این کجایش درست و کجایش غلط بوده است؟ اشتباهی اگر بوده از کی بوده است؟ از نقص معلومات بوده یا در تشخیص اشتباه کردند یا نقص انگیزه‌ها و نیت‌ها بوده است که به جای این که

دنبال ارزش ها و منافع جامعه بروند، رفتند دنبال منافع شخصی؟ این ها را بشناسیم و سعی کنیم در گام بعدی از این ها بکاهیم. این که بگوییم باید به کلی برطرف شود، این یک مقداری ایده آل فکر کردن است. اگر کسی آشنایی مختصری با تاریخ انسان داشته باشد، می داند در زندگی اجتماعی هرگز چنین چیزی هیچ جایی اتفاق نمی افتد. آخر آخری هم که به ما وعده داده شده که اسلام پیروز می شود، این است که عدالت برقرار می شود و اگر کسی مرتکب جرمی شد، مجازات می شود. نه این که اصلاً کسی مرتکب گناهی نمی شود، ملک نمی شود انسان، انسان تا آخر همین انسان است. این سوءاستفاده ای است که از اشتراک لفظی می کنند. هر کسی در هر جمله ای که می گوید، نمی تواند اولش بگوید معنایش این است. از قرائن باید بفهمند معنایش چیست.

و اما برای این که ما به اهداف انقلاب بهتر برسیم و در گام دوم موفق تر باشیم، باید بعد از این که اشتباهات مان در گام اول را شناختیم، سعی کنیم آن ها را جبران کنیم. اول، اشتباه در شناخت است. شناخت چه چیزی؟ اول شناخت انسان. اصلاً آدمیزاد یعنی چه؟ فرقی با حیوانات دیگر چیست؟ چرا قرآن وقتی می خواهد کسانی را خیلی سرزشت کند، می گوید «يَا كُلُّونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ» مثل چهارپاها چیز می خورند. یعنی فقط دنبال سیر شدنند و هدف دیگری ندارند... این زندگی انسانی نیست. ما باید بفهمیم انسان این هایی که دارد، ابزار و وسیله اند یا هدف؟ هدف ما ارضای همین غرائز حیوانی است یا این ها همه وسیله برای یک چیز دیگری است؟ آن چیزی که می تواند این را به صورت کامل و صحیح به ما بدهد، قرآن و دین است وگرنه انسان ها با هم مختلفند و هر کسی خواسته ی خودش را در یک چیزی می بیند و دنبال یک چیزی است. اول ما بفهمیم انسان چیست و هدف از آفرینش انسان چیست و ما باید دنبال چه بگردیم؟ چند عرصه دارد؟ از چند زاویه باید به این مسأله نگاه کرد؟ چهساحت هایی هست که باید برایش فعالیت کنیم؟ آن ساحت ها اگر تراحم داشتند، کدام اولویت دارد؟ اگر نیروهای ما محدود باشد، این نیروها را چگونه تقسیم کنیم که اولویت ها بهتر رعایت بشود؟ این ها می شود مدیریت.

پس اول شناخت صحیح انسان، هدف آفرینش انسان، کمال نهایی انسان؛ فلسفه‌ی وجود انسان در این کره‌ی خاکی چیست؟ این زندگی توأم با این مشقت‌ها و زلزله‌ها و سیل‌ها و جنایت‌ها و فسادها برای چیست؟ چرا ما را آوردند این جا؟ خدا نمی‌توانست یک کاری بکند که از اول آدم در بهشت باشد؟ متأسفانه در اختصاصی‌ترین محافل علمی ما هم این مسائل کمتر مطرح می‌شود. در این جا ضعف شدید داریم. خود انسان را هنوز نشناخته‌ایم؛ این که برای چه آفریده شده و وظیفه‌ی ما در این عالم چیست؟ باید دنبال چه بگردیم؟ آن تحولی که باید پیدا بشود، رو به یک هدف نهایی دارد که کمال واقعی انسان است. یعنی همه وسیله‌اند برای رسیدن به آن هدف. حالا اگر کسانی از فرهیخته‌ترین اقشار جامعه‌ی ما بگویند هدف نهایی برقراری عدالت است و همه مساوی بشوند در غذا خوردن، در پوشاک، در استفاده از نعمت‌ها، این درست شد؟ این شد اسلام؟ این شد انقلاب اسلامی؟ خب زنبور عسل خیلی از ما قوی‌تر است. هیچ مشکلی ندارد، خودشان تولید می‌کنند و خودشان هم مصرف می‌کنند، هیچ دعوی هم ندارند. خب ما تازه انسانیم، ما اشرف مخلوقات هستیم برای اینکه نهایتاً آرزویمان این باشد که یک زندگی مثل زنبور عسل داشته باشیم؟

اولین قدم برای یک مؤمن این است که بفهمد اصلاً باید دنبال چه بگردد و هدف اصلی اش چیست؟ ما باید بفهمیم راه صحیح این است که آموزش‌های دینی را تقویت کنیم. نسل آینده باید تربیت بشوند تا اسلام را بهتر بفهمند. این با شعار و سخنرانی تمام نمی‌شود. باید راه این تربیت را پیدا بکنیم. راهش اهتمام به تربیت نسل جوان بر اساس بینش اسلامی و ارزش‌های اسلامی است؛ هم شناخت صحیح نسبت به زندگی و این عالم و هم تقویت ارزش‌های اسلامی به عنوان انگیزه‌ی حرکت و به عنوان ایده‌آل‌هایی که باید در نظر بگیریم و به طرف آن حرکت کنیم و زندگی مان را بر اساس آن‌ها شکل بدهیم. (1)

11) تبارشناسی انقلاب و ارائه نقشه‌ی راه: رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: گام دوم انقلاب را بدون داشتن نقشه‌ی راه نمی‌توان طی کرد و نقشه‌ی راه بایستی با توجه به

ص: 89

1- قسمتی از گفت و گوی تفصیلی با آیت الله مصباح یزدی پیرامون تبیین بیانیه گام دوم انقلاب

یک سری موارد پیشینی و اسناد بالا دستی تنظیم شود. اول از همه، تجربه ی گذشته است که ایشان نیز در پیام شان به نقاط قوت و ضعف این تجربه اشاره کردند و تصریح نمودند که نقاط قوت بیشتر از نقاط ضعف است و البته باید بدانیم که نقاط ضعف نیز وجود دارد و این طور نیست که تجربه ما، از نقاط ضعف خالی بوده است. بنابراین برای برداشتن گام های استوار آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه ها درس گرفت. گذشته، چراغ راه آینده است. اگر از این راهبرد غفلت شود دروغ ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدید های ناشناخته قرار خواهد گرفت. این در واقع تذکر برای کسانی است که امروزه تلاش می کنند انقلاب ایران را با نوعی دگماتیسم ایدئولوژیکی که بسته است و هیچ چیزی را بر نمی تابد و خون به راه انداخته و از کشته ها پشته ساخته و مجموعه این ها؛ و بعد ایشان برای تنویر و توجیه این گفته ها اشاره می کنند که ما هیچ وقت گلوله اول را شلیک نکرده ایم. ما هیچ وقت در مقام تعرض نبوده ایم، ولی وقتی تعرض شده به شدت عمل کردیم.

سوگمندان باید گفت، این بحثی است که اخیراً در مورد دهه ی 60 مطرح کردند و نشان می دهد که دهه 60 مظلوم است، دهه ای است که انقلاب از گروه های مختلف تیغ می خورد، و جالب است که امروز تیغ زدگان و ظالمان به گونه ای در مقام محاکمه انقلاب اسلامی بر می آیند در حالی که در هیچ کدام از این عرصه ها، انقلاب، ابتدای به مبارزه و ابتدای به حذف نکرد؛ بلکه آنان اراده کردند انقلاب اسلامی را حذف کردند، ولی اشتباهات محاسباتی کردند و حذف شدند. آن حذف شدن را دلالت بر نامهربانی و عدم گذشت و خشونت انقلاب می گیرند در حالی که این جا ایشان می فرمایند: آن اقتدار انقلاب است، و علیرغم آن اقتدار، در جای جای دوران خود، مهربان، باگذشت و حتی مظلوم بوده است. یا همان که در ادامه اش اشاره می کنند و می فرمایند: این انقلاب از آغاز تا امروز، نه بی رحم و خون ریز بوده نه منفعل و مردد. باید توجه داشت که این مورد هم از آن دوگانه هاست. مقام معظم رهبری در این بیانیه اشاره کرده است که ما شروع کننده جنگی نبوده ایم اما اگر جنگی علیه ما آغاز شده، دفاع مقتدرانه ای داشته ایم.

شاید یکی از علل ماندگاری جمهوری اسلامی هم، همین است که ایشان بیان می کنند؛ یعنی به این مفهوم که اگر جمهوری اسلامی بی رحم و خون ریز بود، می مُرد و اگر جمهوری اسلامی منفعل و مردد هم بود در این چهل سال از بین می رفت. رمز ماندگاری اش دقیقاً همین است. آن دوگانه ها از معجزات انقلاب اسلامی و تلاش بر حرکت بر این دو مرز بوده است، جمع بین اسلامیت و ایرانیت، بین جمهوریت و اسلامیت، راهی بین تحجر و تجدد، تجدد محض و تحجر محض، راهی بین باید ها و واقعیت ها، نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردد و...

پس این بیانیه صادر شد برای این که میراث گذشته را ما به نسل جدید منتقل کنیم تا بفهمند این انقلاب چه کار کرد. باید بگوییم این انقلاب ابدی است و امکان این را دارد که برای همیشه باقی بماند. این نکته ای است که ایشان خیلی جدی بر روی آن تکیه می کنند. این تئوری غلط است که هراقلابی می میرد، این حرف ها نیست. انقلابات مادی در یک شرایطی با انگیزه های خاصی به وجود می آمدند و بعد که عواملش تغییر می کردند، از بین می رفتند؛ انقلاب اسلامی این جور نیست. متأسفانه ما مسلمان ها حتی آن هایی که می بایست در این قسمت ها پیشگام باشند و برای مردم تبیین و تحلیل کنند، خودشان هم مبتلا به این غفلت ها شدند. انقلاب اسلامی یک اسم اسلامی دارد، تعارف نیست. این انقلاب پدیده ی خاصی است. ارزش های این انقلاب ارزش هایی است که با فطرت انسان توأم است و هیچ انسان سالمی بدون این ارزش ها نخواهد بود. تا انسان، انسان است، این ها را خواهد داشت. خب اگر همین ها باعث انقلاب شده باشد، تا این ها هست، انقلاب هم موجود خواهد ماند. انقلاب نه به عنوان آن حرکت مصدري، بلکه به معنای آن که تا آن انگیزه ها هست، نتیجه ی آن حرکت در جامعه باقی می ماند. (1)

12) نیروی انسانی کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی: امروز به اعتراف تمام محققین، زیربنای توسعه، سنگ زیرین اصلی زیر توسعه، توسعه انسانی است؛ مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور نیروی انسانی مستعد و کارآمد ماست. این استعداد و کارآمدی به

این دلیل مضاعف می شود که دارای ایمانی عمیق و اصیل است که بر خورداری از این خصیصه کارآمدی نیروهای انسانی را می تواند مضاعف بکند. برای اینکه جوانان بتوانند به نقش و رسالت خود نسبت به دین، نظام و انقلاب پی ببرند و دین خود را نسبت به خون شهدا و رنج های جانبازان و صبوری خانواده های شهدا انجام دهند؛ باید بسترهای مناسب برای ورود آنان به فعالیت ها و نقش آفرینی ها فراهم شود و اگر این بستر را فراهم نکنیم، جوانان ما کماکان در حاشیه بوده و نمی توان انتظار یک اتفاق خاص را داشت. مسئولان باید بستر مناسب برای ورود جوانان را فراهم کرد تا جوانان بتوانند نیروها و توانمندی خود را در زندگی مردم و در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زندگی خودشان عینیت دهند. تازمانی که جوانان به کارگرفته نشود و مسئولیت نداشته باشند، میدان عملی برای ظهور توانمندی های خود ندارند و دست و بالشان بسته است. مسئولان باید از این ناامیدی و سرخوردگی که بخصوص در نسل سوم و چهارم انقلاب مشاهده می کنیم، عبرت بگیرند.

اما رهبر انقلاب امید و توجه ویژه به جوانان دارد و این متن، به شدت جوان گرا است. ایشان در طول سی سال رهبری، همیشه تلاش کرده اند از جوان ها خصوصاً جوانان دانشجوی، و به طور مشخص، از تشکل ها به عنوان اهرمی برای بالانس کردن دولت ها و حکومت ها در جمهوری اسلامی استفاده کند. به عبارتی او آگاهانه یک اپوزیسیون جوانانه را در درون حاکمیت، در قالب تشکل های دانشجویی و مردم نهاد را تشویق و پشتیبانی می کرده است. گفتنی است، گرچه این پیام مملو از امید برای حرکت در گام دوم است، اما گام سختی است و دشواری های زیادی بر سر راه ما قرار خواهد گرفت و چه بسا از گام اول دشوارتر، پرسنگلاخ تر و مستلزم وقت، انرژی، استحکام، ایمان، اعتقاد و انگیزه بیشتری باشد لذا است که ایشان جوانان را کاندید کردند و این مورد نشان دهنده ی چند مسأله است. اولاً ایشان اعتقاد دارند که جوانان قادر به کشیدن این بارسنگین هستند. بیانات ایشان نشان دهنده ی باور عمیق نسل جوان است وگرنه چنین ریسکی بر سر نسلی

که هنوز در مورد ارزش ها و آرمان هایش بحث وجود دارد، توجیهی ندارد؛ بنابراین نظر ایشان قطعاً مبتنی بر ایمان به این نسل است.

آن چه که سبب می شود حضرت ایشان به جوانان اعتماد داشته باشند این است که در صحنه های حساس فعلی که انقلاب اسلامی درگیر آن است - چه در صحنه ی جنگ نرم و مبارزه ی فکری که دشمن ایجاد کرده است و هم در صحنه های سخت و نیمه سخت - هر جا جوانان ابتکار عمل داشتند، کارآمدتر عمل کرده اند چه در حوزه های علمی، فضای مجازی، مدافعان حرم و... با این وجود، ایشان نسل جوان را کارآمد می دانند. تجربه های فعلی نشان دهنده ی این است که اگر بار بر دوش این نسل بگذاریم و مجال وامکان کافی در اختیار این نسل قرار دهیم، اهلیت و توانمندی لازم برای به دوش کشیدن این بار را دارند.

رهبر انقلاب جوانان را بزرگ ترین دستاورد جمهوری اسلامی می دانند. در پیام شانفرموده اند که جوانان بزرگ ترین ثروت و دارایی انقلاب هستند. این مسأله ی مهمی است که از نظر ایشان جوانان صرفاً افرادی نیستند که بایستی بار آینده را بر دوش آنان قرار داد بلکه ایشان مهم ترین موفقیت، اصلی ترین و شیرین ترین میوه ی انقلاب هستند. جوانان بزرگ ترین دستاورد ما از گذشته هستند که می خواهیم بزرگ ترین بار از آینده را نیز به عهده ی ایشان بگذاریم. رهبر انقلاب درک و تحلیل خاصی از نحوه ی عمل انقلاب اسلامی و دستاوردهای انقلاب در چهل سال گذشته دارند و نگاه شان نگاه عمیق تری است و مبتنی بر سرمایه ی انسانی است تا نگاه سخت افزارانه ای که از طریق شمردن میزان توسعه ی سخت افزارها سعی دارد برای انقلاب اسلامی در حقیقت کارنامه ای دست و پا کند.

گویی رهبر انقلاب با اشراف بر این واقعیت که نسل های اول و دوم انقلاب در این چهار دهه هر آنچه را در چنته داشته اند، رو کرده و با دردسترس بودن کارنامه ای قابل قضاوت از آنها، محقق کردن بایسته های بر زمین مانده و جبران کاستی ها را به نسل های بعدی واگذار کرده اند. بر مبنای همین تحلیل است که معظم له جوانان را به آماده کردن

خود برای به دوش گرفتن بارِ ادامه ی این راه و زمامداری امور کشور در بخش های گوناگون فراخوانده و از برآورده شدن امید ها در این باره سخن گفته اند. به بیان دقیق تر، خطاب قرار دادن مسئولان آینده کشور بیانگر این واقعیت است که رهبر انقلاب این بار به ذکر مسئولیت های اجتماعی این نسل در حال و آینده اکتفا نکرده و آنان را در جایگاه زمام داران و متولیان امور نشانده و وظایف آن ها را برشمرده اند.

جوانان می توانند موتور محرکه ی کشور در بخش های مختلف باشند که رهبر معظم انقلاب در این بیانیه حتی به جزئیاتی در خصوص اهمیت و نقش جوانان اشاره فرموده اند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب تصریح می کنند که نیمی از جمعیت کشور جوان هستند و حدود سی و شش میلیون نفر، پانزده تا چهل سال سن دارند و از این بین چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی می باشند. این جوانان در فضای معنوی بعد از انقلاب اسلامی متولد شده اند و ظرفیت بسیار خوبی برای کشور می باشند که کشور با توجه به این جوانان می تواند مشکلات پیش روی خود را برطرف کند و از چالش ها، مخاطرات و بحران های احتمالی آتی عبور و آنان را مدیریت و تبدیل به فرصت کند. این بیانیه مسئولیت مسئولان کشور در قوای مختلف را نسبت به جوانان سنگین تر می کند و تکلیف آنان را مشخص می سازد تا در ساختار کشور تغییرات اساسی و تجدیدنظری انجام بدهند تا از ظرفیت بی بدیل و منحصر به فرد جوانان تحصیل کرده، مؤمن و انقلابی در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی استفاده شود.

13) امید به آینده ای روشن و دست یافتنی: عمق بخشی به مقوله ی زمان و افق گشایی های بلندمدت در حرکت تمدنی جامعه، کارکرد دیگر و مهم این بیانیه است؛ توجه واقع بینانه به شرایط واقعی امروز و ترسیم آینده ای که «ما می توانیم» بدان دست یازیم. در این بیانیه یکی از مهم ترین مؤلفه ها، مسأله ی امیدبخشی است. رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که از امید واهی دادن و همین طور وادادن ها پرهیز می کنند. ایشان سعی دارند فضای امیدوارکننده و چشم اندازی قابل حصول را در این پیام بیان کنند و تأکید دارند که دشمن اتفاقاً آن چه که هدف قرار داده همان امید ملت است. نقطه ی

انحطاط انقلاب زمانی است که مردم و به خصوص جوانان امید خود را از دست بدهند. سعی کنید امید را در خود حفظ کرده و آن را در جامعه نشر دهید.

ناامیدی، رُویه‌ی دیگر فراموشی آینده است. جامعه‌ای که به بارش بارقه‌های پُر حجم امید آراسته است، زمانِ آینده‌ی خود را بلند و بلندتر در می‌یابد. از همین جا است که بخش ویژه‌ای از این بیانیته معطوف به این جمله‌ی طلایی است: «آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است.» و مهم‌ترین تکلیف ما نیز بر همین نکته بنیاد گرفته است: «ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این، نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.» ایشان یک تحلیلی با دو خصوصیت واقع بینانه و علمی از انقلاب اسلامی در چهل سال گذشته ارائه می‌کند. در این جا، در قامت یک تحلیل‌گر و یک عالم سیاسی وارد می‌شود و یک تحلیل واقع بینانه از انقلاب اسلامی دارد و ضمناً تلاش می‌کند بر این اساس، طرحیامیدوارانه، و آینده سازانه، از انقلاب اسلامی در چهل سالی که پیش رو دارد، ارائه بکند. این جا در قامت یک رهبر و یک انقلابی عمل می‌کند؛ و این قسمت، ضمن ارائه یک کارنامه درخشان از چهل سال حیات و تجربه انقلاب اسلامی از یک سو، و نشان دادن افقی روشن و پر از امید برای آینده‌ای چهل ساله، یعنی گام دوم، در زمانه‌ای که انقلاب با فشار تحریمی شدید دشمنان خارجی و داخلی مواجه شده است که در آن دشمنان انقلاب اسلامی در حال ترویج این نکته هستند و اصرار دارند که آنچه که گذشته پوچ بوده و آنچه آینده نشان می‌دهد جز سیاهی نیست!

در چنین موقعیتی؛ این بیانیه اهمیت تحلیلی و تبیینی جدی پیدا می‌کند. یعنی او که در قامت یک رهبر انقلاب، است اما به مثابه‌ی یک تحلیل‌گر سیاسی آنچه را که اتفاق افتاده است واقع بینانه به مردم بیان می‌کند تا بر اساس آن، این توهم و فضای کاذب ایجاد شده‌ای را که آن چه اتفاق افتاده، هیچ هست، و این مسیر جز، به تباهی نمی‌رود را به تنهایی خنثی کند. به عبارتی این جا، رهبر انقلاب می‌خواهد بسان یک رسانه عمل کند. آنجا که در تحلیلی واقع بینانه می‌گوید انقلاب اسلامی با عدالت، فاصله‌های زیاد دارد، ولی این کارها را هم انجام داده است، در معنویت این مشکلات را دارد، ولی این کارها را انجام

داده است. در علم، این مسیر را خوب طی کرده، ولی این جاها هم مشکل دارد. فقط نمی گوید که آنچه که ما انجام دادیم بهترین بوده و جز این نیست. اما در هر زمینه ای هم آنچه را که اتفاق افتاده و به برآیند کارها کارنامه قابل قبولی می دهند و بر اساس تجربه گذشته، افق هایی را در آینده نشان می دهد.

این رویه ای است از یک رهبر بصیر، مبتنی بر یک تحلیل واقع بینانه تا بتواند در شرایطی که دشمن خیمه زده تا تمام داشته های انقلاب را به لحاظ روانی، هیچ القاء کند و تمام آینده را پر از ناامیدی و سیاهی تصویرسازی کند! واقع بینانه و علمی آنچه که اتفاق افتاده را در طبق اخلاص نهاده و صادقانه وسط بگذارد و مثبت هایش را هم واقع بینانه بگوید که برآیند آن یک افق و کارنامه خیلی خوبی را نشان می دهد و ضمناً ناشده هایش را هم متذکر و راه های رسیدن به نشده ها را هم بر روی زمین، نه روی هوا و نظر محض، نشان می دهد. پیام بسیار امیدوارانه نوشته شده در حالی که دشمن همه سعی خود را کرده است تا انقلاب اسلامی را بی آینده نشان بدهد. اتفاقاً آنچه در این پیام تحقیر شده، همین تلاش دشمن برای ناامید کردن مردم از انقلابی است که رهبر آن در حال برنامه ریزی برای یک گام بلند دیگر است و قصد دارد ده ها جشن پیروزی انقلاب دیگر هم برای انقلاب اسلامی برگزار کند. رویکرد بیانیه «نگاه به آینده» است. در عین حال که این بیانیه نگاهی به گذشته و مشکلات دارد، چشم اندازی است که قله ها و مسیر رسیدن به قله ها را هم مشخص می سازد. این بیانیه راه های طی شده را یادآوری می کند تا امیدزدایی رسانه های غربی و کنش گران سیاسی معاند را خنثی کند. مقام معظم رهبری در این بیانیه یادآوری می کنند که قله و مقصد کجاست و امید هم می دهند که مسیر طی نشده را باید طی کرد تا به قله رسید.

مقام معظم رهبری به خوبی وضعیت آینده کشور و مسیرهایی را که باید طی شود و محورهایی که باید مورد تأکید قرار بگیرد را، مشخص و معرفی کرده اند، همچنین به مشکلات و موانع در گذشته هم اشاره کرده اند و به صراحت بیان می کنند که با وجود مشکلات و تحریم ها، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی پابرجاست و موفقیت های

بزرگی را به دست آورده است. گذشته هم فقط شیرینی نیست، تجربه های تلخ فراوان هم دارد. پیام تأکید می کند حقیقت را از زبان دشمن نمی توان شنید. این درسی بزرگ و مهم است که به ما می آموزد حتی وقتی دشمن ظاهراً راست می گوید و خود را پی جوی حقیقت نشان می دهد، در واقع در حال گفتن دروغی بزرگ تر به ماست و اساساً در نظام عمل دشمن، حقیقت هم ابزار دروغ است.

14) دشمن شناسی در بیانیه: نکته مهم دیگری که در مورد این پیام باید در نظر داشته باشیم برنامه و طراحی های دشمن است. اساساً یکی از ویژگی های مهم این بیانات این است که در جای جای آن ردپای ضرورت فهم نقشه ی دشمن وجود دارد. این مورد نشان دهنده ی این است که غفلت از دشمن یکاستراتژی برای دشمن است. یعنی تولید غفلت برای مردم، نخبگان و مسئولین در نظام جمهوری اسلامی یک استراتژی برای آنان است که رهبر انقلاب در سطرهای این پیام، مکرر به آن اشاره داشته اند. پیام می گوید آنچه اروپا و امریکا می گویند نه پیشنهاد، بلکه اغلب فریب و خدعه است و بنابراین فریب نخوردن اصل مهم تری است تا توافق کردن، ضمن اینکه این جنس توافق ها هیچ گره ی از کار ملک و ملت نگشوده است. باید دانست که «آرمان های این انقلاب الهی تاریخ مصرف ندارد و افول پذیر نیستند». این یک قاعده اساسی است که انقلاب اسلامی با «بی مبالاتی به خطوط اصلی» خود و با «عمل انفعالی» و «مذاکره پشت پرده با دشمنان» نمی توانست چهل سال در مقابل دشمنان بایستد و از «نظریه نظام انقلابی» دفاع کند، بلکه با «عمل انقلابی و پای بند بودن به اصول خود و مرزبندی با دشمنان» از این نظریه با افتخار دفاع کرده است، چون برایش مهم است که «چرا و چگونه بماند»

براستی چرا «ملت هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده اند به جز تغییر حکومت ها، نتوانستند آرمان های انقلابی خود را حفظ کنند، اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران توانسته به حرکت خود ادامه دهد»؟! در پاسخ باید گفت: علاوه بر عوامل مختلف، محوری ترین عامل و آنچه که توانسته بزرگ ترین انقلاب جهان را بدون خیانت به آرمان هایش به چله پرافتخار خود برساند، بصیرت مردم و رهبری انقلاب در مورد اهداف و سیاست های

پشت پرده نظام سلطه و استکبار جهانی و عدم اعتماد به هرگونه مذاکره و نتایج آن با دشمنان ملت ایران و در رأس آنها آمریکا و در یک کلمه «دشمن شناسی» است. نسلی که انقلاب را به وجود آورد و آن را در گام دوم تحویل نسل بعدی داده، با استفاده از تجارب گذشته در سطوح ملی، منطقه ای و در صحنه بین المللی، آگاه بود که علت نافرجام همه انقلاب های دنیا که نتوانستند آرمان های خود را حفظ کنند و از مسیر و اهداف اصلی خود منحرف شدند و شکست خوردند، انفعال و تسلیم برخی از انقلابیون دیروز و سیاستمداران امروزشان بوده است.

در انقلاب های گذشته جهان و به ویژه انقلاب مشروطه ملت ایران اگر سران آنها تسلیم فشارها و پذیرش توافقات تحمیلی نظام سلطه نمی شدند و به مردم و آرمان های انقلابشان پشت نمی کردند و یا انقلابیون تحت تأثیر فضا سازی های دروغین نظام سلطه و خیانت دنباله های داخلی آنها قرار نمی گرفتند، قطعاً آن انقلاب ها و از جمله انقلاب مشروطه ایران نیز به انحراف کشیده نمی شد. اگر از تن دادن انقلاب های الجزایر و کبیر فرانسه و اکتبر شوروی به جاه طلبی های استعمار و استثمار مردم و همچنین وادادگی و بعضاً، خیانت پشت پرده و جهالت برخی از سران انقلاب مشروطه ایران که منجر به ادامه تسلط استبداد و استکبار بر ملت ایران تا سال 57 شد، بگذریم، مذاکرات پشت پرده برخی از شخصیت های متزلزل انقلابی با آمریکایی ها در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن را باید مصادیقی از جهالت و یا خیانت آنها برای به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی از آرمان هایش دانست که با هوشیاری و درایت رهبری انقلاب و دشمن شناسی و موقعیت شناسی مردم انقلابی خنثی و موجب حرکت انقلاب در مسیر آرمان های اولیه و اصیل خود تاکنون شده است.

خیانت های دولت موقت و بنی صدر و قرارداد الجزایر در اوایل انقلاب و ماجراهایی مثل مک فارلین و ایران کنتر در طول جنگ تحمیلی و پذیرش سیاست های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و سیاست کنار زدن نیروهای انقلابی از صحنه مدیریت کشور با دستورالعمل صندوق بین المللی پول در دولت سازندگی و مذاکرات و نامه های

ذلت بار محرمانه به آمریکایی ها در دولت اصلاحات و اکنون تلاش های موزیانه جریان غربگرای نفوذی برای تحمیل قراردادهای تحمیلی همچون سند 2030 و معاهده پاریس و برجام و اف ای تی اف و اینستکس و... همگی بخشی از مصادیق فشارهای سیاسی - اقتصادی - رسانه ای نظام سلطه برای تحمیل زیاده خواهی های خود در پای میز مذاکره و به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی است، اما تاکنون به مدد وجود رهبری آگاه و تیزبین و مردمی هوشیار و بصیر و حاضر در صحنه نتوانسته است به مقاصد شوم خود دست یابد. پایداری رهبر و ملت هوشمند و انقلابی همچون آبی سرد بر تمام سیاه نمایی ها و واژگون سازی های دشمنان و جنگ روانی - رسانه ای آمریکا و متحدانش علیه ملت ایران در یک سال گذشته بود و نشست ورشو را به عنوان ماحصل تمام این تلاش های خبیثانه به محاق برد.

در صحنه بین المللی نیز به عنوان یک نمونه آنچه که باعث شده شصت سال پیروزی انتفاضه ملت فلسطین به تاخیر بیفتد و رژیم صهیونیستی به اشغالگری و جنایت های خود ادامه دهد، همین خیانت و نشست پشت میزه مذاکره با این رژیم و پذیرش قراردادهای تحمیلی از سوی برخی سران خائن و سازشکار فلسطینی است. انقلاب های موسوم به بهار عربی بویژه خیانت محمد مرسی در انقلاب مصر نیز مصادیق ملموس سال های اخیر است. در مقابل آنچه باعث شده که امروز بعد از چهل سال روسیه به تجربه و سیاست درست جمهوری اسلامی مبنی بر عدم مذاکره با آمریکا و فریبکاری این کشور در مذاکرات برسد و اعلام کند هرگاه سران آمریکا به بلوغ رسیدند، حاضر به مذاکره با آنهاست، نشان می دهد که یک کشور چگونه بدون باج دادن به آمریکا در پای میز مذاکره، می تواند با مقاومت منافع ملی خود را حفظ کند و با قدرت و استقلال در صحنه ملی و منطقه ای و بین المللی حضوری تأثیرگذار داشته باشد. لذا در انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز نهضت تاکنون اولاً رهبری آن با آگاهی کامل از نقشه های دشمنان هیچ گاه به مذاکرات خیانت بار با دشمنان تن نداده و تسلیم فشارهای نظام سلطه نشده و به وعده های آمریکا و چند کشور اروپایی کپه دروغ خود را جامعه جهانی القاء می کنند، اعتماد نکرده و

برعکس با مقاومت خود، نهال مقاومت را در اعماق جان و دل ملت ایران و بلکه ملت های منطقه و جهان بارور کرده است. ثانيا هرگاه برخی انقلابيون ديروز در لباس سياستمدار تجديدنظرطلب امروز پشت پرده و به دور از ديد مردم با دشمنان ملت به مذاکره و داد و ستد آرمان های انقلاب پرداختند، مردم با آگاهی بخشی رهبری انقلاب و حضور هوشمندانه در صحنه از تحقق سياست های استکباری به انقلابيون متزلزل و غربگرای داخلی تحميل شده است، جلوگیری کرده اند. ثالثا اگر بر اساس مصلحت جامعه و کشور و برای دفاع از امنیت مردم و تأمین منافع ملی جایی حاکمیت اجازه مذاکره در موضوعی خاص را داده، اولاً با اطلاع مردم بوده و ثانيا نتایج آن را صادقانه به اطلاع مردم رسانده و ثالثاً بدون هیچگونه «تجدیدنظرپذیری در اصول و آرمان های انقلاب و انفعال»، مردم را به عبرت آموزی از نتایج آن مذاکرات فراخوانده است. لذا مقاومت و تسلیم نشدن مردم و رهبری انقلاب اسلامی در مقابل پیشنهادهای وسوسه انگیز و فریب کارانه آمریکا برای مذاکره بر سر اصول و آرمان های انقلاب، موجب «صیانت از اصالت شعارهای انقلاب» و «ورود انقلاب به دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی» و زمینه ساز «ورود نسل جوان امروز به فرایند بزرگ و جهانیّ چهل سال دوّم» شده است تا به جهان اعلام کند «آرمان های این انقلاب الهی تاریخ مصرف ندارد و افول پذیر نیستند».

لذا جوانان عزیز که پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی به آنها سپرده شده، باید بدانند «برای برداشتن گام های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه ها درس گرفت» تا آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار نگیرد. در این خصوص اولین و مهم ترین تجربه ملت ایران بی اعتمادی کامل به دشمنان و در رأس آنها آمریکا و چند کشور خبیث اروپایی و پرهیز از حيله گری آن هاست، چرا که تجارب صد ساله گذشته و به ویژه چهل سال بعد از انقلاب نشان می دهد آمریکا و انگلیس و فرانسه در هیچ مذاکره ای با کشورهای مختلف به تعهدات و وعده های خود عمل نکرده اند و جز امتیاز گرفتن و فریبکاری، از میز مذاکره برای طرف مقابل چیزی باقی نگذاشتند.

در کشور ایران حداقل در سال های اخیر ده ها تجربه از جمله مذاکرات سعدآباد و برجام و اس.پی.وی و اینستکس اکنون پیش ملت ایران و جوانان ماقرار دارد و ملت ایران در هرگونه مذاکره ای جز خسارت هیچ نفعی نبرده است. بر این اساس رهبری تصریح دارند: «پیشنهادهای سران نظام سلطه عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است و امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولت های اروپایی را نیز خدعه گر و غیرقابل اعتماد می داند و دولت جمهوری اسلامی نباید از تهدیدهای پوچ آنان بهراسد».

دومین تجربه که جوانان باید به آن واقف و مصرّ باشند این است که در دنیای کنونی برداشتن گام های استوار و تحقق اهداف انقلاب اسلامی و حمایت از ملت ایران و ملت های مظلوم منطقه و جهان جز با قوی شدن و مدیریت جهادی میسر نیست و باتکیه به این اصل، هرگونه مذاکره بر سر قدرت دفاعی و موشکی کشور کاملاً بی خردانه و غیرممکن است.

سومین تجربه ملت ایران این است که هرگاه مسئولان در مقابل فشارهای دشمنان بر اصول انقلاب پای فشردند، توانسته اند با پیشرفت کشور مشکلات مردم را حل کنند، و هرگاه دل به مذاکره با دشمنان برای حل مشکلات بستند! و مرعوب فضا سازی های آنها شدند، آنگونه که رهبری تأکید کردند «اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله نمی بود، بی شک بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت».

صاحب پیام از وضعیت عدالت در کشور ناراضی است اما بی انصافی درباره گذشته را هم بی عدالتی می داند. پیام انقلاب اسلامی را در برخی حوزه ها رکورددار می داند و من بعید می دانم هیچ کشوری در جهان صاحب این همه رکورد باشد. پیام گله می کند که مشکلات کشوری نه ناشی از انقلابی بودن بلکه ناشی از بی توجهی به مبانی و آرمان های انقلاب بوده است. این جمله کوتاه حقیقتی بلند در خود دارد و آن این است که هر کجا پیشرفتیبوده محصول انقلابی عمل کردن و پای بندی به اصول بوده و هر کجا به اصول عمل نشده قطعاً خسارت به بار آمده است. درباره مصداق یابی این اصل پس از

انقلاب حقیقتاً می‌توان کتاب‌ها نوشت و باید نوشت. لذا جوانان آینده‌ساز کشور باید بدانند «همه راه حل‌ها در داخل کشور است» و این تحلیل سراپا غلط که «علت مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است»، از القائنات نظام سلطه است که از سوی جریان نفوذی به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی کشور القاء می‌شود.

15) تقویت و تشدید قدرت محور مقاومت: نکته‌ی دیگر این است که رهبر معزز انقلاب در مورد سیاست نظام در مورد مسأله‌ی منطقه‌ای که اکنون نقطه‌ی اصلی فشار دشمن است، تعیین تکلیف بسیار مهمی کردند. برای اولین بار می‌شنویم که ایشان تأکید دارند ما در مرزهای سرزمین مان ایستاده‌ایم و در درون سرزمین‌های اشغالی نیز به مقاومت کمک می‌کنیم و این سخنان نشان‌دهنده‌ی این است که نظام جمهوری اسلامی دستاوردهای منطقه‌ای را سر دست گرفته و به آن افتخار می‌کند و به دشمن اعلام می‌کند با هر میزان از فشار از هیچ کدام این دستاوردها عقب‌نشینی نخواهد کرد. بلکه برعکس تهدیدات دشمن را تبدیل به فرصتی برای توسعه‌ی این دستاوردها خواهد کرد.

بیانات رهبر انقلاب پیامی محکم برای دشمنان نظام است. حتی اگر دشمنان به روی خود نیاورند، اما در پس پرده به این بخش از بیانات ایشان توجه ویژه دارند. پیام آشکار و سرفرازانه می‌گوید امروز در آستانه مرزهای رژیم صهیونیستی ایستاده‌ایم، در قلب سرزمین‌های اشغالی به مجاهدان کمک می‌کنیم، به مقاومت سلاح‌های پیشرفته می‌دهیم و ائتلاف‌سازی‌های تبلیغاتی آمریکا را به هیچ می‌گیریم. این شاید راهبردی‌ترین پیام برای همه‌بازیگرانی است که امید بسته بودند فشارها و فضا سازی‌ها بر محاسبات رهبری در ایران تأثیر بگذارد، امروز در برابر این فشارها نه تنها حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش کم نشده؛ بلکه محاسبات انقلابی را تقویت و تشدید کرده است!

16) مشروعیت بخشی به نظام در پرتو فسادگریزی: پیام می‌گوید کسب ثروت خوب است اما عدم فساد ملاک مشروعیت است. واژه‌ی مشروعیت کاملاً به دقت انتخاب شده و دارای بار فقهی است به این معنا که مسئول فاسد و غاصب در حکم طاغوت است و

اساساً اجازه امر و نهی از موضع حکومت ندارد. پیام تلویحاً می گوید بهشت به اختیار است اما جهنمی ها اجازه نخواهند داشت به اجبار مردم را به جهنم ببرند و این شأن حکومت است که در این باره به وظیفه ی خویش در قبال جامعه عمل کند.

به رغم حرکت رو به جلوی جمهوری اسلامی در حوزه های مختلف و دستاورد های مهم، وجود یک ذهنیت منفی قابل توجه درباره «ناکارآمدی» و «فساد مسئولان» در حوزه اجتماعی غیر قابل انکار است. تحلیل اینکه این ذهنیت تا چه حد محصول تبلیغات منفی رسانه ای توسط مخالفان و معارضان جمهوری اسلامی در داخل و خارج است یا اینکه برخی نارسایی های قابل توجه و مدیریت های غلط و ناموفق در حوزه ی اقتصادی و کاستی ها در حوزه قضایی تا چه اندازه به این ذهنیت دامن زده است، مسأله این متن نیست، اما به هر حال وجود این ذهنیت به راحتی قابل انکار نیست. از سوی دیگر، تحقق یک «پیشرفت همه جانبه» برای ایران در گام دوم انقلاب به ظهور یک «نهضت» از کار و تلاش میان قاطبه ی مردم ایران نیازمند است، اما ذهنیت پیش گفته شده می تواند «رخوت» اجتماعی بزرگی مقابل این نهضت تولید کند.

سپردن کار به جوان ها از طریق ایجاد یک گسست و شیفت اجتماعی قابل توجه که با رخوت مزبور مقابله کند؛ در این برهه حیاتی و مهم است؛ چه آنکه به میدان آمدن جوان ها علی القاعده ذهنیت فساد و ناکارآمدی را درباره مدیران کشور تا حد بسیار قابل توجهی به محاق می برد و روح تازه ای به فضای سیاسی - اجتماعی برای پیش روی می دمد.

17) بازنمایی مجدد عدالت و آزادی: موضع گیری شفاف درباره دو مقوله عدالت و آزادی و جایگاه آن ها در این چهل سال را نیز باید به فهرست ویژگی های تمایزبخش این بیانیه اضافه کرد؛ دو مقوله ای که از قضا جزء بنیادین ترین ارزش های انقلاب اسلامی بوده و همواره در قضاوت عمومی درباره کارآمدینظام جایگاهی کلیدی دارند. رهبر انقلاب آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه را از جمله ارزش های اسلامی و نه تفضل حکومت ها به مردم دانستند و از وظیفه حکومت برای تامین آن گفتند و یادآور شدند که «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون

و ارزش های الهی و حقوق عمومی تعریف شود؛ تعریفی که به عرف رایج بسیاری از محافل روشنفکری تبدیل شده و از قضا در این سال ها انتقادات و سیاه نمایی های فراوانی نیز به واسطه ی آن علیه نظام صورت گرفته است. مسأله ای که البته پیش از این نیز بار ها در قالب سیاست ها و قوانین، مورد اشاره قرار گرفته، اما برای اجرای شایسته آن، چشم امید به جوان ها است.

18) جوان گرایی در بیانیه: براستی چرا رهبری جوانان را مخاطب قرار داده اند؟ در همه ی ادوار یک تمدن نیرویی بسیار قوی لازم است تا آن مرحله با سرعت و قدرت طی شود. در ابتدای انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، جوانان نسل اول انقلاب انرژی و نیروی محرکه ی اصلی را برای کشور فراهم کردند. در مراحل بعدی مسائلی چون جنگ، دوران سازندگی، دوران جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، جنگ سیاسی و... را داشتیم. در تمامی این مقاطع انرژی اصلی را قشر جوان فراهم می کردند و در این مرحله که چهل سال دوم انقلاب اسلامی را پیش رو داریم جوانان را بایستی مخاطب قرار داد. برای پیمایش گام دوم انقلاب، جوانان چند ویژگی مهم دارند که حائز اهمیت است:

الف: ویژگی نخست این است که اکنون جوانان بسیار با بصیرت و معنویت هستند و حتی در این موارد از سطح جوانان اول انقلاب بالاتر هستند. در این پیام رهبر انقلاب در خصوص مشکلات اخلاقی و لجن زاری که حاکمان قبل از انقلاب به زندگی مردم و جوانان کشانده بودند نیز صحبت به میان می آورند و این که با شروع انقلاب گندزدایی از فضای اجتماعی و خانوادگی اتفاق افتاد و طبیعتا قرار است جوانانی با معنویت بالاتری در دوره ی دوم انقلاب، سکان کار را در دست بگیرند.

ب: ویژگی دوم مجهز شدن جوانان به عنصر علم و فن آوری است. جوان دهه ی پنجم انقلاب اسلامی از جهت دانش و سطح آگاهی به مراتب از جوان قبل یا اوایل انقلاب پیشرفته تر است. قطعا کشوری که از نظر علمی در جغرافیای علم و فن آوری دنیا تا سال 57 هیچ گونه جایگاهی نداشت اکنون یکی از قدرت های علمی و کشورهای محسوب می شود که در تولید علم و فن آوری حرفی برای گفتن دارد. در برخی محورها حتی جزو

نخستین‌ها هستیم. حدود چهارده تا پانزده میلیون نفر جوان تحصیل کرده یا در حال تحصیل در مقطع دانشگاهی داریم. چه در دوره‌ی قبل از انقلاب و چه در دوره‌ی انقلاب و این به اصطلاح جریان جوان که حدود چهل میلیون نفر از جمعیت کشور را مجموعاً تشکیل می‌دهند با صلاح معنویت، علم و فن آوری اکنون آماده‌ی ایناست که دومین مرحله‌ی اوج‌گیری انقلاب اسلامی را رقم بزنند، بنابر این رهبر انقلاب جوانان را خطاب قرار می‌دهند.

ج: آرمان خواهی و دوری از محافظه‌کاری از ویژگی‌های ذاتی جوانان است و افزایش سن به طور طبیعی احتمال‌گرایی به سمت محافظه‌کاری را در انسان‌ها افزایش می‌دهد. این مطلب به معنای ارتباط مستقیم «سن» با «محافظه‌کاری» نیست، چه آنکه نمونه‌های متعددی از سال‌خورده‌گان و پایه‌سن‌گذشتگان می‌توان فهرست کرد که اگر از بسیاری از جوانان آرمان‌خواه‌تر و انقلابی‌تر نباشند، کمتر نیستند، اما یک مسأله محرز - دست کم به تجربه - بدیهی است و آن اینکه به طور معمول معدل آرمان‌خواهی در جوانان بیشتر از سال‌خورده‌گان است.

معمولاً - پیش فرض‌ها بر آن است که میانسالان و سال‌خورده‌گان مجرب‌تر، امکان و پتانسیل بسیار بهتری نسبت به جوانان برای تحقق کارآمدی دارند؛ اما این پیش فرض هم با یک بررسی تاریخی درباره تجربه ملی پس از انقلاب اسلامی و هم براساس مطالعات علمی به چالش کشیده می‌شود. پیروزی نهایی در جنگ هشت ساله تحمیلی برابر رژیم بعثی برخوردار از حمایت‌های قاطبه قدرت‌های دنیا از آمریکا گرفته تا شوروی که به عنوان یکی از نمونه‌های فتح معجزه‌آسای پس از انقلاب محسوب می‌شود به دست جوان‌ها رقم خورده است. گزارش‌ها می‌گویند سن فرماندهان ایرانی در دفاع مقدس غالباً بین 19 تا 25 سال بوده‌است. شهید تهرانی مقدم به عنوان یکی از موثرترین چهره‌های پس از انقلاب که با تاسیس و بومی‌سازی فناوری موشکی نقش کلیدی‌ای در تأمین امنیت ایران داشت در زمان پایه‌گذاری صنعت موشکی ایران نهایتاً 30 سال داشته است.

سرعت رشد خیره کننده علمی کشور در سال های گذشته و کسب جایگاه های برتر دنیا در فناوری های های تک و لبه های دانش مانند سلول های بنیادی، نانو، هوافضا و امثال این ها نیز عموماً به دست جوان ها انجام شده است؛ بنابراین جوانان به تجربه ثابت کرده اند در صورت به دست گرفتن امور، نتایج شگفت انگیزی به همراه می آورند. در سرتاسر بیانیه بارها و بارها تحیت و سلام رهبری عزیز خطاب به جوانان به چشم می خورد. در انتها نیز با سلامی ویژه به جوانان به پایان می رسد. این ابراز تحیت ها، مسئولیت پاسخگویی بهتر از آن را بر دوش جوانان می نهد. همه جوانان باید نسبت خود با این بیانیه را مشخص و برای وصول به جایگاهی که رهبر انقلاب از آنان انتظار دارند برنامه ریزی کنند. نکته قابل توجه این است که جوانان نباید منتظر روزی بنشینند که جزو مسئولان شمرده شوند، آنگاه بخواهند نقش آفرینی کنند. فرمان آتش به اختیار تکلیف همه توجیه ها و بهانه تراشی ها را گرفته است. البته باز عده ای سوءاستفاده نکنند و این فرمان را بی قانونی تفسیر نکنند. در اینجا برخی از مطالبات رهبری از جوانان را با کمی تلخیص اشاره می کنیم:

(1) اولین وظیفه جوانان، درک جایگاه، قدر و قوت خدادادی است. با آن قدرت جوانی، خرمشهر محاصره شده در تبلیغات مایوس کننده دشمن را با کاشتن نهال امید در خود و دیگران پرورش دهند و این نخستین جهاد آن هاست.

(2) از مطالعه تاریخ و درس گرفتن از تجربه ها غفلت نکنند تا دروغ را به جای حقیقت به خوردشان ندهند و جای جلااد و شهید را در نظرشان عوض نکنند. هر روز با خود مرور کنند که استقلال و آزادی و امنیت کشور خون آورد صدها هزار شهید است.

(3) به استقبال مسئولیت بروند و از مشکلات ترسند. تمایز مسئولیت پذیری با جاه طلبی را عاقلانه در وجود خود ثبت کنند. خود را صاحب انقلاب بدانند و با عمل جهادی و نگاه انقلابی ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.

(4) با احساس مسئولیت بیش تر همچون جهاد، علم اندوزی را پیش بگیرند. بدانند دشمن بدخواه از جهاد علمی آن ها بیمناک است. به همین دلیل است که دانشمندان علمی

کشور را ترور کرده است. از کسانی که علم را فقط در مدرک تحصیلی و مقاله می دانند فاصله بگیرند تا طعم خوش حل مسائل کشور از طریق مجاهده علمی را بچشند.

5) مراقب ابزارهای رسانه ای پیشرفته باشند و منتظر دستگاه های حکومتی نباشند. بدون شک از اصلی ترین مصادیق آتش به اختیار بودن جوانان، تسخیر فضای مجازی و تبلیغ و تبیین برای هدایت دل ها و خارج کردن آن از انحصار کانون های ضد معنویت جهانی است.

6) مروج سبک زندگی اسلامی در زندگی شخصی و اجتماعی خویش باشند و در جمع های مؤمنانه، در پرهیز از سبک زندگی غربی و ترویج سبک زندگی اسلامی مسابقه بگذارند.

19) اجتماعی سازی و کارآمدی نظام: «اجتماعی سازی» در نحله ها و رشته های مختلف دانش، معانی گوناگونی دارد اما در سیاق این بیانیه، اجتماعی سازی، مفهومی نزدیک به «عمومی سازی» دارد که بر اساس آن مردم، نه تنها «مخاطبان» مسائل کشور که «مدیران» آن نیز هستند. اجتماعی سازی در این موقعیت مفهومی، نه تنها مشارکت در تدبیر مسائل کشور را طلب می کند که «تشخیص» بسیاری از مسائل را نیز به عرصه های عمومی به ویژه تجمعات علمی، معرفتی و کنش گری جوانان متعهد به انقلاب می سپارد. یکی از لوازم تقویت و تحکیم این پیشران مهم، بسط تفکر «شبکه سازی» در میان وفاداران و دلسوزان و دغدغه مندان انقلاب است. شبکه های شکل گرفته در ساحات علم و فناوری، معنویت و اخلاق، عدالت خواهی، مقاومت و اقتصاد، ظرفیت حرکت و اقدام جمعی، ساختارمند و گسترده را فراهم می آورد. علاوه بر این بستری هموار و متجانس را برای تحقق مؤثر، پیشران جوان سازی مهیا می کند.

اجتماعی سازی در چارچوب شبکه سازی گسترده مردمی، نیازمند توصیف است. بهترین وصف برای این پیشران که آن را از سایر الگوهای اجتماعی سازی می تواند متمایز کند، «کارآمدگرایی» است. تمرکز منظومه ی رسانه ای دشمنان انقلاب و ایران، بر ناکارآمد پنداشتن نظام اسلامی در همه زمینه ها و عرصه هاست. تمام توان و تلاش عاملان

شبکه های مردمی دغدغه مند، باید بر تحقق کارآمدی عینی و عملی در کنار ترسیم کارآمدی در عرف ذهنی اجتماع باشد. امروزه براساس تلقین های ناجوانمردانه دشمن در رسانه های متنوع، ضعف ایمانی و نگرشی بعضی از اصحاب انقلاب و مسئولان، ناکارآمدپنداری مجال طرح یافته است. توسعه ی این انگاره ی نادرست و تعمیم آن در میان اجزای حاکمیت و مردم، یکی از موانع اصلی در تحقق هرگونه اقدام مبتنی بر آینده در کشور است. مردم، برخلاف همه ی هجمه ها و دروغ های رایج و شایع، قدردان زحمات و خدمات انقلاب اند. نگه داشت و افزایش سرمایه ی اجتماعی برآمده از این خدمات، با تأکید بر «سرمایه اجتماعی شناختی» که ناظر به حفظ و افزایش همدلی و هم زبانی حاکمیت و ملت است، مهمترین ابزار برای مواجهه با تلقین ناکارآمدی است.

از متن این بیانیه می توان فهم کرد که تمرکز بر هر پیشران، و وزن دهی متوازن به هر یک، بُعد آینده اندیشانه آن را بهتر تضمین می کند. از منظری دیگر، همه پیشران ها، علاوه بر نقش آفرینی در راهبری محتویات بیانیه، می توانند مقوم طرحی مفهومی از «سیستم عامل» واسط میان قوای نرم افزاری کشور، نیروی انسانی مستعد مومن و دیندار و جوان، و ابزارهای سخت افزارانه و فهرست طولانی از فرصت های مادی کشور، عمل نمایند. یکی از دستاوردهای بُعد تمدن ساز انقلاب، ارائه ی الگوی جدیدی از حاکمیت است. به صورت طبیعی، هر حاکمیتی برای اقامه و بسط اهداف خود، نیازمند چنین سیستم فناورانه جامعی است. شاید یکی از نقایص موجود در معماری کلان ناظر به بُعد و شأن جامعه سازی انقلاب، عدم طراحی این سیستم عامل واسط یا به روز رسانی آن است. پیشران هایی مانند جوان سازی، اجتماعی سازی و کارآمدگرایی، علاوه بر نقش پیشرانی اش، اضلاع الگویی برای طراحی مفهومی از این سیستم نیز می توانند فرض شوند.

20) روحیه انقلابی ضامن تحقق دولت و نظام انقلابی: کلیدواژه «نظام انقلابی» توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی که برای اولین بار در بیانیه گام دوم به کار برده شد توجه اهل نظر و بصیر را به خود جلب نموده. کاربرد این واژه نقطه مقابل نظریه نهادسازی

انقلاب هاست. طبق نظریه نهادسازی، هر یک از انقلاب ها به تدریج از روحیه انقلابی فاصله گرفته و از شور و حرارت می افتد و جای خود را به نهاد های محافظه کار می دهد.

به بیانی در انقلاب ها یک ادبیاتی وجود دارد که می گوید انقلابیون دو دسته می شوند. عده ای انقلاب گرایان دائم یا طرفداران انقلاب دائم می شوند یعنی انقلابی عمل کردن دائم. یک عده هم معتقدند انقلابی بودن برای یک فصلی است و وقتی انقلاب پیروز شد انقلابی عمل کردن ممکن نیست. به طور مثال پمپئو و تیم جدید آمریکایی یکی از اخطارهایی که به ایران دادند، این بود که ایران باید بین انقلابی بودن و یک نظام سیاسی بودن یکی را انتخاب کند. این را مطرح کردند که نمی شود دائما انقلابی بود. مقام معظم رهبری از جمله کسانی هستند که بر انقلاب دائم تاکید دارند و این را در این جمله می گویند که انقلاب اسلامی پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند. ایشان طرفدار این موضوع است و در اینجا به صورت شفاف مطرح و تاکید می کنند.

رهبر معظم انقلاب در این بیانیه به دنبال تبیین این حقیقت است که انقلاب اسلامی نه تنها در نحوه پیدایش و تکوین و نظام سازی با همه انقلاب های طول تاریخ متفاوت است بلکه در ادامه راه و ماندگاری تفکر و روحیه انقلابی نیز هیچ شباهتی با انقلاب های معاصر ندارد.

از ویژگی های اسلام انقلابی این است که در مردم شور انقلابی ایجاد و مردم را انقلابی می کند و این سرآغاز حرکت انقلاب اسلامی است. مردم انقلابی، سبب شکل گیری انقلاب اسلامی شده و انقلاب اسلامی موجب پیدایش نظام اسلامی شد، اما نظام اسلامی اگر از تفکر انقلابی فاصله بگیرد و به نظام انقلابی تبدیل نشود در گذر زمان استحاله شده و انقلاب اسلامی نیز به سرنوشت محتوم سایر انقلاب ها دچار شده و روحیه انقلابی به روحیه محافظه کاری تبدیل خواهد شد و تردیدی نیست که محافظه کاری قتلگاه باور ها و اعتقادات و ایمان مردم و اعتماد آنان به انقلاب اسلامی است و در یک کلمه محافظه کاری قتلگاه انقلاب است و این همان آسیبی است که محافظه کاران،

غربزدگان و شیفتگان غرب در کشور طی سالیان اخیر قویاً به دنبال آن بوده و روحیه انقلابی را معادل رفتار احساسی تفسیر و بارها و بارها بر ضرورت پایان دادن به انقلابی گری تأکید کرده و می کنند.

بنابراین تبدیل نظام اسلامی به نظام انقلابی، به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر مستلزم تشکیل دولت انقلابی بوده و لازمه تشکیل دولت انقلابی حفظ، احیا و تقویت روحیه و تفکر انقلابی در کشور است و نقطه ی آغازین این مسیر، ارتقای تفکر و روحیه انقلابی در درون ملت و عامه مردم است. انقلابی گری و تفکر و روحیه انقلابی را می توان یکی از مهم ترین مطالبات مقام معظم رهبری در سال های اخیر دانست که همواره و در مناسبت های مختلف بر ضرورت آن پای فشرده و مردم به ویژه نسل جوان را به آن دعوت کرده اند. به عنوان نمونه ایشان روز دوازدهم آبان ماه سال 95 در جمع دانش آموزان علاج مشکلات کشور را در روحیه و تفکر انقلابی دانسته و فرمودند: «علاج مشکلات این کشور (چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعد ها خواهیم داشت) و حل این مشکلات در گرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملت است از درون ملت بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد؛ آنچه من روی آن تکیه می کنم روحیه انقلابی گری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید»

روحیه انقلابی سه سطح: «مردم»، «نخبگان» و «دولت» را شامل می شود و هر سه سطح مکمل یکدیگرند. روحیه انقلابی مردم علاوه بر اینکه «سبب استحکام درونی قدرت»، «پشتوانه حضور انقلابیون در صحنه»، «تکیه گاه قوی مسئولان برای حل مشکلات»، «بالا تر بردن ظرفیت ملی برای کاهش آسیب پذیری داخلی»، «خنثی سازی توطئه های خارجی و مایوس کردن دشمنان» می شود سبب بسط و گسترش تفکر و روحیه انقلابی در بین مسئولان هم می شود. اما اگر نخبگان کشور دارای روحیه انقلابی باشند بی شک هم بر رشد کمی و کیفی روحیه انقلابی مردم اثر مثبت می گذارند و هم با جریان سازی و تصمیم سازی صحیح و به موقع، مانع از فروکش کردن روحیه انقلابی مسئولان و تسلط تفکر محافظه کاران بر امور کشور می شوند. در این میان نقش و تأثیر دولت انقلابی

در تکثیر و ترویج روحیه انقلابی به دلیل در اختیار داشتن همه ابزار های لازم برای این اقدام، نظیر: قدرت برنامه ریزی، بودجه ریزی، هزینه کردها، به کارگیری نیرو های انسانی، مدیریت و استفاده از ظرفیت های کشور، تدوین قوانین و... به مراتب از دو سطح دیگر بیشتر و مؤثرتر است.

از تعامل منطقی و درست این سه سطح روحیه انقلابی در کشور نهادینه شده و سبب پیدایش و استقرار دولت انقلابی و تبدیل نظام سیاسی کشور به نظام انقلابی خواهد شد و این امر بقای انقلاب اسلامی را تا رسیدن به قله ها و اهداف کلان و تحقق تمدن بزرگ اسلامی تضمین می کند. اما حقیقت تلخ این است که جمهوری اسلامی در مسیر فرایند پنج مرحله ای تحقق اهداف انقلاب اسلامی در مرحله سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی و انقلابی توقیفی بس طولانی داشته و طی سال های طولانی گذشته از فقدان دولت انقلابی رنج بسیار برده و آسیب ها و خسارات فراوانی را متحمل شده است. در شرایط فعلی که دشمن با تمام قوا و در تمامی صحنه ها و میدان ها آرایش جنگی گرفته است، گریزی از اتخاذ آرایش جنگی در کشور نداریم، اما آرایش جنگی در کشور مستلزم تقویت روحیه انقلابی در مردم، نخبگان و دولت است، اما سوگمندان باید گفت: روحیه انقلابی در دولت به صورت نهادینه مشاهده نمی شود. رفتار و عملکرد مردم، نخبگان، نظامیان و دستگاه ها و نهاد ها در سیل اخیر در کمک و امداد رسانی به سیل زدگان بی شک نماد روشنی از روحیه انقلابی بود.

مسئولان در قوای سه گانه به ویژه قوه مجریه به عنوان سکان دار اداره کشور باید به دو دلیل مشخص: «ضرورت تحقق نظام انقلابی و پیشبرد صحیح گام دوم انقلاب اسلامی» و «شرایط ویژه فعلی که دشمن کینه توز و محور شرارت عبری، غربی، وهابی علناً در تمامی حوزه ها علیه جمهوری اسلامی آرایش جنگی گرفته است» از فرهنگ طاغوتی گری، اشرافی گری و کاخ نشینی فاصله گرفته و با اتخاذ رویکرد انقلابی آرایش جنگی بگیرند. در برابر دشمن لجوج و بی منطق، دولتی انقلابی با روحیه انقلابی و دیپلماسی اقتدار لازم است، و چنین دولتی باید ویژگی های حداقلی زیر را داشته باشد: «یقین داشتن به خصومت

خباثت آمیز نظام سلطه غرب و در رأس آن شیطان بزرگ علیه ملت و نظام ایران»، «محترم شمردن و رعایت خطوط قرمز نظام و تبعیت از فرامین ولی فقیه و تلاش برای تحقق منویات معظم له در گام دوم انقلاب»، «باور به ظرفیت های داخلی و توانایی نیروهای خودی با ویژگی های انقلابی جهت حل مشکلات کشور»، «پاکدستی و ساده زیستی و پرهیز از روحیه اشرافی گری و کاخ نشینی»، «عزم جدی و عملی و داشتن برنامه برای مقابله با هر نوع فساد اقتصادی، اداری، سیاسی و...»، «تقویت رویکرد جهادی و استفاده از همه ظرفیت های داخلی جهت ایجاد اشتغال و حل مشکلات مردم به ویژه جوانان» و «باور به ظرفیت جوانان و فراهم کردن زمینه و بستر انتقال فوری مدیریت به نسل جوان کشور» باور قطعی این است که ملت قهرمان ایران در کنار دولتی انقلابی خواهند توانست تمامی توطئه های دشمن را خنثی و مسیر اهداف نظام انقلابی را هموار کنند. (21) دوگانه ها در بیانیه: با وجود برخی دوگانه ها مانند اسلام و استکبار، که دوراه جمع ناپذیر به شمار می آیند، دوگانه هایی هم در اخلاق، سیاست و مسائل اجتماعی وجود دارد که ظرفیت بزرگ اخلاق انسانی می تواند محل جمع این امور به ظاهر ناسازگار و جامع اضداد باشد. اساسا هنر بزرگ انقلاب اسلامی، جمع دوگانه های بزرگ در عالم فرهنگ و سیاست است. انقلاب اسلامی، به عنوان پدیده ای فراگیر، چندساحتی و ماندگار، جمع این دوگانه ها را در گفتمان خود محقق ساخته است.

نخستین دوگانه در تئوری و اندیشه انقلاب اسلامی آن جاست که دین و دنیا را در کنار هم مطرح نمود و آغازگر عصر جدیدی در عالم گردید. در حالی که سال ها و قرن ها، به ویژه پس از رنسانس، تقابل دین و دنیا و حذف دین در اندیشه های سکولار ترویج می شد. امام خمینی (ره) نهضتی آغاز کردند که در اندیشه معرفتی آن، جایگاه برجسته دین در دنیا به درستی تبیین شده بود و نشان می داد که اسلام ناب از تئوری جامعی برخوردار است که می تواند این دوگانه را جمع نماید و این گام بزرگی بود که انقلاب اسلامی برداشت.

دوگانه جمهوریت و اسلامیت هم از مسأله های جمع پذیر دوم در تفکر انقلاب اسلامی است. پیش از انقلاب، تبلیغ شده بود که در اسلام حکومت نداریم یا حکومت اسلامی در جامعه امروز تحقق نیافتنی است. در برابر این اندیشه، تفکراتی نیز وجود داشت که حضور مردم را در عرصه سیاسی و اجتماعی با حکومت اسلامی قابل جمع نمی دانست، ولی تئوری برجسته در اندیشه امام خمینی (ره) که اکنون در قانون اساسی ما تجلی یافته است، نشان داد جمهوریت و اسلامیت در کنار یکدیگر جمع می شود.

یا افرادی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تصور می کردند برای انقلابی ماندن نباید تن به نظم داد و در نقطه مقابل، برخی تحقق جمهوری اسلامی را نقطه پایان روحیه انقلابی می دانستند. اما انقلاب اسلامی قائل به جمع دوگانه نظام و انقلاب است که براساس آن، نظام یافتگی هر جامعه به معنای پایان تفکر انقلابی نیست و نمی توان گفت انقلابی بودن به معنای فقدان نظام یافتگی است. امروز نمونه روشن حکومت نظام مند و حکیمانه در کنار حفظ روحیه انقلابی، در تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری مشهود است. دوگانه های انعطاف و اصالت، ملیت و اسلامیت، توسعه و عدالت، استقلال و آزادی، استفاده از تجربیات گذشته و جوان گرایی و... را از دیگر مسائلی است که جمع میان آنها، جزو دست آوردهای انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم است و برای شناخت بهتر این ظرفیت ها باید کار پژوهشی و علمی مناسبی صورت پذیرد.

باید دانست که دوگانه رعایت قوانین بین الملل در کنار حرکت در مسیر انقلاب و مقاومت، یکی از مسائل مهم انقلاب اسلامی است. هضم در قوانین بین الملل و کوتاه آمدن از آرمان ها یا پشت کردن به جامعه جهانی، یکی از دوگانه هایی است که انقلاب اسلامی با حکمت بر آن فائق آمده است.

در جای دیگری می فرمایند: انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند، اما مهربان، باگذشت و حتی مظلوم بوده است. این هم حکیمانه است. این هم توصیفی است از 40 ساله و توصیفی حکیمانه از این 40 سال است. یعنی اینکه همین گفته اند که به هر حال در این 40 سال، انقلاب ایران قدرتمند بوده است اما قدرت مانع از مهربانی آن نبوده است. این

یکی از دوگانه هاست و این مهربانی مانع از گذشت نبوده است و این مهربانی و گذشت تا جایی بوده که حتی مظلوم واقع شده است. یعنی به عبارتی مظلومیت در اوج اقتدار. این یک نکته مهمی است. یک توصیفی است از یک واقعیت تلخ 40 ساله انقلاب. انقلابی قدرتمند که در اوج اقتدار به دلیل مهربانی و باگذشت بودن مظلوم است. (1)

22) دانایی و توانایی: علت اینکه ائمه هدی و معصومین ما فصاحت و بلاغت در کلام داشتند همین وجه مخاطب شناسی و تکلم با هر شخص با زبان و روش خاص خود بود؛ امروز هم باید برای تثبیت انقلاب کار جدید، نو و خلاقانه کرد و انقلاب را باید هر روز اثبات کرد چون دشمنان این انقلاب هر روز در حال دشمنی ورزی و خباث هستند. صرف برگزاری مراسمات و جلسات و همایش ها کافی و مهم نیست بلکه باید دید چقدر توانسته ایم مشکل حل کنیم و سوال پاسخ دهیم و قانع کنیم آنها را جزو اولویت های تبلیغ قرار دهیم. بنابر این:

گر مدیر لایقی دیدی بدان * او بود پیرو مولای زمان

با ولایت علم وی گویا شود * بهر حق و آنچه آرد در بیان

باید دانست که تبلیغ اسلامی، پروپاگاندا نیست، زیرا وقتی صحبت از پروپاگاندا در میان است بحث از خفه سازی ذهن و بستن دهان مخاطب با آمارسازی دروغین است؛ اما تبلیغ اسلامی یعنی ابلاغ دارد و ابلاغ ریشه در بلوغ دارد و بلوغ یعنی رساندن مطلب به ذهن و قلب مخاطب، تبلیغ اسلامی صرف گفتن نیست بلکه اقناع قلب و ذهن مخاطب است.

23) گفتمان سازی براساس بیانیه: از کارکردهای مهم و قابل توجه بیانیه ی گام دوم انقلاب، حرکت از معانی و انگاره ها به سوی گفتمان ها است. گفتمان سازی، فرآیند همه گیر

ص: 114

1- گرفته شده از سخنان محمدباقر خرمشاد عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در نشست دبیرخانه تشکل های اساتید مدیریت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها با موضوع «بررسی تحلیلی بیانیه گام دوم»

کردن یک مفهوم و یک معرفت با استفاده از برنامه ریزی مداوم و دائمی تبلیغی و با هدف میانی رشد اندیشه، بینش و باور همراه با احساس مسئولیت و تعهد جامعه و با هدف نهایی رشد اعمال صالح در جامعه است؛ به سخنی دیگر، گفتمان سازی دینی، فرآیند تحقق اهداف تبلیغ دینی و اسلامی است.

گفتمان، شرایط و وضعیتی است که افراد جامعه می توانند در آن تفاهم داشته باشند، شرایطی که در آن، نوعی توافق - به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه - در میان افراد جامعه برقرار است که میتوانند چیزهایی را معنادار بدانند و به درک مشترکی از آن ها رسیده باشند؛ بنابراین اگر امکان و شرایط فهم مشترک در جامعه وجود نداشته باشد، هر اقدام و گفتگو و ارتباطی در سطح جامعه غیرممکن خواهد بود؛ از این رو گفتمان را باید «شرایط تفاهم و مفاهمه در جامعه» بدانیم. بر این مبنا، باور عمومی، تجلی گاه گفتمان جامعه است؛ گفتمان یعنی آن وضعیتی که یک سخن (یک آرمان، یک معرفت و...) مورد تفاهم، قبول و پذیرش عموم مردم تلقی شود و مردم به آن توجه کنند؛ گفتمان جامعه، مفهوم و معرفتی است که در بُرهه ای از زمان در یک جامعه همه گیر می شود. (1)

از ولایت گر شوی روزی جدا * می شوی خوار و ذلیل و بی بها

پس عزیزم قدر خود را خوب بدان * با همان نوع گفتمان بی خطا

24) تکریم ملت ایران و تایید دین و تکمیل شعارهای مردم: در پاراگراف اول بیانیه بیاناتی دارند مبنی بر تکریم و تعظیم ملت ایران بخاطر حفظ این انقلاب شکوهمند مانند اینکه ملت ایران چه ملتی است و کمتر اتفاق می افتد که ملت ها انقلاب کنند و از آن کمتر اینکه انقلاب را حفظ کنند. از طرفی یکی از تمایزات برجسته انقلاب اسلامی با سایر انقلاب ها که مقام معظم رهبری بر آن تأکید کرده اند «مردمی بودن» است. اگر نگاهی تحلیلی به انقلاب های بزرگ دنیا از جمله فرانسه، ایران، روسیه و چین بیندازی، به سهولت در می یابی که در همه این موارد به استثنای انقلاب ایران، تنها یک قشر یا طبقه

ص: 115

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (با تغییرات لازم)

محور انقلاب بوده اند. به عنوان مثال در چین، انقلاب تنها شامل دهقانان بود و عالمان دینی، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در اداره و شروع آن نقشی نداشتند. از همین منظر می توان انقلاب چین را انقلابی روستایی - دهقانی به حساب آورد. انقلاب روسیه و فرانسه نیز به همین شکل انقلابی کارگری بود. اما ویژگی متمایز انقلاب ایران در این است که نمی توانی فقط یک قشر را محور قرار دهی. در انقلاب ایران استاد، دانشجو، بازاری، روحانی، نظامی، روستایی و شهری همه و همه در کنار هم حضور دارند. به عبارتی انقلاب برای همه است.

همچنین از انقلاب به عنوان یک نهضت بزرگ دینی یاد می کنند. به عنوان یک نهضت بزرگدینی یاد کردن بدیع است و بیان می کنند که چطور این نهضت بزرگ دینی در معرکه ای از بی دینی ها اتفاق می افتد، یعنی در میانه معرکه ایدئولوژی های چپ و راست، به نوعی در معرکه نزاع یا هموردطلبی ایدئولوژی سوسیالیسم، مارکسیسم و لیبرالیسم... نهضتی به نام دین اتفاق می افتد. این پدیده بدیعی است که از انقلاب اسلامی به یک نهضت بزرگ دینی یاد می کند.

رهبر معظم انقلاب شعارهای انقلاب یا چهار شعار اصلی انقلاب که مبتنی بر چهار خواسته اصلی و بنیادین مردم ایران در سال 57 بود، مورد تاکید قرار می دهند و هم بر آن چهار مورد دیگر اضافه می کنند که به نوعی مکمل آنها می باشد. آن چهار موردی که مردم ایران برای آن در سال 57 انقلاب کردند، استقلال، آزادی، عدالت و معنویت بود. ایشان در واقع چهار بحث جدید را به آن اضافه می کنند که عبارتند از اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری. این به لحاظ خرد و فنی و تخصصی جالب بود که از این هشت مورد به عنوان شعارهای انقلاب یاد می کنند. استقلال، آزادی، عدالت، معنویت، اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری و جالب اینکه از آن به عنوان شعارهای جهانی و ارزش های دینی انقلاب یاد می کنند، یعنی اینکه اگر باز امروزی تر بخواهیم صحبت کنیم، چنین می شود که گروه های سیاسی داخل کشور اگر قرار است به انقلاب اسلامی وفادار بمانند و انقلاب اسلامی بماند، باید کاری کنند که جامعه ای شکل بگیرد که در آن استقلال در کنار آزادی

و آزادی در کنار عدالت و عدالت در کنار معنویت و معنویت در کنار اخلاق و اخلاق در کنار عزت و عزت در کنار عقلانیت و عقلانیت در کنار برادری باشد. جامعه باید مبتنی بر این هشت مورد باشد که از آن به عنوان شعارهای جهانی انقلاب یاد می شود، یعنی اینها ارزش های دینی برخاسته از دین اسلام و ارائه شده توسط انقلاب اسلامی است که فطرت بشریت و فریاد خاموش درون تک تک انسان ها هم همواره در جهان آن را مطالبه می کند.

25) بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین الملل: با وجود برخی دوگانه ها مانند اسلام و استکبار، که دوراه جمع ناپذیر به شمار می آیند، و در بند 21 به آن مخصوصاً دوگانه های رفتاری اشاره شد. رهبر معظم انقلاب در واقع تاکید بر بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین الملل دارند و این بازتاب را در دو حوزه بیان می کنند: «الف) انقلاب اسلامی جهان دو قطبی را سه قطبی کرد، یعنی جهان شرق به رهبری شوروی با ایدئولوژی سوسیالیسم - مارکسیسم و غرب به رهبری آمریکا با ایدئولوژی لیبرالیسم - کاپیتالیسم و یک قطب جدیدی شکل گرفت به نام قطب تفکر و جهان اسلام. ب) بعد از فروپاشی شوروی جهان در حالی که چندقطبی شده، انقلاب اسلامی دوگانه اسلام و استکبار را زنده نگه داشته و دو جبهه را شکل داده؛ (یک) جبهه مقاومت و (دو) جبهه سلطه.» به بیانی دیگر خلاصه مطالب مزبور یکی از این نظریه ها جمع دین و دنیا با هم است و این که چگونه می شود این دو را با هم جمع کرد. به قرائت امام راحل و رهبری، دین جامعیت دارد و دین و دنیا قابل جمع هستند و مسایل ذیل این نظریه باید حل شوند کما این که انقلاب اسلامی این قضیه را حل کرد و این اصل مهم را ثابت کرد که دو گانه به ظاهر غیر قابل جمع دین و دنیا در یک منظومه دقیق جمع شدنی است.

مساله دیگر دوگانه اسلامیت و جمهوریت است که در الگوی نظام و اندیشه امام راحل جمع شد در حالی که اسلامیت و جمهوریت غیر قابل جمع دانسته می شد، بحث دیگر جمع نظام و انقلاب است که برخی ها معتقد به این بودند که اگر انقلاب نظام مند بشود دیگر از مسیر اصلی خارج می شود. اما در تئوری امام راحل و رهبر انقلاب چه در درون

کشور و حتی فراتر از مرزها نظام و انقلاب قابل جمع شدند و اندیشه های امام راحل و رهبری مبتنی بر همین اصل هستند. مقوله انعطاف و اصالت دو گانه دیگری است که رهبری به صراحت می گویند در برابر پدیده های نو باید منعطف و منفعل باشیم یعنی این که ضمن انعطاف بر اصول تاکید داریم، باید بر اصول اصلی تاکید ورزید و در عین حال پاسخگویی تغییرات بود و از جمود پیشگیری کرد. موضوع دیگر ایجاد تعادل مناسب بین هست ها و باید ها در انقلاب است برخی به هست ها و برخی به آرمان ها تاکید دارند که اگر تعادل نباشد مسیر منحرف می شود.

مباحث آزادی و امنیت، استقلال و آزادی، توسعه و عدالت، قوانین بین المللی و مقاومت دیگر نظریه هایی است که در بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب مشهود و قابل درک است. امام راحل (ره) پاسخ به نیاز های امروز در حین حفظ اصالت فقهی را قابل جمع می دانستند و معتقد بودند اجتهاد اصیل و جواهری پویا تئوری انقلاب اسلامی است که قابل تعامل و جوشش است که البته کار بسیار عظیم و ظریفی است و از عهده هر کسی بر نمی آید. فقهی که می خواهد تمدن بسازد باید پاسخگویی نیاز دنیای معاصر هم باشد و ضمن حفظ پایه های اصیل فقهی آمادگی لازم را برای پذیرش تغییرات و تحولات داشته باشد و در این زمینه نیاز به تقویت رویکرد تمدنی دارد؛ یعنی باید جامع نگر بود. توجه به رویکرد تطبیقی فقه و حقوق، رویکرد بین المللی و جهانی توجه به موضوع شناسی، علوم انسانی و اجتماعی از دیگر مواردی است که باید به آن توجه داشت که اگر این اصول پیاده شود فقه می تواند رنگ و لعاب و دامنه بهتری بگیرد و به سمت تحقق تمدن اسلامی برود. (1)

در خاتمه این موضوع بر توصیه های هفت گانه مقام معظم رهبری به جوانان که در ابتدای بحث آمده بود تاکید و برای آینده چاشنی امید و نگاه خوش بینانه به آن و دوری جستن و بر حذر داشتن همزمان از امید کاذب و ترس کاذب سفارش و بر اینکه نخستین

ص: 118

وریشه ای ترین جهاد جوانان این است که ترس و ناامیدی را از خود دور برانند اصرار می گردد. چرا که دشمن به دنبال ضعیف کردن و مایوس سازی مردم مخصوصا جوانان و حتی مسئولان و مدیران از آینده است. بنا بر این ضعف و ترس و ناامیدی را باید از نفس و روح با معرفت و بصیرت لازم دور کرد. چرا که:

ضعیف النفس و گر باشی به دوران * دور از ولی در خط ایمان

خداوندا بده ایمان کامل شوی * رها کن دیده را از ترس شیطان

اهمیت «خودسازی انقلابی» در بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟

انقلاب را بر به سوی انتها * با پیام تام و ناب مقتدا

بهر خود سازی بخواه از ناخدا(1) * تا شوی اهل فلاح در منتها

ای خدا کن تو مرا از خود رها * خود نه این خود آن خود پر مدعا

آن خودی که می کند بر خود جفا * روز و شب خود را کند دور از وفا

داد خاموش خودت گوید بجا * خود همی خواهد ز خود از خود خدا

دان که خود بوده درون خود دو تا * آن خود خوب و خودی که هست بلا

آن خود لَوّامه و دور از خطا * می کند خود را رها در هر کجا

وان خود اّماره با صدها ادا * فطرت خود را کند هر دم فدا

ص: 119

1- بهر خود سازی همی خوان این نوا

گر خدا خواهی نما خود را جدا * از خود پست و لعین با هر ندا

کن تو قربانی خودت را با دعا * چون که قربانی دهد خود را صفا

مادر بتها خود است ای بی نوا * با بصیرت خود شناس دون هوا

چون شناختی خود شود دردت دوا * از غم و درد و بلای فتنه ها

می شوی آرام و گردی با حیا * روح و جان خود شود اهل وفا

پس تو بشکن خود که گردی پر بها * این شکستن می دهد خود را جلا

چون شکستی گو تو با بانگ رسا * اصل و ذات خود کنم من چون طلا

در چنین حالی بگو خود با خدا * خود منم و من خودم در دو سرا

آنکه پاسخ می دهد روز جزا * آن خود اصل است که هست در جان ما

پس حقیر گوید به خود در این سرا * گر سعادت خواهی شو از خود رها

توضیح ابیات مزبور اینکه درک انسان از خود و خودسازی، وابستگی کامل به شناخت وی از هویت «خود» و کمال مطلوب آن دارد و خودشناسی مقدمه اجتناب ناپذیر خودسازی است و خودسازی نقش ویژه و حیاتی از طرفی در جامعه پردازی دارد و از طرفی در تمدن سازی می تواند موثر و کارساز باشد. لذا در خصوص بحث خودسازی بخاطر اهمیتی که به آن اشاره شد بصورت مفصل مطالبی مطرح خواهد شد. یکی از سوال هایی که در زمینه خودسازی مطرح می شود این است که آیا موضوع خودسازی بدن انسان است یا روح او؟ برای روشن شدن این مبحث لازم است به دو سوال پاسخ داده

شود. الف) انسان چند نوع خود دارد؟ ب) موضوع خودسازی چیست؟ از ابیات فوق روشن می شود که انسان دو گونه خود دارد. 1) خود واقعی که همان خود انسانی و خود الهی یا نفس لواحه می باشد. 2) خود غیر واقعی که همان خود نفسانی و شیطانی یا نفس اماره می باشد. که همواره انسان را از مسیر خود سازی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم مطرح فرموده اند جدا می کند.... ولی «خود انسانی و الهی» آن چنان که با کمک فطرت و آموزه های دینی شناخته می شود، کاملترین مظهر و نزدیک ترین موجود، به لحاظ توانایی و کمال، به خداوند است که باید در فرایند خودسازی این قرب و نزدیکی شکوفا شود، بنابراین در پاسخ به این سوال می توان گفت: موضوع خودسازی که مقدمه جامعه سازی و تمدن سازی است تمامی ابعاد وجود انسان است و اختصاص به بخش خاصی ندارد.

قرآن کریم به ساختار دو بعدی روح انسان اشاره کرده و می فرماید: خداوند آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، سپس او را سازمانی هماهنگ بخشید و از روح خود در کالبد وجودی او دمید، پس انسان آمیزه ای از عنصری مادی و زمینی و عنصری مجرد و الهی است، «و بدأ خلق الانسان من طین ثم سواه و نفخ فيه من روحه، شروع خلقت انسان از خاک بود، سپس او را بیاراست و از روح خویش در او دمید».⁽¹⁾ در آموزه های دینی تعبیرهای فراوانی نسبت به دو واقعیت وجودی انسان وجود دارد، همچون: خود حقیقی و خود مجازی، خود ملکوتی و خود ملکی، خود مثبت و خود منفی، خود عالی و خود سافل، خود مجرد و خود مادی، خود معنوی و خود طبیعی و مانند آن. در ضمن قرآن کریم در مورد انسان از سه واقعیت وجودی نفس، عقل و قلب سخن می گوید. نفس مجموعه ای از قوای غریزی آدمی است و هویت بشری انسان را می سازد، عقل که مرکز ادراک و استدلال است، به انسان هویت انسانی می دهد و قلب که عرش رحمان است، به آدمی هویتی الهی می بخشد.

به بیانی انسان سه ساحت وجودی دارد. هویت طبیعی و حیوانی، هویت عقلانی و انسانی و هویت الهی و عرفانی. انسان ابتدا یک موجود طبیعی است و حیوانیت بالفعل دارد

ص: 121

و باید برای رسیدن به کمال خودسازی کند؛ یعنی از نفسانیت به سوی احیای عقل و انسانیت و سپس تقویت بعد عرفانی و هویت الهی خویش مهاجرت نماید. بنابراین خودسازی باعث می شود که انسان از حیوانیت خارج، و با علم و تفکر عقل خود را کامل و در یک مرحله بالاتر پس از تکمیل کمال انسانی و عقلانی به وادی عشق و عرفان قدم بگذارد و به کمال نهایی خود که هویت الهی است، برسد. بنابراین، خودسازی مجموعه اعمالی است که برای اصلاح روابط خود فرد انجام می گیرد تا به قرب خداوند نایل شود. دسته ای از این اعمال، کسب شناخت های ضروری برای تقرب به خداوند است و دسته ای دیگر، عمل به وظایف اخلاقی و تکالیف شرعی است.

در هر حال اهمیت خودسازی امری واضح است، زیرا غایت خودسازی، نجات از هلاکت و توفیق به قرب خداوند است. هر انسان خردمندی که به خداوند و جهان آخرت، اعتقاد دارد و رستگاری انسان را به درستی عقاید و نیکی اعمال و ملکات او می داند، حکم می کند که تلاش برای رستگاری، یگانه کاری است که شایسته است همه زندگی وقف آن شود. نجات از عذاب آخرت، جز با خودسازی و تسلط بر خویشتن امکان پذیر نیست. خودسازی به عنوان یک فریضه عقلی در همه ادوار زندگی واجب است و در هیچ لحظه ای از عمر نباید آن را ترک گفت؛ زیرا وعید پروردگار وحشتناک و وعده های نعیم او بسیار بزرگ است. البته سهولت خودسازی، در همه دوران های زندگی به یک اندازه نیست. کسی که دوران جوانی را سپری کرده و در میانسالی به گناه غفلت خو کرده، به دشواری می تواند کام خود را از لذات حرام محروم سازد. دشوارتر اینکه، خروج او از غفلت کار آسانی نیست و چون غافل است درد خود را نمی داند تا به درمان آن روی آورد. حتی اگر غفلت او را رها کند، توان او در ساختن حال و آینده اندک شده و نمی تواند به راحتی با گذشته خود وداع نماید. در حالی که در دوره جوانی اینگونه نیست...

با عنایت به مطالب مزبور معروض می دارد که انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان های باطلی در سر داشتند، اما دوستانش در سراسر جهان،

امیدوارانه آن را در گذر از چالش ها و به دست آوردن پیشرفت های خیره کننده، همواره سربلند دیده اند. و بدون تردید این سربلندی مدیون خود سازی انقلابی های مخلص می باشد... در چنین نقطه ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه ی این راه روشن، بهتیبین دستاورد های شگرف چهار دهه ی گذشته پرداخته و توصیه هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای تمدن سازی» ارائه فرموده اند. «معنویت و اخلاق» از اصلی ترین توصیه های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب است. آن طور که معظم له در بیانیه آورده اند: معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.

ایشان در بخش دیگری از بیانیه که به نوعی به آثار و برکات معنویت و خود سازی انقلابی بر می گردد؛ ادامه می دهند: اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه ی وسوسه هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله ی خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می شود. این مهم بدون تردیدی در سایه خود سازی و معنویت تحقق پیدا کرده است.

«خودسازی انقلابی» در بیانیه گام دوم انقلاب به دنبال بیان این است که انقلابی فرسوده نتیجه «غفلت از خویشتن انقلابی» می باشد. معنویت حلقه ی مفقوده زندگی انسان در همه ی عرصه ها و هدایت بخش و جهت دهنده سلوک آدمی خواهد بود. انسان به معنویت از آغاز تا فرجام زندگی اش نیاز ذاتی دارد و هرگاه از چنین نیاز وجودی غفلت کرده دچار خسارت های فراوانی شده و آن گاه که به این نیاز درونی و فطری توجه داشته، دارای آرامش، آسایش و صاحب پیشرفت در ساحت های گوناگون زندگی شده است. لذا یکی از پرسش های مهم انسان خردمند از خود و دیگران این است که چه چیزی سبب

خود سازی، تعالی و پیشرفت او در عرصه های مختلف زندگی می شود؟ و چه عواملی در پیشرفت انسان های بزرگ تاریخ دخالت داشته است؟ تا او نیز با به کار بستن تجربیات انسان های موفق به درجاتی از کمال و تعالی دست یابد؟

پرسش هایی از این قبیل در طول تاریخ بشر؛ ذهن او را به خود مشغول داشته، تا جایی که دانشمندان بسیاری برای پاسخگویی به این پرسش، دست به کار تألیف و تحقیق شدند و هر کدام بنا به سلیقه خود با به جا گذاشتن آثاری راه های زیادی را فراروی انسان نهاده اند. اما بهترین پاسخ ها به این پرسش در ادیان الهی و سخنان حاملان وحی مخصوصاً دین خاتم یعنی اسلام ناب محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یافت می شود. در راستای آیات قرآن و سنت معصومین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بیان و تبیین ماهیت و معنای معنویت در کنار عرصه های سلوک معنوی بر محور بینش و دانش مقام معظم رهبری، می تواند در تولید، توسعه و تعمیق بینش معنوی و گرایش صائب و کنش صادق معنوی نقش برجسته و گره گشایی داشته باشد.

رهبر معظم انقلاب همانگونه که اشاره شد؛ در بند آغازین بیانیه گام دوم، به ورود انقلاب به دومین مرحله خود؛ قبل از همه چیز به مقوله مهم و ارزشمند «خودسازی» اشاره کرده اند که این امر، لزوم توجه به مقوله خودسازی در حوزه انقلاب و انقلابی گری را نمایان می کند. پیش از این نیز معظم له باره و باره به این مسئله دقت و نظر خاص داشته اند و از خودسازی به عنوان «مسئولیت سنگین بر دوش جوانان» یاد کرده اند. (1) که در ادامه به موارد متعددی از فرمایشات ایشان از باب اهمیت اشاره می شود. «معنویت» از آموزه هایی است که در هندسه معرفت دینی و نظام تعالی وجودی انسان نقش محوری و زیر بنایی دارد، اگرچه تبیین مفهومی آن سهل و ممتنع است، اما امری ضروری و تعیین کننده است. معنویت به معنای اصالت عالم معنا یا عالم غیب، در عین اهمیت جهان ماده و عالم حس و شهادت است، بنابراین «غیب جهان و جهان غیب» مفهوم مقوم معنویت خواهد بود؛ یعنی «غیب گروی» گفتمان حاکم بر معنویت اسلامی است.

ص: 124

ناظر به نگاه مقام معظم رهبری، معنویت کلید واژه‌ی اصلی در خودسازی فردی و اجتماعی است. معنویت راهبرد ایشان در تربیت جامعه و اعتلای امت اسلامی است و براین اعتقادند که عنصر «تقوی» برآورنده همه‌ی آنچه خواهد بود که مربوط به ساحت معنویت و سطوح مرتبط با آن است. از این رو، بر تقوای اجتماعی در کنار تقوای فردی تکیه و تأکید کرده‌اند. (1) و اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی را نیز ایمان دانسته‌اند. (2) ناگفته نماند که معنویت در اندیشه رهبری به این معنا است: «رابطه و اتصال قلبی با خداوند» (3) و در تبیین مراتب والاتر این نوع ارتباط با خداوند می‌فرمایند: «مجدوب شدن در مقابل لطف الهی» (4)

وریشه حدوث معنویت را نهفته در «راز و نیاز با خدا و ارتباط دل‌ها با خدای متعال» دانسته است و لوازم خارجی ارتباط با خدا را «فریب ظواهر دنیا را نخوردن و دل‌بستگی به زر و زیور و زخارف دنیا پیدا نکردن» (5) قلمداد کرده‌اند و در واقع بر ساخته از دو عنصر: 1. حب صائب به خدا و عشق صادق؛ 2. رهایی از حب دنیا و آزادگی معنوی می‌دانند، این دو عنصر در سلوک فردی و اجتماعی نقش بنیادین خواهند داشت. از این روست که معتقدند مباحث عرفانی نیز باید دل انسان را به خدا نزدیک کند، یاد الهی را در انسان به وجود آورد و بصیرت لازم را برای حضور در مقابل خدا ایجاد کند. (6) به هر حال معنویت به معنای انس و ارتباط عمیق با خدا کارآمدی خاصی در متن زندگی انسان داشته و سرمایه رشد و رستگاری فرد و جامعه محسوب می‌شود. بدین جهت ضرورت حضور معنویت و ظهور آن در همه‌ی ابعاد حیات انسانی امری روشن بوده و اهمیت راهبردی معنویت در تعالی فرد و جامعه مسئله‌ای آشکار است. این در حالی است که مکاتب غربی از

ص: 125

1- حدیث ولایت، بیانات 19/11/69

2- همان، بیانات 14/7/88

3- همان، بیانات 1/1/69

4- همان، بیانات 1/2/89

5- همان، 27/6/70

6- همو، 13/12/70

معنویت که نیاز واقعی و اساسی انسان است، غفلت کرده و به نیازهای مادی می پردازد و آنها را نیازهای اصلی جلوه می دهد. (1)

معنویت دینی ریشه در وحی الهی داشته و با اعتقاد به خدا و قیامت شکل می گیرد. بنابراین اقسام معنویت دینی را در حوزه معنویت اخلاقی و عرفانی می توان بر دو پایه ی مستحکم استوار کرد: 1. عقاید عقلانی، منطق حیات و فلسفه زندگی یا جهان بینی اسلامی که عقلانی، اثبات پذیر، تعهدآور، عشق آفرین و حرکت زا است؛ 2. شریعت جامع و کامل یا باید و نبایدهای سازنده، مبتنی بر ساخت و سلوک معنوی در دو ساحت اخلاقی- عرفانی. معنویت دینی باید عنصری اصلی در حرکت و پژوهش علمی قرار گیرد، در این صورت اخلاقی شدن جامعه نیز تحقق پیدا خواهد کرد. (2) معنویت دینی با پیشرفت های زمان نه تنها مخالف نیست، بلکه متدینین و اهل معنا را در جهت دست یابی به پیشرفت مادی و معنوی سوق می دهد و تفکری که امروز از طریق انقلاب به دنیا عرضه شده بسیار نو و مبتنی بر مذهب است. تحلیل ها و نگرش های مادی مدرنیسم را از تفکرات الهی و معنوی جدا می کنند، هر چیز مذهبی و معنوی- چه اسلامی و چه غیراسلامی- متعلق به گذشته و ارتجاعی به حساب می آید. هر چیز نو و مدرن به این معنا بود که به حتم ضد مذهبی و غیر معنوی است. این برداشت غلط از مذاهب بود. اما تفکر معنوی عرضه شده در انقلاب اسلامی به دنیای کنونی تفکری پویا و پیشرفته است. (3) به هر حال با معنویت و تقوی است که زندگی سالم و رشدیابنده شکل می گیرد و هرکسی رسالت خود را شناخته و بدان عمل می کند. یک نوجوان بدون تقوای خاص محیط و وضعیت شغلی و کاری خود نمی تواند به هدف درس خواندن برسد. باید از اشتباه و هوس و سرگرمی به کارهایی اجتناب بکند که او را از فعالیت خودش بازمی دارد. این تقوای او است. یک زن در خانه و یک مرد در محیط کار نیز همین گونه است. یک مؤمن که قصد پیمودن راه خدا را دارد

ص: 126

1- همان، بیانات، 1377: 127

2- همان، بیانات، 1388: 185

3- همان، بیانات، 1368: 495

باید باتقوا باشد، تا بتواند رضای الهی را کسب کند، از نورانیت الهی استفاده کند، به مراحل عالی معنویت برسد و به حاکمیت دین خدا دست پیدا بکند. تقوا، برای فردی که در راه دین و ایمان حرکت می کند، یعنی رعایت کردن تکلیف دینی و دل ندادن به هوس ها و منحرف نشدن از راه خدا. (1)

معنویت اسلامی که در انقلاب اسلامی عرضه شد با معنویت متحجرانه و لیبرال سازگار نبوده و تعارض واقعی است؛ چراکه اسلام متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت است. چنانچه ایشان معتقدند: «ما از معنویت به هیچ عنوان صرف نظر نمی کنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است. اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزش های غربی و ارزش های امریکایی را ترویج کند و از روش های آنها استفاده کند و با آنها در بخش های مختلف هم رنگ و هم صدا شود و دعای ندبه ای هم بخواند. ما اسلام متحجر طالبانی را هم قبول نداریم. ما بین این دو، صراط مستقیم خودمان را انتخاب کرده ایم و پیش می رویم. بنابراین، اساس کار ما این است و اجازه نمی دهیم که بخواهند ما را در معادلات رایج جهانی حل کنند و هویت و شخصیت ما را از بین ببرند» (2)

ضرورت معنویت هم در جنبه ایجابی - یعنی تقویت بنیه ی ارتباطی با خدا و سازندگی شخصیت الهی که با باورهای دینی و انس با خدا در اثر نماز، دعا، روزه و ... در ارتباط تنگاتنگ است - قابل بیان بوده و هم در جنبه سلبی - یعنی دفع و رفع فساد در ابعاد مختلف فکری و اخلاقی در حوزه فردی و اجتماعی - قابل تبیین است. بدین معنا، هم با عقل و دل یا روح و روان انسان و هم با کنش ها و واکنش ها یا رفتارهای انسان در ارتباط مستقیم خواهد بود. معنویت نقش سازنده و کلیدی در تربیت سالم و سازنده انسان دارد. (3) در نتیجه بایسته است با ره توشه ی معنویت زندگی کرد. هیچ چیز به اندازه ی معنویت انسان

ص: 127

1- همان، بیانات، 1369: 421

2- همان، بیانات، 1383: 115

3- همان، بیانات، 1377: 157؛ بیانات، 1375: 151؛ بیانات، 1374: 148

عامل اکتساب حیات طیبه ایی خواهد شد که رشد مادی و معنوی در همه ابعاد، ثمره دلنشین آن و سعادت دنیا و آخرت میوه شیرین آن است. حیات طیبه، عبارت است از زندگی در راه خدا و برای رسیدن به هدف های عالی؛ هدف عالی انسان عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالی و تخلق به اخلاق الهی است. انسان برای رسیدن به چنین هدفی، ابزارهای مادی و معنوی را لازم دارد. پس نباید دچار خلا معنویت شد؛ زیرا خسارت زا است. (2) معنویت عامل پیشرفت دائمی، رشد متوازن وجودی و ثبات قدم در همه ی عرصه ها و عصرها است و مانع فروپاشی و سقوط از قله بلند و مقام رفیع علمی و عملی خواهد شد. به بیان دیگر معنویت هم در حدوث کسب نعمت های مادی و معنوی و هم در بقاء آنها نقش آفرین و ضروری است. (3) و معنویت در سایه توحید و عبودیت عامل تعالی فردی - اجتماعی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، علمی و عملی خواهد بود. ارتباط خالصانه و مستمر با خدا در قالب نمازهای واجب و مستحب به ویژه نماز شب و دعا و نیایش چنین تعالی و تکامل وجودی را به ارمغان آورده و حفظ می کند. (4)

و آنان را به خودسازی و تربیت معنوی خویش دعوت نموده اند. (5) اما عمده تمرکز نخبگان فکری و مخاطبان ایشان بر دو مقوله دیگر بوده و از این قلمرو مباحثاتی، تا حدی غفلت شده است. آنچه که ما بیشتر از همه مقولات، باید در آن پیشروی می کردیم و نکردیم، همین عرصه ی. معنویت و خودسازی و دل را آراستن و اخلاق را زیور دادن است و ما در این زمینه ها عقب هستیم. (6) من به همه ی جوان های عزیزمان در نیروهای مسلح،

ص: 128

1- همان، بیانات، 1373:134 بیانات، 1368:312

2- همان، بیانات، 1370:26، بیانات، 1369:450

3- همان، بیانات، 1369:444-445، بیانات، 1368:236

4- همان، بیانات، 1379:135-136، بیانات، 1384:193

5- همان، در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش؛ 19 بهمن ماه 1390

6- همان، در دیدار مسئولان نظام؛ 31 شهریورماه 1386

در نیروی هوایی سفارش میکنم که به خودسازی پردازند، به تربیت معنوی خود پردازند. (1)

از ضعف های ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفت های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه ی اخلاقی و نفسی پیدا نکرده ایم؛ این عقب ماندگی است. (2)

با اقتدار و عزم کافی و با تهذیب نفس و خودسازی علمی و خودسازی اخلاقی پیش بروید. ان شاء الله روزی را خواهد دید که کشورتان به برکت مجاهدت های شما در اوج افتخار و در قله ی اقتدار باشد. (3)

آری ای عزیز بزرگوار با تأمل در بیانیه گام دوم مشخص می شود که خودسازی مقدمه اجرای بیانیه گام دوم است. چرا که مفهوم انقلاب از منظر قرآنی این است که تحولاتی در درون افراد رخ دهد و منشأ انقلاب خود فرد است. در آیات بسیاری از قرآن کریم به تحول فردی اشاره شده و بعد از آن دعوت به قیام فرد، جمع محدود و سپس جمع کثیر می شود. خود سازی و معنویت با اندیشه ایمان به غیب و اعتقاد به خدا، با انگیزه قرب به حق و عمل به اخلاق الهی، التزام به شریعت و انجام عمل صالح تعریف می شود که در ارتباط های پنج گانه تجلی می یابد: 1. ارتباط انسان با خدا؛ 2. ارتباط انسان با خود؛ 3. ارتباط انسان با جامعه؛ 4. ارتباط انسان با جهان؛ 5. ارتباط انسان متکامل با انسان کامل. معنویتی که در قالب راز و نیاز با محبوب، عبودیت در برابر معبود، معرفت، محبت، اطاعت و سنخیت با انسان کامل و مناسبت های گفتاری، رفتاری، الهی، انسانی تحقق پذیر خواهد بود.

بنابراین خودسازی مقدمه ای است برای جامعه پردازی و در نهایت تمدن سازی. مقام معظم رهبری همانگونه که به برخی از فرموده های ایشان اشاره شد؛ همواره بر خودسازی در فرمایشات خود تأکید فراوانی داشتند؛ بنابر این اگر شخصی بتواند خود سازی خود را به طور مناسب اجرا کند به مراتب جامعه پردازی و تمدن سازی هم برایش امری سهل به

ص: 129

1- همان، در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش، 19 بهمن 1390

2- همان، در خطبه های نماز جمعه تهران، 14 بهمن 1390

3- همان، در دیدار دانش آموزان و دانشجویان و خانواده های شهدا، 12 آبان 1388

حساب می آید. بر این اساس، در ادامه توجه جنابعالی به پاره ای از نکات که به نوعی با خود سازی ارتباط دارد معطوف می گردد:

دان که خودسازی بودخواست روان وفق کتاب * ذات پاک آدمی از آن همی گیرد جواب(1)

پس بخوان با خود عزیزم آنچه گفته مقتدا * تا شوی اهل فلاح و بازو بهر انقلاب

گو چرا کردی تو روز و شب هزار و یک خطا * با گناه و غفلت کردی تو جان خود خراب

یا که با سستی شدی تسلیم نفس و ماسوا * معنویت را نمودی تو فدای نان و آب

هر که از معنا شود روزی جدا در این سرا * ظلم وافر کرده بر خود با هزار و یک خطاب

دان که ایسمها هر کدام دادند جوابی بی بها * با همان دنیای دون و ظاهرش با صد لعاب

هر کدام گفتند علیه دین و معنا و خدا * با چنین فکری یقین دان می شوند روزی عقاب

دار دنیا و زر و زیور چونبند اژدها * گرکه باشند خودهدف هرلحظه گردند چون حجاب

در چنین حالی یقین دان گشته ای از حق جدا * داد خاموشت همی گوید که ای عالی جناب

کن رها این ایسم و آن ایسم و حوسها و هوا * تا شوی راحت ز شرّ این و آن و هر عذاب

راه راست باشد همان قرآن که هست راه خدا * بهر چه گشتی چو حیوان دنی با آن کتاب

باطن معنا بود عشق خدا و هم ولا * چون که آن باشد نیاز روح و جان هر شباب

دان که بی او می شوی هر آن دچار صد خطا * آن خداوندی که دارد بهر ما صدها جواب

ص: 130

1- معنویت از همان گیرد هزار و یک جواب

فطرت و فریاد خاموش درون بی هر صدا* از تو می خواهد خدا را با همان قرآن ناب

آدمی با هر مقامی اندر این صحن و سرا* از غم و افسردگی و استرس و اضطراب

یا که درمان همه درد و غم و رنج و بلا* در زمانی که شده دنیای دون نوعی نقاب

معنویت بوده و راز و نیاز با هر دعا* این همان خواست روان است دون هر نوعی سراب

گر که باشی صاحب هر قدرت و کاخ و نوا* عاقبت خواهی خدا را در فضایی پر عتاب

قدر خود را خوب بدان همچون شهید کربلا* چون که با معنا نمود روح و روان ها را مجاب

پس عزیزم دان که معنا بوده گنجی پر بها* با شعور و معرفت رو سوی آن با صد شتاب

این حقیر گوید که مفقود بشر تا ماورا* بوده معنا و همان ذکر خدا با هر ثواب

1) نقش خود سازی و معنویت در عرصه ی زندگی: زندگی اسلامی در اندیشه امام(ره) و مقام معظم رهبری به معنای توجه به امور معنوی و مادی است. (1) چه اینکه زندگی اسلامی انعکاس توأمان معنویت و مادیت، آرمان ها و واقعیت ها، دنیا و آخرت و بازتاب جمع بین بندگی خدا و معیشت حلال و خدمت به خلق خدا برای رضای حق است. زندگی اسلامی سرشار از تلاش هدفمند و معنادار است که با انگیزه الهی و اندیشه اسلامی تجلی می یابد. در این نوع زندگی، معنویت در حاشیه نیست و کسب معنویت فقط در زمان و مکان خاص با اعمال و ذکرها و روش های خاصی تحقق پیدا نمی کند. یعنی معنویت محدودیت زمانی و زمینی یا روشی و کنشی ندارد، بلکه معنویت در متن زندگی حضور دارد و هرکاری که برای خدا و با حضور قلب و انگیزه الهی یا «قیام لله» صورت گیرد و

ص: 131

باید و نبایدهای دینی و دستورات عملی‌های اخلاقی و مرزهای حقوقی در آن مراعات شود یک امر عبادی و دارای تعریفی معنوی است. در این زندگی کار فردی، کار در خانواده و کار در جامعه می‌تواند جهت‌گیری معنوی داشته و عبادت تلقی گردد و زمینه‌سازی برای تحقق زندگی اسلامی باشد. رهبری در این زمینه معتقدند: «ما واقعاً باید با همه‌ی وجود کار کنیم و هرچه ظرفیت و ابتکار در جسم و ذهنمان داریم، باید صرف اداره‌ی امور کشور و راه‌اندازی کار مردم به سوی یک زندگی اسلامی کنیم»⁽¹⁾

معنویت اسلامی معنویتی جامع و دربردارنده‌ی همه ابعاد زندگی است. معنویت در اسلام و مکتبی که اهل بیت عصمت و طهارت: آن را در قول و فعل خویش معرفی کردند معنویت در متن زندگی است و در همه چالش‌ها و تضادهای زندگی حضور فعال دارد. معنویت بدون انزوا، بدون جدایی از زندگی، معنویت همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، تضرع و گریه‌ی نزد خدای متعال و همراه با جهاد. این موارد همه در مکتب اسلام وجود دارد. در تاریخ معاصر ایران اسلامی این نمونه‌ها فراوان دیده شد. این وظیفه‌ی اصلی است.⁽²⁾ و اگر معنویت واقعی در زندگی ساری و جاری باشد برکات الهی همواره فیضان داشته و سلامتی جسمی و روحی، امنیت فردی، خانوادگی و اجتماعی، معیشت و روزی حلال، رفاه و آسایش و در کنار همه‌ی آنها آرامش قرار دارد.⁽³⁾ در تفکر اسلامی امکان جداسازی امور معنوی از امور مادی و امکان انکار نقش معنویت در زندگی وجود ندارد. زندگی سالم و خوب دارای عوامل مادی و معنوی به صورت یکپارچه است.⁽⁴⁾ زندگی تهی از معنویت عامل انحراف از خط مستقیم حیات طیبه و زندگی صالحانه خواهد بود و جدا کردن حساب معنویت از زندگی عامل سقوط، اضطراب، بحران‌های خانوادگی و

ص: 132

1- همان، بیانات، 1368: 242

2- همان، بیانات، 1386: 99

3- همان، بیانات، 1387: 36

4- همان، بیانات، 1374: 88

مشکلات فراوانی خواهد شد. (1) زندگی امروزی انسان محتاج ورود معنویت است تا از بحران هایی که آن را فراگرفته رهایی یابد. (2) هم بینش اسلامی و هم گرایش اسلامی در زندگی یک ضرورت است تا روش و منش زندگی با کنش و واکنش های مثبت زندگی همراه گردد. (3) در زندگی معنوی اسلامی هم نماز، زکات، روزه، دعا و ... و هم بصیرت و معرفت لازم است تا انسان مبتلا به بی بصیرتی نشود و خط اصلی و هدف واقعی زندگی - یعنی تعالی - را گم نکند. (4) به طور کلی باید فکر کرد که هدف از زندگی چیست؟ در این خصوص لطفا با دقت و تأمل غزل زیر را ملاحظه فرما:

از تو دارم من عزیزم این سوال * بهر چه رفتی کلاس در طول سال

در جواب گویی که ای والا مقام * میم مدرک هست برایم چون مدال

دان که مدرک در نگاه خاص و عام * بوده بهر کسب و آن رزق حلال

مدرک و هم کسب و کار آرد مقام * از برای آدم و هم بر عیال

وان مقام و همسر و فرزند و جام * می شوند روزی فنا بی هر قتال

زندگی بهر چه باشد در خیام * با تمام سختی های بی مثال

پس عزیزم زندگی با هر طعام * می شود فانی چو آبهای زلال

ص: 133

1- همان، بیانات، 1371: 61

2- همان، بیانات، 1372: 131

3- همان، بیانات، 1372: 120

4- همان، بیانات، 1369: 23 رودگر، محمدجواد، کارکردهای معنویت در عرصه های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری

گر که گویی بوده پوچ و بی دوام * با چنین فکری شوی دور از وصال

گر که دنیا پوچ و پوچی هست مدام * بهر چه با خود کنی هر روز جدال

با تو دارم یک سخن ای با مرام * دار دنیا می شود بی شک زوال

کار تو گردد بدون شک تمام * با هزار و یک پیام پر ملال

می شوی هیچ و ز هیچ آید پیام * بهر چه گشتی تو دور از آن جمال

ذات تو گوید به تو هر روز و شام * تا ابد باقی ام و پر سوز و حال

از فنا بی زار و روحم با قوام * با تو دارد صد سخن بی قیل و قال

با نفخت فیه من روحی چو مام * می شوی اصل و اساس بی هر زوال

دان مقام و پست و آنچه هست به نام * می شود روزی فنا با هر جلال

جز همان که بهر حق آری به کام * با خلوص گردد برایت چون نهال

غیر حق نابود و می گردد تمام * چون که فانی و فنا گردد چو مال

دار دنیا بهر عقباست والسلام * پس نما آن را محییای کمال

2) عظمت ابعاد وجودی انسان الهی: انسان اگرچه از نظر «بعدِ مادی»، جسمی «سست» و «فناپذیر» است و خاکِ تیره ای بیش نیست، اما فراتر از این جسمِ مادی و ظاهری، از نظر «بُعدِ معنوی و روحانی»، حاملِ «روح الهی» است. حرکتِ بی پایانِ انسان به سمتِ خدای متعال، نشانگرِ «وجودی و رای حدّ تصوّر» است. همین عظمت و پیوند با

روح الهی، شناخت ذات و نفس آدمی را ضروری می‌سازد؛ آنچنان که نادیده انگاشتن آن، سرآغاز خسران و مایه دوری از حقیقت خواهد شد. انسان، با «تأمل در خویشتن»، درمی‌یابد که چه کسی است و این خودآگاهی، آغاز «ساخت بنای معرفت» او خواهد شد. اگر انسان، خود را شناخت و بر وجود خویش غالب شد و به مرتبه ضبط نفس و مالکیت بر احوال باطنی خود رسید، عالم نیز تسلیم و تابع او خواهد شد. از این رو، همه تحولات تاریخی و اجتماعی، به گونه‌ای ساخته انسان است. این همان انسانی است که زمین و آسمان و همه موجودات برای او و زیر سلطه او آفریده شده‌اند؛ موجودی است که ماده و مادیات را پشت سر نهاده و می‌تواند عالی‌ترین هدف‌ها و آرمان‌ها را در زندگی برگزیند. آن‌گاه بر اساس این نوع انسان‌شناسی، انسان نه یک جسم ضعیف، بلکه روحی قدرتمند است که می‌تواند فراتر از تاریخ بیاندیشد و عالمی را دستخوش دگرگونی‌های عظیم و کلان کند. چنین انسانی، موجودی زبون و تنها متأثر از عالم نیست، بلکه ساخته و پرداخته کردن عالم، به دست اوست.

3) خودسازی انقلابی از معنویت تا معرفت: آنچه می‌تواند دلبستگان به انقلاب را در مسیر سخت و پرافتخار خویش، قدرتمند و مستحکم گرداند، «خودسازی انقلابی» است که در دو ساحت «معنویت و اخلاق» و «کسب معرفت انقلابی» تعریف می‌شود: یکی از ابعاد خودسازی، تلاش در جهت «کسب فضائل و ملکات نفسانی» و «پرهیز از رذایل و پلیدی‌ها» است. خودسازی در بُعد «معنویت و اخلاق» از تکالیف بسیار سخت و بزرگی است که بر دوش انسان هاست، اما کسی که می‌خواهد پرچم انقلاب را به دست گیرد و با این نام شناخته شود، مسئولیتی دوچندان خواهد داشت. نکته این است که چنین فردی، هم به علت آگاهی و دانش خود، و هم به دلیل مزین شدن به صفت «انقلابی»، در کانون توجه و حساسیت دوستان و دشمنان خواهد بود و هر عمل خطای او، خسارت و زیان بیشتر و گسترده‌تری به دنبال خواهد داشت. معمار انقلاب در این باره می‌گوید که اگر به سبب کردار و رفتار یک مسلمان، یک نفر گمراه شده و از اسلام و انقلاب برگردد، چنین

اگر کسی ذهن خود را از توجه به پستی ها باز دارد، گرایش و خواسته های او رنگ تعالی می گیرد و چنین فردی در کنش ها و رفتار های خود رضایت الهی را می جوید و در مسیر راستین قدم می گذارد. در مقابل، اگر کسی تمنیات و تمایلات منفعت جوینه خودش را اصل قرار دهد، و برای رسیدن به مطامع خود بکوشد، انسان های بسیاری را به رنج و مشقت انداخته، آسیب می زند و انسانیت را پشت سر می گذارد تا به جاه و مقام و منفعتی برسد و به این دلیل، هیچ کس از عمل و کردار او در امان نخواهد بود. چنین کسی حتی اگر بتواند در این دنیا به جایگاه و درجه ای برسد، بدون شک، آخرت خود را تباه ساخته است. به همین جهت، در نهج البلاغه آمده است: «اگر نفس خویش را از بسیاری از آنچه دوست می داری، به سبب آنچه ناخوش می داری، باز نداری، هوا و هوس تو را به راه هایی می کشاند که زیان های فراوان در انتظارت خواهد بود. پس همواره، زمام نفس خویش فروگیر و راه خطا بر او بربند» (2) دیگر اضلاع خودسازی انقلابی، تلاش برای «کسب معرفت انقلابی» است؛ بدین معنی که هرکسی، آگاه بر زمان و زمانه خویش باشد و به درستی ببانددیشد تا صدق و کذب و حق و باطل را از یکدیگر تمیز و تشخیص دهد. شناخت های سطحی و غلط، رفتار های ناصواب و نسنجیده به دنبال دارد. کسانی هستند که احساس مسئولیت می کنند، انگیزه دارند، اما این انگیزه را اشتباه خرج می کنند و اسلحه را به آنجایی که باید، نشانه نمی گیرند؛ این بر اثر بی بصیرتی است. اگر بصیرت نباشد، هرچه که مسئولیت و انگیزه و احساس بیشتر باشد، خطر نیز بیشتر است. در چنین شرایطی، به آدم بی بصیرت و بدون روشن بینی که دوست و دشمن را نمی شناسد و نمی فهمد که این احساس و نیرو و انگیزه را باید در کجا به کارگیرد، اعتمادی نیست. (3) از این رو، رهبری معظم انقلاب بر مقوله بصیرت التفات ویژه ای دارند. «بصیرت» و «روشن بینی» به معنای مجموعه ای است از

ص: 136

- 1- امام خمینی، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص. 3
- 2- نهج البلاغه؛ ترجمه عبدالرحمن آیتی؛ نامه 56
- 3- امام خامنه ای؛ در دیدار اعضای بسیج؛ 6 آذرماه 1393

شناختِ زمان، شناختِ نیاز، شناختِ اولویت، شناختِ دوست و دشمن و شناختِ وسیله ای که در مقابلِ دشمن باید به کار برد. همیشه با یک سلاح نمی شود مبارزه کرد و در همه میدان ها با یک سلاح نمی شود رفت. کسانی که بصیرت ندارند مانند کسانی اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، می خواهند مخالف و دشمنی را بزنند؛ در حالی که نمی دانند دشمن کجاست و ممکن است جایی را بزنند که دوست آنجاست. (1) در مقابل، اگر کسی قدرت تحلیل و روشن بینی داشته باشد، به احتمال کمتری با خطا و محاسبه نادرست مواجه می شود؛ چنان که فرموده اند: «شبهات و نادانی ها به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی آورند» (2) البته بصیرت و شناختِ سیاسی و اجتماعی به معنای پایان راه نیست و کسی که حق را دریافت باید براساس شناخت، «عمل» کند و بدون ذره ای واهمه و تردید، قدم در راه انقلابی خویش بگذارد؛ چنان که با هر نسیمی به چپ و راست متمایل نشود یا به اخم و قدرت نمایی اهل باطل، مرعوب و گوشه نشین نشود و یا در لاک محافظه کاری فرو نرود. نمونه هایی از این رویکرد در تبیین رابطه ی معرفت خداوند با خلاقیت در موارد بعد مطرح خواهد شد.

4) ایجاد یقین و خلاقیت: خداوند سرچشمه ی خلاق و نامحدود هستی است که تمام عالم، جلوه ها و نشانه های اوست. کسی که خدا را بشناسد و آیاتش را در کتاب آفرینش مطالعه کند، هر پدیده ای را بسان روزنه ای به سوی بی نهایت خواهد دید. هر ذره ای در نظر او گنجینه ی بی پایانی است که تا ابد برای الهام بخشی و کشف حقایق قابل بهره گیری است. روانشناسان، خلاقیت را الهام و نوعی کشف فوق العاده دانسته اند. اندیشه خود سازی اگر با اصل دانایی و خلاقیت پیوند یابد، به جریانی سرشار و پیوسته از خلاقیت و کشف تبدیل می شود که هیچ گاه تهی نمی گردد و پایان نمی پذیرد.

برای شخصی که با خودسازی به خداشناسی رسیده، هر چیز ساده ای سرشار از رازهای کشف نشدنی و امکانات و ظرفیت های قابل استفاده است. او می داند که خالق

ص: 137

1- همان، در دیدار اعضای بسیج؛ 6 آذرماه 1393

2- تحف العقول؛ ص. 356

توانا و حکیم و بخشنده ای غنی و شگفتی آفرین عالم را بنا کرده و تدبیر می کند؛ پس عجایب بسیاری را می توان در یک قطره آب، ذره ای خاک یا نسیمی در هوا مشاهده کرد. خداشناس آماده است تا از درون ساده ترین پدیده ها، شگفت انگیزترین چیزها را بیرون آورد و با عادی ترین امور، پیچیده ترین مسایل را حل کند.

خداوند نامحدود است و جلوه های او نیز بی انتهاست. از این رو، خود سازی، یعنی سیر در این جلوه و تجلیات بی کران. و کسی که او را بشناسد، هر روز و بلکه هر لحظه، پروردگار را با جلوه ای تازه و نمودی نو مشاهده می کند و می شناسد: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (1) با این تجارب خداشناسانه، انسان این توانایی را پیدا می کند که هر روز و حتی هر لحظه جهان را از منظری نو ببیند و به همه چیز نگاهی نو بیندازد. عالم برای شخص خداشناس همواره تازه است. تکراری ترین امور جهان نو و دست نخورده، تازگی هایی برای کشف کردن و شناختن دارند. زیرا عالم سراسر آیات و نشانه ها و جلوه های او و کلماتی است که او برای معرفی نمودن خود خوانده و نوشته است و کلمات او نیز بی انتهاست: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» (2)

بنابراین، با قرار گرفتن معرفت خداوند در جان و خرد، نگاه انسان به عالم عوض شده، به نگاهی غنی و تیزبین برای کشف تازه ها و خلاقیت و نوآوری تبدیل می شود. دست یابی به این نوع بینش و نگرش، برای پرورش خلاقیت و شکل گیری شخصیتی خلاق، بسیار ضروری است. نگاه نوین که در اثر خداشناسی ایجاد می شود، سرمایه ی خلاقیت است و برخورداری از تازگی، نگرش انسان را مثل کودک معصومی که به دنبال تجربه و کشف جهان جدید بیرون رحم است، جستجوگر و جذاب می سازد و آمادگی کشف شگفتی ها را در سطح بالایی پدید می آورد. دل یا قلب، کانون دریافت ها و

ص: 138

1- الرحمن/29

2- کهف/109.

ادراکات وجود آدمی است: «لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا» (1) خداوند در مناجات با حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «كُن... جدید القلب» (2) «همواره نودل باش». توصیه‌ی خداوند به حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به این معناست که مرکز اندیشه و شناخت در وجودت را هر روز و هر لحظه نوبه نو کن و آماده‌ی دریافت‌های تازه و شناخت‌های جدید باش. این توصیه، با توسعه‌ی خداشناسی در قلب امکان‌پذیر است و نتیجه‌اش خودسازی در ابعاد مختلف از جمله خلاقیت و نوشتاری است. چرا که:

قلب انسان در درون جسم و جان * مرکز خوب و بد است تا آن کران (3)

وفق آیات خدا خرد و کلان * با قلوب پاک همی گیرند امان

ای که هستی صاحب قلب جوان * دان قلوب آدمی اندر جهان

یا شکور است و صبور و مهربان * یا گنه کار است و غافل چون بدان

قلب غافل روز و شب در هر مکان * روح و جان را می کند هر دم خزان

قلب شاکر در زمین و آسمان * می کند غوغا به پا در ملک جان

گر که می خواهی شوی در هر زمان * راحت و آرام چو موسی و شبان

کن خدا را یاد و با عشق نهان * با همان قلب سلیم و پر توان

ص: 139

1- حج/46.

2- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، باب تقوا، ح 22068.

3- بر اساس آیات و روایات. در ضمن یاد آورمی شود که بیست آیه با صراحت در خصوص قلب سالم و مریض نازل شده و کلمه قلب در آنها آمده است.

قلب سالم با هزار و یک نشان * از تو می خواهد خدا را بی گمان
پس عزیزم قلب خود را همچنان * پاک و سالم کن تو با ذکر و اذان
داد خاموش قلوب با یک زبان * حرف فطرت باشد و راه جنان
هر که را راهی رود غیر از همان * ظلم وافر کرده بر روح و روان
قلب خود را کن تو چون پیر مغان * تا شوی راحت ز شرّ این و آن
ای که داری قلبی چون آتش فشان * دان که با ذکر خدا گیری امان
این حقیر گوید بدون هر بیان * با خدا گردد روا هر نوع فغان

5) ایجاد سرور و شادی ناشی از یقین: سرور و شادی عمیق نیز از اخلاق و معنویت اثر می پذیرد. یقین به خداوند، یکی از شورانگیزترین و شادی سازترین آموزه های اخلاقی است. یقین به خدا، یعنی یقین به حسن و کمال مطلق که هنوز شناخته نشده، و اطمینان به وجودی که زیبایی و لطف نامتناهی اش همیشه رازی برای فاش کردن و جلوه ای پنهان برای نمودن و دل بردن دارد. یقین به خدا، یعنی یقین به کسی که در اوج کبریای اش احدی را نمی پذیرد و با ندای «یحذرکم الله نفسه» خلق را از خود می راند، ولی عشق بی کران و سرشارش آهنگ «ان الله رؤف بالعباد» سر داده است. یقین، انسان را در مدار این جاذبه و دافعه، به چرخش و شور و شغف وامی دارد و مثل دریایی موج خیز هیجان و شادی را در قلب برپا می کند. از این رو، «یقین شادمانی بی کران است»⁽¹⁾

اگر انسان، تنها با لطف و حسن و جمال انس بگیرد، از آن خسته و ملول می شود و اگر همواره جلوه های جلال و کبریایی را تجربه کند، رانده و تنها می ماند، و این هر دو،

ص: 140

1- «الیقینُ حبورٌ». [منتخب میزان الحکمه، باب یقین].

به تنهایی حزن انگیز و غم افزاست. اما کمال مطلق هم جلال نامتناهی است و هم جمال بی پایان، هم متکبر و قهار است و هم انیس و رئوف. هر تجلی الهی رازی نهفته دارد و هیچ ضدی برابر او نیست، همان طور که نَد و نظیری برایش نخواهی یافت. جلوه‌های گوناگون او شوری در جان اهل یقین می افکند که تمام غم‌ها را مثل غباری در توفان یا خاشاکی در سیلاب از میان می برد. پس «احساسات غم انگیز با اراده ی بردباری و نیکویی یقین دور و زدوده می شود»⁽¹⁾ و سروری که اعماق دل را به جنبش و هیجان می آورد، اهل یقین را فراگرفته، سر مست و شادمان می سازد، یا شاید ویران می کند و از نو می سازد و می آفریند.

یقینی که شادی آفرین باشد به معنای پذیرش و اطمینان کامل به معنی داری جهان و زندگی است. پس هر اتفاقی که می افتد معنادارد و هدفی را دنبال می کند. انسان، با یقین، همواره در حال تجربه ی معنایی و نزدیک شدن به هدفی است که خداوند برای او قرار داده است. برای کسی که یقین دارد، جهان و زندگی اطمینان بخش است، همه ی امور خواستی و دل پذیر است؛ زیرا اهل یقین هم آن نوازش‌ها را از نور و سرور و کمال و جمال مطلق می دانند و هم نازها را و یقین دارند که در هر قهری نیز لطفی پنهان است. انسانی که خودسازی نموده همه چیز را زیبا می بیند... بنابر این:

دیدگان را شستشو ده ای نگار * تا که جز زیبا نبینی نزد یار

با نگاهی نیک و زیبا کن نگاه * چون که هر فصلی شود با آن بهار

یا که الوان و نقوش در هر مکان * داد خوش رنگی زند در روزگار

آنچه دیدی در جهان پر سوال * زاده افکار توست بی هر شعار

ص: 141

1- «ا طرح عنک واردات الهموم بعزائم الصبر و حسن یقین.» [هدایه العلم، باب غم، ح 10].

بحث یوسف در نگاه این و آن * مختلف بوده ز یک تا صد هزار
قدر وی را در زمانی همطراز * زشت و زیبا دیده اند در هر قرار
دان زلیخا و همه اهل و تبار * هر کدام با دید خود کردند نظار
دید هر یک بوده ضدّ و هم نقیض * بهر یوسف از درون و هم کنار
رنگ حق را گر زنی بر هر کجا * می شود خوش رنگ و پر وزن و عیار
سختترین مشکل برای اهل حق * راحت و آسان شود در این مدار
زینب کبرا به عنوان مثال * در مصاف ظالمان در کار و زار
بعد آن پیکار سخت و جان گداز * در جواب دشمنان نا به کار
گفته بودش من ندیدم در مصاف * جز همه زیبایی در دار و ندار
چون که دیدش بوده آن دید رضا * گشته راضی از برای کردگار
چشم پاک زیبا همی بیند جهان * در مسیری که کند گشت و گذار
گر که می خواهی همه گردد چو * از درون بنگر نه با چشم خمار
ماه سبک خوب زندگی با این نگاه * می شود بی شک الهی دون تار
پس نگاه اصلاح و با دید خدا * کن تمام مشکلات را مهار

این حقیر گوید که چشم و جان پاک * جز جمال حق نبیند تا مزار

از طرفی شاد کردن دیگران نیز یکی از عوامل معنوی و اخلاقی شاد زیستن از منظر اسلام است. انسان از دیدن شادی دیگران شاد می شود؛ به ویژه اگر خودش عامل آن شادمانی باشد. ممکن است شادی های خود را با گذشت زمان، بی ارزش، پوچ و ناچیز بشماریم، اما اگر چه به بهانه ای ساده توانسته باشیم دیگران را شاد کنیم و شادمانی آنها را به تماشا بنشینیم، سروری عمیق تر، ارزشمندتر و با معنی تر را تجربه خواهیم کرد؛ به طوری که اگر در آینده این شادمانی را به یاد آوریم، از کمند اندوه خویش رها خواهیم شد. حتی اگر آن را به یاد نیاوریم، اثری که در ما می گذارد چنان عمیق است که ما را در برابر ناکامی ها و غم ها نفوذ ناپذیر و مقاوم می کند. به بیان امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «سروری در دل کسی قرار داده نمی شود، مگر این که خداوند لطفی از آن می آفریند، تا هنگامی که ناکامی بر او فرود آید، مثل آبی که در شیار روان می شود جریان یابد و آنرا می راند، همان طور که شتر غریب می گریزد.» (1)

شما می توانی ژرف ترین و ماندگارترین شادمانی ها را در قلب دیگران برای خود سرمایه گذاری یا ذخیره کنی؛ تا در موقع لزوم به شما باز گردد. دل های مردمان کشتزار شادمانی است؛ اگر بذری در آن افکنید، مزارعی از سرور و دل خوشی حقیقی و پایدار خواهید داشت؛ زیرا دست خداوند و لطف او را در کار آورده اید و او عین برکت است: «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (2) بصورت کلی افرادی که خود سازی نموده اند همواره شاد هستند چرا که دین اسلام دین شاد و شادی آفرین است. آری:

گرکه باشی شاد و در دنیای دون * می شوی آرام و گردی چون ستون

با طراوت می شوی و با نشاط * حزن و اندوه می شود در توزیون

ص: 143

1- هدایه العلم، باب سرور، ح 5

2- ملک / 1.

دین اسلام بهر هر روح و روان * شاد و شادی بخش با صدها فنون

از غم و افسردگی و اضطراب * می رهند جان و دل را از درون

دان که شادی جزء دین است در زمین * محکم و بی خدشه است همچون بتون

شادی و هر نوع نشاط خوب و نیک * از صفات مومن است اندر متون

یا کنی گر مومنی را شاد شاد * از ثوابش می بری بهره کنون

واژه جذّاب و پر عشق و سرور * واژه شادی بود در جان و خون

آنچه بر فطرت بود مطلوب و خوب * جام شادی و نشاط است در عیون

بهر مومن در درون این سرا * کی بود خوفی و لا هم یحزنون

در تمام لحظه های این جهان * آنچه بارد بر وجود مومنون

از همه خوب و بد و هر نوع شرور * نعمت است و لذّتش گردد فزون

چون که هستی مومن و اهل خدا * می شوی شاد و رها از هر جنون

گر که خواهی تو شوی خوشبخت و شاد * راه قرآن را برو در هر شئون

این حقیر گوید به هر اهل شعور * روح امید می کند غم را برون

6) اخلاص: یکی از ویژگی ها که بسیار مهم است تا برای خودسازی به آن توجه شود و شاید جنبه تقدیمی هم داشته باشد، «اخلاص»

است. اخلاص عبارت است از کار را

خالص انجام دادن و این که کاری را مغشوش انجام ندادن؛ خالص بودن عبادت و عمل این است که برای خدا باشد. به بیانی اخلاص یعنی پاک و خالص ساختن قصد و نیت و عمل را فقط برای خدا انجام دادن. از نظر اسلام اساس و شالوده و زیربنای سعادت انسان بندگی مخلصانه اوست. در معارف اسلامی عوامل دست یابی به اخلاص به‌عنوان فضیلت متعالی تشریح شده است و نشانه هایی برای تشخیص وجود یا نبود آن در انسان بیان گردیده است.

در اینجا یادآوری یک نکته ضرورت دارد و آن این که خوشحالی از تعریف و تمجید مردم در صورتی به حساب ریا گذاشته می شود که محرک اصلی در انجام کار، ستایش مردم باشد. اما اگر هدف از انجام کار خیر، تنها رضای خدا و امتثال امر او باشد ولی با دیدن مردم و ستایش آنان قهراً خوشحال شود این دلیل بر ریا کاری او نیست. زیرا طبیعی است که انسان موفقیت و خوشنمایی را دوست می دارد و از بدنامی گریزان است. حضرت ابراهیم نیز از خدا می خواهد: «خدایا نامم را بر زبان آیندگان نیکو و سخنم را دلپذیر گردان».⁽¹⁾ با این که در مسئله اخلاص در عبادت و دوری از ریا باید کمال مراقبت را مبذول داشت اما گاهی از اوقات این مراقبت از حدّ عادی بیرون می رود و به صورت وسوسه درمی آید و بخصوص آنها که در آغاز راه هستند بیشتر دچار این گونه وسوسه ها می شوند. در اینجا وظیفه آن است که به وسوسه اعتنا نکنیم و همین که از خطور این گونه تصورات و اوهام ناراحت هستیم دلیل بر آن است که ریایی در کار نیست و این شیطان است که می خواهد ما را از راه بازدارد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «اگر کسی در نماز باشد و شیطان او را به ریاکاری وسوسه و متهم کند تا وقت باقی است هر چه می خواهد نمازش را طولانی کند و نیز اگر مشغول یک کار اخروی است باز هم به وسوسه شیطان اعتنا نکند و به کار خود ادامه بدهد اما اگر کاری که در دست دارد مربوط به دنیا است بی درنگ آن را رها کند».⁽²⁾ در هر حال ای عزیز مخلص:

ص: 145

1- سوره شعراء: 84.

2- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، 1409 هجری قمری، ج 5، ص 479، ح 7112.

دان ریا حبط عمل آرد به بار * می کند صاحب عمل را خوار و زار
در چنین حالی عزیز با خدا * با بصیرت گیر خلوص از کردگار
آدم مخلص شود از غیر رها * دون هر نوع شیطنت با هر شعار
گر که می خواهی شوی دور از خطا * از همه غیر خدا کن توفرار
در حدیث قدسی آمد این ندا * گر عمل باشد تماما بهر یار
می پذیرد خالق از جنس شما * آن عمل را با خلوصی زرنگار
ذره ای گر همراهش گردد ریا * اصل آن بر باد و گردد چون غبار
اندر این دنیای دون و بی وفا * کن عمل را بهر آن پروردگار
غیر از این آرد هزار و یک بلا * در جهان و اندر آن دار قرار
داد خاموش درون بی هر صدا * از تو می خواهد خلوصی پایدار
این بود خواست درون تا ماورا * بهر مخلص بوده بی شک افتخار
پس حقیر گوید بدون هر ادا * با خلوصت کن عمل را ماندگار

7) توکل و تقویض: توکل به عنوان یکی از مهم ترین اصول اخلاق اسلامی، می تواند انسان را در رسیدن به موفقیت ها و اهداف عالی یاری نماید. وقتی نیروی بیکران الهی پذیرفته شود و امکان اتصال به آن و برخورداری از آثارش در قلب جاگیرد، آمادگی و شایستگی بارش حیات بخش قدرت آسمانی پدید آمده و موانع دریافت فیض بر طرف می

شود. بنابراین، «کسی که متوکل بر خداست کمک و حمایت را از دست نمی دهد»⁽¹⁾ و همواره در قلمرو امن پشتیبانی شکست ناپذیر حضور دارد. اگر قدرت خود را جلوه و پرتوی از قدرت نامتناهی الهی بدانی، در حقیقت، به آن پیوسته و نیروی او در شما جاری می شود. فراموش کردن این ارتباط موجب می گردد که در محدودیت نیروی خود باقی مانده و به امور ناچیز و افراد ناتوان دیگر تکیه کنی. بنابر این:

بر خدا کن تو توکل با یقین * تا شوی راحت ز ترس و حزن و کین

چون توکل می کند دل را قوی * در مسیری که بود پر بمب و مین

می کند خنثی و نابود هر غمی * از درون و هم برون این زمین

تا شوی آرام و راه حق روی * در همان راهی که هست راه متین

جان و دل را می کند دور از بدی * با ندایی که بود در بطن دین

گر روی در راه مولی و ولی * راه خوشبختی شود با تو عجین

می کند آرام و شادان آن همی * از همه درد و هر آنچه هست غمین

استرس و اضطراب و هر کژی * می کند بیرون ز جان و هم جبین

پس عزیزم با توکل چون علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) * کن رها غیر خدا و باش امین

این حقیر گوید به انس چون پری * با توکل کن تلاش ای نازنین

ص: 147

مراتب بالای توکل به تقویض تبدیل می شود. تفاوت توکل و تقویض این است که در توکل فرد است که کار خود را به خداوند می سپارد، اما در تقویض، اساساً شخص کاری را برای خود نمی داند، بلکه همه ی امور را در دست او می بیند و تمام تکیه اش به خداوند است؛ زیرا کار او، نیروی او و نتیجه ای که از این کار حاصل می شود همه از او به سوی اوست. انسان متوکل بر سر سفره ی توفیق و فیض پروردگار نشسته است و هم از این رو، کارها در نهایت اتفاق و استحکام پیش می رود: «کسی که کارش را به خداوند تقویض کرد، آنها را محکم کرده است.» (1) این استحکام و حمایت، به معنای رها کردن امور و به گوشه ای خزیدن و منتظر عنایت آسمانی بودن نیست، بلکه تلاشی نیرومند، عملکرد متقن و مستحکم و حمایتی را که موجب جدیت و دلگرمی و پشتکار است، به دنبال می آورد. توکل، اعمال ضعیف و کم نتیجه را، بر قدرت و ثمر بخش می کند و انسان ناتوان را از نیروی معجزه گونه ای برخوردار می سازد.

نیروی نامحدود الهی بر همه چیز غالب است و هنگامی که انسان با ارتباط و اتصال به این سرچشمه ی قدرت، از آن برخوردار شود، بدون تردید، پیروزی و کامیابی را خواهد یافت. انسان، حتی اگر اهداف بسیار بزرگ و خواسته های گرانسنگی داشته باشد، توکل مطمئن ترین راه نزدیک شدن به آنهاست: «اعتماد به خدای والا مرتبه، بهای هر چیز گرانبها و نردبانی به سوی خواسته های بلند است.» (2) توکل، در درجه ی اول، ابهاماتی را برطرف می سازد که در تصمیم گیری و راهیابی به سوی اهداف مانع ایجاد می کند. کسی که بر خداوند سبحان توکل کند تاریکی های شبهه ها برایش روشن می شود. (3) و پس از این که راه مناسب به سوی مقاصد و خواسته های خویش را شناخت و تصمیم گیری و اقدام را پشت سر گذاشت، در کشاکش تلاش و کوشش نیز موانع را در هم شکسته و راه

ص: 148

1- تصنیف غرر الحکم، ح 3882

2- میزان الحکمه، باب توکل، ح 22562

3- همان، ح 22252

های روشن و هموار را می‌گشاید و در می‌نوردد. کسی که بر خدا توکل بورزد، دشواری‌ها در برابرش فروشکسته و ذلیل شده و اسباب توفیق به سادگی برایش فراهم می‌شود. (1) بنابراین، توکل تضمینی برای موفقیت و پیروزی کسانی است که می‌اندیشند و عمل می‌کنند. برای رسیدن به کامیابی و خوشبختی، «توکل، کافی است» (2) البته توکل و پیوند با قدرت الهی برای کامیابی و موفقیت در دنیا اموری را به همراهی می‌طلبد. مثل صبر که قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (3) کسانی که بردباری پیشه کرده و توکل ورزیدند. در این آیه ی شریفه، صبر و توکل مکمل هم و در کنار یکدیگر معرفی شده‌اند. توکل و صبر، در آمادگی یافتن برای دست‌یابی به نتیجه‌ی دلخواه نقش مؤثری دارند. شخص متوکل، با این که اهداف بسیار بزرگی دارد، اما خودداری نفس را از دست نمی‌دهد و دچار حرص و ولع نمی‌شود، بلکه کاملاً آرام و مطمئن به پیش می‌رود و منتظر دریافت نیرو و سرانجام نتیجه‌ی زحمات و تلاش‌های خویش از سوی خداوند است. در ادامه در ارتباط با صبر مطالبی مطرح خواهد شد. (8) صبر و راضی بودن به رضای خدا:

هر چه را کردی در این دور و زمان از خود رها * عاقبت گشتی گرفتار همان با صد جفا

پس هر آنچه او همی خواهد بخواه از عمق جان * تا شوی فارغ ز ترس و حزن و اندوه و بلا

آنچه پیش آید برایت روز و شب در هر زمان * با تدبیر کن نگاهش تا شوی از آن رضا

گرچنین کردی شوی راحت ز شرّ این و آن * با همان ایمان و عشق و آن همه شور و صفا

دان رفیق با خدا باشد صبور در هر مکان * بهر آنچه بوده از سنخ قدر و هم قضا

ص: 149

1- همان، ح 22253

2- همان، ح 225272

3- نحل / 42، عنکبوت / 59.

آن قضایی که همی باشد بها بر هر روان * داد خاموش درون است و دهد جان راجلا

آنچه را خواستی نه آن شد در سرای پر نشان * هر چه او خواهد همان گردد روا بی هر صدا

هر که می خواهد شود آرام و شاد و پر توان * چون حقیر گردد رها از غیر حق در این سرا

صبر از اوصاف ارزشمند خود سازی است. مفهوم صبر، بردباری و تحمل طاعت و بندگی در دشواری ها و رنج هایی است که در زندگی پیش می آید. صبر، دوران کمین کردن و آرام گرفتن زندگی برای آغاز تغییر و کوشش و کامیابی است. به فرموده ی امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرمایند: «مطمئناً سیه روزی ها پایانی ندارد که ناگزیر به آن می رسند، پس وقتی که بر یکی از شما دشواری و گرفتاری حکم شود، باید آن را بپذیرید و بردباری کنید تا بگذرد. به راستی که چاره اندیشی در آن هنگام که روی آورده، موجب افزایش ناخوشایندی و رنج می شود.» (1) صبر، مقدمه ی تحوّل و دگرگون کردن اوضاع است. تسلیم همیشگی برابر سختی ها و رنج ها و پذیرفتن شرایط ناگوار، به معنای عدم اقدام و کنار آمدن دایمی با وضعیت ناخوشایند است که به بی تحرکی و افسردگی و عادت به آن می انجامد. صبر، آرامش پیش از توفان است. صابر شخصی است که در انتظار فرصت برای اقدام و تمرکز نیرو برای ایجاد تغییر است. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرموده اند: «نشانه ی فرد بردبار سه چیز است. اول این که، از عمل کسل و سست نمی شود؛ دوم این که، افسرده نیست؛ سوم این که، از پروردگارش شکایت نمی کند.» (2) صبور کسی است که در گرداب بلا- و فاجعه افتاده و در مرحله ی آزموده شدن است. هم از این رو، بسیار عادی عمل می کند، اما منتظر است و نیروی خود را متمرکز می نماید تا در موقع رو به افول نهادن مشکلات بر آنها بتازد.

ص: 150

1- میزان الحکمه، باب صبر، ح 10123

2- همان، ح 10108

آنچه برای صبر اهمیت دارد دورانندیشی است که به حفظ نیرو و سرزندگی و آمادگی عملی می انجامد؛ زیرا «همراه با بردباری دور اندیشی تقویت می شود»⁽¹⁾ براساس آن، نشاط و نیروی عملی حفظ و تقویت می گردد و کسالت و بی رمقی از شخص صبور دور می افتد. پس بردباری راه نیرومندی و جمع کردن قدرت است، و در پایان همین نشاط و نیروی حفظ شده، نتایج خوشایندی را به بار می آورد. «کم است کسی که صبر کند مگر این که قدرت یابد»⁽²⁾ زیرا صبر مثل سدی است که جلوی جریان قدرت را می گیرد تا پس از ذخیره ی لازم آن را به کار گیرد. درست است که هم هنگام خشکسالی و هم وقتی که سدی بنا میشود، در هر دو صورت، رودخانه تهی می گردد، اما خشکسالی، مثل بی تابی کردن، نیرو و نشاط را تحلیل برده و به باد می دهد. اما هنگامی که سدی بنا می شود، تمرکز و اندوختن منابع انجام می گیرد. ما در مواردی که برای رسیدن مطلوب ها و آرزوها و اهداف زندگی نیاز به تمرکز و انباشته شدن نیرو داریم، خداوند با مشکلات و دشواری ها سدی بنا می کند تا نیروی لازم را در ما جمع کند. انسان باید پیام حکیمانه ی خداوند را بفهمد و تا وقتی که به اندازه ی کافی انرژی و نشاط اندوخته نشده، بردباری پیشه سازد.

سومین علامت صبر در روایت پیامبر این بود که انسان بردبار از خدا شکایت نمی کند. البته این به معنای آن نیست که او وضعیت خود را خارج از قدرت و اراده ی او می پندارد، بلکه برای آن است که این رنج و صبر را مقدمه ی پیروزمندی و دستیابی به مطلوب خود می داند؛ زیرا نظام عالم بر این است که « پیروزی و موفقیت همراه بردباری و گشایش همراه گرفتاری است و با هر سختی آسانی است»⁽³⁾ بنابراین است که هر کسی بهای آنچه را می خواهد پردازد و بهای خوشبختی و کامیابی، تحمل سختی و بردباری است. هم از این رو، «با صبر، خواسته ها دست یافتنی می شوند»⁽⁴⁾ حضرت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ص: 151

1- تصنیف غررالحکم، ح 6356

2- همان، ح 6367

3- میزان الحکمه، باب صبر، ح 10068

4- همان، ح 10058

فرموده اند: «انکم لا تدرکون ما تحبّون الا بصبرکم علی ما تکرهون؛» (1) «مطمئنأً به آنچه دوست دارید نمی رسید، مگر با صبر بر چیزی که نمی پسندید.» هر چه صبر کامل تر باشد به حظ و بهره ی بیشتری از اهداف و آرزوها می توان رسید. کسی که بسیار بردبار است به هدف نهایی و تمام آرزوهایش می رسد. (2) آنچه موجب می شود که شخص بردبار به آمال خود راه یابد، اندوختن نیرو، تمرکز قوا و آمادگی در شکار فرصت هاست. حضرت علی (عَلِيَّهِ السَّلَامُ) فرمودند: «الصبرُ علی مَضَضٍ يُؤدّي إلى إصابه الفرصه» (3) «بردباری در رنج ها به شکار فرصت ها می رسد.» در حقیقت، بی تابی کردن، نقشه و برنامه ی خداوند را برای کامیابی و موفقیت انسان خراب می کند. کسی که جزع کند... کار خداوند سبجان را خراب کرده و پاداش خود را فروخته است. (4)

بنابراین، شخص بردبار، با توجه به این «که با صبر، برایش امور والا دست یافتنی می شوند» (5) در رنج ها نه تنها از خداوند ناراضی نشده و شکایت نمی کند، بلکه به روشنی می بیند که خداوند نقشه ی خود را برای پیروزی او به اجرا گذاشته و راه رسیدن به خواسته هایش را فرا روی او نهاده است. لذا همواره به خود می گوید که شیرینی پیروزی، تلخی صبر را از بین می برد. (6) پس بردباری بورز تا کامیاب شوی. (7) وی، همواره، این فرمایش امام علی (عَلِيَّهِ السَّلَامُ) را در نظر دارد که: «موفقیت از بردباری کننده گرفته نمی شود؛ اگر چه زمانی به طول انجامد.» (8)

ص: 152

- 1- همان، ح 10021.
- 2- تصنیف غررالحکم، ح 6333
- 3- میزان الحکمه، باب صبر، ح 10033
- 4- همان، باب جزع، ح 2328
- 5- همان، باب صبر، ح 10059
- 6- همان، ح 10075
- 7- همان، ح 10071
- 8- همان، ح 10070

8) تقدّم خودسازی بر جامعه سازی و تمدّن سازی: همانطور که قبلاً نیز اشاره شده بود؛ در بیانیّه گامِ دوّم انقلاب، خودسازی «قدمِ اوّل» در راستای جامعه سازی و تمدّن سازی است و در جایگاهِ مقدم و نخستین قرار دارد؛ زیرا جامعه و تمدّن، مرگّب از انسان هاست و انسان «پایه» و «اساس» است و «دگرگونیِ انسان» به مثابه تحوّل زیربنایی، به ایجادِ تحوّل در جامعه می انجامد. چنان که در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»⁽¹⁾ خداوند سرنوشتِ هیچ قوم و ملّتی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.

بنابراین، فرآیند جامعه سازی و تمدّن سازی، تنها در صورتی محقق خواهد شد که کسانی برای برعهده گرفتنِ مسئولیتِ خطیرِ جامعه سازی و تمدّن سازی، خویشتن انقلابی خود را شناخته و بنایِ معرفتی آن را ساخته باشند، زیرا جامعه و تمدّن، حاصلِ خود انسان هستند و بهرنگ آن در می آیند و این فرد انقلابی است که جامعه انقلابی را خواهد ساخت. به تعبیر معمار انقلاب مبارک آن وقتی است که خودمان بتوانیم خودمان را بسازیم و به دنبالِ آن کشور را. هر اصلاحی، نقطهٔ اوّلش خودِ انسان است و چنان چه خودِ انسان تربیت نشود، نمی تواند دیگران را تربیت کند. آن چیزی که بر همهٔ ما لازم است، ابتدا توجّه به نفسِ خودمان است و قانع نشدن به ظواهر. باید از قلب و مغزمان شروع کنیم و هرروز به دنبالِ این باشیم که روزِ دوّم مان بهتر از روزِ اوّل مان باشد؛ و امیدوارم این مجاهدهٔ نفسانی برای همهٔ ما حاصل بشود و دنبالِ آن، مجاهده برای ساختنِ یک کشور.⁽²⁾

9) نقش خودسازی و معنویت در عرصه ی خانواده:

خانواده وفق سنت در جهان * بوده اصل و هم اساس در ملک جان

یا که بنیانش همی محکم بدان * این حکایت را تو در قرآن بخوان

ص: 153

1- رعد، 11

2- صحیفهٔ امام؛ ج. 15؛ ص. 491

چون که باشد خواست هر روح و روان * در صراط و سبک حق هست در فشان

گر کنی حفظش بدان در هر زمان * می شوی شاد و شوی دور از فغان

همسر و فرزند بدون هر گمان * می شوند آرام و گیرند صد نشان

گر چه در دنیا همان مستکبران * با شیخون در عیان و هم نهان

می کنند تهدید همه پیر و جوان * در زمین و هم ز اوج آسمان

از درون خانه تا هر جا چنان * با چت و اینترنت و مثل همان

یا که با ماهواره و فارسی وان * غیرت و دین را کند هر دم خزان

یا که با مواد ارزان و گران * کرده معتاد جان خوبان و بدان

گر تو می خواهی همی گیری امان * کن توکل بر خدای مهربان

شو مسلح با نماز و هم اذان * تا شوی فارغ ز مکر این و آن

چونکه ایمان حافظ است همچون شبان * باز و می دارد تورا از نا کسان

حرمش را پاس و دار در کهکشان * گر که می خواهی روی تا آن کران

خانواده در دل پیغمبران * برتر است از آنچه آید بر زبان

کن ز آسیبها رها در هر مکان * تا شوی راحت ز شرّ ملحدان

زن و شوهر هر دو همچون دلبران * از همان خانه روند سوی جنان

با گذشت و عشق و ایثار و بیان * تا ثریا می روند با صد توان

سحر الفاظ را عزیز محکم بدان * چون که آرد بر شما مهر و امان

حق فرزندی و عیال و خانمان * کن ادا اندر نهان و هم عیان

این حقیر گوید به هر خرد و کلان * کن حفاظت خانه را از شوکرانخانواده وفق سنت در جهان

ص: 155

غزل مزبور بیانگر این است که خانواده از ارکان زیرساختی جامعه، بلکه خود جامعه کوچکی است که نقش بالا و برتری در ساماندهی درست و تربیت اجتماعی دارد. حضور مؤثر معنویت خانواده در ارتقا و پایداری معنویت اجتماعی و جامعه سازی مهم و سرنوشت ساز است، چراکه حذف معنویت در خانواده عامل حذف معنویت در جامعه و آنگاه موجب تخریب آن خواهد شد. به همین دلیل قدرت های ستمگر عالم، به ویژه در صدسال اخیر، بر حذف معنویت و ارزش های والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده اند و نتیجه ی آن، گسترش فسادهای اخلاقی و اعتیاد و ویرانی بنیان خانواده و همچنین رشد استثمار و افزایش فاصله ی میان ملت های فقیر و غنی شده و دوری روزافزون از عدالت اجتماعی و بی اعتنایی به کرامت انسان و تولید سلاح های مرگ بار و افزایش کشتارهای دسته جمعی گردیده است. (1) وقتی کانون خانواده نسبت به معنویات سرد و خموش باشد نتیجه مستقیم آن سردی و خموشی معنویت در کانون جامعه است، بنابراین لازم است کانون خانواده را به صورت دائمی مراقبت کرد تا معنویات در آن حضور پررنگ داشته باشد. از این روست که کانون پر مهر خانواده به کرات مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا همه ارزش های معنوی را می توان از درون کانون گرم خانواده بیرون کشید و معنویات را در

ص: 156

سطح جامعه گستراند.(1) با این نگرش است که مقام معظم رهبری خانواده را اصلی ترین کانون معنویت دانسته و خطاب به نماینده کشورها در سازمان ملل می گوید: «ما باید در کشورهای خود با فساد مبارزه ای جدی آغاز کنیم؛ باید بنیان خانواده را محکم و نخستین و اصلی ترین پرورشگاه آدمی را کانون محبت، صفا، عاطفه و معنویت کنیم»(2)

معرفت اسلامی، ارزش های دینی، مناسک و اعمال عبادی دینی باید در خانواده تحقق و تجلی یابد. معنویت باید در خانواده به فرزندان تزریق شود تا تربیت معنوی از این نهاد مهم و سرنوشت ساز به درون نهاد اجتماع گسترش یابد. به همین دلیل نوع بینش، گرایش و کنش های معنوی والدین در خانواده می تواند در تعلیم و تربیت معنوی فرزندان کارساز باشد و آنگاه به درون جامعه نفوذ یابد.(3) در نتیجه احساس مسئولیت معنوی بین اعضای خانواده از والدین گرفته تا فرزندان و دیگر اعضای خانواده تأثیرگذار است. بخشی از معنویت، عطوفت ورزی و احساس مثبت روحی است که در روان شناسی به آن هیجان اطلاق می شود. عطوفت هایی که از جانب والدین به فرزندان می رسد و همین طور الفت و هم دلی که اعضای خانواده از هم دیگر می بینند، بخشی از معنویت دینی است که می تواند کانون خانواده را از حس معنوی سرشار کند. با همین نگاه است که ارتباط بین کانون های خانوادگی نیز در اندیشه مقام معظم رهبری باید بر مبنای عاطفه و محبت باشد؛ به گونه ای که این عطوفت ورزی از یک کانون به کانون دیگر سرریز شده و سرور و شادی را به آن ارزانی می دارد.(4)

10) توبه و استغفار: امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خطاب به امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند «... راه بازگشت و توبه را به روی تو گشوده است. ... پس از مرگ بترس، نکند زمانی سراغ تو را گیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه کردن باشی و مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله اندازد

ص: 157

1- همان، بیانات، 25/3/84

2- همان، بیانات، 1366/06/31

3- همان، بیانات، 4/11/76

4- همان، بیانات، 18/8/85

که در این حال خود را تباه کرده ای.» آری ای عزیز بزرگوار طبق فرمایش امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بدان و آگاه باش که بطور حتم و یقین در برخی از مواقع شاید مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله اندازد که در این حال خود را تباه کرده ای و فرصتارزشمند توبه و خود سازی را از دست داده ای. چرا که:

قبر و قبرستان پر است از نوجوان * یا جوانانی که بودند پر توان
هر یکی گفتند که در پیری چنان * توبه و زاری نمائیم بی گمان
با چنان دیدی شدند هر یک خزان * فرصت توبه نیافتند در جهان
دون توبه با نگاهی پر فغان * دیده ها بستند و گفتند از نهان
ما همه کردیم خطا با صد نشان * تا شدیم عبرت برای دیگران
بی صدا و بی خبر و ناگهان * مرگ آدم می شود بر جان عیان
ناگهان بانگی بر آید از دهان * بهر مرگ نوجوانی یا جوان
کار آنها بوده عبرت این زمان * بهر هر پیر و جوان در هر مکان
داد خاموش درون با صد بیان * توبه را خواهد ز تو از عمق جان
در جوانی توبه کن در این کران * تا که ترفیع یابی اندر آسمان
با تفکر در امور کهکشانشان * یا همه جان خود و باغ جنان
فطرت ا... التی در روح و جان * داد خاموش زمین است و زمان

یا نفخت فیه من روحی چنان * می کند روح و روان را جاودان

گر روی در راه فطرت ای جوان * می شوی آرام و راحت از نهران

قدر وقت و فرصت را خوب بدان * چون نمی دانی که عمرت همچنان

کی شود خاموش چو شمعی نور فشان * دون هر نوعی اثر گیرد عنان

صورت زیبا و صوت نغمه خوان * می شود فانی به جز روح و روان

پس حقیر گوید به هر پیر و جوان * روح و جان با توبه می گیرد امان

آری ای عزیز اهل توبه، راغب در خصوص معنای توبه می گوید: توبه به معنای ترک گناه، به زیباترین صورت است. و آن رساترین و بلیغ ترین وجه از وجوه معذرت خواهی است. توبه و بازگشت از گناه و حرکت به سوی خدا، تنها راه نجات گناهکاران، وسیله تقرّب و دوستی با خدا، تبدیل کننده سیئات به حسنات و مایه امید ناامیدان و نخستین مقام عارفان و اولین منزل سالکان کوی دوست برای خود سازی است. توبه با همه خواصی که دارد یک خاصیت ویژه و ممتاز، برای توبه کننده دارد، و آن ایجاد آرامش و اطمینان روحی و روانی است. چرا که کسی که خود را گناه کار می داند در یک بحران روحی به سر می برد که با توبه؛ این بحران روحی تبدیل به آرامش و سکون خاطر فرد می شود. مؤمن واقعی هیچگاه دچار اضطراب ناشی از ارتکاب گناه نمی شود. چرا که در سایه و سوسه ها به آسانی فریب نمی خورد و مرتکب گناه نمی شود تا احساس عذاب وجدان نماید، با ارتکاب به گناه هم بدون فوت وقت توبه می کند؛ زیرا می داند خداوند بخشنده است. (لَا تَنْتَظُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا) از رحمت خداوند نومید نباشید که همانا خداوند همه گناهان را می آمرزد. انسان توبه کار با تصمیمی قاطع می تواند متحول شود و راه خود را برای رسیدن به عالی ترین درجه کمال و فضیلت که همان خود سازی انقلابی

است؛ تغییر دهد. از نظر روانی بخشودگی ناپذیر بودن گناه سبب تثبیت تبهکاری می شود. بهمین سبب خداوند مهربان مقرر داشته که در صورت تحقق انقلاب درونی و توبه همه گناهان به گونه ای آمرزیده می شوند که گویی فرد گناهی نکرده. قرآن روش "توبه" را که روشی موفق برای درمان احساس گناه است به فرزندان آدم ارائه می دهد. زیرا توبه سبب آمرزش گناهان، تقویت امید به جلب رضایت الهی و نهایتاً موجب کاهش اضطراب انسان می شود، توبه انسان را به خود سازی و داشتنه و از دام خطاها وی را دور نگه می دارد و این امر به شناخت خود و در نتیجه افزایش اعتماد به نفس و تثبیت احساس امنیت و آرامش او منجر می گردد. در هر حال:

از خود و اعمالم اندر این جهان * گشته ام مایوس عزیزم از نهمان

با تو گویم درد خود را ای خدا * از همان عمق وجود روح و جان

بر ضمیر و فطرتم کردم جفا * ظلم وافر من نمودم بر روان

با گناه و غفلت و صدها ریا * من ستم کردم به خود بی هر گمان

منحرف گشتم و کردم من خطا * دان پشیمانم ز کردار و بیان

نادم و حیران و پر درد و بلا * از پشیمانی کشم آه و فغان

می کنم اذعان که من گشتم جدا * از مسیر فطرتم در این زمان

بوده ام از خاک و خاک خواند مرا * کن رها دنیا و مافیهای آن

رد پای یار همی دارد ندا * با سر و جان رو تو سویش همچنان

داد خاموش درون خواهد تو را * ای خدایی که عیانی و نهان

عیب من مخفی نما تو در سرا * چون که هستی ساتر سر و عیان

آنچه من دارم بود لطف خدا * لطف حق باشد همیشه جاودان

جسم و جان این حقیر با صد صدا * گوید و خواهد ز تو باغ خبان

11) خودسازی انقلابی و امام خمینی (ره): خودسازی انقلابی، آرمانی دست نیافتنی و رؤیایی شگرف نیست که تحقق آن، ناممکن پنداشته شود و این گونه نیست که به رغم راه سخت رسیدن به آن، مقصدی نادیده و دور از تجربه باشد. امام خمینی (ره) تجربه برجسته ای از خودسازی انقلابی است؛ او که به قلّه های رفیع علم و معرفت دست یافته بود با نهضت خود، جهانی را با اندیشه های خویش، که در حقیقت همان اندیشه های والای اسلامی است، دگرگون ساخت. جهانی که در آن، شرق و غرب مادی های انسانیت را زیر پا گذاشته و به سرعت، به اضمحلال و نابودی می کشاندند، هرگز گمان نمی بردند متأثر از مردی معنوی و خود ساخته شود که پرچم یک نهضت دینی را برافراشته است، اما وعده الهی به حقیقت پیوست که: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند، به زودی خدای رحمان برای آنان در دل‌ها محبتی قرار می‌دهد. و چنین شد که پس از مدتی کوتاهی از قیام امام خمینی و تاکنون که چندین سال از رحلت آن بزرگ‌مرد و فقدان او می‌گذرد، در هرکجای جهان که ندای حقیقت برمی‌خیزد، نام امام خمینی و سخن از انقلاب او، بر تارک آن می‌درخشد. به یقین، خودسازی امام و سیر و سلوک ایشان، در روند انقلابی شدن و انقلابی بودن ایشان تأثیرگذار بوده است. امام خمینی پیش از آن که رهبر جامعه باشد، عارف و سالک بود و انقلاب را نیز بر این اساس، بنیان نهاد. اگر امام خودساخته نبود، بی‌گمان مقهور دشواری‌ها و مرعوب تهدیدها می‌شد و عقب می‌نشست، اما چنین نشد و تا پایان عمرشان، ذره‌ای تردید بر دل‌شان راه نیافت.

12) نقش خودسازی و معنویت در عرصه سیاست:

سیاست جزئی از، دین مبین است * سیاست فارق از، مکر زمین است

سیاست بر حکومت، چون نگین است * سیاست با دیانت، گو عجین است

مضمون رباعی مزبور بیانگر این است که سیاست از دیانت جدا نیست. همان طوری که امام خمینی (ره) در مقام نظر و عمل خط بطلان بر تفکیک معنویت از سیاست و سیاست از معنویت کشید، اساس را معنویت دانسته و بین معنویت معطوف به حکومت و سیاست با معنویت‌های بریده از سیاست یا سیاست بریده از معنویت تفاوت فاحش قائل‌اند. ایشان معنویت و عدالت اجتماعی را بهم گره زده‌اند و با چنین دیدگاهی حکومت‌ها و رژیم‌های مختلف را مورد نقادی قرار دادند. ایشان معتقدند هیچ‌یک از رژیم‌های دنیا، غیر از آن رژیم توحیدی انبیا، به معنویت انسان توجه نداشته‌اند؛ همه آنها دنبال ایجاد یک نظام مادی در

ص: 162

عالم بوده اند. انبیا برای تزکیه نفوس انسانی آمده اند؛ تعلیم کتاب، حکمت و مهار کردن این طبیعت. (1)

مقام معظم رهبری نیز نظریه تلفیق سیاست و معنویت را به خوبی تبیین کردند اینکه اسلام سعادت مردم را دنبال می کند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت به میدان آمده است. امام این را از شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرر بیان کرد. امام عظیم الشان در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام یعنی مقررات اداره ی زندگی مردم، در کنار فلسفه ی اسلام یعنی تفکر روشن بینانه و عمیق و استدلالی و عرفان اسلام یعنی زهد و انقطاع إلى الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی، چه معجزه ی بزرگی می آفریند. امام در عمل نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداریملت های اسلامی، تبلیغ می کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جدا است. امروز دستگاه های تبلیغاتی دشمن و جبهه ی دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می کند اسلام سیاسی عدالت خواه و اجتماعی را به عنوان چهره ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، تسلیم طلبانه و اسلامی سوق دهد که در مقابل متجاوز و ظالم هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهد. امام این انگاره ی دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکتب های بیگانه و التقاطی است. هم آن روز، هم در طول سال های مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی و هم تا امروز، این از نقاطی است که جبهه ی دشمن اسلام روی آن تأکید می کند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می خواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه ای بنشیند و بی توجه باشد به اینکه دشمن متجاوز و اشغالگر

ص: 163

چه می کند. امروز هم این را تبلیغ می کنند. امام نقطه ی مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد.(1)

چنانکه مطرح کرده اند در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست، عرفان و اخلاق جدا نیست. امام که تجسم مکتبسیاسی خود بود، سیاست و معنویت را باهم داشت و همین را دنبال می کرد؛ در مکتب سیاسی اسلام ضابطه، ضابطه ی معنوی است.(2) و این حقیقت الگوگرفته از مکتب نبوت و به ویژه از مکتب امیرالمؤمنین علی(عَلَيْهِ السَّلَام) است که سلوک سیاسی امام علی(عَلَيْهِ السَّلَام) از سلوک معنوی و اخلاقی اش جدا نبود. سیاست امیرالمؤمنین آمیخته ی با معنویت و اخلاق است، سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله ی کمال و راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق و معنویت جدا شد، آن وقت سیاست ورزی وسیله ای برای کسب قدرت، ثروت و پیش بردن کار خود در دنیا به هر قیمتی می شود. این سیاست آفت می شود.(3) حکومت اگر به دل انسان ها، دانش و اقتصاد توجه نداشته باشد و همه نیازهای درونی و بیرونی آنان را تدبیر نکند در حقیقت، روش سیاسی منفک از اخلاق و معنویت بوده و به جای پیشرفت، پسرفت را برای جامعه رقم می زند. امت اسلامی از وقتی دین را از حکومت جدا کرد، اخلاق را از مدیریت جامعه جدا کرد، دچار اختلال شد.(4) بنابراین در اندیشه اسلامی، سلوک سیاسی و معنوی در هم تنیده اند و سیاست نیز می تواند روح معنوی داشته و معنویت می تواند سمت و سوی سیاسی داشته باشد. هرگاه سیاست در راستای اقامه حق و عدل باشد عین معنویت است. ظهور

ص: 164

1- حدیث ولایت، بیانات، 1382: 62

2- همان، بیانات، 1383: 28

3- همان، بیانات، 1388: 145

4- همان، بیانات، 1385: 86

معنویت در سیاست، سیاست را هم معنوی کرده و عامل پیرایش سیاست از قدرت طلبی، ثروت اندوزی، شهوت و شهرت است. (1)

13) غفلت از خویشتن انقلابی:

گرنبخشی تو مرا روز پسین * با که گویم درد خود را در زمین
ای که با بخشش کنی لطفی برین * کن مرا با عفو خود اهل یمین
گر که من نالایق ام در عالمین * لطف تو باشد عظیم و هم وزین
با گناه و غفلت و نفس لعین * فطرتم را کرده ام غافل ز دین
از برای فطرت و یار معین * روز و شب محزونم و باشم غمین
با ریّا و خود نمایی در جبین * گشته ضایع هر عمل با صد حزین
طالب پست و مقام بودم ز کین * کی شوم در جامعه چون متّین
نفس دون من برد در بدترین * با وجود فتنه هایی همچو مین
با ولایت می شوم چون بهترین * گر که تو راهم دهی، گردم امین
ای که هستی در درونم چون نگین * کن مرا عاشق تر از اهل یقین
با بصیرت روز و شب گویم همین * راه من باشد همان راه متین

ص: 165

1- رودگر، محمدجواد، کارکردهای معنویت در عرصه های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری

عشق تو با روح من گشته عجین * پس نما پاکم ز شرّ مفسدین

داد خاموش درون گوید چنین * راه فطرت راه مولا است و دین

پس حقیر را کن محافظ بهر این * از همه شرّ و شرور و هر کمین

مفهوم و مضمون غزل مزبور که در قالب راز و نیاز با معبود برای رسیدن به خودسازی انقلابی توسط مولف سروده شده است؛ بیانگر این است با ولایت انسان می تواند همواره سربلند و سعادت‌مند باشد و اگر از ولایت روزی فاصله بگیرد به خویشتن انقلابی و ارزشمند خویش ستم نموده است... توضیح اینکه در مقابل تجربه خودسازی انقلابی و نمونه برجسته آن، امام خمینی (ره)، تجربه هایی از بی توجهی به خویش و عدم کسب معرفت انقلابی در روزگار گذشته بر انقلاب اسلامی ایران وجود دارد. همان طور که خودسازی انقلابی نتایج و ثمراتی در پی دارد، «غفلت از خویشتن انقلابی» نیز آثار و تبعاتی خواهد داشت. اکنون باید دید آنان که از خویش غافل شدند و عظمت وجودی خود را دریافتند، در چه راهی قدم گذاشته و به کجا رسیدند. نتیجه این بی توجهی و بیهوده انگاشتن دو بُعد معنوی و معرفتی خودسازی انقلابی، انقلابی های «فرسوده» و «پشیمان»، هستند که از انقلاب فاصله گرفته و از میان راه برگشتند. کسانی بودند که همراهی با انقلاب برایشان افتخار بود، در حالی که دل را از «محبت دنیا» و «حب مقام و جایگاه» به دلیل «ضعف ها» و «عقده ها»، نزدوده و جامه زهد به تن نکرده بودند و سرانجام از حرکت خود باز ایستادند. زیرا که: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا. ریشه و سر هر خطاکاری، دوستی دنیا است.» (1)

همچنین کسانی بودند که «اشتباه» و «غفلت» شان در اندیشه، سبب ساز «قشری اندیشی» و «ضعف تحلیلی» شان گردید و بستر انحراف از امتداد حق را برایشان فراهم ساخت. «ریزش های انقلاب کسانی اند که حتی گاهی هزینه های جدی در راه انقلاب داده بودند، اما با زاویه گرفتن از انقلاب، نه تنها خود را از دستیابی به حقیقت

ص: 166

باز می دارند، بلکه اسبابِ خسران و ضررِ دیگران را نیز فراهم می کنند. تاریخِ چهل سالهٔ انقلاب، ریزش‌هایی را به خود دیده است، که رهبرِ معظم انقلاب از آن به عنوان «غمِ بزرگ» یاد می کند. (1)

14- زاد و ره توشه واقعی انسان: ای عزیز بزرگوار، لطفاً قبل از بیان هر مطلبی غزل زیر را با تامل و دقت بخوان و پیرامون ابعاد مختلف ابیات آن اندیشه نما:

از مسیر فطرت و داد نهران باید گذشت * از تمام خوب و بدهای جهان باید گذشت
در میان جنگ و آن ناتوی سخت دشمنان * با توکل بر خدای مهربان باید گذشت
فتنه‌ها هر یک کنند روح و روانت را خزان * از درون فتنه‌ها با صد توان باید گذشت
همسر و فرزند و مادر هر کدام دریست گران * بهر آنها با محبت در عیان باید گذشت
همسرت باشد عزیز و بهر تسکین همچنان * با گذشت و عشق و ایمان بهر آن باید گذشت
غفلت و سستی و بی حالی بود درد بدان * از تمام این قصور بی هر بیان باید گذشت
اضطراب و استرس دانی همی آرد فغان * از گذشته تا به فردا از همان باید گذشت
مال و منسب می زند بر جان چو سم شوکران * از همه پول و مقام با صد نشان باید گذشت
مرکب امن و امان باشد همان ایمانتان * با صلاح معرفت تا آن کران باید گذشت
راه جان باشد همان راه خدای انس و جان * جان من جانانه شواز آن زجان باید گذشت

ص: 167

گر که می خواهی شوی اهل ولا در هر زمان * با بصیرت از فتن بی هر گمان باید گذشت

مشق گرم زندگی را با خدا هر دم بخوان * چون خدا اصل است و از غیر همان باید گذشت

داد خاموش درون خواند تو را سوی جنان * از مسیرش با همان خواست روان باید گذشت

عمر دنیا کوتاه است و بی وفا بر هر شبان * از جهان دانی چه پیری یا جوان باید گذشت

آنچه می ماند خلوص است در زمین و آسمان * از ریا و خود نمایی در نهان باید گذشت

پس عزیزم قدر خود را دان در این دور و زمان * چون که از جسم و جهانت ناگهان باید گذشت

قدر تو برتر بود از آنچه آید بر زبان * با همان روحی که با آن از جهان باید گذشت

با هدایت می دهی پاسخ به داد جسم و جان * چون که با هادی ز شرّ این و آن باید گذشت

این حقیر گوید همی با سوز و آه در هر مکان * عاقبت از ماه و سال با صد فغان باید گذشت

آری ای عزیز، زاد و توشه برای هر فردی از جایگاه مهمی جهت خود سازی برای آخرت برخوردار است و در نهایت از همه چیز دنیا باید گذشت. لذا ضمن مرور مجدد ابیات غزل مزبور؛ بین حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به فرزند بزرگوارشان در این خصوص چه می فرمایند: «بدان راهی پر مشقّت و بس طولانی در پیش روی داری، و در این راه بدون کوشش بایسته، و تلاش فراوان، و اندازه گیری زاد و توشه، و سبک کردن بار گناه، موفق نخواهی بود، بیش از تحمّل خود بار مسئولیت ها بر دوش منه، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است. اگر مستمندی را دیدی که توشه ات را تا قیامت می برد، و فردا که به آن نیاز داری به تو باز می گرداند، کمک او را غنیمت بشمار، و زاد و توشه را بر دوش او بگذار، و اگر قدرت مالی داری بیشتر انفاق کن، و همراه او بفرست؛ زیرا ممکن است روزی در

رستاخیز در جست و جوی چنین فردی باشی و او را نیابی ... بدان که در پیش روی تو، گردنه های صعب العبوری وجود دارد که حال سبک باران به مراتب بهتر از سنگین باران است، و آن که کند رود حالش بدتر از شتاب گیرنده می باشد، و سرانجام حرکت، بهشت و یا دوزخ خواهد بود، پس برای خویش قبل از رسیدن به آخرت وسائلی مهیا ساز، و جایگاه خود را پیش از آمدنت آماده کن؛ زیرا پس از مرگ، عذری پذیرفته نمی شود، و راه بازگشتی وجود ندارد» آری ای عزیز، قرآن کریم، ایمان و عمل صالح را دو رکن اساسی و دوره توشه مهم برای رسیدن به هدف حقیقی و اصلی انسان در زندگی که همان خود سازی انقلابی است؛ تلقی کرده است. از میان آیات بسیار، تنها به یک نمونه در سوره عصر اشاره می شود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ...؛ واقعا انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند»(1)

آیات زیر شرحی است بر سوره مزبور؛ لطفا با حساسیت خاص مرور فرما:

روز و شب جسمت در این دور و زمان * فربه گشته با هزار و یک نشان

چهره زیبا و آن قد فلان * می شود زشت و شود فانی چنان

پست و ثروت در فضای هر مکان * می کند روح و روانت را خزان

جسم تو صد سال پیش اندر جهان * خاک ناچیزی همی بودش همان

گو به من صد سال دیگر جسم و جان * بیش از آن خاک نخست آرد ضمان

بهر چه گشتی تو خلق در این زمان * آمدی تا که شوی پوچ چون کتان

دان هدف از خلقتت بی هر گمان * بوده برتر ز آنچه بارد از دهان

بعد از عمری در درون این جهان * می شوی خوار و ضعیف و ناتوان

این بود پایان کار جسم و جان * اندر این دنیای دون با صد فغان

آنچه اصل است در زمین و آسمان * بهر تو باشد همان روح و روان

داد خاموش درون بی هر زبان * با تو دارد یک سخن با این بیان

انّ الانسان لفي خسر از نهان * گوید انسان در زیان است چون بدان(2)

گر شود پاک و جدا از غافلان * با همان ایمان و اعمال گران

می شود دور از زیان در کهکشان * با صبوری بر کسان و ناکسان

خوش به حال آن که با ذکر و اذان * راه حق را طی کند تا آن کران

پس عزیزم کن تن و جان وقف آن * تا شوی آرام و گیری صد امان

گر چنین کردی شوی تو همچنان * شاد و خرسند در درون و هم عیان

عمر تو گردد چو زری در فشان * تا ابد آید به کار بی هر گمان

بندگی آرد مدالی زر نشان * بهر هر کس گر چه باشد او شبان

وقف حق کن عمر خود از عمق جان * تا شوی راحت ز شرّ این و آن

خوش به حال مومنان و صالحان * چون که در دنیا و هم باغ جنان

می برند حظّی فزون تر از بیان * از تمام لحظه ها خرد و کلان

این حقیر گوید به هر پیر و جوان * طول عمر محدود و قدرش خوب بدان

15- استفاده از لحظه ها و قدر فرصت جوانی : عنایت به اینکه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب توجه ویژه ای به جوانان نموده اند و جایگاه خاصی را برای آنان جهت تحقق خود سازی، جامعه پردازی و تمدن سازی منظور فرموده اند. لذا در خصوص استفاده از لحظه ها و قدر فرصت جوانی برای خود سازی بیشتر صحبت خواهد شد. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در قسمتی از نامه 13 نهج البلاغه در این باره می فرماید: «پیش از آن که فرصت از دست رود و مایه اندوهت گردد، آن را غنیمت شمار» همچنین در تفسیر آیه شریفه «لاتنس نصیبک من الدنيا» (3) بهره ات را از دن-ی-ا-ف-رام-وش-م-ک-ن؛ می فرمایند: «سلامتی و قدرت و ف-راغ-ب-ال و جوانی و نشاط خود را فراموش مکن، از آن ها در راه آخرت استفاده کن» (4) آن حضرت درباره کسانی که از نعمت جوانی بهره صحیح و کافی نبرده ان-د، م-ی-ف-رم-ای-ند: «آن ه-ا-در ای-ام سلامت بدن سرمایه ای مهیا ن-کردند و در اولین فرصت های زندگی درس عبرتی نگرفتند، آیا کسی که جوان است جز پیری انتظار دارد» (5)

همچنین حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) درباره رمز موفقیت برای خود سازی چندین نکته را متذکر می شوند. الف) ضرورت استفاده از فرصت های نیک: «آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند و آنان که مهلت دارند کوتاهی می ورزند.» (6) پس آنان که هنوز حسرت فرصت های

ص: 169

1- عصر / 2- 3

2- ابیات این غزل شرحی است بر سوره عصر

3- قصص (28) آیه 77.

4- بحار الانوار (چاپ بیروت) ج 68، ص 177.

5- نهج البلاغه، خطبه 82.

6- نهج البلاغه، حکمت 285.

از دست رفته را نخورده اند، بهوش باشند و چونان صیادی تیز بین و زبردست، اگر طالب موفقیتند لحظه لحظه فرصتهای بدست آمده را صید کنند. ب) لزوم عمل در ایام فراغت و سلامت جسم: حضرت فرمودند: «هر کس از شما که اهل عمل است باید عمل کند در روزگاری که مهلت دارد پیش از آنکه مرگ فرا رسد و در ایام فراغتش پیش از آنکه گرفتار شود و در ایام رهایی اش پیش از آنکه گلوگاه او [به وسیله مرگ] گرفته شود» (1) ج) سعی در استفاده هرچه بیشتر از فرصتها: در زندگی هر انسانی، فرصتهای اندکی پیش می آید که اگر خوب استفاده شود، یک عمر از آن بهره برداری می شود. پس، از موقعیتهای بدست آمده جهت خود سازی انقلابی باید با حداکثر توان بهره جست که غروب طلایی هر روز را فقط یک بار می توان تجربه کرد. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در این باره فرمودند: «بسوی اعمال نیکو بشتابید پیش از آنکه عمرتان پایان پذیرد یا بیماری مانع شود و یا تیر مرگ شما را هدف قرار دهد» (2) مع الوصف اگر این توفیق نصیب شد که از لحظه های عمرت نهایت استفاده را برای خود سازی ببری؛ باید با تمام وجود بگویی:

لطف حق گردد نصیب من درون لحظه ها * چون که با آن کی شوم از لحظه ها آنی جدا

می کنم هر لحظه را با لحظه های عمر شکار * تا برم از لحظه های ناب خود صدها صفا

آری ای عزیز بزرگوار، ب-دون ت-ردید یکی از عوامل مهم موفقیت و کام یابی در خود سازی، بهره برداری ص-ح-ی-ح و اصولی از شرایط و فرصت های مناسب است، که فرصت جوانی از اس-اس-ی-ت-ری-ن آن ه-ا ب-ه شمار می رود. نیروی معنوی و قوای ج-س-م-ان-ی، گوهر گران سنگی است که خداوند متعال در اختیارت ق-رار داده اس-ت. جوانی و نشاط و بالندگی، نعمت بزرگی است که در روز قیامت از آن س-وال می شود. در روایتی از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل است که فرمودند: در ق-ی-ام-ت ه-ی-چ یک از بندگان، قدم از قدم بر نمی دارند تا از وی چ-ه-ار سوال شود؛ از عمرش که آن را در چه راه به کار انداخته و

ص: 170

1- همان، خطبه 86.

2- همان، خطبه 230.

چ-گ-ون-ه-ف-انی کرده است، از جوانیش که آن را در چه راهی پایان داده است-ت، از ام-والش سوال می شود که از چه راهی به دست آورده و در چ-ه-راه-ی خرج کرده است و از حب و دوستی با اهل بیت از وی سوال می شود.»(1)رس-ول گرامی اسلام(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در کنار ایام عمر به طور جداگانه از جوانی ن-ام-ب-رده-ان-د-ک-ه ارزش اختصاصی جوانی را می رساند. متأسفانه ش-رابط فوق العاده و فرصت استثنایی دوران جوانی کوتاه و زودگذر است-تو بلبل جوانی روزی از شاخسار عمر خواهد پرید. تا هست قدرش را ب-دان و آن را یک سرمایه ارزشمند محسوب فرما. امام علی(عَلِيَّةُ السَّلَامُ) در خصوص اهمیت آن می فرماید: «دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی شناسد مگر کسی که آن دورا از دست داده باشد: یکی جوانی و دیگری تندرستی»(2)

هرکه در کون و مکان، نام و نشان از یار نام آور گرفت * از کرم آب بقاء، بهر لقاء از ساقی کوثر گرفت

از گذشته تا به آتی، غم به دل هرگز ندارد آن عزیز * چونکه در اوج جوانی، تا به پیری رسم پیغمبر گرفت

از فرمایشات حضرت علی(عَلِيَّةُ السَّلَامُ) اینطور برداشت می شود که جوان یعنی کسی که در ابتدای راه خود سازی است و به طور طبیعی تجربه اش برای زندگی اندک است. از جوان انتظار می رود که با معرفت و بصیرت؛ بصورت آگاهانه به فریاد خاموش درونش پاسخ دهد و مسیری که بخاطر آن خلق شده را انتخاب و بر اساس آن عمل نماید، البته باید به لحاظ فرهنگی شرایط را به گونه ای سامان دهی نمود که این آگاهی و اختیار در او تقویت شود و از فرصت های خود در جهت خود سازی بهره بیشتری ببرد.

توضیح اینکه هر جوانی باید بداند که دوران جوانی فرصتی استثنایی در مدت عمر آدمی است که باید قدر آن را دانست و به بطالت نگذراند. این دوره از عمر آدمی بعلت ویژگی خاصی که دارد و تمامی قوت و نیرو و امکانات در وجود آدمی شکوفا شده و آماده

ص: 171

1- بحار الانوار، ج 74، ص 160.

2- غرر الحکم و درر الکلم، ج 4، ص 183

فراگیری و بهره دهی است؛ بسیار مورد توجه اسلام است و در کلمات معصومان (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) مخصوصاً امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تاکید فراوانی در قدر دانستن این فرصت و بهره وری و مدیریت بهینه آن دیده می شود. زیرا به تعبیر امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) دو فرصت جوانی و سلامتی تا زمانی که از دست نرفته اند قدرشان شناخته نمی شود. (1) از نگاه امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثمره بهره گیری از فرصت جوانی در فراگیری دانش، سروری و آقایی در بزرگی است (2).

آری ای عزیز بزرگوار، دیری نمی پاید که جوانی رو به فرسودگی و نشاط رو به افسردگی می رود و انسان تازه می فهمد در چه خواب عمیق و غفلت زودگذری بوده است. فرصت ها روزی تمام می شود، هرچه هم زیاد باشند، تمام شدنی هستند. پس ای جوان عزیز، تا دیر نشده این دوران و این نعمت را قدر بدان و آن گونه که شایسته است از آن برای خود سازی انقلابی که مورد نیاز گام دوم انقلاب است؛ بهره مند شو و نگذار لحظه ای بیهوده تلف شود و تو در آن لحظه غافل باشی. لذا بر جوان انقلابی سزاوار است تا فرصتها را غنیمت شمارد. چون مدت و زمان دوره جوانی بسیار محدود و کوتاه است، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند: «مدت زندگانی محدود است و هیچ کس از عمری که برایش مقدر شده هرگز فراتر نمی رود؛ پس پیش از آن که عمر به سر آید، بشتاب» (3) لذا:

چشم دل را شستشو و دیده را خوب و انما (4) * تا که بینی جان چه می فهمد ز اسرار خدا

بی شک آنچه بوده اندر عالم و هم ماسوا * داد خاموش درون است و همی خواند ترا

در چه حالی ای عزیز و تو چرا گشتی رها * از هر آنچه بوده با روح و روانت آشنا

ص: 172

1- آمدی/5764.

2- ابن ابی الحدید 20/267؛ و نیز ری شهری، العلم و الحکمه فی الکتاب و السنه/253.

3- اعلام الدین، ص 12

4- چشم دل را شستشو ده، دیده را روشن نما

گر که دانی از کجاها آمدی به این سرا* یا که دانی به کجاها می روی از این فضا

بهر چه آمدی اندر این دیار پر بلا رها از ناخدا* یا چرا باید روی از این جهان بی وفا

لحظه و آنی نمی گشتی رها از ناخدا* تا رسی در اوج عزّت و زنی او را صدا

گر سعادت خواهی و آرامش اندر هر کجا* راه فطرت را برو با حجّین تا ماورا

حجّت باطن همان عقل است درون جان ما* حجّت ظاهر بود حرف تمام انبیا

پس حقیر گوید عزیزم در تمام لحظه ها* راز خوشبختی همین است که روی راه

آری ای عزیز بزرگوار، اگر شما به عنوان یک انسان بتوانی در اوج جوانی جلوی هواهای نفست را بگیری و مرتکب خطا، گناه و معصیت نشوی؛ ارزش دارد. اجتناب از گناه و نافرمانی خدا و پیامبر، زمانی ارزشمند است که انسان توانایی انجام گناه داشته باشد. اما مرتکب خطا و گناه نشود. در این خصوص خداوند مثال های بسیاری از جوانان را در قرآن بیان کرده است که اگر جوانان بخواهند الگو بگیرند باید از جوانانی که قرآن معرفی نموده الگو بگیرند؛ نه از جوانان غربی؛ حضرت یوسف در اوج جوانی و زیبایی در قصری زندگی می کند که همه نعمت ها در اختیار او است؛ اما تسلیم شیطان و وسوسه های هوای نفس نمی شود.

پس ای جوان عزیز، جوانی نعمت بسیار بزرگی است و قدر این نعمت را باید بدانی. از لحظات عمرت به نحوی استفاده کن که در آخرت سرافراز باشی. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند: «هفت نفر در روز قیامت در زیر سایه عرش الهی قرار می گیرند در آن روز یکی از هفت نفری که در زیر سایه عرش الهی قرار می گیرد جوانی است که جوانی اش را در عبادت سپری کرده است» اگر انسان قدر جوانی اش را بداند مقام و منزلت پیدا می کند.

در هر حال ای جوان بزرگوار بدان و آگاه باش که دوران شباب، ایام مؤاخذة و مسئولیت شخصی است. سن بیداری و به خود آمدن است. موقع کار و فعالیت است. کسی که در دوران جوانی به سعادت خود فکر نمی کند و در راه خوشبختی مادی و معنوی خویش قدم بر نمی دارد، جوانی که با سستی و سهل انگاری بهترین ایام عمر خود را به رایگان از کف می دهد و از آن فرصت بی نظیر قدردانی نمی کند، استحقاق توبیخ و کیفر دارد. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «أَوْلَم نَعْمَرُكُمْ مَايَتَذَكَّر فِيهِ مَنْ تَذَكَّر» می فرماید که: «در این آیه، ملامت و سرزنش جوانان غافلی است که ... از فرصت جوانی خود استفاده نمی کنند»⁽¹⁾ و در روایتی امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید: «فرصت به سرعت از دست می رود و بسیار دیر به دست می آید.» و نیز می فرماید: «فرصت همانند ابر در حرکت است.»⁽²⁾ یعنی همان گونه که حرکت ابرهای انبوه و متراکم نامحسوس است و با این حال، آسمان ابری به سرعت صاف می شود، فرصت ها نیز به صورت بسیار شتابان و نامحسوس از دست انسان می روند.

آری ای عزیز بزرگوار یقین بدان که هیچ گاه دوبار به دنیا نمی آبی تا در یک بار امور جهان را آزمایش کنی و در بار دیگر تجربیات خود را سرلوحه اعمال و تصمیمات خود قرار داده و با دقت و ظرافت از مهلت حیات خود استفاده کرده و آنها را به کار بندی. بلکه عمر و زندگی فرصتی است که تنها یک بار و آن هم به طور محدود در اختیارت قرار می گیرد. بنابراین، با توجه به لحظه های محدود زندگی که هر یک پس از دیگری و به سرعت سپری می شوند، باید آنها را غنیمت شمیری و چاره ای نداری که از تک تک و ذره ذره لحظه ها و فرصت های خود به بهترین وجه استفاده نمایی؛ چرا که «فرصت، چون ابربهاری در آسمان عمرت ظاهر می شود و به سرعت می گذرد. چنانکه از این فرصت ها استفاده نکنی، جز افسوس بهره ای نخواهی برد. پس بزرگ ترین هنر زندگی، استفاده از فرصت های بی نظیری است که بر تو می گذرد. استفاده از فرصت ها راز اصلی رسیدن

ص: 174

1- بابایی، علی، استفاده از فرصتها....، ص 83

2- سفینه البحار، ج 2، ص 375، نهج البلاغه، کلمات قصار شماره 21

به پرستش حقیقی و قله کمال است. با هر فرصتی که از دست می رود، شانس رسیدن به پیروزی کمتر می شود، و در نتیجه زمینه برای رکود و ایستایی آماده تر می شود. از یاد نبرکه بسیاری از جهش ها، از روی سگّوی فرصت ها حاصل می شود.

اگر زندگی خود را دوست داری وقتت را غنیمت دان و «لحظه»ها را برای خود سازی هر چه بهتر شکار کن و آنها را بیهوده تلف مکن. برای دست یابی به هدف بزرگ زندگی که همان پرستش و عبادت است باید «لحظه»ها را شکار و درک کنی و به عبارتی «فرصت را غنیمت شماری». آری، این همان کیمیای سعادت است که انسان های موفق و پیروز و مردان بزرگ تاریخ به آن دست یافته اند. آنان استفاده از گوهر گران بهای «فرصت» را راز کامیابی خویش معرفی کرده اند. مع الوصف:

گرتو باشی لحظه لحظه با خدا * بهتر از آن است که باشی ناخدا

پس عزیزم لحظه ها را کن شکار * تا شوی تو ناخدایی با خداگر

خلاصه، ای عزیز بزرگوار یقین بدان که استفاده از فرصت های مناسب و بهره برداری از شرایط مساعد، پایه اساسی موفقیت و پیروزی بشر در همه شئون مادی و معنوی است. عاقل ترین مردم کسانی هستند که همواره از موقعیت های موجود استفاده می کنند و هیچ فرصتی را به رایگان از کف نمی دهند. پس باید بکوشی که از فرصت های خود، نهایت استفاده را ببری تا در فردای واقعی در آخرت شرمنده و پشیمان نگردی. لطفاً به قصیده زیر که به فردای زمان و فردای آخرت پرداخته است با دقت توجه فرما:

فضای دیروز و امروز و فردا * بود راهی برای دار فردا

یقین دان دیروزت گردد فراموش * بیوندد به تاریخ همچو فردا

چو امروزت شود مثل گذشته * فراموشش نکن چون اهل فردا

مخور غصّه تو از دیروز، ای دوست * شناس امروز و عبرت گیر ز فردا

اگر خواهی روی سوی سعادت * مهیا کن درون را بهر فردا

پیام این سخن باشد چو مهتاب * برای اهل دل تا صبح فردا

خدا خواهد تو را پاک و مصفا * همین امروز و فرداهای فردا

تو گر خواهی شوی آرام و هم شاد * برو راه ولی با شوق فردا

ز دست آفت سرد زمانه * قدم نه در ره دشوار فردا

درون فتنه ها و مکر دوران * بصیر باش و همی رو راه فردا

نکن امروز و فردا، بهر توبه * نما خود را برون از شرّ فردا

چرا که فردایی در دار دنیا * نباشد بهر تو چون روز فردا

به نوعی فرصتی شاید نباشد * برای تصمیم اندر کار فردا

چو دیروز از برای کار امروز * کند هر دم مهیا بهر فردا

ص: 176

میان دیروز و صدها چو فردا * نما امروز عزیزم فکر فردا
اگر کردی گنه امروز و فردا * بدون شک شوی رسوا تو فردا
بنا بر این نما خود را مبرّا * ز دام هر گناهی تا به فردا
تمام وقت تو همچون طلا ناب * برای توشه ات در راه فردا
زمان امروز و فردا به دوران(1) * همی با ارزش است در کیل فردا
ز فرصتها نکن آنی گذر تو * چو فرصتها همی سازد دو فردا
بخوان آیاتی از قرآن تو هر روز * چو آید آن به کار، امروز و فردا
برو راه رسول و اهل بیتش * اگر خواهی شوی راحت تو فردا
همی باش منتظر امروز و هر روز * چرا که ارزش است در بزم فردا
پدر و مادرت را دان چو مولا * اگر خواهی روی بالا تو فردا
محبت گر کنی هر روز به همسر * فشار قبر رود دور از تو فردا

ص: 177

1- تمام وقتهای رفته‌ی تو

به واجب کن عمل هر روز و هر شب * حرام آرد عذاب در یوم فردا

عبادت کن تو روز و شب خدا را * درونت این بخواهد بهر فردا

خلوص دل بود والا و والا * برد بالا تو را در جمع فردا

درو کن کار خیر امروز و فردا * برای آخرت و حشر و فردا

همه داد خموش با بانگ و فریاد * به جان گوید شنو تو داد فردا

نما خود را مهیا با دل و جان * برای پاسخ فردای فردا

عجب فرقی بود بین دو فردا * یکی امروز و آن یک دار فردا

قضا و هم قدر گوید به جانان * بحق باشد معما رمز فردا

رموز امروز خود را تو دریاب * چو هدیه بوده امروز بهر فردا

عزیزم قدر خود را دان تو امروز * اگر خواهی سعادت را ز فردا

حقیر گوید که فرداهای فردا * نباشد از برای ما چو فردا

رویگرد به معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم از جایگاه و اهمیت راهبردی برخوردار است. به همین دلیل در همان ابتدای بیانیه معنویت و اخلاق جزء شعارهای اصلی انقلاب

که ریشه در فطرت جاودانه بشر دارد؛ معرفی شده است و معنویت به معنای برجسته کردن ارزش های معنوی در انسان و در جامعه و اخلاق هم به معنای رعایت فضایل تعریف شده است. اخلاق و معنویت سطوح مختلف دارد، گاهی در حد یک صفت درونی فردی است و گاهی به حوزه عمل و رفتار آن هم در عرصه کلان اجتماعی ظاهر می شود. سنخ شناسی ادبیات بیانیه گام دوم نشان می دهد این دو فضیلت متعالی بهمثابه دو راهبرد کلان برای حرکت انقلاب اسلامی مطرح شده اند، با این راهبردها انقلاب از دوران رژیم طاغوت مسافت چهل ساله ای را طی کرده است و در آغاز گام دوم هم مقام معظم رهبری آنها را به مثابه موتور محرکه انقلاب و چرخ دنده حرکت از وضع موجود به سمت آرمان ها و برای ایجاد پیوند وثیق میان واقعیت ها و آرمان ها معرفی می کنند.

البته راهبرد معنویت و اخلاق نباید در حد ذهنیت و انتزاع و فردیت تنزل کند. این دو از انضمامی ترین ارزش های دینی و انسانی هستند که تعیین کننده روابط چهارگانه انسان ها با خدا، با خود، با جامعه و با طبیعت هستند. امام راحل (ره) فرمودند: تا انسان ها اصلاح نشوند، جامعه اصلاح نمی شود و مقام معظم رهبری در ترسیم اهداف و مراحل پنجگانه انقلاب اسلامی فرمودند ما بعد از انقلاب و توفیق در نظام سازی و ورود به دولت سازی هنوز به مرحله جامعه سازی در تراز انقلاب نرسیدیم. خمیرمایه این فرآیند و به ویژه در جامعه سازی و تمدن سازی بر دوش دو عنصر راهبردی معنویت و اخلاق، استوار است. لذا باید اخلاق و معنویت را از طریق و منبعش دنبال کرد، این مسئله در جامعه صرفاً با توصیه و بخشنامه و کنترل درست نمی شود، با عنصر کلیدی و شعار فطری دیگر انقلاب اسلامی یعنی «آزادی» پیوند خورده است. در بیانیه می گوید هم «معنویت و اخلاق» ریشه در فطرت دارد و هم «آزادی» امر فطری است و بالطبع هر دو از مجاری امور فطری یعنی عقل، وحی و رسالت سرچشمه می گیرند و سازوکار ایجاد، ترویج و گسترش آن دو نیازمند نگاه راهبردی در گام دوم انقلاب اسلامی است.

اولین و مهم ترین شاخصه جامعه دینی وابسته به سطح برخورداری آن از اخلاق و معنویت است، چرا که جامعه دینی وقتی سرحال و بانشاط و شاداب می شود که معنویتش،

ارتباطش با خدا و ارتباطش با دین تقویت بشود و اگر این ارتباط نباشد، آدم‌ها سست، دچار رخوت و دچار دل‌مردگی و در جازدگی می‌شوند. بنابراین، نشاط و شادابی و حرکت و پویایی از ویژگی‌های جامعه مؤمن و انقلابی است و این مهم زمانی تحقق می‌یابد که نیاز انقلاب اسلامی و جامعه اسلامی به عنصر معنویت و اخلاق در سطح استراتژیک دیده شود.

معنویت و فضایل اخلاقی با همه زیبایی‌هایشان، به مثابه دو راهبرد مهم برای گام دوم انقلاب اسلامی، دچار آسیب و آفت‌هایی شده است. امروزه، حقیقتاً ما با یک سری مشکلات مواجه هستیم. تقلیل‌گرایی این دو ارزش به برخی از شعارهای ظاهری، ترویج مناسک‌گرایی، ظهور معنویت‌گرایی‌های انحرافی و صوفیانه و جمود بر ظواهر همه از نشانه‌های آسیب دیدگی ارزش‌های اخلاقی و معنوی محسوب می‌شوند. در رویکرد راهبردی به این دو عنصر اساسی، در کنار ظواهر و پوسته‌های اخلاق و معنویت، مغز و روح و حقایق درونی آنها هم دیده می‌شود و این نگاه است که اخلاق و معنویت را جهت‌دهنده و موتور محرک گام دوم انقلاب اسلامی می‌بیند و باعث می‌شود که انسان در پرتو ولایت و خودسازی همواره در آرامش به سر برد. چرا که:

راه آرامش بود راه ولا * غیر از آن آرد هزار و یک بلا

گر که خواهی گردی از غمها رها * راه فطرت را برو در این سرا

داد خاموش درون گوید به ما * راه فطرت بوده راه انبیا

عقل و شرع خواند تو را با صد ندا * سوی محبوبی که هست در ماورا

آن خداوندی که با صدها صدا * خواست روح و جسم توست بهر لقا

با خدا گردی تو شاد و با وفا * می‌شوی آرام و گیری صد نوا

یک وجب از آسمان و آن بالا * بهر خوبان است و پاکان در فضا

حزن و اندوه و دلی پر ماجرا * می کند غوغا و بلواها به پا

استرس و اضطراب و هر خطا * با خدا گردد مداوا ای هما

پست و مال و هر نوع جنس پر بها * کی دهد آرامش و مهر و سخا

دار دنیا با خدا دارد صفا * بی خدا گردد همه ماتم سرا

هر که از مولا شود روزی جدا * بر خودش کرده هزار و یک جفا

دان که ایمان و خلوص در هر کجا * می دهد امراض روح و جان شفا

چون که لا خوف علیهم با دعا * باب آرامش بود تا منتها

از همان روز نخست و ابتدا * با خدا رو تو به اوج و انتها

پس عزیزم با خدا شو با خدا * چون حقیر کن تو به مولا اقتدا

با عنایت به موارد مزبور و مضمون ابیات غزل فوق در برنامه ریزی برای خودسازی موفق توجه به اصول زیر بایسته و ضروری است:

1- واقع نگری در زندگی: حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خطاب به فرزند خویش امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند: «به یقین بدان که تو به همه آرزوهای خود نخواهی رسید، و تا زمان مرگ بیشتر زندگی نخواهی کرد، و بر راه کسی می روی که پیش از تو می رفت، پس در به دست آوردن دنیا آرام باش، و در مصرف آنچه به دست آوردی نیکو عمل کن... نفس خود را از هر گونه پستی باز دار، هر چند تو را به اهداف رساند؛ زیرا نمی توانی به اندازه آبرویی که

از دست می دهی بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید... شغل همراه با پاکدامنی، بهتر از ثروت فراوانی است که با گناهان به دست آید» با عنایت به مطالب مزبور بر رهرو راه خدا که به دنبال خود سازی می باشد، لازم است که توان واقعی خود را خوب بسنجد و حال و روز خود را نیک بنگرد، آنگاه بر اساس واقعیت های موجود زندگی خود، دستورالعمل اخلاقی و برنامه خودسازی تنظیم کند. انسان ها دارای تفاوت های فردی، روحی و جسمی و شرایط مختلفی هستند و بر اساس آن باید برای خود برنامه ای برگزینند که سنگین و طاقت فرسا و دور از دست رس نباشد؛ زیرا یکی از نیازهای انسان در این مسیر سخت، حفظ نشاط روحی و بدنی است و اجبار و اکراه خود بر اساس اهداف خیالی و دور از دست رس، اراده انسان را سست و مانع رسیدن به اهداف واقعی خودسازی می شود. در هر حال ای عزیز بزرگوار، واقعیت و حقیقت این است که:

عمر ما چون ابر و باد خواهد گذشت* خوب و بد با سوز و آه خواهد گذشت

دان که دنیا با تمام زیر و بم* بر من و تو همچو برق خواهد گذشت

تا توانی کن تو خوبی همچنان* چون که خوب و بد همی خواهد گذشت

یک کفن هر یک برند از این جهان* مال دنیا این چنین خواهد گذشت

لحظه ها را دان غنیمت مثل جان* روز و شب چون موج آب خواهد گذشت

دان که قلب مطمئن، آرام و شاد* از بم و زیر جهان خواهد گذشت

با بصیرت کن عبور از فتنه ها* عقل سالم با ولا خواهد گذشت

مومن و مخلص شو در دار فنا* کفر و الحاد هم همی خواهد گذشت

رنج و سختی بهر یار دارد ندا* راه حق از مشکلات خواهد گذشت

دار دنیا اندک و بی شک عزیز* ماه و سال این جهان خواهد گذشت

آنچه می ماند خلوص است بهر یار* ما بقی دانی همه خواهد گذشت

پس خدا را کن تو طاعت با خلوص* راه ترفیع زین مسیر خواهد گذشت

این حقیر گوید به ابناء بشر* زندگی شیرین و تلخ خواهد گذشت

و در انتهای عمر ای عزیز بزرگوار باید واقعیت جهان را اینگونه مرور و با آه و سوز زمزمه کرد. لطفاً با تامل خاص و دقت ویژه ملاحظه فرما:

عمر من و تو با غم هجران بگذشت* خوبی و بدی چو ابر و بوران بگذشت

ای آنکه چو من دوری ز اسرار نهان* دانی همه عمر چه سخت و آسان بگذشت

فریاد خموش من و تو از دل و جان* گوید که چرا عمر به این سان بگذشت

آنجا که خلوص به قلب موسی و شبان* بی هر نوع ریا با عهد و پیمان بگذشت

خوش باد بر آن کس که در این دور و زمان* با عشق خدا ز بند شیطان بگذشت

با بی خبران خبر مگواز دو جهان* بر بی خبران غفلت و خسران بگذشت

آن مرغ و مسما، و آن فقر عیان* بر کاخ نشین و کوخ نشینان بگذشت

در مکتب رندان چه آرم به زبان* مستی و سبو بر می پرستان بگذشت

آن کس که بصیر است و رود راه روان* از فتنه گر و فتنه دوران بگذشت

دانی که حقیر همی بگفت با دگران* کین راه ولا ز کفر و ایمان بگذشت

2- جذابیت امور: انسان از انس و دوست داشتن ساخته شده است و حاضر نیست برای چیزی که دوست نمی دارد، سرمایه گذاری و تحمل سختی کند. بنابراین حتی خودسازی و برنامه های آن باید دوست داشتنی و جذاب باشد. به همین دلیل لازم است در برنامه ریزی به کیفیت، بیش از کمیت اهتمام ورزید؛ به عنوان مثال به جای اینکه شخص تصمیم بگیرد هر صبحگاهان یک جزء قرآن بخواند، می تواند آن را حتی به یک صفحه تقلیل دهد. مشروط بر اینکه تلاوتش در جای خلوت، با حال و توجه کامل و تدبّر و ژرف اندیشی در معانی باشد. همچنین بکوشد نمازهایش را با حضور قلب و توجه بخواند.

3- تدریجی بودن خود سازی: اصل تدریجی بودن، یکی از سنت های عمومی حاکم بر هستی است و تنها خاص زندگی انسان نیست. تمامی پدیده های جهان به تدریج به وجود می آیند و تربیت می شوند و رشد می کنند. انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست. حرکت تدریجی یکی از عوامل مهم موفقیت در مسیر خودسازی است. برای این منظور بر سالک راه خدا است که از حداقل شروع کند؛ ولی در اندیشه افزون سازی تدریجی باشد، برای مثال اگر کسی بخواهد غذای خود را تقلیل دهد، این کار باید به تدریج انجام شود، در غیر این صورت اگر بخواهد ناگهان غذای خود را مثلاً به نصف کاهش دهد، علاوه بر اینکه به لحاظ بدنی دچار آسیب می شود، درصد موفقیت او نیز کاهش می یابد. همچنین کسی که در ابتدای راه قرار دارد و بیداری شب و تهجد برای او دشوار است، می تواند با یک برنامه تدریجی به این مهم دست یابد. به طور مثال او می تواند در شب های اول برای چند لحظه بیدار شود، وضو بگیرد و فقط یک رکعت نماز «وتر» بخواند. بعد از اینکه به بیدار شدن عادت کرد و با شب انس گرفت، دو رکعت نماز «شفع» را نیز به آن اضافه کند و پس از مدتی کم کم هشت رکعت نافله شب را نیز بخواند و تهجد خود را کامل کند.

4- رعایت مراتب حال: رهرو این راه باید توجه داشته باشد که در روند خودسازی، مراحل و وجود دارد که باید به ترتیب طی شود وگرنه درصد موفقیت کاهش می یابد. یکی از مصادیق بارز رعایت این اصل در مورد تقدم واجبات بر مستحبات است. قرب نوافل و انجام مستحبات هنگامی در انسان موثر واقع می شود و به تعبیری، مورد قبول حق تعالی قرار می گیرد که قبل از آن سالک از مرحله انجام وظایف واجب عبودیت و بندگی اطمینان حاصل نموده باشد. بنابراین لازم است انسان ابتدا از عمل به واجبات و رعایت شرایط و جزئیات آنها شروع کند و در کنار آنها به ترک محرّمات پردازد و همواره بر نیفتادن در دام های شیطان و هوای نفس، جدیت کند. پس از مدتی که سراسر وجودش تسلیم شد و ایمان در روح و جسم او نفوذ کرد، به انجام دادن مستحبات و ترک مکروهات پردازد. از این مرحله به بعد، عنایات ربوبی، او را راهنمایی خواهد کرد: و الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (1) «و آنان که در راه ما به جان و مال جهد و کوشش کردند، به تحقیق آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا، یار نکوکاران است».

5- عزم و استواری: برای کسی که در این مسیر به تصمیم قاطع برای گذشتن از دنیا و رسیدن به خداوند نرسیده، امیدی برای موفقیت وجود ندارد. نیت و عزم استوار، تحمل و بردباری، صبر و مقاومت در مقابل شداید و سختی ها یکی از اصول مسلم خودسازی و موفقیت در این مسیر است. قرآن کریم می فرماید: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التي کنتم توعدون» کسانی که گفتند پروردگار ما خدای یکتا است و در این راه استقامت کردند، ملائکه نازل شوند و مژده دهند که نترسید و محزون مباشید و بر شما باد بشارت به بهشتی که به شما وعده داده شده است. (2) بنابراین پس از تنظیم برنامه، بر سالک راه خدا لازم است با اراده قاطع،

ص: 185

1- عنکبوت، آیه آخر.

2- فصلت، 30.

بر انجام دادن آن ایستادگی کند و نفس خود را از طفره رفتن و کسالت ورزیدن، با جدیت تمام باز دارد تا شاهد موفقیت باشد.

6- استعانت و توسل: خداوند منبع اصلی قدرت حاکم بر هستی و مری جهان است، بنابراین تمام استعداد و نیروی انسان نیز از خدای متعال است، پس بدون استعانت و طلب توفیق از او موفقیت انسان برای انجام هر کار در هاله ای از ابهام قرار دارد. حتی اگر تمامی شرایط برای انجام کاری فراهم باشد، ولی اراده خداوند بر انجام آن تعلق نگیرد، آن کارشدنی نمی شود. بنابراین برای موفقیت در جهاد اکبر و خودسازی نیز باید از خداوند بزرگ، استمداد جست و به ائمه اطهار علیهم السلام متوسل شد. حقیقت توسل به معنای وسیله قرار دادن معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) برای رسیدن به خداوند و درخواست از او است. قرآن کریم می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله وجاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون. برای رسیدن به خداوند وسیله بجوئید. دلیل نیاز به توسل مقام وساطت ایشان میان خداوند و سایر بندگان است. (1)

7- اسوه گزینی: خواست فطرت باشد آن خلق رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مهربان پیامبر اعظم وفق آیات غزل مزبور بهترین اسوه برای بشریت می باشند... لذا برای رفع نیازهای معرفتی انسان در این مسیر مفهوم و کلام و کتاب لازم است، ولی کافی نیست. نیاز به الگوی انسانی کاملی که مجسمه ارزش های اخلاقی و کمال باشد از نیازهای واقعی انسان در این مسیر است. الگویی که به دلیل داشتن شخصیت با فضیلت، جذاب و دوست داشتنی، انگیزه عمل را در انسان تقویت می کند و به طالب کمال نیروی حرکت و تحمل سختی می بخشد. این موضوع برای موفقیت در مسیر خودسازی و کمال از اهمیت فراوانی برخوردار است، بنابراین افزایش معرفت و پیروی از الگوهای راستین، مانند ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان اخلاق، همواره باید مد نظر باشد.

8- رفق و مدارا با نفس: رعایت ظرفیت و کشش نفس و بدن یکی از اصول موفقیت در خودسازی است. بدن و روان انسان توان و ظرفیت خاصی دارد که اگر رعایت نشود، باعث تولید خستگی و دزدگی خواهد شد و این حالت مطلوب انسان و اخلاق اسلامی

ص: 186

نیست، از آن رورفق و مدارا و میانه روی همواره مورد تاکید اساتید اخلاقی بوده است. در کتاب های روایی بابی هست به ناماقتصاد در عبادت، بدین معنا که حتی عبادت را نباید به خود تحمیل نمود، عبادت تحمیلی باعث زدگی انسان می شود و حال بندگی را زایل و خود عمل را بی ثمر می نماید. یکی از شرایط موفقیت در خودسازی و عبادت، اقتصاد در آن و رفق و مدارا با خود است. امام علی (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) در ضمن نامه ای به حارث همدانی مرقوم فرمودند: «نفس را در هنگام عبادت گول بزن و با آن مدارا کن و بر آن فشار و زور نیاور، در هنگامی که حالت گذشت و شادابی در نفس پدید آمده، از آن بهره گیر، مگر آنچه به عنوان واجب بر تو نوشته شده است، در واجبات ناگزیر از ادای آن هستی و در وقت و شرایطی که برای آن مقرر شده است، باید انجام بدهی»⁽¹⁾

البته مؤمن حقیقی به مرتبه ای می رسد که تحت تاثیر فشارهای جسمانی و روانی افسردگی خاطر پیدا نمی کند. نقل است که یکی از انبیا به جایی می رفت. در راه کسی را دید که دست و پایش فلج، چشمانش کور و بر لب ذکر الحمدالله داشت و یکی یکی نعمت هایی که خدا به او داده بود، می شمرد و از خداوند خوشنود بود. این شادابی روح به واسطه اتصال به مبداء وجود است.

9- رعایت اقبال و ادبار قلب: در روایات اسلامی، تاکید فراوان شده است که در عبادت، میانه رو باشید و اقبال و ادبار قلب خویش را در نظر بگیرید. در حالتی که میل و اقبال دارید، بیشتر عبادت کنید و در حالت بی حالی و ادبار، تنها به انجام واجبات اکتفا نمایید. امیر مومنان حضرت علی (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) فرمود: «بدرستی که قلب انسان را اقبال و ادباری است. پس چون در حال پذیرش بود، آنرا به انجام مستحبات و نوافل بدارید و هنگامی که در حالت روی گردانی بود، به انجام واجبات اکتفا نمایید»⁽²⁾ البته هر قدر انسان مجاهده نفس بیشتری کند و با خدا و قرآن و اهل بیت (ع) انس بیشتری گرفته و دل از هواهای نفسانی تخلیه کند به تدریج اقبالش بیشتر شده و به صورت ملکه راسخه در می آید. آن

ص: 187

1- بحار الانوار، ج 33 ص، ص 509.

2- نهج البلاغه، حکمت 312.

گاه است که در همه حالات به یاد خدا و متوجه اوست و هیچ چیز نمی تواند او را از محبوب حقیقی باز دارد. چرا که قلب انسان در صورت هدایت درست مرکز عشق به خدا و تمام خوبیها می باشد. آری ای عزیز انقلابی بدان و آگاه باش که:

10- سخت کوشی و تحمل سختی ها: رسیدن به آرمان بلند و گران سنگ لقای الهی درگرو تلاش و جهادی پر دامنه و دراز آهنگ است. بدون شک مبارزه جدی و بی امان با هواها و خواهش های نفسانی، بیرون راندن حب دنیا و تعلقات دنیوی از دل، عبودیت مطلقه پروردگار، پالودن نفس از رذایل و آراستن آن به فضایل، تهجد و شب زنده داری و توسل و استشفاع به اولیای گرام الهی و. همه ره توشه های این سیر خدایی است. این که: گویند به هرکس ندهند دلیلش بسیار واضح و روشن است. زیرا کسی که جهاد با نفس نکرد و دل به مادیات سپرد و در ظلمات نفس و نفسانیات خود را محبوس ساخت کی تواند که به سوی نور حق پر کشد و به لایتناهی عروج کند؟ اگر طالب موفقیت هستی باید بپذیری که همه چیز با کار و کوشش سخت، برد باری و مقاومت در مقابل دشواری ها بدست می آید. کسی با خوش گذرانی و راحت طلبی به جایی نرسیده که شما دومین آن باشی. امام رضا (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) می فرمایند: « هر کس از خدا توفیق رامسئلت کند در حالی که کوشا و تلاش گر نیست خود را به استهزاء و شوخی گرفته است» (1)

11- برنامه، نظم، تداوم: هدف خویش را در زندگی و رسیدن به قرب الهی مشخص نمایید و برای رسیدن به آن برنامه ریزی کنید و بر آن برنامه پای بفشارید. هر عمل و عبادتی را پیوسته انجام دهید و تداوم داشته باشید. آنقدر ادامه دهید تا اثر آن ظاهر شود و شیرینی و نورانیت آن را در دل احساس کنید. نظم و برنامه ریزی از لوازم ضروری موفقیت در دین داری و یا هر کار دیگر است. امکان ندارد یک آدم بی انضباط و ولنگار در رسیدن به اهداف زندگی خود موفق باشد. این برنامه که در حقیقت یک دستور العمل خودسازی و قرب الهی است باید از روی دقت، مطالعه و مشورت با متخصصین متعهد و علما ی دین باشد تا هم قابل عمل باشد و هم از افراط و تفریط به دور باشد. موفقیت در عمل و عبادت خدای در گرو تداوم در آن است. عبادت خداوند، نوری است که به تدریج

ص: 188

تمام وجود انسان را می گیرد و آدمی را سراسرنورانی می کند. اگر روزی در برنامه های عبودی خود کوتاهی کردید بدانید، که به همان اندازه از توفیقات شما کاسته می گردد، کوشایی و استقامت شرط توفیق است. علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روایتی فرموده است: « هر کس طالب چیزی باشد و واقعاً بخواهد به آن برسد، به تمام یا قسمتی از آن، حتماً خواهد رسید» (1)

12- طلب توفیق از خداوند: دعا و درخواست مخصوصاً با تضرع، حال، اشک چشم و دل شکسته، علاوه بر آثار مادی و معنوی استجاب و موفقیت در رسیدن به اهداف، دل را بر انجام اوامر الهی رقیق و آماده می سازد و آن را از کدورت ها و تعلق و تشویش و اضطراب های ناشی از وسوسه های یأس آور شیطان و نفس اماره پالایش می دهد. در روایتی از امام جواد (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آمده که مؤمن نیاز به سه چیز دارد: «توفیق الهی و کسی که از درون او را نصیحت کند و پذیرش نصیحت از کسی که او را نصیحت کرده» (2) امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرموده اند: « حتی کوشش بدون توفیق از جانب خداوند، نافع نخواهد بود» (3) از امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در باره معنای جمله لا حول ولا قوه إلا بالله سوال شد، حضرت فرمودند: «معنایش این است که بدون کمک الهی، هرگز کسی را یارای اجتناب از هیچ گناهی نیست و بدون توفیق الهی نیز کسی را نیروی اطاعت نمی باشد» (4) بنابراین باید از راه توسل به ذات اقدس اله و واسطه قرار دادن ارواح پاک معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) به درگاه او از خداوند طلب توفیق نمود.

13) پرهیز از رزق و غذاهای حرام:

گر شود محدود مشاغل وفق شرع و دین حق * حکمتی دارد برای رشد و پویایی خلق

چون که کار شبهه ناک و رزق مکروه و حرام * می کند ویران همه روح و روان را در فلک

ص: 189

1- مطالب السئول، ص 37.

2- میزان الحکمه، ج 4 ص 3598.

3- غرر الحکم، شماره 4002

4- توحید صدوق، ص 242.

وفق مضمون رباعی مزبور ضروری است که ریشه محدودیت های برخی از مشاغل و رزق های حرام که از نظر شرعی خلاف و برای خود سازی آسیب زا بوده و از آن طرف آثار مثبت رعایت محدودیت های شغلی و عدم استفاده از رزق حرام به فطرت انسان باز می گردد و در راستای روند تکاملی انسان قرار دارد؛ زیرا بر پایه اعتقادات توحیدی، خدای سبحان عالم هستی را بر اساس مهر و عطوفت و رحمانیت خود آفرید. از این رو، قوانین و احکامی را که وضع کرده برای آن نیست که بخواهد نظرات خود را بر انسان تحمیل کند، بلکه تمامی مقررات و دستورات الهی در راستای خیر و صلاح بشر وضع شده است. در این باره شیخ صدوق از امام محمدباقر (عَلَيْهِ السَّلَام) نقل می کند که شخصی از ایشان پرسید: چرا خداوند شراب و مردار و نیز گوشت خوک و خون را حرام کرده است؟ حضرت در پاسخ وی فرمودند: خدای سبحان که انسان آفریده اوست، می داند بدن انسان به چه چیزی نیازمند است و خیر و صلاحش در چیست. از این رو، آنها را برای او حلال نمود و از طرفی می داند که چه چیزهایی به زیان اوست. به همین جهت، آنها را برای او حرام گردانید. بنابراین، محدودیت هایی که در اسلام وجود دارد؛ چه اقتصادی و چه غیراقتصادی، نه تنها با آزادی انسان ناسازگار نیست، بلکه برای هر چه بهتر بهره گرفتن از آزادی های مشروع وضع شده است. البته جدیت و کوشش خود انسان هم لازم است و باید از خوردن غذاهای حرام و شبهه ناک پرهیز نماید؛ چرا که لقمه حرام یا شبهه ناک توفیق خود سازی را از انسان سلب می کند.

دان حرام هر آن کند روح و روانت را خراب* فطرت و ذات بشر بی شک شود با آن کباب

لقمه های شبهه ناک اندر درون این جهان* می کنند مسدود ره صوم و صلاه و هم ثواب

گر که می خواهی روی در راه فطرت از نهان*کن حذر از رزق و روزی ی حرام با هر نقاب

خالق عالم همی گفته به هر پیر و جوان*با تلاش خود برو سوی حلال و رزق ناب

چون که با آن می روی در راه مولای زمان*می شوی دور از گناه و غفلت و هر نوع عقاب

پس عزیزم کن رها هر نوع حرامی را ز جان*تا روی در راه جانان و دهی جان را جواب

داد خاموش درون خواند تو را با صد نشان*سوی رزق و روزی ی پاک و حلال با آن خطاب

دان که رزق شبهه ناک و هم حرام با هر بیان*می شوند مانع حق و هی همی آرند سراب

گرسعادت خواهی و رزق حلال با صد توان*کن رها رزق حرام و شبهه ناک با هر شتاب

این همان حرف رسول(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)است و خدایی هر گمان*روح و جان را می کند آرام و فطرت را مجاب

گفته فرآن وعصمت خواست روح است و روان*با بصیرت کن عمل بر حرف مولا و کتاب

این حقیر گوید که با لطف خدای مهربان*روز و شب کن کار حق از نوجوانی و شباب

لذا باید برای کسب رزق حلال نهایت تلاش را به خرج داد. چرا که بدون تردید با شغل و رزق حلال توفیق خود سازی برای انسان فراهم می گردد. آری:

روزگاری را بدون هر ملال*رفته بودم در پی رزق حلال

بر خلاف دید ایسم ها در حلال*رزق پاک سازد تو را نیکو خصال

چون غذای طیب و پاک و حلال*می کند غوغا به پا در هر نهال

هر سلول خواهد ز تو رزق حلال* تا رود در راه راست بی هر سوال

این بود داد خموش هر حلال* در مسیر فطرت و راه کمال

بی شک و شبهه همان رزق حلال* می کند روح و روانها را زلال

هر که محروم شد ز آن رزق حلال* ظلم وافر کرده بر اهل و عیال

چون که هر نوع لقمه ای دور از حلال* انحراف آرد برای هر جمال

راه راست باشد درون هر حلال* غیر آن آرد تباهی و زوال

کن تو اموال پاک و طیب و حلال* طبق شرع و آنچه باشد یک روال

خمس مال بی شک کند رزق را حلال* چون که طیب می کند مال و منال

کودکت از تو همی خواهد حلال* گر کنی غیرش کند از تو سوال

بهر چه دورم نمودی از حلال* آنچه را گفتم به جد گیر نه مثال

پس حقیر گوید برو راه حلال* با همان قرآن و عترت چون دو بال

14- پرهیز از نشست با دوست ناباب: از مجالست با رفقای که مقید به آداب و مقررات اسلامی نیستند باید دوری کرد تا به تدریج کارهای خوب در انسان عادت و به صورت ملکه درآید و توفیق الهی شامل حال شود. چرا که دوستان ناباب از هر موجود خطرناکی برای خود سازی خطرناکترند.... آری:

وفق سنّت با تو گویم این ندا* دوست خوب و بد در این سرا

همنشینی با گل و گل واژه ها* می کند خوشبو درون خانه را
گر که مومن باشد و اهل دعا* با همان ایمان کند غوغا به پا
دوست مخلص اندر این دار فنا* می دهد روح و روانت را شفا
دان رفیق خوب بود همچون طلا* می کند از تو برون صدها بلا
عیب تو گوید بدون هر ادا* تا شوی پاک از عیوب و افترا
در تمام سختی های هر بنا* با وفای خود دهد دل را صفا
یا که باشد برتر از صدها عصا* از همان گام نخست تا انتها
حرف و بحثی را نگوید ناروا* بهر دوست خود همی گوید ثنا
از خیانت می کند خود را جدا* چون که قلبش سالم است از ماسوا
بر جمالش گر کنی ای با وفا* یک نظر از عمق جان در هر کجا
یاد حق و آخرت بی هر صدا* می شود با روح و جانت آشنا
دون تردید می شوی اهل بقا* ذات حق گردد برایت پر بها
دوست دانا در حریم کبریا* می برد بالا تو را تا ماورا
بعد آن گویم نکاتی را به جا* بهر دوست بد درون هر فضا

همنشین تو در این صحن و سرا*گر که باشد یک رفیق بی حیا

می کند هر دم خیانت یا جفا*بر رفیق و دوست خود اندر خفا

از حرام و شبهه کی دارد ابا*چون که ایمانی ندارد در قفا

می زند کید و کند دوست را فدا*در مسیر نفس دون با صد هوا

همچو مار و کژدم و درد و با*می کند پر خون درون را چون عزا

نیش وی نابود و گرداند تو را*زهر آن بدتر ز زهر اژدها

کار او باشد خطا اندر خطا*چون که غافل بوده از بحث قصا

این حقیر گوید که ای دوست خدا*با رفیق خوب شوی از بد رها

15- رعایت اعتدال: اعتدال، صفتی است پسندیده و به معنای میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر امری است. کاربرد این اصل بیشتر در حوزه غرایز، امیال و هیجانات نفسانی انسان کاربرد دارد. انسان همواره در این عرصه ها در معرض افراط و تفریط قرار دارد و اگر تسلیم آن شود، عقلانیت خود را فراموش کرده و از راه راست خارج شده است. پرخوری، پرخواهی، هیجان بیش از حد غریزه شهوت و خشم و همچنین در مقابل آن، کم خوری مفرط، بی خوابی، خمود در شهوت و نداشتن غریزه خشم و غضب، مانع خودسازی و شکوفایی انسان است و چاره آن جز رعایت اعتدال در تمامی غرایز و امیال نیست. در مورد خوراک و خواب باید حد وسط و اعتدال را رعایت کرد به گونه ای که هم شکم پرور و تنبل بار نیاید و هم باعث مریضی و بی حال و ضعف نگردد، رعایت اعتدال در امر سلوک در همه امور شرط اساسی این راه است. خشم به صورت غریزی در همه افراد بشر وجود دارد تا موانع حیات و کمال خویش را به وسیله آن دفع نماید اما این غریزه همچون دیگر

غرایز باید کنترل شود. اگر هیجان خشم از حد اعتدال خارج گردد یکی از دام های شیطان خواهد شد. امام باقر علیه السلام فرمود: «غضب آتشی است از طرف شیطان که در دل بنی آدم افروخته می شود. به تعبیری می توان گفت: ریشه تمامی گناهان جز خروج از اعتدال و افراط و تفریط در امیال و غرایز نیست. اعتدال در روابط اجتماعی که باعث تحکیم این روابط و تضمین سلامت آن می شود. در حالیکه تندخویی و ترشروی بیش از حد، باعث پراکندگی اطرافیان و در مقابل، نرمش بیش از حد و جدی نبودن در کارها و روابط باعث بروز تشتت در روابط اجتماعی می گردد. جوانی که وقت خود را یکسره صرف ورزش می کند و یا کسی که تنها به تفریح و گردش و تفرج می پردازد و از مطالعه کافی و یا از عبادت و... غافل می شود مسیر درستی را انتخاب نکرده و به سوی خود سازی پیش نخواهد رفت. بطور کلی زیاده روی و اسراف در هر کاری برای خود سازی مضر است. بنابر این:

دان که اسراف در همه ابعاد کند جان را خراب * چون توازن را زند بر هم بدون هر حساب

بهترین حالت همی باشد تعادل در کتاب * اعتدال با خود همی آرد هزار و یک ثواب

15- تامین نیازهای مادی و اقتصادی:

وفق سئت با تو گویم این ندا*اقتصاد خوب و بد باشد جدا

بهر هر یک در درون این فضا*بوده اوصاف جدا ای با صفا

اقتصاد خوب و سالم در سرا*همچو گل خوشبو کند کاشانه را

چون که با عدل و عدالت در قفا*می کند حق را فراگیر هر کجا

بهر هر کس گر چه باشد وی گدا*بوده یکسان تا کند حق را ادا

ص: 195

در توازن یا که توزیع چون دوا*می دهد روح و روانها را شفا

از نظر اسلام هم فقر مفرد مانع انجام وظایف بندگی و خود سازی است و هم ثروت فراوان. بهترین حالت برای ایجاد فراقت و تمرکز در بندگی خداوند، حالت متوسط در تامین اقتصادی است. کسی که فقیر است دایم باید به فکر آب و نان خانواده خود باشد و همچنین کسی که مال و منال فراوان دارد، همواره باید وقت و نیروی خود را در جهت سامان دادن و حفظ و حراست اموال خود به هدر بدهد، این دو گروه معمولاً در دین داری و عبودیت خداوند موفق نیستند. قرآن کریم نسبت به ثروتمندی فراوان می فرماید: «ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی»⁽¹⁾ انسان همین که خود را ثروتمند و بی نیاز احساس کند، سر به شورش و طغیان گری می گزارد. در مقابل افرادی که از یک زندگی آبرو مند و ساده برخوردارند، فکری راحت و فرصتی مناسب برای بندگی خداوند و قرب به او در اختیار خواهند داشت و در این زمینه موفقیتشان بیشتر است.⁽²⁾

16- شکر به درگاه احدیت: اگر فردی این توفیق را پیدا کند که با رعایت مطالب و موارد قبل به خود سازی انقلابی دست پیدا کند؛ باید بخاطر این توفیق ارزشمند همواره خدا را شکر نماید... چرا که این توفیق بزرگ شامل حال هر کس نمی شود... تازه اگر توفیق شکر گذاری را پیدا کردی باید برای این توفیق نیز شکر دیگری بجای آوری و همین طور... در هر حال در این راستا اینگونه با معبودت درد و دل فرما:

ای خداوندی که هستی در درون قلب ما* از همه غم های عالم جان ما را کن رها

یا بده خود سازی ای در بهر طوفان و بلا* تا شویم آسوده از هر نوع مصیبت بی خطا

ص: 196

1- سوره علق، آیه 6.

2- استفاده از سایت پرسمان دانشگاهیان با تغییرات لازم

گر چنین کردی نمی دانم چه گویم* از برای لطف بی پایان تو در این سرا

ای خدا من همی دانم که نیستم لایقت ای باصفا* با زبان بی زبانی می کنم شکر تو را

گر پذیری شکر من از لطف تو باشد خدا* با چنین حالی بدون شک شوم اهل ولا

شکر تو خواهد برای خود ز من شکری جدا* دان که آن شکر هم عزیز شکر دگر خواهد ز ما

بهر هر شکری در این عالم شوی اهل وفا* آن وفایی که دهد آرامش اندر هر کجا

آن که گیرد فاصله از شکر تو بی هر صدا* می کند بر روح و جان خود همی ظلم و جفا

چون که این شکر در خودش دارد هزار و یک ندا* هر ندا داد خموش است از درون تا ماورا

هر که را شکرش دهی گردد جدا از ماسوا* این همان لطف تو باشد بهر جان در هر فضا

منت شکر در ره جان فوق چون است و چرا* شامل هر کس شود آن افتخاری است پر بها

پس حقیر گوید عزیزم روز و شبها تو نما* بندگی ی و شکر حق را در فضایی بی ریا

موارد مزبور کمک می کند تا هر فردی کم کم در راستای خود سازی گام بردارد و با این گام برداشتنها بتواند به جامعه پردازش و در نهایت به تمدن سازی نزدیک شود. از طرفی در رویکرد راهبردی به معنویت و اخلاق، فرصت ها، ظرفیت ها و تجربه های گذشته در گام اول و حتی در مقدمات انقلاب اسلامی، مهم ترین منبع و درونمایه تفکر انقلابی است. مجاهدت های جوانان در میدان های سخت، از جمله دفاع مقدس، رویارویی شجاعانه و موفق با آمریکا در خاورمیانه، مدال افتخار آمیز و برند انحصاری رقابت با شیطان بزرگ،

همه تجربه های ارزشمند نسل اخلاقی و معنوی انقلاب اسلامی است که در اختیار نسل جوان و صاحبان آینده انقلاب است.

با خود سازی در تحقق مفاد بیانیه گام دوم بصورت جدی می توان حرکت کرد؛ چراکه خودسازی ریشه در تزکیه نفس، کنترل و مهار قوای نفسانی و آرایش معنوی محیط و رنگ خدایی زدن به عرصه های زندگی دارد و خود سازی تقویت کننده عزم و اراده و مناسب ترین عرصه برای این مهم است. اگر خداوند متعال در سوره مبارک «شمس» پس از سوگندهای فراوان و با نوای رسا، محکم و دلنشین «قد افلح من زکاه» را به عنوان نسخه اصیل، بی بدیل، نهایی و تضمین شده خوشبختی و درستگاری بشریت و جامعه می داند، قطعاً اصلی ترین مأموریت نظام اسلامی، به کارگیری همه ظرفیت ها و امکانات برای تحقق این اصل سرنوشت ساز است و البته که خود سازی فصل ویژه این نقطه درخشان به حساب آمده و اگر فرد یا جامعه که با غفلت، تنبلی، سهل انگاری، گم کردن اولویت ها و یا خدای ناکرده لجاجت و عداوت این فرصت را از دست دهد، دچار شکست و ناکامی خواهد شد.

در هر حال در گام اول انقلاب اسلامی و پس از گذشت 40 سال از این مرحله، سؤالات اساسی در حوزه های ایمانی و عملی وجود دارد که باید برای آن پاسخ قرآنی یافت تا در مسیر پیش رو براساس دستورات قرآن کریم پیش رفت. اگر قرآن کریم برای ما شاخص باشد، به ما مبانی انسان قرآنی را می دهد، بنابراین انسان قرآنی باید با خود سازی، ایمان و عمل صالح وارد گام دوم انقلاب اسلامی شود. چرا که ایمان پیوسته زایش دارد و عمل از حوزه ایمان باید سرریز شود، ایمان باید بروز اجتماعی داشته باشد. مبانی انقلاب اسلامی، ایمانی است و فارغ از روزمره گی ها یک نفعه آسمانی و قدسی بوده که قلب های جامعه را به هم پیوند داده است.

لذا یکی از اصول پایه و محوری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی موضوع خودسازی و جامعه سازی است. واضح است که خودسازی مومنانه و بر اساس معارف دینی پیش درآمدی برای تحقق شاخصه های سبک زندگی اسلامی و نیز تشکیل جامعه اسلامی و در نتیجه

زمینه‌سازیرای تمدن نوین اسلامی بوده و به تعبیری دیگر تا خودسازی بر معیار و تراز قرآن و عترت شکل نگیرد، عملاً سبک زندگی و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، در مدار حیات طیبه‌ای که مطلوب اسلام ناب است، محقق نخواهد شد و تمدن‌سازی نیز که معطوف به مراحل پیشین است، رخ نخواهد داد. بر این اساس نخستین و مهم‌ترین حلقه تمدن نوین اسلامی، اهتمام جدی و عملی بر خودسازی توسط آحاد مردم به ویژه نسل جوان است که نقطه ثقل بیانیه گام دوم هستند.

البته بیان این نکته هم خالی از لطف نیست که معنویت نوین بر مبنای انسان‌شناسی واقعی بنا نشده است و روش مناسبی برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان بنا بر دلایل مختلف که مولف در کتاب «بحرانهای معرفتی مکاتب غرب...» بصورت مفصل مطرح کرده؛ نمی‌تواند باشد. و این از آن روست که دستگاه عقل، قدرت کافی و در نتیجه طرح و برنامه‌ای جامع و فراگیر برای به سعادت رسیدن انسان ندارد، و محتاج به دستگاهی است، که محیط به تمام منازل وجودی انسان باشد و راهکارهایی را که موجب سعادت و شقاوت اوست، مشخص کند و منازل بعد از مرگ را، چه در برزخ و چه در آخرت بتواند مشاهده کند. از این رو خداوند متعال دستگاه وحی و نبوت الهی (که همه موجودات و آثار آنها چه در عالم ملک و ناسوت را در بر می‌گیرد) را، به یاری عقل فرستاده است. پس شایسته است که انسان با دقت در احکام دین یا رجوع به متخصصین دین وظیفه خود رایباید. همانطور که قرآن نیز توصیه به سؤال و پرسش از آگاهان و مطلعین می‌کند. «سَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (1).

البته علایمی چند در قرآن کریم برای معنویت‌گرایی حقیقی ذکر شده، که توجه جناب‌عالی به برخی از آنها معطوف می‌گردد:

1. ترک گناه و انجام واجبات به طور مداوم. 2. ایمان و معیت آن با عمل صالح. 3. تصحیح اعتقادات و عدم انتساب امور نامناسب و نابجا به خداوند؛ مثل: داشتن فرزند یا امکان صدور قبیح از خداوند و یا این که ملائکه دختران خدا باشند، یا شریکان او به حساب

ص: 199

آیند. 4. یاد محبوب و تلاوت آیات قرآن و شرکت در مجالس معنوی برای او لذت بخش و مشاهده گناه و گناهکار، باعث رنجش و غصه اوست. 5. مشکلات و مصائب دنیوی او را از پا در نمی آورد و به کفر نمی کشاند، بلکه با امید و توکل بر خدا، بر آنها صبر می کند و در پی حلّ معضلات بر می آید و با یاد خدا آرامش می گیرد. 6. هیچ مؤثری را در اثرش مستقل از خدا نمی داند و همه فواعل - اعم از طبیعی یا انسانی - را کارگزارانِ اِلله و همه را وابسته و متکی به خدا می داند. 7. در مواقع پیدایش زمینه گناه و عصیان؛ مثل: رسیدن به پست و مال و مهیا شدن میدان شهوت رانی، کفّ نفس نموده و خود نگه دار است و با جهاد اکبر، نفس سرکش را ذبح کرده و امیال را مهار می کند. 8. برای از دست دادن مال و اولاد و جان در راه خدا افسوس نمی خورد و به دست آوردن دنیا و مافیها، سبب خروج او از زیّ عبودیت نمی شود. 9. اهل چون و چرا نیست و با رضایت تام به حکم خدا و رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ولیّ الهی گردن می نهد و در دل هم از اموری که با طبع و میل او ناسازگار باشد، ناراحت نمی شود. 10. دریافت و تشخیص الهامات رحمانی و توجهات و عنایات الهی و رسیدن به حیات طیبه. (1)

از منظر قرآن کریم، همه ی انسان ها سالک الی الله اند و به سوی او در حرکت و تکاپو هستند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَّا قِيَهُ» یعنی: «ای انسان! حقا که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.» کسانی که به این حرکت توجّه دارند و مراقب مقتضیات و لوازم آن هستند، بینا و شکوفا به حضور خداوند رسیده، زندگی و هستی خود را در ربط با او و سرشار از سرور و آرامش و عشق و روشنائی تجربه می کنند، اما آنان که از این حقیقت غافل اند، سرانجامی جز کوری و تباهی و محرومیت از مشاهده ی حسن و لطف و زیبایی و شکوه احدی نخواهند داشت.

ص: 200

1-1- انعام، 82.2- لقمان، 13.3- لقمان، 13.4- انفال، 2؛ زمر، 23؛ مؤمنون، 60.5- رعد، 28.6- یوسف، 106.7- ابراهیم، 27؛ غافر، 51؛ بقره، 250.8- حدید، 23.9- نساء، 65؛ احزاب، 36.10- عنکبوت، 69.

در راستای آیات مورد نظر، ضروری ترین، سهل ترین، طبیعی ترین و عمومی ترین پدیده ی انسانی، خود سازی برای سیر سلوک الی الله است. هر انسانی باید خود را سالک الی الله بداند و به لوازم آن که هماهنگ و متناسب با فطرت است، ملتزم شود. تحصیل این تصوّر از خویش و شکل گیری این هویت، برای همه لازم و بدیهی است. قرآن چنین دیدگاهی نسبت به انسان دارد. اگر این دیدگاه به مردم منتقل شود و آنان عرفان اسلامی را با این رخساره بشناسند، از آن رانده و رمیده نشده و به عرفان های ضعیف و حقیر پناهنده نمی شوند، بلکه تمام هستی و حیات خود را در معنویت قرآنی جستجو خواهند کرد. معنویت، از منظر قرآن کریم، چنان با جان و هستی آدمی آمیخته است که غفلت از آن خسران دنیا و آخرت را بدون تردید به دنبال دارد.

بنابر آنچه مطرح شد خود سازی درست و معنویت صادق وفق آیات و روایات بر پایه اعتقاد به مبدأ و معاد شکل گرفته و بر مدار شریعت تجلی می یابد. انسان نیز بر اساس سرشت الهی و فطرت توحیدی تشنه معنویت صائب و صادق است. معنویت الهی - توحیدی معنویتی جامع است که در همه عرصه های زندگی از کمال و کارآمدی خاصی برخوردار بوده و زندگی انسان را هدف دار و جهت مند کرده، به سوی حیات طیبه سوق می دهد؛ تا انسان به مقام قرب الهی و تحصیل رنگ الهی دست یابد. سلوک معنوی عامل مهم و زیرساختی حیات علم دینی و پیشرفت سالم و سازنده در همه ی ابعاد و ساحت ها است. از این رو، علم، اقتصاد و سیاست در کنار نهاد خانواده و جامعه دارای ماهیت و هویت معنوی خواهند بود. زندگی منهایمعنویت، تهی از آرامش پایدار است؛ اگرچه ممکن است از آسایش نسبی یا بالاتر نیز برخوردار باشد، اما آسایش منهای آرامش نمی تواند خلأ وجودی و درونی انسان را پوشش دهد و حتی ممکن است جهت زندگی را به سوی ماده گرایی محض تغییر داده و انسان را در سرایشی سقوط قرار داده و از اهداف بلند بیانیه گام دوم انقلاب باز دارد.

بنابراین آسایش منهای معنویت نیز سرچشمه آفات و خطرات فراوانی برای گام دوم خواهد بود. آری انسان محتاج ارتباط معنادار و مستمر با خدا و انس با محبوب و معبودش است. معنویت دینی و اسلامی ضمن تعریف و تأمین چنین احتیاجی او را در همه

عرصه های زندگی اعم از عرصه علمی، اقتصادی، سیاسی، فردی، خانوادگی و اجتماعی حمایت کرده و جهت دهی می کند، تا در هیچ عرصه ای هدف و معنا را گم نکرده و گرفتار یک جانبه نگری و یک سوگرایی نشود. معنویت اسلامی وادارنده ی انسان به سوی تکامل و پیشرفت وجودی انسان در عرصه های فردی و اجتماعی است و همچنین بازدارنده او از تقص و تنزل یا هبوط و سقوطش در تمامی عرصه ها است. هیچ چیز به اندازه معنویت، حافظ و مصونیت بخش انسان در برابر آسیب ها و خطرات نفسانی و شیطنانی نیست. آری آنچه می تواند به انسان آرامش بخشد و اضطراب را از میان ببرد، معنویت ناشی از ایمان حقیقی به خداوند است. آثار و نتایج معنویت بی شمار و خارج از طرح کامل آن در این مجال است. لیکن در این مبحث به چند مورد آن بصورت کاملاً گذرا بسنده می شود:

1- کاهش بحران های روحی: انسان با خود سازی، حفظ و افزایش معنویت حالتی خواهد داشت که عوامل اضطراب آفرین در وی از بین خواهد رفت. چرا اینکه که دین با دستوره های اخلاقی و تعالیم حیات بخش خود، آتش حرص و آز و جاه طلبی و ثروت اندوزی را که از عوامل اضطراب روحی انسان هاست فرو می نشاند و او را به عزت نفس، مناعت طبع، و پرهیزکاری فرا می خواند و معنویت انسان را به معاد و روز رستاخیز معتقد ساخته و به زندگی مادی بشر طراوت می بخشد.

2- آرامش روانی: انسان خود ساخته و مؤمن در بلاها و سختی ها از آرامش روانی برخوردار است که مصداق آیه 27 سوره رعد است: « آنان که ایمان آورده اند و دلشان با یاد خدا آرامش می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل ها آرامش می گیرد.»

3- پرورش فضایل اخلاقی: انسان بالفطره دوست دار فضایل اخلاقی بوده و از بدی ها نفرت دارد. خود سازی و معنویت پشتوانه اخلاق بوده و انسان را به اصول اخلاقی پایبند نموده و در برابر محرومیت های مادی به او قدرت تحمل می دهد.

4- زمینه ساز عدالت اجتماعی: امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرمایند: عادل ترین مردم کسی است که آنچه را برای خود می پسندد، برای مردم نیز پسندد و آنچه را بر خود روا نمیدارد، بر

واقع مصداق این حدیث افراد خود ساخته ای خواهند بود که زندگیشان سرشار از معنویت باشد و تقوا بر اعمال آن ها سایه افکنده باشد. به یقین کسی که شب و روز با حرص و ولع دنبال دنیا و تعلقات آن تلاش می کند، هیچ وقت آنچه را دوست دارد به آن برسد، برای دیگری نخواهد خواست. از این روست که منفعت طلبی موجب می شود آرام آرام انسان از مسیر انسانی فاصله گرفته و به سمت حیوانیت که همان دنیایی شدن و دنبال سود و معاش و افزایش دارایی خود بودن تعریف می شود، باشد و خلق الله را فراموش نماید.

5- خوش بینی به نظام هستی: خود سازی و معنویت بینش انسان را نسبت به جهان سامان می دهد، آفرینش را هدف دار و هدف انسان را خیر و تکامل و سعادت معرفی می کند؛ اما انسان بدون معنویت نظام هستی و قوانین حاکم بر آن را درست نمی شناسد و آن را به گونه نادرست توجیه و تفسیر می کند که قرآن کریم در این باره می فرماید: «هر کس از یاد من روی برتابد، زندگی تنگ و سخت خواهد داشت.» (2)

درحقیقت، آنجا که خود سازی و معنویت هست، ارتباط با خدا هست. نسبت به فضل الهی باور هست. در مقابل خدا و در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست. در آنجا دیگرضعف و ترسی وجود ندارد. در چنین حالی می توان امید داشت که اهداف مقدس انقلاب در گام دوم محقق خواهد شد. در هر حال خودسازی در روح جامعه پردازی، دولت سازی و تمدن سازی حضور دارد. این خودسازی همان تئوری «معنویت توحیدی» است. یعنی اگر خودسازی با معنویت توحیدی همراه باشد به جامعه پردازی خواهد رسید که نتیجه اش تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

به نوعی پرکردن جای خالی پیامدگرایی در اخلاق اسلامی چندان مشکل نیست و با یک خیزش پژوهشی به سهولت برطرف می شود. نگاه های نو و تازه ای که می توان به اصول معنوی، نظیر توکل، توحید، معرفت خداوند، اخلاص، عشق به خداوند، خوف از او و

عشق و شفقت ورزی با انسان ها داشت، از همین رویکرد نتیجه گرایانه به دست می آید. به طور کلی می توان گفت: این برنامه در صورتی موفق است که شما بتوانید اولاً با تحصیل علم روز و داشتن تخصص لازم زندگی طبیعی خود را به گونه ای مدیریت نمایید که برای انجام خودسازی فراقت کافی داشته باشید، معاش خود و خانواده خود را از راه حلال تامین کنید و از این طریق در جامعه خود هم نقش داشته باشید و به پیشرفت آن کمک کنید، ثانیاً با ترتیب سیر مطالعات دینی و تفکر شخصی در سوالات اساسی و فلسفی زندگی حیات معقول خود را رشد دهید و برای سوالات عقلانی و دینی پاسخ مناسب بیابید و باور خویش را نسبت به خداوند و دین افزایش دهید و ثالثاً در کنار این امور حتماً برنامه ای برای اطاعت از دستورات دینی، عبادت و ارتباط با خدای متعال داشته باشید و هویت الهی و زندگی عرفانی خود را ارتقا دهید تا به صورت کامل تمامی ابعاد وجودی شما متناسب با هم رشد نماید و به خودسازی واقعی و انقلابی منتهی شود.

از طرفی نیاز امروز و سازندگی اجتماعی برای تمدن سازی چنین ضرورتی را می نماید که افراد به تهذیب در حوزه فردی و اجتماعی بیاورند. ماهیت دگرگون جهان، جامعیت انسان، انسان به عنوان مظهر اسم خدا، شکوفایی نیروهای درونی، آزادی بیرونی، وصال معشوق. ویژگی هایی هستند که امکان خودسازی و شفاف سازی آینه دل را برای انسان امری ممکن می نمایند. از طرف دیگر شناسایی رذایل اخلاقی نیز امر مهمی است. رذایلی چون حب نفس که تمام گرفتاریها از آن نشئت می گیرد. یا حب دنیا که سرآغاز تمام خطاها و بدبختی ها تلقی می شود، از ریشه های رذایل اخلاقی به شمار می روند. چالشهای بیرونی مانند فریب شیطانی و دوستان بد و نیز چالشهای درونی شامل غفلت از خود، سطحی نگری و قشرگرایی به عنوان موانع خودسازی تبیین شده اند؛ با این حال امید و واقع بینی به عنوان راهبردهای خودسازی و بهار جوانی و فطرت کمال جوئی انسان و بی نهایت طلبی اش به عنوان بستر خودسازی و خودسازی همه جانبه به عنوان راهکار خودسازی قلمداد می شود. البته در انتها باید اینگونه زمزمه کرد:

لحظه ای کردم مرور اعمال خویش* که دیدم هیچم اندر نزد خویش

در جهان دیدم همه را غیر خویش* هر که را برتر بدیدم من ز خویش
گر چه مغرور و همی گویم که خویش* برترم از جن و انس در فکر خویش
با همین فکر پلید دان خود ز خویش* گشته ام محروم ز فیض حق به خویش
در صراط و محضر مولای خویش* نادم و هستم پشیمان من ز خویش
وان همی باشد نشان بر عزم خویش* با همان داد درون خود به خویش
پس نما کار را شروع از خود به خویش* تا شوی فارغ ز خود با هم خویش
این حقیر گوید برو تو سوی خویش* از خود پست و لعین با داد خویش
آیا اصول و آرمان های انقلاب اسلامی در گام دوم قابل تغییر است؟
رها بیان ظلم و کین، که بی وفا نمی شوند* فدائیان رهبرم، که بی وفا نمی شوند
ستمگران بی حیا، اگر چه قلبها می درند* تمام خوبان بشر، که بی وفا نمی شوند
قلم به دست نابکار، ز نیش خود ضرر زند* جمیع اهل هر قلم، که بی وفا نمی شوند
بگو به آن نا محرمان، حیا کنید ز رهبرم* جماعت آل علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، که بی وفا نمی شوند
ز سر به جبهه می روند، به غیر آن سر می دهند* تمام آنها ای عزیز، که بی وفا نمی شوند
برو برو بهر خدا، سوی ولایت فقیه* شفاعت و ولایتش، که بی وفا نمی شوند

اصول اصل انقلاب، ناموس هر ولایتی است * ولایت و ولایتی، که بی وفانمی شوند

نسیم عشق آن ولی، روح می دمد به جان ما * نفوس اهل بزم و رزم، که بی وفانمی شوند

پیام خاموش درون، برده مارا به سوی دوست * بدان تمام عاشقان، که بی وفانمی شوند

ظهور حجت خدا، برد ما را به آن سرا * تمام اهل انتظار، که بی وفانمی شوند

خلوص نافع بسیج، به لطف آن ولایت است * همه ی مخلصین دین، که بی وفانمی شوند

بصیرت ناب بشر، رسوا کند هر فتنه را * یقین بدان اهل بصر، که بی وفانمی شوند

حقیر گذر ز جان و سر، برای حفظ آن اصول * جمیع مرد و زن بدان، که بی وفانمی شوند

بنابر مضمون و مفهوم ابیات غزل مزبور و با عنایت به وفاداری که در انتهای هر بیت آمده؛ اصول و آرمان های انقلاب اسلامی قابل تغییر نمی باشد. لذا نکته ای که نقشه ی راه گام دوم انقلاب اسلامی بایستی بر اساس آن تنظیم شود؛ اهداف و آرمان ها، مبانی و اصولی است که حضرت امام (ره) برای این انقلاب تعیین کردند و رهبر معظم انقلاب می فرمایند. این موارد غیرقابل تغییر است و بقای جمهوری اسلامی در گرو تحقق هر چه دقیق تر این آرمان هاست. ماندن بدون اصول برای ما ارزشی ندارد و این مسأله یکی از مضامین اصلی پیام ایشان است. در این راستا ای عزیز بزرگوار:

بیا تا با ولی در موج پنهان * ببندیم با صداقت عهد و پیمان

که چون موجی رسد از هم نپاشیم * ز اوج بندگی در مهد ایمان

این یک گام جدیدی است. یک مرحله ی جدیدی است. این که اسم این «گام دوم» است، اولاً جواب آن هایی است که گفتند انقلاب تمام شد و مُرد، که نه، هنوز ما یک گام

برداشته ایم و تازه داریم گام دوم را شروع می کنیم و این انقلاب مُردنی نیست. این همیشگی است، چرا؟ با همان بیانی که ایشان دارند، چون انگیزه های این انقلاب انگیزه های فطری است. ثانیاً این انقلاب، انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی یعنی همه ی ساحت های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. تنها مسأله ی اقتصاد، مسأله ی صنعت، مسأله ی تجارت و مسأله ی نظامی و دفاعی نیست، انسان باید در کلیتش شکوفا و کامل بشود؛ اسلامی بودن یعنی این.

این انقلاب برای انسانیت انسان است و همه ی ابعادش را باید در بر بگیرد. ما باید به همه اش توجه کنیم. اگر تراحمی باشد در مقاطعی، اهمیت ها و اولویت ها را احراز کنیم و روی آن ها بیشتر تکیه کنیم. نمی شود ما فقط نظرمان را در این که با تورم مبارزه کنیم و کار به چیزهای دیگر نداشته باشیم محصور کنیم. بدترین نوع فساد و وحشی گری که در عالم وجود دارد، امروز در این کشورهای پیشرفته است. عمده ی این ها هم مال سرمایه داران و پول دارهاست. مردم فقیر غالباً قربانی این ها می شوند و آن هایی که دنبال این فساد هستند، پول دارها هستند. ما رفتیم پول دار شدیم، شدیم مثل طبقه ی سرمایه دار آمریکا، درست شد؟ تازه اول این است که این فسادها بیاید سراغمان ما را از هر خوکی پست تر کند. دنبال همین هستیم؟ انقلاب اسلامی می گوید همه چیز باید متناسب با هم پیش برود به سوی هدف انسانی. ایناست که باید ما به نسل آینده و آموزش و توجه دادن به آن ها اهمیت بدهیم. این خطرهایی است مربوط به شناخت. (1)

«پای بندی به اصول ضمن درک پدیده ها و موقعیت های نو» بسیار حائز اهمیت است. شعارهای انقلاب اسلامی، جهانی هستند و کهنه شدنی نیستند. شعارهای انقلاب مربوط به تمامی دوره ها بوده و مختص به یک دوره خاص نیست. شعارهای انقلاب اسلامی همان اهداف انقلاب اسلامی است که مسیر راه را به مسئولان کشور نشان می دهد و لازم است

ص: 207

1- قسمتی از گفت وگوی تفصیلی با آیت الله مصباح یزدی پیرامون تبیین بیانیه گام دوم انقلاب

مسئولان در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها به این شعارها توجه ویژه داشته باشند. پیام بیانیه می گوید برای انقلاب اسلامی مهم است که چرا بماند و چگونه بماند و این یعنی هدف و ارزش ها، پیش پای وضع موجود قربانی نخواهد شد و اصولی هست که بنا نیست از آن کوتاه بیاییم. چرا که:

آن صفاتی که شده با حق عجین * ارزشش والا بود در فقه و دین

دون آنها می شوی دور از ولی * از شروط انقلاب است در زمین

تعیین تکلیف مجدد چالش آرمان گرایی و واقع بینی به علاوه ارائه ی یک مدل عملی از این رویکرد را می توان از جمله مهم ترین شاخصه های این بیانیه دانست؛ جایی که رهبر انقلاب ضمن اشاره به فاصله آزاردهنده ی میان باید ها و واقعیت ها، ظرفیت های کم نظیر کشور در دو حوزه نیروی انسانی و مواهب طبیعی را در کنار برکات انقلاب، به عنوان نشانه هایی امیدبخش و قابل اتکا در کنار چالش های پیش رو برمی شمارند و تصریح می کنند که خوشبینی و امید به آینده، امیدی صادق و متکی به واقعیت های عینی است. ایشان ضمن تأکید بر لزوم دوری جستن از امید کاذب و فریبنده، جامعه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشتند و به عنوان نخستین جهاد پیش روی نسل جوان، به آن ها توصیه کردند برای شکستن محاصره ی تبلیغاتی دشمن برای بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ قدم بردارند. در همین راستا باید گفت:

آنچه کرده وحدتی را در درون ما به پا * آنچه کرده تفرقه را از وجود ما جدا

بوده باشد، داد مولا و ولی در هر زمان * اختلاف و ترس کاذب می کند نا بود تورا

واقع گرایی به ویژه در بازخوانی راه طی شده، نکته ای است که بیانیه «گام دوم انقلاب» را تا حد زیادی متمایز می کند؛ رویکردی که از سویی در بازخوانی صادقانه کاستی ها و نقصان های حال و گذشته بروز یافته و از دیگر سو در نگاه به آینده، به انضمام پایبندی به

اصول، به صورت پررنگ به چشم می خورد. در این چارچوب رهبر انقلاب ابایی از آن ندارند که تصریح کنند «آنچه تاکنون شده با آنچه باید می شده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است» و البته که عدالت موردانتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینهاست؛ اتفاقی که به تعبیر رهبر انقلاب ریشه در بی توجهی خسارت بار به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله داشته و اگر این بی توجهی نبود، بی شک دستاورد های انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت. این یعنی حساب مبانی از عملکردها جداست و اگرچه نظام در این چهاردهه با مشکلاتی در حوزه ی عملکردی روبه رو بوده، اما همه چیز ریشه در عدم پایبندی به آن ارزش ها و مبانی دارد و بر این اساس نظام در مبانی انقلاب هیچ گونه تجدیدنظری نخواهد داشت. تأکید بر غیرقابل قبول بودن وضع موجود همان گونه که ذکر شد، صرفاً یک وجهه از روح واقع بینی حاکم بر این بیانیه است. جنبه دیگر آن را باید این دانست که معظم له ضمن تأکیدات مکرر بر اصول، به طور عملی نشان می دهند می توان هم به اصول پایبند ماند و هم واقع نگر بود و اساساً منافاتی میان این دو وجود نداشته و به بیان دقیق تر برای واقع گرایی هیچ نیازی به زیر پا گذاشتن اصول نیست.

دان پیام خوب مولا، با تو دارد حرف عریان *جان نثاری بهر مولا، بوده چون عهدی و پیمان

آن اصول حق دوران، در تو باشد داد پنهان *گر چه تو داری به مولا، در وجودت تیر و عنوان

گر چه اندر غرب عریان، آدمی گشته چو حیوان *پست و خوار است جان مولا، در کویر فقر و حرمان

باتمام غفلت و مکر، می رود آن سوی میدان *می زند خدعه به مولا، با سلاح نرم و شیطان

در سرای این جهانی، می دمد بر قلب انسان* تا برد از پیش مولا، جان پاک و عشق و احسان
با نوای زشت دوران، می کند خود را چو مهمان* تا زند بر یار مولا، در فضای جان و کیهان
یا که با اینترنت و چت در فضاهایی ز نسیان* می برد احساس مولا، در ضمیر جود و امکان
پس نما جان را ولایی، در سرای پاک ایران* راه و رسم کوی مولا، در صراط حق و عرفان
بر تو بادا با بصیرت، راه مولایم به اتقان* گن ز جان حفظش به مولا، آن اصول را وفق ایمان
آیا بیانیه دوم انقلاب در راستای تغییرافکار انقلابهای جهان است؟

انقلاب حق بدون هر گمان* می کند اندیشه ها را از نهران

جذب حق و راه مولای زمان* در مسیر فطرت و روح و روان

دان که قرآن گفته با پیر و جوان* راه حق باشد همان راه جنان

با تو دارم یک سخن در این جهان* تا که حق گردد هویدا و عیان

یستمع را کن مدار هر بیان* تابع احسن شو در کون و مکان

حرف ناب را گیر و از خرد و کلان* چون که آن باشد نیاز هر روان

پس نما خود را مهیای همان* در فضای روح و جان با صد توان

دان که ایسم ها دون هر نوع پله کان* رفته اند راهی که آن آرد فغان

انقلابهای فرانسه یا فلان* هر کدام با زعم خود گفتند چنان
منکر معنا شدند با فکر نان* چون که دنیا را بسی دیدند نه آن
در چنین حالی شدند دور از نهان* انقلاب حق همی گوید بدان
گر خدا گردد برون از فکر و جان* می شوی خوار و زبون تا آن کران
پس عزیزم با تدبیر گو به جان* بر خلاف دید ایسم های جهان
داد خاموش درون در هر زمان* از تو می خواهد خدا را بی گمان
غیر حق با صد هزار ایسم و نشان* می کند روح و روانت را خزان
گر روی سوی خدای مهربان* می شوی راحت ز شر این و آن
چون که باشد این همان داد نهان* داد خاموش زمین و آسمان
در چنین حالی شوی امان* بر اساس گفته پیغمبران
ای عزیز با خدا قدرت بدان* یا که از خوف و همان حزن و فغان
این شعار انقلاب است در جهان* در فضای جسم و جان با هر زبان
پس اگر خواهی همی گیری امان* چون تویی والا تر از هر کهکشانشان
این حقیر گوید به هر پیر و جوان* با خدا باش و برو سوی جنان

در راستای تحقق بیانیه گام دوم؛ اسلام و انقلاب اسلامی باید گسترش یابد و زیبایی های آن بر همگان آشکار گردد تا فطرت های پاک و ضمیرهای حق جو و حق پذیر بصورت غریزی و فطری در اقصا نقاط عالم طالب آن شوند و ضمن تغییر در افکار و اندیشه های انقلاب ها و انقلابیون جهان؛ مقدمه ای برای پذیرش انقلاب جهانی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) شود... لذا یکی از بستر های مناسب برای رسیدن به جامعه موعود، ایجاد دگرگونی ها و تحولات فکری، اعتقادی و ایمانی در همه مردم جهان است. در این رابطه امام خمینی(ره) می فرماید: «امید است وعده الهی "اراده منت بر مستضعفان"، به زودی تحقق یابد و دست قدرتمند حق تعالی هرچه سریع تر از آستین ملت های مظلوم بیرون آید و تحول الهی ای که در ملت ایران به وجود آمده است، در همه ملل و نحل، به خواست خداوند تعالی تحقق یابد که دست ستمکاران از جنایت نسبت به مستضعفان جهان کوتاه شود و مظلومان به حقوق از دست رفته خود دست یابند.»(1)

حال با عنایت به مطالب مذکور و ایات مزبور بنابر ادله عقلی و نقلی طبق حقایق موجود بدون هر گونه تعصب باید پذیرفت که، تنها انقلاب اسلامی است که می تواند در همه ی زمان ها و در تمامی اعصار کارکردهای مثبت داشته باشد؛ زیرا چنین انقلابی از دین خاتم که کامل ترین دین الهی است؛ نشأت گرفته است. از این رو، می تواند در تمامی زمان ها و در همه ی حوزه های فردی و اجتماعی زندگی انسان کار برد داشته باشد، و رهنمودهای کلی ارائه کند. به بیانی انقلاب اسلامی به تمام نیازهای بشر و به فریاد خاموش درون پاسخ مثبت داده و در هیچ جایی انسان را با بن بست و مشکل روبرو نخواهد کرد و آرامش و سعادت حقیقی را برای انسان در دنیا و آخرت به ارمغان خواهد آورد. بنابر این:

هر کس که ره ولی رود در چم و خم * هموار کند رهش ز دام هم و غم

آرام کند روح و روان و ره او * با علم خدا رود به سویش دم و دم

ص: 212

انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای بی‌همتا بود که از پیش، تحلیلی برای آن وجود نداشت و حتی مبانی و مقدمات شناخت آن از اندیشه‌های جدید، غایب بود. لذا تحول در نظریه پردازی انقلاب‌ها را به عنوان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی می‌توان معرفی نمود. چرا که وقوع انقلاب اسلامی در ایران با تکیه بر ایدئولوژی خاص، رهبری آگاه و مردمی پرشور نشان داد که این انقلابی جبری و به دور از اراده و تفکر نیست. بلکه پیامد اندیشه سیاسی خاصی است که حتی در شرایطی که نظریه پردازان انقلابهای جهان، امکان وقوع انقلاب را منتفی می‌دانند، می‌تواند تحول عظیم در ساختارهای مختلف جامعه به وجود آورد و نظامی دیرپا را که از حمایت‌های داخلی و خارجی بر خوردار است به نابودی بکشاند.

اقبال لاهوری در کتاب فلسفه خودی پیش‌بینی می‌کند که تهران در آینده قرارگاه مسلمانان خواهد شد. (1) همین‌طور هم شد و پس از انقلاب اسلامی، ایران به صورت ام‌القرای اسلام درآمد. حتی ایران می‌تواند به علت موقعیت منحصر به فرد، منابع عظیم و بی‌پایان انرژی، ابزار فرهنگی و اعتقادی نیرومند پا را از این فراتر گذارد و به مرکز سامان‌دهی تمدن نوین اسلامی درآید؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران، در پیدایش، در کیفیت مبارزه و در انگیزه... از سایر انقلابها جداست، (2) و از این رو، می‌تواند در پیامدها و دستاوردها نیز، متمایز و پیشروتر از سایر انقلابها باشد و البته این ویژگیها، ریشه در دین و باورهای برخاسته از مذهب دارد. به عبارت دیگر، این انقلاب برآمده از مذهب، به احیای دین و تجدید حیات اسلام در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ابعاد آن، تولد و تداوم بخشی به حیات جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر در سالهای اخیر است. در راستای مطالب مزبور در بیانات رهبری روشی است که ایشان در بررسی رفتار جمهوری اسلامی از روش

ص: 213

-
- 1- فصلنامه راهبرد، ش 12، زمستان 1375، ص 8- مشایخ فریدنی، محمدحسین، اسرار خودی و رموز بی خودی علامه شیخ محمد اقبال لاهوری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، 1358، ص 73 مقدمه
 - 2- لاریجانی، محمدجواد، مقولاتی در استراتژی ملی، ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1369، ص 6- فصلنامه راهبرد، ش 12، زمستان 1375، ص 10- امام خمینی، وصیت‌نامه سیاسی الهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1368،

مقایسه ای استفاده می کنند. که روش بسیار کارآمدی در بررسی های تحلیلی است و در جاهایی مقایسه با دیگران انجام می شود؛ که به عنوان نمونه به برخی از آن ها اشاره می شود: مقام معظم رهبری در بخشی از بیانیه می فرماید: انقلاب ما در برابر انقلاب های دیگر مانند فرانسه، روسیه و امثالهم بی نظیر است یا بیان می دارند که چهل سالگی و جشن چهل سالگی مردم ایران، سردست گرفتن شعارهای انقلاب در مقابل انقلاب های دیگر بی نظیر است، به بیانی معظم له در بخش ابتدایی بیانیه گام دوم به ویژگی های انقلاب اسلامی و تمایزات آن با سایر انقلاب های جهان اشاره می فرمایند. در اینجا ابتدا توجه جنابعالی به برخی از خصایص

انقلاب اسلامی معطوف می گردد و سپس به کاستی ها و ناراستی های بسیاری از نظریات که در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی آشکار نمود؛ پرداخته خواهد شد.

الف) مردمی بودن: یکی از تمایزات برجسته انقلاب اسلامی با سایر انقلاب ها که مقام معظم رهبری بر آن تأکید کرده اند «مردمی بودن» است. اگر نگاهی تحلیلی به انقلاب های بزرگ دنیا از جمله فرانسه، ایران، روسیه و چین بیندازی، به سهولت در می یابی که در همه این موارد به استثنای انقلاب ایران، تنها یک قشر یا طبقه محور انقلاب بوده اند. به عنوان مثال در چین، انقلاب تنها شامل دهقانان بود و عالمان دینی، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در اداره و شروع آن نقشی نداشتند. از همین منظر می توان انقلاب چین را انقلابی روستایی - دهقانی به حساب آورد. انقلاب روسیه و فرانسه نیز به همین شکل انقلابی کارگری بود. اما ویژگی متمایز انقلاب ایران در این است که نمی توانی فقط یک قشر را محور قرار دهی. در انقلاب ایران استاد، دانشجو، بازاری، روحانی، نظامی، روستایی و شهری همه و همه در کنار هم حضور دارند. به عبارتی انقلاب برای همه است.

ب) مروت انقلابی: یکی دیگر از ویژگی های ذکر شده برای انقلاب اسلامی «مروت انقلابی» است که اتفاقاً این روزها به مرور این مفهوم بسیار نیاز می باشد، چراکه با مفهوم سازی های غلط چهره ای دیکتاتور و غیر پاسخگواز نظام جمهوری اسلامی ارائه می کنند.

در این مورد هم اگر انقلاب اسلامی را با انقلاب های کلاسیک جهان مقایسه کنی به وضوح تمایز آن مشخص خواهد شد. در تئوری های انقلاب «خشونت» یکی از بارزترین ویژگی های پذیرفته شده انقلاب محسوب می شود، در حالی که انقلاب اسلامی ایران به عنوان اصیل ترین انقلاب دنیا با کمترین میزان خشونت همراه است. قلت خشونت انقلابیون ایران علیه نظام پیشین را در هیچ جای دنیا نمی توان مشاهده کرد. حتی پس از انقلاب و در دوره استقرار نظام هم این مروت انقلابی جاری و ساری بوده است. برعکس برخورد هایی از جنس آنچه در شوروی یا فرانسه اتفاق افتاد.

ج) خیانت نکردن به آرمان های انقلاب: ویژگی سومی که مقام معظم رهبری برای انقلاب اسلامی برمی شمرد، خیانت نکردن انقلاب به آرمان های اولیه اش است. از جمله ویژگی های منحصربه فرد مقام معظم رهبری، توجه ایشان به مسائل روانشناختی است. ایشان در هیچ شرایطی نیمه پر لیوان را رها نمی کنند و به جرات از انقلاب و ویژگی های فرهنگی انقلاب دفاع می کنند. مثلاً خیلی ها وقتی وضعیت کنونی فرهنگ و آسیب های اجتماعی را می بینند، تصور می کنند همه چیز نابود شده و شکست خورده است، اما مقام معظم رهبری به صراحت دستاورد های فرهنگی و اخلاقی انقلاب را برشمرده و به آن ها افتخار می کنند. در قسمتی از بیانیه که ایشان در باب «اخلاق و معنویت» صحبت می کنند، می فرمایند: «مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجرا های صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه های گوناگون جهاد می شتافتند دل کنند و سپس آنگاه که با پیکر خون آلود یا جسم آسیب دیده آنان روبه رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضا های دینی رونقی بی سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردو های جهادی و جهادسازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز، حج، روزه داری، پیاده روی اربعین و مراسم های گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به ویژه میان جوانان رونق

یافت و تا امروز، روز به روز بیشتر و با کیفیت تر شده است و این ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزار های فساد، اخلاق و معنویت را در بخش های عمده عالم منزوی کرده است و این معجزه ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است. این ها را مقام معظم رهبری با بیان اینکه به اصالت انقلاب خیانت نکردیم بیان می کنند. شرط فهم این ویژگی بازساخت انقلاب های دیگر و فهم این مسئله است که در انقلاب اسلامی هرگز اینطور نبوده که مردمفرزندان

خود را به قربانگاه بفرستند و مقام معظم رهبری و امام (ره) همانند ایدئولوکهای سایر انقلابهای جهان دنبال تکرار ثروت و کسب قدرت باشند. مقام معظم رهبری در سخنرانی با اشاره به اجرای موبه موی فرامین امام (ره) بیان می کنند که بسیاری در این راه بریدند ولی ما ... بر آرمان هایی از جمله عدالت، آزادی، دفاع از مسئله فلسطین، دشمنی با امریکا و صهیونیست، مبارزه با اشرافیگری و حفظ هویت ایرانی - اسلامی تعصب قاطع می ورزیم.

د) عدم تغییر مسیر انقلاب در تنگناها: ویژگی چهارمی که در بیانیه گام دوم برای انقلاب ترسیم شده این است که انقلاب با وجود آنکه بار ها در تنگنا هایی قرار گرفته است، شاید روش ها و تاکتیک ها را تغییر داده، اما هرگز مسیر خود را همانند سایر انقلابهای جهان عوض نکرده است. برای اینکه بهتر متوجه این موضوع شوی انقلاب فرهنگی سایر ملل را مطالعه کن. البته انقلاب اسلامی هم نیز در حال گرفتار شدن به بلیه سایر انقلابهای جهان بود؛ اما برخلاف جانشینان امثال مائو در چین، تعابیر مقام معظم رهبری و تلاش ایشان برای احیای امام خمینی (ره) و شناساندن خط امام به نسل جوان انقلاب مانع فراموش شدن یا تحریف خط امام شدند که نمونه این را جهانیان هر سال در مراسم 14 خرداد شاهد هستند.

جامعیت حرکت انقلاب اسلامی و عدم رشد تک بعدی آن نیز از دیگر مؤلفه های قابل درک از بخش دوم بیانیه است. همچنین در این بخش مقام معظم رهبری تأکید می کنند که ما «جوشش انقلابی» را توأم با «نظام سیاسی - اجتماعی» پیش بردیم؛ این به عنوان

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب محسوب می‌شود. جز انقلاب اسلامی هیچ انقلابی را نمی‌توان نام برد که انقلابیون وقتی درگیر نظام‌سازی شدند، روحیه انقلابی خود را چه در نوع رفتار و گفتار در سیاست داخلی و خارجی و چه در حفظ روحیه جهاد و شهادت، حفظ کردند. فقط انقلاب ما این ویژگی را دارد. مقام معظم رهبری فرمودند: «اگر روحیه انقلابی ما حذف شود جمهوری اسلامی کارش تمام است.»

در کنار موارد بیان شده یک ساختار کلان نیز از این بیانیه می‌توان برداشت کرد. متن بیانیه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی دارای دو ماهیت حقیقی و حقوقی است. ماهیت حقوقی جمهوری اسلامی در اصل شامل ساختارهایی از جمله دانشگاه، نیروهای مسلح، قوای مجریه، مقننه، قضائیه و مدارس است، این ساختارها در همه کشورهای دنیا مشترک است. ماهیت حقیقی جمهوری اسلامی، اما عبارت است از دشمن شناسی، استکبارستیزی، مردمی بودن، نفی اشرافیگری، عدالتخواهی، احترام به شهید و شهادت و ساده زیستی. مطابق آنچه مقام معظم رهبری فرموده اند اگر این ماهیت حقیقی را از جمهوری اسلامی بگیریم مانند دندان پوکی می‌شود که نمایی زیبا دارد، ولی با یک ضربه سخت فرو می‌ریزد. اگر جمهوری اسلامی ماهیت حقیقی خود را از دست دهد تأثیرگذاری

خود را در قلب ملت‌ها از دست خواهد داد و در بهترین حالت تنها جمهوری همانند پاکستان و افغانستان خواهیم بود. (1) اینها مواردی است که انقلاب اسلامی را در جهان ممتاز می‌کند. بنابر آنچه مطرح شد انقلاب اسلامی کاستی‌ها و ناراستی‌های بسیاری از نظریات را در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی آشکار نمود که در ادامه، به مواردی از آن‌ها، فهرست وار اشاره می‌شود:

1. نظریه‌های و اندیشه‌های انقلاب‌های جهان، با انقلاب اسلامی ایران زیر سؤال رفتند؛ زیرا تاریخچه محتومی که در این نظریات برای انقلاب‌ها نوشته شده بود، در انقلاب اسلامی رخ نداد. مثلاً مارکسیسم سیر جوامع را از کشاورزی به سرمایه‌داری و

ص: 217

1- بر گرفته از تحلیل دکتر عبدالله گنجی از ساختار کلان بیانیه گام دوم انقلاب و اجزای آن با تغییرات لازم

پس از انقلاب، رسیدن به جامعه کمونیستی می دانست. انقلاب اسلامی ایران بر خلاف این سیر، از بافت سنتی به انقلاب غیرکمونیستی رسید. همچنین اعتقاد به اینکه «دین افیون ملت هاست»، با خروش دینی مردم انقلابی ایران، تهی و تباه گردید. حتی نظریه پردازان مارکسیسم ساختارگرا، که می کوشیدند نظریه مارکسیستی انقلاب را بازسازی و اصلاح کنند، در برابر انقلاب ایران به ضعف تحلیل های خود اعتراف کردند.

تدا اسکاچپول، از متفکران مارکسیسم ساختارگرا، معتقد بود: یک انقلاب سیاسی با تغییر حکومت، بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی صورت می گیرد و در این انقلاب، منازعات طبقاتی نقشی ندارند. اما یک انقلاب اجتماعی عبارت است از: انتقال سریع و اساسی دولت و ساختارهای طبقاتی یک جامعه، که اغتشاشات طبقاتی از پایین جامعه همراهی و در بخشی حمل می شود. چنین انقلابی در شرایط ویژه اجتماعی - ساختاری و بین المللی صورت می پذیرد؛ مثلاً، فشار سیاسی بین المللی یا شکست دولت در یک جنگ نظامی. اما انقلاب ایران نشان داد که موضوع طبقات و کشمکش و تضاد میان آن ها بدون مبنا بود، بلکه این انقلاب با قدرت فکر و فرهنگی اسلام شیعی و بدون شرایط خاص بین المللی، به پیروزی رسید؛ انقلابی سیاسی اجتماعی که هم روابط قدرت را دگرگون کرد و هم در ساختار اجتماعی و نهادهای آن تحولی ژرف پدید آورد و حتی بر معادلات و روابط بین المللی نیز آثار قابل توجهی بر جای نهاد.

شاید همین دور ماندن قدرت نهانی در اندیشه سیاسی شیعه از ذهن نظریه پردازانی چون اسکاچپول موجب شد تا وقوع انقلاب ها را تنها در قالب انقلاب های روسیه، فرانسه و چین ارزیابی نماید و نقش ایدئولوژی و مکتب را در وقوع انقلاب انکار نماید. این مهم بود که موجب شد ساختار نظری، نظریه پردازان انقلاب فرو ریخته و آنها را به اعتراف وا دارد: تدا سکاچپول در این زمینه می گوید: «سقوط رژیم شاه، آغاز نهضت انقلابی ایران مابین 1977 تا 1979، به عنوان یک شگفتی ناگهانی برای ناظرین خارجی اعم از دوستان شاه تا روزنامه نگاران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی از جمله آنهایی که همچون من به اصطلاح از کارشناسان انقلابها هستیم، بود. همه ما حوادث انقلاب را با حیرات و

ناباوری نظاره می کردیم. بالاتر از همه انقلاب ایران پدیده ای کاملاً خلاف قاعده و طبیعت بود. ... انقلاب ایران آشکارا آن قدر مردمی بود و آن قدر روابط اساسی و پایه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - اجتماعی را در ایران تغییر داد که حقیقتاً از نمونه انقلابهای اجتماعی - تاریخی بزرگ می باشد.»

اینک این سؤال مطرح می گردد که اگر انقلابهای فرانسه و روسیه را انقلابهای کبیر بنامیم، انقلاب اسلامی را چه بنامیم و اگر انقلاب اسلامی، انقلابی واقعی و تمام عیار است، آنچه را که در فرانسه و روسیه رخ داده است چه باید نامید؟ به همین جهت است که گفته اسکاچیل صدق می کند که انقلابهای فرانسه و روسیه آمدند و ساخته نشدند ولی انقلاب اسلامی ایران نیامد بلکه با توجه به شرایط موجود ساخته شد آن هم نه به سادگی بلکه با تجهیز همه امکانات مردمی سراسر کشور و از همه اقشار و طبقات اجتماعی و با رهبری قوی و پرداخت بهایی گزاف که همانا قربانی کردن چند صد هزار انسانهای عاشق انقلاب بود، و به همین دلیل بوده که ظهور پیروزی انقلاب اسلامی حیرت و شگفتی همگان را برانگیخت. و به یقین می توان ادعا کرد که انقلاب اسلامی انقلابی بی نظیر در تاریخ بشریت می باشد. باز اسکاچیل با نوشتن مقاله ای در سال 1982 با عنوان "دولت تحصیلدار و اسلام شیعه در انقلاب ایران" می نویسد: "اگر در واقع بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که عمداً و آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی توده ای ساخته شده است تا نظام پیشین را سرنگون سازد، به طور قطع آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. انقلاب آنها صرفاً نیامد، بلکه به صورت آگاهانه و منطقی ساخته شد. این انقلاب قابل توجه، همچنین مرا وادار می سازد تا به درک خود در قبال نقش بالقوه و محتمل سیستم های عقاید و ادراک های فرهنگی در شکل بخشیدن به کنش های سیاسی، عمق و وسعت بیشتری ببخشم. این انقلاب مطمئناً شرایط یک "انقلاب اجتماعی" را دارا می باشد. مع الوصف وقوع آن به ویژه در جهت وقایعی که منجر به سقوط شاه شدند انتظارات مربوط به علل انقلاب ها

را که من قبلاً در تحقیق تطبیقی - تاریخی ام در مورد انقلاب های فرانسه، روسیه و چین تکامل و توسعه بخشیده ام زیر سؤال برد. (1)

2. نظریه پردازانی که انقلاب ها را بر اساس نظام «اقتصاد جهانی» تحلیل می کردند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عناصری همچون فرهنگ، ایدئولوژی، رهبری و دین را بیشتر مورد توجه قرار دادند. (2) 3. نظریه «ولایت فقیه» با انقلاب اسلامی، وارد عرصه اندیشه های سیاسی شد و پژوهش های گسترده ای را در این وادی رقم زد، تا جایی که امروز، مطالعه نظریه های دولت، بدون شناخت نظریه ولایت فقیه ناقص می ماند.

4. تأثیر بسزای انقلاب اسلامی بر نظریه های جامعه شناسی دین، اهمیت فراوانی دارد. پیش از این، دین را در فرایند افسون زدایی از جامعه و تحقق عقلانیت و بلوغ عقلی در سیر تکامل خطی جامعه، رو به کاهش می دیدند. (3) ولی انقلاب اسلامی تکاپویی کامیاب بر خلاف همه این اندیشه های خام بود.

پس از انقلاب اسلامی، با کانونی شدن اسلام در داخل کشور، به طور طبیعی و منطقی، توجه و تفکر اندیشمندان به اسلام افزایش یافت و بحث های علمی در این باره، امروز ما را به جایی رسانده است که از «جنبش نرم افزاری» و نظریه پردازان بر اساس مبانی دینی در حوزه علوم انسانی سخن می گوئیم و طرح های جدید و پویا به منظور تولید دانش، مطرح شده اند و این اساسی ترین مرحله تمدن سازی و تحوّل تاریخ است که انقلاب اسلامی آن را پدید آورده و می رود تا بر تمامی اندیشه های کفرآمیز و دانش های برآمده از آن خط بطلان بکشد.

ص: 220

1- آموزه 7، شرق شناسی نوین و انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی ایران: چالشی بر تئوری های سخت گرا، احمد رهدار، ص 234

2- عبدالوهاب فراتی، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، انجمن معارف اسلامی ایران، 1381، ص 22.

3- مقصود فراستخواه، دین و جامعه، شرکت سهامی انتشار، 1377، ص 131-157.

انقلاب اسلامی واقعه ای بود که علوم انسانی را در دو بُعد اثباتی و آرمانی به جهش رساند و روح تازه ای در آن ها دمید. پس از انقلاب اسلامی، می توان از حکومت اسلامی و ساز و کارها و نهادها و روابط قدرت در آن سخن گفت و حکومت آرمانی اسلام را نیز به عنوان آرزویی دست یافتنی ترسیم کرد.

پس از انقلاب، می توان جامعه ای را مطالعه کرد که به طور نسبی ساختارها و روابط اجتماعی آن بر مبانی دین استوارند و کارکرد ساختارها و عناصر گوناگون اجتماعی آن با انگیزه های معنوی و در چارچوب احکام اسلامی تحقق می یابند؛ جامعه ای که مردم سالاری در آن تعریفی دینی پیدا می کند و همه چیز بر پایه اراده مردمی است که با ایمان و عمل دینی زندگی می کنند. همچنین وضعیت آرمانی چنین جامعه ای با جامعه آرمانی کمونیستی و لیبرالیستی کاملاً متفاوت است. روان شناسی، هنر، اقتصاد، مدیریت و سایر حوزه های مطالعات انسانی با ارزش های جدیدی که انقلاب اسلامی طرح نمود، تفسیری تازه یافته و فضایی بکر برای اندیشه و تفکر به وجود آورده که لبریز از میوه های نچیده است.

نظریه های جدید در فلسفه هنر، که از سوی اندیشمندان مسلمان، به ویژه شهید آوینی مطرح شدند؛⁽¹⁾ تلاش هایی که برای طراحی «نظام اقتصاد اسلامی» در سطح خرد و کلان صورت می گیرند؛ طرح نظریات و پژوهش های نوین در روان شناسی که به جای مطالعه رفتار و ذهن یک نوع حیوان مترقی، به پژوهش در ژرفایهستی انسانی، که مقام خلیفه الهی دارد، می پردازند؛⁽²⁾ طرح دیدگاه های معنوی درباره درمان و سلامت و روش های پزشکی با تکیه بر ابعاد معنوی و روحانی وجود انسان؛ و کتاب هایی که در حوزه مدیریت اسلامی نگاشته شده اند، همه در پرتو تحوّل مبارک به وجود آمده اند که ارزش های الهی و دینی را به جای ارزش های موهوم مادی نشانده اند.

ص: 221

1- گروه مطالعاتی شهید آوینی، مبانی نظری هنر شهید آوینی، تهران، نبوی، 1374.

2- سیف، حمید رضا، خودشناسی عرفانی، قم نشاط، 1381، ص 166.

انقلاب اسلامی افزون بر پرتوافشانی در علوم، با رساندن امواج اندیشه های معنوی به کویر خشکیده فلسفه و علم معاصر، آثار بسزایی بر جای نهاد. در چند قرن گذشته، این پندار به وجود آمده بود که اندیشیدن و پژوهش، با مبانی مادی و روش تجربی، دانش را بی طرف می کند و جهانی به پیش می برد. (1) اما نظریات جدید در فلسفه علم نشان می دهند که تجربه ها و استنتاجات برآمده از آن ها، به ناچار تابع مبانی و ارزش هایی هستند که زیرساخت فرضیه های علمی را تشکیل می دهند. (2)

در این بحران، دوره فراروی علم است: یا اینکه بپذیرد همه ارزش ها شخصی و ناپایدارند و ملاکی برای برتر نهادن ارزش های گوناگون وجود ندارد و در نتیجه، علم به سوی نوعی هرج و مرج پیش می رود؛ چنان که برخی از نظریات جدید فلسفه علم در غرب به این سورفته اند؛ (3) و راه دوم این است که ملاکی برای شناخت ارزش های برتر و حتی صحّت و سقم آن ها بیابیم تا ارزش های درست و نادرست را معرفی نماید و این تنها راه سامان یافتن علم است. انقلاب اسلامی ایران در روزگاری، که بحران بازنمایی و کاشفیت علوم جدید را گرفتار کرده بود، با طرح ارزش های معنوی به گونه ای جذاب و تأثیرگذار، مبانی و منظرهای نوینی را به اندیشمندان معرفی کرد که با آن می توانند علم راستین را از علوم پندارین جدا سازند و علم حقیقی را به پیش برند. (4)

بدین سان، آثار انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه، به پرسش های بی جواب امروز، پاسخ شایسته ای داد: پرسش هایی که حتی متن سؤال آن ها، هنوز برای اندیشمندان به خوبی معلوم نشده بود و تنها حیرت آن ظهور کرده بود. پرسش از رابطه علم و ایمان و معنویت، انواع علل غیرمادی در توضیح پدیده های طبیعی و اجتماعی، و کارکردهای غیر مادی علم از این جمله است. امروزه برای پاسخ بسیاری از مجهولات، پژوهش هایی در قلمروهای

ص: 222

-
- 1- حمید پارسانیا، علم و فلسفه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1377، بخش اول، فصل دوم.
 - 2- آلن چالمرز، چیستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، فصل سوم، تهران، سمت، 1378، ص 47.
 - 3- پاولی فایرآبند، بر ضد روش، ترجمه مهدی قوام صفری، فکر روز، 1375، ص 39-47.
 - 4- حمید پارسانیا، پیشین، بخش دوم.

فراطبیعی انجام شده اند. (1) از فیزیک تا روان شناسی به اندیشه های عرفانی و فراطبیعی متمایل گشته اند، اما سرانجام، آموزه های ناب دین حق گشا خواهند بود. هم از این روست که حضرت امام خمینی (قدس سره) در نامه ای که به سران ابر قدرت رو به زوال شرق نوشتند، آنان را دعوت کردند تا نخبگانشان را به قم بفرستند و آثار بزرگان حکمت و عرفان اسلامی را مطالعه کنند.

ثمرات و اثرات انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه و تفکر، مرهون درخشندگی ارزش های معنوی و دینی است. دگرگونی ارزش ها موجب شد تا در سطح ملی و جهانی، (2) اندیشه ها تحوّل یابند و منور گردند و از این انفجار نور، در هر نقطه ای از جهان پرتوی افتد. اگر این ارزش ها به درستی کشف و تبیین و ترویج شده، رابطه منطقی آن ها با علوم و شیوه های اندیشیدن بر اساس آن ها مهندسی شود، تولید دانش و اندیشه به عنوان نرم افزار تمدن اسلامی، راه رشد و بالندگی خواهد پیمود و دیگر اندیشه های پراکنده معنوی، که در پرتو انقلاب به وجود آمدند، مورد تهدید هضم و افول در نظریات رایج و مشهور قرار نمی گیرد. پس از انقلاب، اندیشه های معنوی بر اثر درخشش ارزش های معنوی به وجود آمدند. اما اگر این ارزش ها کم رنگ شوند، این اندیشه ها نیز رنگ باخته، از معنا تهی می گردند. بدین روی، حفظ و رشد و نهادینه شدن اندیشه و دانش معنوی باید با ارزش های معنوی پشتیبانی شود و با آن ربط مستقیم دارد.

ص: 223

1- ر. ک: لیاواتسن، فوق طبیعت، ترجمه شهریار بحرانی و احمد ارزمند، چ چهارم، تهران، امیرکبیر، 1377.

2- ثریا مکنون، جرعه جاری، به کوشش علی ذو علم، نقش انقلاب اسلامی در تحوّل ارزش ها، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1377، ص 344.

یک کلام گویم عزیزم در خفا * تا شود راه نجات در دو سرا

راه جان باشد همان راه ولی * انتخاب با تو بُود در این فضا

ص: 224

برای آنکه انقلاب اسلامی با عنایت به بیانیه گام دوم انقلاب به هدف عالی خود - یعنی تمدن اسلامی - برسد، «جنبش نرم افزاری» و توسعه اندیشه معنوی در گستره دانش بشری لازم است. این جنبش فکری، همان گونه که در روش بزرگانی همانند شهید مطهری بوده و اصل انقلاب را تحقق بخشیده، در تحقق اهداف انقلاب و مفاد بیانیه مورد نظر نیز ضروری است و تلاش و توفیق در این راه، گذر از مراحل ذیل را می طلبد:

1. شناخت اندیشه های مرجع و مرجع های اندیشه در حوزه تفکر معنوی: به جای آنکه ذهن خود را در نظریات دانشمندان غیردینی، که با مبانی مادی اندیشه، نظریاتی را پدید آورده اند، غرق سازیم، می توانیم به ژرف کاوی در آیات و روایات مخصوصاً نهج البلاغه و آثار و آراء بزرگانی همچون علامه جعفری، علامه طباطبائی و حضرت امام خمینی (قدس سره) پردازیم. و به تبیین و تحلیل و نقد آن ها پردازیم و خود را با اندیشه هایی که سرچشمه معنوی دارند، درگیر کنیم و پژوهش در شاخصه های گوناگون علوم انسانی، فلسفه و هنر و ادبیات را بر اساس این نظریه ها سامان داده و در مدارس و دانشگاهها ترویج دهیم. لذا باید گفت:

ما بی خبران را خبر از مرجع دین نیست * در راه مراجع که هوسها به یقین نیست

در حکم ولی، پیرو مولا و امام اند * چون حکم ولی زاده افکار زمین نیست

2. آشنایی با اندیشه های رایج در جهان علمی امروز: بی تردید، اگر بخواهیم نظریه ای ارائه دهیم که جهانی باشد، باید در جهت حل مشکلات علمی و به زبان رایج علمی بیان شود. همین امر، ضرورت آشنایی با محصولات تفکر بشری را بدیهی می سازد.

3. کشف نیازهای فکری و پیرایش و شفاف کردن پرسش های بی پاسخ علمی: طرح پرسش، نطفه تولید اندیشه است و این پرسش ها باید از نوعی باشند که بیشتر دانشمندان با آن ها درگیر هستند نه پرسش های شخصی.

4. رجوع به اندیشه های مرجع معنوی و یافتن پاسخ های مناسب و تولید نظریه برای گشودن گره های علمی: شهید مطهری پس از شناخت مسئله و شفاف کردن آن، با رجوع

به آراء معنوی بزرگانی همچون علاء مه طباطبائی و ملاصدرا، پاسخ مناسب را از لابه لای تحلیل و تبیین و نقد و تعدیل و تکمیل آن نظریات بیرون می کشید.

5. طراح و تولید نظریات معنوی به زبان علمی که مناسب با فضای حوزه های گوناگون علمی باشد و با حوزه مربوط، ارتباط مؤثری برقرار کند: در این روند، علوم و دانش های جدید بر مبنای آموزه های دینی بازخوانی و اصلاح و تزکیه می شوند و با نوشتن از سرچشمه های وحی و ولایت می بالند و نرم افزار تمدن اسلامی به دست می دهند؛ دانش هایی که بتوان با به کار بردن آن ها مطابق ارزش های غایی دین و در راستای اهداف معنوی زندگی کرد. در همین راستا:

عقل تو غوغا کند در جان و سر * بهر علم نافع اندر بصر

عقل عاشق، رود با پای جان * جانب حقّی، که هستش در نظر

بدین سان، ارزش های معنوی از طریق اندیشه های معنوی به شهر آشفته دانش بشری راه یافته، با رشد و کمال علمی و معنوی انسان، بنای بی بنیاد علوم سکولار فرو ریخته و دانش و اندیشه، رنگ و بوی معنوی می گیرند و با دگرگونی دانش و نگرش انسان، حیات فردی و جمعی تحوّل یافته، انقلاب اسلامی به کمال تحقق و تمدن سازی می رسد. نتیجه آنکه انقلاب اسلامی و دانش و اندیشه مبتنی بر ارزش های معنوی و دینی دست در دست هم، یکدیگر را بالا می کشند. (1)

با علوم انقلاب حق اطاعت کن ز جان * تا شوی فارغ ز اغیا درون اندر جهان

این همان راز سعادت بوده در سرّ و عیان * بهر آن علمی که باشد در ره روح روان

ص: 226

با عنایت به مطالب قبل و به بیانی دیگر رباعی مزبور به اهمیت و جایگاه واقعی علوم انسانی انقلاب به عنوان علوم نافع برای رشد و ترفیع بشریت در عرصه های مختلفی که فطرت و فریاد خاموش درون آدمی به دنبال آن است اشاره دارد. اما بر خلاف این رباعی و حقایق موجود؛ علوم انسانی موجود در انقلابهای دیگر متأسفانه در سده های اخیر از اعتبار و نفوذ لازم برخوردار نبوده و اندیشمندان اجتماعی غرب نسبت به اعتبار و جهت گیریهای آن مخصوصاً در بعد انقلابها با یک بحران معرفتی جدی روبرو و همانطور که گذشت نسبت به دیدگاه های قبل خود علامت سوال گذاشته اند. چرا که بصورت کلی علوم انسانی، مجموعه معلومی است که درصدد کشف مکانیسم و قوانین حاکم بر پدیده های انسانی است. موجودیت و اعتبار این علوم در گرو حل برخی از مسایل انسان شناسی است؛ مثلاً: پذیرش سرشت مشترک انسان ها (مشترکات فراحیوانی ثابت بین انسان ها) زمینه کشف و ارائه این نوع قوانین جهت پایه ریزی علوم انسانی را فراهم می کند.

جهت گیری علوم انسانی و تحقیقات اجتماعی با برخی از مباحث انسان شناختی پیوند ناگسستنی دارد؛ مثلاً: زمانی که ایسم یا مکتبی به صورت کلی منکر روح در انسان شود و او را مادی صرف بداند، تحقیقات اجتماعی کلیه موضوعات معنوی و امور مرتبط با جهان پس از مرگ و تاثیر و تاثر آن با زندگی این جهانی را نادیده گرفته و تمام تحقیقات آن به سوی ابعاد مادی انسان جهت گیری می گردد، اما اگر روح به عنوان حقیقت اصلی انسان مورد نظر باشد، جهت تحقیقات به سوی ابعاد غیر مادی در علوم انسانی تنظیم می شود.

با توجه به این که جوامع انسانی را علوم انسانی اداره می کند و صلاح و فساد در این علوم، صلاح و فساد جوامع انسانی را در پی دارد؛ بر متفکر و محقق علوم انسانی لازم است که شناخت صحیحی از انسان و جامعه انسانی ارائه دهد تا بدین ترتیب فساد از جوامع برچیده شود. مع الوصف برای بهره برداری از علوم انسانی لازم است حقیقت انسان شناخته شود؛ زیرا کسی که حقیقت انسان را عبارت از روح او که موجودی ملکوتی است، بداند، و براساس هستی شناسی توحیدی و در سایه معرفت الهی شکل دهد، در

برنامه ریزی ها و نظام های اجتماعی اعم از تربیتی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... انسان را با حیوان یکسان نمی بیند، و براساس اهداف عالی و کمال انسانی گام بر می دارد.

بنابراین انسان شناسی نه تنها در شناخت حقیقت زندگی در نظام های مختلف اجتماعی مؤثر است، بلکه پیش فرض علوم مختلف نیز می باشد که با تثبیت آن بسیاری از مسایل علوم انسانی و تجربی کارآمد می گردد. اما در نهایت تاسف چنان که می دانی فلسفه غرب در دوران جدید از مباحث وجود شناختی بسیار دور شده و بیشتر به مباحث معرفت شناختی پرداخته است. این امر شیوه چیره در فلسفه غرب، به ویژه پس از کانت است؛ البته در فلسفه های متأخرتری چون اگزیستانسیالیسم، مارکسیسم، پراگماتیسم، پست مدرنیسم و... وضع به گونه ای دیگر است. امروزه یافتن وجه جامعی که بتواند همه فلسفه ها را دربرگیرد، بسیار مشکل است. شاید به بیان ویتگنشتاین، فقط بتوان یک شباهت خانوادگی میان آنها یافت؛ از این رو در فلسفه های متأخر، ترادف موجود میان فلسفه و حکمت از میان می رود. به بیانی در دوران گذشته، فلسفه یا حکمت که شامل همه علوم می شد، دانشی مقدس بود که با ماورای طبیعت پیوند داشت. اما با استقلال و گسترش علوم تجربی، رفته رفته این نگاه قدسی کم رنگ تر شد، تا اینکه در دوران معاصر به کلی از میان رفت. آنچه امروزه از واژه علم و دانش به ذهن متبادر می شود، مجموعه ای از اصول و قوانینی است که با آنها می توان بر طبیعت تسلط یافت و از آن برای منافع دنیوی بهره برداری کرد. به بیانی علوم انسانی در عصر به ظاهر مدرن مظلوم تر از همیشه گردیده است. (1) البته همانگونه که گذشت انقلاب اسلامی نقش واقعی علوم انسانی را در عرصه های مختلف بر خلاف جریان سازی ایسم های مختلف برجسته و کارساز کرد.... اگر چه در نهایت تاسف مکاتب مادی در قالب ایسم های مختلف هنوز که هنوز است؛ منکر روح و فطرت بوده و به تبع آن ابعاد مختلف انسان را نشناخته و بر اساس همان شناخت های ناقص خود علوم انسانی را تفسیر می کنند. به گونه ای که همچنان علامتهای سوال در برابر آنها قرار دارد؟!!!!...

ص: 228

توضیح بیشتر اینکه بر خلاف دیدگاه ایسم های مختلف مادی؛ حقیقت وجود تو کتابی است که شارح آن جز آفریدگار هستی نمی تواند باشد؛ اگر انسان حقیقت خود را برای شرح به خدا نسپارد دیگران از جمله فلاسفه معاصر غرب با دید محدود بشری او را شرح کرده و بر اساس انسان شناسی ناقص؛ وی را تفسیر می کنند. یا همانند کتب آسمانی پیشین، دست به تحریف و تفسیر به رأی می زنند و ضمن کتمان برخی از اسرار نهانی انسان، اموری بیگانه را به عنوان خواسته هایش بر او تحمیل می نمایند و به نوعی خواسته های حقیقی او را جا به جامی کنند و این نقص بزرگ و عیب مهم در طول تاریخ مخصوصا در اندیشه ها و معارف غرب پیرامون شرح حقیقت انسان وجود دارد. بنابراین:

می شود روزی شویم آزاد و راد* از همه قید و قیود هر بلاد

راه مولا را رویم بی قیل و قال* سوی فطرت، فارغ از هر نوع نژاد

البته در خاتمه باید همچنان به این حقیقت تلخ اعتراف کرد که متاسفانه انسان جدید و فلاسفه معاصر در غرب، علی رغم حقایق مزبور به علل گوناگونی همچون استفاده ابزاری از عقل، پیشرفت های علوم مادی و تجربی، ضعف مراجع دینی (یهودی و مسیحی) در پاسخ گویی به نیازهای فکری و عملی او، رفتار نامناسب کلیسا با اهل اندیشه و رشد فزاینده سرمایه داری و مصرف گرایی، دچار بحران انسان شناسی و به تبع آن خداشناسی شده است. پوچی و بی معنایی و به دنبال آن، اندوه، دلهره و نومیدی در زندگی فردی از یک سو و ناامنی و بی عدالتی در زندگی اجتماعی و جهانی از سوی دیگر، پیامدهای گریز ناپذیر عدم اعتقاد به خدا و فطرت پاک انسانی بوده است و با این بیش خطرناک ضمن جفا و ستم در حق بشریت؛ بالاترین ظلم را در حق فطرت و نفس انسانی خود مرتکب شده است. که در قصیده زیر به کم و کیف آنها اشاره شده است:

آنچه مفقود است درون فلسفه در این زمان* دوری از روح است و معنای حقیقی بی گمان

هر یک از ایسم های غرب با دید محدود بشر* کرده تعریفی ضعیف از داد خاموش نهان

چون تصور بوده ناقص بهر درک روح و جان*دون شک تصدیق آن گمره کند خرد و کلان
فهم ناقص می کند هر لحظه ی ناب را تباه*چون کند دور آدمی را از مسیر کهکشان
تا تصور ناقص است و نقص درک باشد همان*عزم جدی خواهد و رفعش بود درّ گران
گر تصویرها شود اصلاح در این عصر و زمان*ذات پاک آدمی گردد هویدا و عیان
داد خاموش درون گشته فدای فکر خام*با همان دیدی که غرب دارد به فطرت در بیان
فلسفه با این نگاه دانی که دوراست از روان*چون که معنا را نمی داند که چون است در جهان
از روان آدمی و داد خاموش نهان*غافل است افکار غرب اندر زمین و آسمان
در خصوص روح و ذات آدمی صدها سوال*مانده مجهول ندارند پاسخی را بهر آن
اینکه روح چیست و روانها بهر چه آمد پدید*یا که مبدا و معاد چون است برای جسم و جان
هر کدام ایسم ها به زعم خود همی دادند جواب*آن جوابی که کند روح و روانها را خزان
با تو گویم اندکی از آنچه گفتند بر زبان*تا کنی آن را قیاس با گفته پیغمبران
آدمی اصل است و معیار تمام نیک و بد*ماده و دنیای دون گویند همی آرد امان
از معاد و معنویت غافل و نسبی بود اخلاق ناب*آنچه را فطرت بود بی زار ز آن تا آن کران
هر یکی گفتند به افراط و به تفریط همچنان(1)*ذات انسان بوده چون گرگ یا فراتر از توان

ص: 230

1- بشریت بیش از 25 قرن سخنان فلاسفه، روانشناسان و سایر متفکران را در مورد انسان در پیش رو دارد که از غایت افراط آغاز شده تا نهایت تفریط ادامه می یابد. انسان در این دیدگاهها؛ گاهی چنان تصویر می شود که پروتاگوراس فیلسوف قرن پنجم پیش از میلاد او را معیار همه چیز معرفی می کند (افلاطون، 1367، ج 3، 1377) و گاهی هم تا آن حد تنزل مقام پیدا می کند که هابز حقیقت انسان را به گرگ تشبیه می کند (فروغی، همان، ج 2، 120) و نیچه آلمانی هم او را حیوانی ناتمام معرفی می کند. (همان، 223) و نیز در نگاه لیبرالیسم و خیلی از ایسم های دیگر زندگی وی با مرگ پایان می پذیرد و....

دان که ادیان بشر اندر فضای ماورا*ظلم وافر کرده بر تعلیم موسی و شبان
چون تفکر از علوم و حسّ و مادّه شد عیان*روح آرام بشر گردید فدای این و آن
دان تفکرهای نو و هم مدرن با صد توان*جام حقّ و ماورای هستی را کردند نهان
آن که تاریخی گری را می کند اصل و اساس*می شود غافل ز تطبیق گذشته بی گمان
چون گذشته با خودش دارد هزار و یک نشان*گر پدیداری شود حاصل ز عمق روح و جان
یا که از ظاهر اگر بالا رود عقل و حواس*باطن حق را پدیدار و رود راه مغان
دان که اعراض از مفاهیم در امور کل و خاص*با رجوع بر انضمامیات و ملموس و عیان
یا که تعلیم و به تبعش تربیت در فکر غرب*می کند گمره درون پیروانش را بدن(1)
دان دگرگون کرده ارزشها و باید گفت چنان*هر کدام باشد نشانی از نشانه‌های همان
با چنین فکری سعادت می شود از جان جدا*راه حقّ و رستگاری کی شود راه روان
گر بشر خواهد شود آزاد از این ظلم تمام*راه معنا را رود آن سو تر از حسّ و گمان
در نگاه واقعی ذات تو گفته این چنین*فطرت ا...التی باشد ندای روح و جان

ص: 231

1- می کند گمره درون و بر بشر آرد خزان

فطرت آدم دهد جان را تعالی در جهان* طبق آنچه گفته خالق با هزار و یک نشان

دان بشر با دین حق گردد رها از هر فغان* چون که دین باشد عجین با خون هر پیر و جوان

این حقیر گوید نما روشن طریق غرب و شرق* تا بشر واقف شود بر روح و معنا و جنان

این قصیده را مولف در پایان درس فلسفه معاصر و آرای تربیتی در مقطع دکترای تخصصی رشته فلسفه تعلیم و تربیت در نقد فلسفه غرب سروده و آن را بصورت کنفرانس ارائه نموده که کنفرانس مزبور ضبط و فیلم آن موجود می باشد.

ویزگیهای تمدن اسلامی با عنایت به نظر مقام معظم رهبری کدام است؟

دان تمدن گر شود اسلامی اندر هر زمان* می دمد پاسخ به فطرتهای پاک بی هر گمان

ویزگیهای تمنن از نگاه مقتدا* وفق حق است و همان خواست در درون روح و جان

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد. (1) تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام می گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چهارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخوردار است و مؤلفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است. (2) مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می دانند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این

ص: 232

1- مدیریت حوزه علمیه قم، 1383: 113

2- جان احمدی، 1388: 51-52

معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.⁽¹⁾ در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می شود. در جمع بندی آرای فوق، نکات ذیل را می توان بیان کرد:

(1) تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پایه ریزی شده است.

(2) تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان ها و زمان ها را شامل می شود.

(3) از آنجایی که تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است.

به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در برگرفت. بنابراین می توان در جمع بندی تعریف مفاهیم تمدن بیان کرد که شاخصه های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است.

رهبر معظم انقلاب با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل نوین را در رأس برنامه های خود قرار داده است. یکی از آن ها مسأله تمدن نوین اسلامی است که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره فرموده اند و تحقق آن طبعاً ضرورت توجه به مسائل مختلف را می طلبد. در اندیشه معظم له شاخصه های تمدن نوین اسلامی، بهره مندی انسان ها از همه ظرفیت های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری، ربا، نکاتر

ص: 233

و دفاع از مظلومان عالم است که وجه مشترک شاخصه های تمدن اسلامی در دیدگاه معظم له و سایر اندیشمندان اسلامی است. علاوه بر موارد مورد نظر توجه به رسانه های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری به عنوان شاخصه های تمدن نوین اسلامی یاد می کنند که همین شاخصه ها قابلیت این را دارند که جهان بینی مادی ظالمانه غرب را از بین برده و تمدن ارزشمند الهی که فطرت بشریت و فریاد خاموش درون آدمی برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت طالب و مشتاق آن است را جایگزین نماید. در ادامه توجه حضرتعالی بصورت کلی به شاخصه های تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری معطوف می گردد:

دان ولی گوید به ما از عمق جان* از همان قرآن و عترت گیر امان

حیف قرآن و احادیث در جهان* چون که مظلوم گشته اند تا این زمان

آنچه فطرت طالبش بوده همان* جمع در قرآن و عترت بی گمان

پس عزیزم قدر هر یک را بدان* چون که بی منت کنند جان را جوان

گر چه آن ذات خداوند جنان* او که هست دانای سرّ و هم عیان

چون که ایمانی نهد بر قلب و جان* با صراحت گوید ای جانان جان

گر دهم دنیا و ما فیهای آن* بر کس و ناکس به هر عصر و زمان

دون منت باشد و هر نوع بیان* چون که فانی گردد و دارد فغان

لیک و بر مومن کند منت عیان* بهر ایمان و سعادت در جهان

چون لیاقت خواهد و شور و توان* تا کند جان را مهیا بهر آن

هیچ و اجباری ندارد بر کسان* تا روند راه خدای مهربان

چون که لا اکراه فی الدینش چنان* در نور دیده زمین و آسمان

داد فطرت داد دین است در نهان* پس نما آن را فراگیر و عیان

بی نیاز است ذات حق در دو جهان* از عبادت‌های دست و هم زبان

گر روی راه رسول(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با صد توان* لطف حق با تو شود بی هر گمان

چون که توفیق خدای لا مکان* بهر خوبان است عزیزم نه بدان

بی گمان توفیق حق چون ارمغان* هدیه مولا بود در هر زمان

پس اگر خواهی شوی اهل جنان* تابع قرآن و عترت شو چنان

هر که راهی رود در غیر آن* ظلم وافر کرده بر روح و روان

پس عزیزم قدر خود را خوب بدان* چون تویی والاتر از هفت آسمان

1) محوریت قوانین قرآن: در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی

محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند. (1) علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام (ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند. (2)

بنابر این:

با تامل ای عزیز قرآن بخوان* راه قرآن را مسیر جان‌بدان

چون که قرآن در قلوب دلبران* بوده برتر از حدیث دیگران

مثل گنجی پر ز درّهای گران* آمده سوی تو چون آتش فشان (3)

گر تدبّر تو کنی در بطن آن* می‌کند غوغا درون جسم و جان

فیض آن را هر که در حدّ توان* می‌برد در سینه هر پیر و جوان

نافع روح و روان است در جهان* داد خاموش درون است بی‌گمان

گشته نازل دفعتاً در یک زمان* بر وجود خاتم پیغمبران

در شب قدری که تقدیر جهان* می‌شود روشن برای هر روان

یا که تدریجی شده نازل همان* لحظه لحظه فیض آن گشته روان

ص: 236

1- بیانات مقام معظم رهبری، 26/6/1390

2- امام خمینی ره، صحیفه ج 10: 449

3- همچو گنجی از تلاوت‌های ناب آمده سوی تو چون درّی گران

گر که می خواهی شوی آرامه جان* روز و شب قرآن بخوان در هر مکان

انس با قرآن کند روح را چنان* شاد و آرام در زمین و آسمان

گنج و در گنج است پیام آن بدان* دور و گرداند تو را از هر فغان

منبع فیض عظیم است و کلان* می برد هر آن تو را تا کهکشانشان

هر چه تو خواهی چو یار مهربان* می کند آن را مهیا و عیان

آنچه آری ذره ذره بر زبان* فیض خالق بوده در لفظ و بیان

رمز و راز آفرینش در جهان* جمع در قرآن احمد چون اذان

راه حق را می کند بر مومنان* راحت و آسان و هم امن و امان

معجزه ی بی بدیل خاوران* بوده قرآن با هزار و یک نشان

آیه آیه بهر تو چون ارمغان* لطف حق باشد بدون هر خزان

می کند هر دم هدایت روح و جان* در مسیر فطرت و خواست روان

آن که بوده خود شفا بخش نهان* می رهاند جان و دل از شوکران

عترت احمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود همراه آن* تارسی بر حوض کوثر در جنان

این حقیر گوید که قدر آن بدان* چون تو را بالا برد تا بی کران

2) ایمان: اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (1) «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید». رسالت پیامبر اعظم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی 23 سال نبوت، لحظه ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ ها و دلسوزی هایشان برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن ها، عامل اساسی همه پیشرفت ها محسوب می شود.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی شوند. معظم له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت در این بخش ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. (2) بنایراین، مهم ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می گیرد. ایمان آنقدر

ص: 238

1- نحل، 36

2- بیانات مقام معظم رهبری، 23/7/1391

عظیم و ارزشمند است که هر کس بدون لطف و منتّ خدا توفیق بدست آوردن آن را پیدا نمی کند... اگر خواستی علت آن را بدانی غزل زیر را با دقت و تأمل مرور فرما:

کن تو قرآن را مرور در این سرا* یا که غوری در احادیث تو نما

در احادیث و همان قرآن ناب* بهر دنیا و تمام ماسوا

از زمین تا زیور و پست و مقام* منتّ حق را نبینی هیچ کجا

چون که این ها می شود روزی تمام* ارزشش اندک بود در ماورا

کل دنیا هست قلیل اندر متاع* می شود فانی و باقی هست خدا

دان زمین و آسمان گردد فنا* قدر آن هیچ است درون جان ما

پس عزیزم بهر این دار فنا* کی نهد منتّ خدا با هر صدا

گر که ایمانی نهد بر قلب و جان* یا دهد توفیقی از سنخ دعا

می کند روح و روان را شاد شاد* تا ابد حظّش دهد جان را صفا

در چنین حالی شوی از بند رها* از همه رنج و غم و درد و بلا

بهر این ایمان نهد منتّ خدا* بر تمام اهل دل در دو سرا

چون که با آن می شوی دور از فنا* این بکار آید در آن دار بقا

پس حقیر گوید برو راه فلاح* راه دین و عصمت و اهل ولا

3) خردورزی: رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم ترین بن مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است.⁽¹⁾ همچنین امام (ره) معتقدند انسان به طور کلی سه نشئه دارد و صاحب سه مقام و عالم است- نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام مُلک و عالم شهادت- از این رو، به اعتقاد ایشان انسان از سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است و دستورات انبیا و اولیاء الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می شود.⁽²⁾ ایشان معتقد به سه سطح برای عقلانیت انسان هستند. الف: «عقلانیت معرفتی»؛ ب: «عقلانیت اخلاقی»؛ ج: «عقلانیت ابزاری»⁽³⁾ از دیدگاه امام (ره) مراد از عقل مستند به حدیث شریف «العقلُ ما عُبدَ به الرَّحمن»⁽⁴⁾ عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش های انسانی برساند؛ بنابراین، از دیدگاه ایشان، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت ها کند.

ارکان، مبانی و چارچوب نظری دیدگاه رهبری معظم انقلاب در حوزه تمدن سازی نوین اسلامی، برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و در برخی موارد شکوفاسازی، گسترش و تکمیل آن مبانی است. چنانچه معظم له در مراسم اولین سالگرد ارتحال

ص: 240

1- طباطبایی، ج 3، 1374: 57

2- امام خمینی ره، 1377

3- معینی پور و لک زایی، 1391: 65-66

4- کلینی، ج 1، بی تا: 11

امام خمینی (ره) تصریح نمودند: «راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند»⁽¹⁾

مقام معظم رهبری عقلانیت را که یکی از شاخصه های بارز و مهم تمدن اسلامی است، چنین تعریف کرده اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست». همچنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است.⁽²⁾ معظم له دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانسرا عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می کند.⁽³⁾

4) اهمیت و جایگاه علم:

دان که نقش علم نافع در تمدن بی گمان * می کند غوغا به پا در روح و جان این و آن

این علوم بوده ز آن روز ازل با صد نشان * فطرت و روح و روان خواهد همان را در جهان

رسالت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خواندن آغاز و این باعث تفاوت اسلام با سایر ادیان شد.⁽⁴⁾ قرآن در آیه 9 سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه 114 «... وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) امر می شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن مانند بقره/280،

ص: 241

1- مقام معظم رهبری، 14/3/1390

2- همان، 29/4/1388

3- همان، 22/3/1383

4- اکبری، 1390: 20

نحل/95، عمران/190، انعام/11، یونس/5، عنکبوت/15 و ... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می شوند. نکات فوق بیانگر اهمیت علم در قرآن است. در قرآن علم و ایمان در کنار هم است: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ» (1) سفارش های مکرر ائمه ممه معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) مخصوصاً پیامبر اعظم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درباره دانش افزایی مسلمانان بسیار است که نظر جنابعالی به برخی از آنها جلب می گردد: روایاتی از پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مانند «خداوند نیک بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند» (2) «فرشتگان بال های خود را زیر پای دانشجویان می گسترانند» (3) «دانشمندان وارثان پیامبران اند» و «نزدیک ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند» (4) بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. اهتمام ویژه اسلام به دانش پروری و نیاز به درک صحیح آموزه های اسلامی باعث گردید مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن انسانی برآیند و به گسترش تعلیم و تربیت پردازند. (5)

از این رو، در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می سازد. ایشان به میزان بسیار تأکید می کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل

ص: 242

1- روم، 56

2- بخاری، ج 1، 1981 م: 28

3- کلینی، ج 1، بی تا: 34

4- فیض کاشانی، 1361: 13-14

5- قربانی، 1370: 65

فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است.⁽¹⁾ به اعتقاد ایشان، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. برعکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است.⁽²⁾

دیدگاه راهبردی امام (ره) در زمینه علم به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی آن است که همه علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می‌شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می‌رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی‌نتیجه است.⁽³⁾ در آثار امام به میزان بسیاری تأکید شده است که علم غیر از ایمان است و تصریح می‌فرمایند: «ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند»⁽⁴⁾

ص: 243

1- مقام معظم رهبری، 9/12/1379

2- همان، 20/8/1385

3- امام خمینی ره، ج 8، 268

4- تقریرات اردبیلی، ج 3، بی تا: 354

5) اخلاق و خلق خوب: اخلاق جمع «خُلُق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند. (1) اخلاق یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید، در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد. (2) رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌داند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود. (3)

ایشان به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق رامایه اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات پردازیم وگرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت» (4) معظم له در زمینه

ص: 244

1- عصر، 1

2- مقام معظم رهبری، 21/11/1375

3- همان، 14/12/1391

4- همان، 23/7/1391

اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ می فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان ها می توانند با تنفس آن زندگی سالمی داشته باشند». اخلاق که از دیدگاه ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از هوای لطیف، یعنی انسان ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا. (1)

بنابراین همانگونه که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است در سایه خود سازی و جامعه سازی است که تمدن سازی و تمدن اسلامی شکل می گیرد. البته یکی از لوازم خود سازی خوش اخلاقی است... لذا:

دان خوش اخلاقی بود درّ گران* بهر انسان در زمین و آسمان

با خوش اخلاقی شوی دور از عذاب* از فشار قبر و صد درد و فغان

بر تو آرد روز و شب صدها ثواب* می کند آرام همی روح و روان

در چنین حالی شوی دور از عقاب* می شوی آرام و شاد با صد نشان

دلهره و استرس و اضطراب* با خوش اخلاقی روند بیرون ز جان

خانه و اهل و عیال بی هر نقاب* از خوش اخلاقی برند سود کلان

داد خاموش درون با صد خطاب* از تو می خواهد خوش اخلاقی همان

با بد اخلاقی کنی جان را مذاب* ظلم وافر می کنی بر خود چنان

در زناشویی بدان تو ای جناب* لذّتش با خلق خوب گردد عیان

ص: 245

خلق نیکو در حدیث و هم کتاب* لحظه لحظه بهر تو آرد امان

می کند آرام به بیداری و خواب* قدر آن را ای عزیزم خوب بدان

الگوی ما در خوش اخلاقی ی ناب* رسم مولا بوده بی هر نوع گمان

این حقیر گوید به هر اهل حساب* با خوش اخلاقی شوی اهل جنان

6) مجاهدت: بدون تردید پایه گذاری، تکوین و گسترش تمدن ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان ها میسر است و یکی از شاخصه های بارز تمدن ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبوق به سابقه نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه موارد است. چنانچه مفسران واژه جهاد در آیه «فَلَا تَطْعِ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا»⁽¹⁾ را به معنی مجاهدت علمی دانسته اند.⁽²⁾ بر این اساس در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه ای استراتژیک است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده اند. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِيْهُمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ»⁽³⁾ معتقدند که در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه مقام معظم رهبری مجاهدت فوق با تلاش معمولی بسیار

ص: 246

1- فرقان/52

2- طبرسی، 1360، ج 17، ص 26؛ ابن کثیر، 1419، ج 6، ص 106؛ الوسی، 1415، ج 10، ص 32؛ طباطبایی، 1374، ج 14، ص

582

3- عنکبوت، 69

تفاوت دارد که اصلی ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است.(1)

در آیه فوق با توجه به قید «فینا» و تأکید «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است. بنابراین به اعتقاد معظم له، مجاهده یکی از ارکان شکل گیری تمدن اسلامی است. ایشان معتقدند برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باید جهاد کرد. جهاد اکبر، مبارزه با نفسو جهاد اصغر، مبارزه با دشمن خارجی و استکبار جهانی است. مقام معظم رهبری با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را تشویق به مجاهدت می کند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در اندیشه آن حضرت، جهاد در همه زمینه ها موجب پیشبرد اهداف متعالی می شود و در مقابل دشمن عقب نشینی نمی شود. ایشان در دیدار مسئولان کشور در روز عید مبعث در سال 1390 در خصوص مجاهدت و می فرمایند: «اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه های اصلی جامعه اسلامی است»(2) باید از عاشورا و وفاداری حضرت عباس (عَلَيْهِ السَّلَام) و حضرت زینب (سلام علیها) در بحث جانبازی و مجاهدت در راه امام خود همواره درس گرفت. آری ای عزیز بزرگوار:

دان که جانبازی همی بهر ولا* از دو دست آموخته اندر کربلا

هر دو دست گویی خموش و بی صدا* روز و شب خواند مرا سوی خدا

همچو عباس شو ولایی ای هما* غیر از این هر دم کنی بر خود جفا

در حرم دیدم که آن ماه در قفا* داد خاموشش همی بود این ندا

ص: 247

1- مقام معظم رهبری، 22/3/1383 و 14/12/1391

2- همان، 9/4/1390 و 29/8/1392

بهر مولا کن سر و جان را فدا* چون که خواست فطرت است تا ماورا

یا ز زینب باز شنو در این سرا* زندگی را کن عجین تو با دعا

تا شود زیبا تمام این فضا* از خوشی ها تا مصیبت یا بلا

با بصیرت دون هر نوعی خطا* کن ادا تکلیف و شو از خود جدا

فتنه ها و فتنه گر را کن رها* تا شوی راحت ز شرّ هر ادا

در چنین حالی شوی اهل صفا* چون حقیر، گردی عزیزم با وفا

(71) حکومت مردمی:

دان که مردم می کنند غوغا به پا در انقلاب* گر که باشند متّعی و با بصیرت در رکاب

در چنین حالی کنند احیاء ستون هر بنا* با همان افکار خوب هر آن برند صدها ثواب

توضیح اینکه در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مردم نقشی بی بدیل در تمدن اسلامی دارند. ایشان ضمن تبیین شاخصه های بارز مکتب سیاسی امام خمینی (ره) از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این رو، مردم سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده است، مردم سالاری حقیقی است؛ مانند مردم سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن های مردم نیست. مردم با رأی، اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را نیز انتخاب می کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت

امام (ره) را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می دانند و معتقدند که رأی مردم تعیین کننده است و این به دلیل کرامت آن هاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (1) و «هو الّذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است. (2)

(8) پرهیز از تحجر:

دان تحجر می شود مانع برای رشد جان * چون که حرف خود پسندد دون هر نوعی گمان

در چنین حالی کند ویران ستون هر بنا * با همان افکار پوچ و بی بها اندر جهان

متحجر بنا بر مضمون رباعی مزبور کسی است که در مقابل نوآوری و تحول انعطاف نشان نمی دهد و اندیشه های همسو با اندیشه خود را می پذیرد و از پذیرش اندیشه دیگران اجتناب می ورزد. (3) تحجر یکی از موانع و بازدارنده های جدی نوآوری و شکوفایی در تمدن نوین اسلامی است که باید به شدت از آن پرهیز کرد؛ زیرا ما هر روز شاهد تحول در حوزه های مختلف زندگی هستیم. در تاریخ اسلامخارج اولین گروهی بودند که به تحجر و مطلق انگاری مبتلا شدند. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) با تعابیر تندی درباره آن ها فرمودند: «من می کوشم که دردها را با شما درمان کنم، در حالی که شما خود درد بی درمان شده اید. کسی را مانند شده ام که خار در پایش خلیده است و او ناگزیر است با کمک خاری دیگر، خار را از پای بیرون کشد؛ و حال اینکه می داند آن خار در جای خار اول بشکند» (4) خطر تحجر و قشری نگری در تمدن نوین اسلامی به میزان بسیاری مورد توجه مقام معظم

ص: 249

1- شورا / 38

2- بیانات مقام معظم رهبری، 14/8/1383

3- مروتی، 1391: 159

4- نهج البلاغه، خطبه 120

رهبری قرار دارد و معظم له مدام بر تولید فکر و نوآوری در تمامی زمینه ها تأکید اساسی دارند. ایشان دو عنصر اساسی را در ایجاد تمدن اسلامی، همانند سایر تمدن ها لازم می داند: یکی تولید فکر، دیگری پرورش انسان. رهبر انقلاب ضمن حمایت از طرح الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت آن را نیازمند جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی می داند که در این میان فکر و اندیشه، روح اصلی این حرکت است. «باید در طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، بر چهار حوزه فکر، علم، معنویت و زندگی تأکید شود که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی تر از بقیه حوزه ها است. همچنین ایشان درباره برتری فکر اسلامی می گویند: «خود فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت یا چند متری در آب در یک نقطه ای فرو رفت، نمی تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن کاری است که همگان باید انجام دهند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام شود. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. (1)

9) ایجاد رفاه عمومی: از دیگر شاخصه های تمدن اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. ایشان در بیانات خود به این موضوع مهم توجه بسیاری داشته و به مسئولان کشور و حاکمان اسلامی توصیه نموده است که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم باید بیشتر تلاش کنند. بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه های شکل گیری تمدن هاست است، بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم - که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده - مورد تأکید قرار گرفته است. به اعتقاد ایشان، مسلک اقتصادی اسلام خاص و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین

ص: 250

تک تک افراد جامعه باشد. حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، به رفاه عمومی بیاناتی فرموده و آن را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد ایشان «در واقع مؤلفه های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره وری، رفاه عمومی...»⁽¹⁾

10) استقرار عدالت:

گرگنی حق رارعايت وفق عدل اندر جهان * کار تو باشد مساوات در عدالت بی گمان

در چنین حالی بنای حق شود محکم ز جان * چون درون این را همی خواهد ز هر پیر و جوان⁽²⁾

یکی دیگر از شاخصه های عمده تمدن اسلامی که فریاد خاموش فطرت همواره طالب آن است؛ استقرار عدالت در جهان می باشد. قرآن به عدالت ورزی امر می کند. «یا ایها الذین آمنوا کونوا قَوَّامینَ بِالْقِسْطِ»⁽³⁾ در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»⁽⁴⁾ در این آیه عدالت را وصف کل مردمان آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن ها معلول انحراف هاست و تمدن ها بعد از آنکه به اوج می رسند، به دلیل ضعف ها و خلأها و انحراف های خود رو به انحطاط می روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت

ص: 251

1- همان، 12/5/1372 و 20/12/1392

2- چون عدالت این بخواهد از ضمیر هر روان

3- نساء، 135

4- حدید، 25

بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم ترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می کنند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف های طبقاتی در همه برنامه های حکومت، در قانون گذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می کنیم، اما ثروت ها در گوشه ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم ترین و سخت ترین مسئولیت است و همه برنامه ریزان، قانون گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم ترین شاخص های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می فرمایند: «از همه این شاخص ها مهم تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی دانیم. بنابراین یکی از مهم ترین شاخص های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره مند بشوند»⁽¹⁾

11) دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر:

ص: 252

اقتصاد خوب و سالم می شود همچون ستون * بهر حفظ این ستون باشد عزیز صدها فنون

گرکنی هریک رعایت می شوی دور از سموم * چون قوام زندگی با آن شود محکم کنون

بنابر مضمون و مفهوم رباعی مذکور مهم ترین عاملی که جامعه انسانی و به دنبال آن تمدن اسلامی را بر اساس خود پایدار می دارد، اقتصاد سالم است که خداوند آن را مایه قوام جامعه قرار داده است. قرآن کریم با صراحت، دعوت خود را دعوت به سوی احیا (زنده کردن) اعلام می کند: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یَحِیْیْکُمْ» (1) ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد... علاوه بر آیات متعدد از جمله آیه مزبور که بر هدایت انسان به صورت کلی تأکید دارند، در آیات بسیاری نیز رهنمودهای جزئی و مشخص در مسائل گوناگون اقتصادی موجود می باشد که بر اهمیت اقتصاد سالم در جامعه تأکید دارند: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (2) خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام. «اوفوا بالعقود» (3) به پیمان ها (و قراردادهای) وفا کنید. «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْکُلُوا اَمْوَالِکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ اِنَّ تَکُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْکُمْ» (4) ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتنی با رضایت شما انجام گیرد. «اوفوا الکیل اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر و احسن تأویلاً» (5) و هنگامی که پیمان می کنید، حق پیمان را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است. ...

ص: 253

1- انفال: 26

2- بقره: 275

3- مائده: 1

4- نساء: 29

5- اسراء: 35

آری ای عزیز بزرگوار در حدود نهصد آیه از قرآن، مباحث و مسائل اقتصادی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطرح نموده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره) مبانی اقتصاد (پایان ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان، و اصالت آخرت، اصول اقتصادی (میانہ روی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) و نیز نظریه پردازی اقتصادی (تأثیر امور معنوی در رشد اقتصادی و غیره) مطرح شده است. (1) با توجه به آیات قرآن، اقتصاد و جمع آوری ثروت، هدف نیست، بلکه مقدمه رسیدن به اهداف عالی است. «ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل می خورند و همواره [مردم را] از راه خدا باز می دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده ده» (2) از دیدگاه قرآن، سرمایه وسیله تولید و کار است. از این رو نباید به صورت گنج ذخیره سازی شود یا وسیله رباخواری شود که مانع رشد اقتصادی است. «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید» (3)

مقام معظم رهبری به بحث اقتصاد سالم در تمدن نوین اسلامی عنایت دارند و از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری و ربا و تکاثر که آفت رشد اقتصادی است، به شدت نهی می کنند و پیوسته به قوه قضاییه درباره مقابله با ویژه خواری و رانت بازی، و به دولت ها در خصوص پیگیری اجرای سیاست های اقتصاد سالم تذکر می دهند. دلیل توجه بسیار به مبانی اقتصاد و مسائل پیرامون آن به منابع اسلام باز می گردد. به اعتقاد معظم له دو پایه اقتصاد اسلامی عبارت اند از: «افزایش ثروت ملی» که کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد و اهداف والای خودش را در سطح بین المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت

ص: 254

1- رضایی، 1390: 11

2- توبه، 34

3- بقره، 278-279

در جامعه اسلامی است» (1) تز اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب و تحمل آن توسط مردم ایران یکی از پارامترهای گسترش تمدن نوین اسلامی است.

12) تلاش، کار و ابتکار (خلافت):

دان که سخت کوشی و کار باشد نیاز روح و جان * اقتصاد خوب شود با آن همیشه پر توان

چون که با آن دانش و برنامه ها گیرد قوام * لحظه هایش می شود همچون جهادی بی امان

توضیح اینکه طبق رباعی مزبور دانش و برنامه ریزی، دو عنصری هستند که با کار به ثمر می نشینند و نتیجه مطلوب از آن دو که قوام اقتصاد سالم در تمدن اسلامی است، برآورده می شود. از شاخصه های تمدن اسلامی، سخت کوشی و جدیت در کار و در نتیجه اجتناب از تنبلی و راحت طلبی است. بی تردید اگر جدیت در کار و سخت کوشی، در جامعه فرهنگ سازی شود، باعث رشد اقتصادی و تحقق جامعه آرمانی می گردد. اهتمام به فرهنگ کار و تلاش و به دست آوردن روزی حلال از مهمترین شاخصه های اقتصاد و زندگی سالم است که در قرآن و روایات اسلامی فراوان بدان اشاره شده است. قرآن کریم، با صراحت کار و تلاش را مایه دارایی و مکننت جامع‌انسانی؛ (2) معرفی کرده است. در سیره ائمه معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) نیز فرهنگ کار و تلاش که ارتباط تنگاتنگی با مسئله تولید دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است و آن حضرات به طور مستمر، مردم را به فعالیت های اقتصادی از جمله تجارت، خدمات و کشاورزی تشویق می کردند.

اسلام هرگز کار و تلاش را جدا از پرستش و عبادت نمی داند. در این اندیشه انسان فعال مورد عنایت خداوند و اولیای او هستند و افرادی که از زیر کار شانه خالی می کنند، مورد طرد و لعن ایشان هستند. بر این اساس مقام معظم رهبری بیان کرده است: «کار به معنای وسیع کلمه، شامل کار یدی، کار جسمی، کار فکری و کار علمی و کار مدیریتی، در

ص: 255

1- بیانات مقام معظم رهبری، 13/11/1385

2- نجم، 39 و 40

واقع محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه است. این را باید همه بدانیم. اگر کار نباشد، سرمایه، مواد و انرژی و اطلاعات، هیچ کدام برای انسان مفید نخواهد بود. کار است که مانند روحی می دمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه و آن را تبدیل می کند به یک موجود قابل مصرف تا انسان ها بتوانند از آن استفاده کنند. ارزش کار این هاست. در اسلام کار، عبادت و ارزش شمرده شده است». نکته مهم دیگر در بیان ایشان حضور کار و تلاش جمعی است که در کشور ما رضایت بخش نیست و جزء خصلت های ملی ما نشده است و باید آن را درست کنیم. ایشانمدیران و بازوان فعال کشور را به کار فناوری، صنعت، کشاورزی و تولید و تکثیر ثروت ملی تشویق و ترغیب می کنند. در دیدگاه معظم له انجام کارها به بهترین نحو از مسائل فوق مهم تر است.⁽¹⁾

به اعتقاد ایشان در دنیای اقتصادی کنونی، فقط با کار و تلاش شبانه روزی و خلاقیت و ابداع و نوآوری می توان تمدن نوین اسلامی را پیش برد.

13) رسانه های مدرن، هنر و سینما: مسجد در صدر اسلام به عنوان مهم ترین رسانه جمعی و محل انتشار اخبار و عقاید محسوب می شد، بنابراین، در گسترش تمدن اسلامی نقش مؤثری را ایفا کرد. بعد از آنکه تمدن اسلامی با رکود مواجه شد، تمدن غربی در صنعت رسانه های جمعی به پیشرفت های بزرگی نائل گردید. امروزه با وجود فناوری های پیشرفته ارتباطی که غالباً از سوی تمدن غربی گسترش می یابد، فاصله زمانی و مکانی بین جوامع از بین رفته است و تمدن غربی از این طریق به دنبال نهادینه کردن سبک زندگی غربی و اشاعه زشتی ها در میان سایر جوامع است. قرآن کریم درباره اشاعه زشتی در تمدن اسلامی این گونه هشدار داده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَجْتَبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»⁽²⁾ «کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میاناهل ایمان شایع شود،

ص: 256

1- همان، 10/2/1377 و 12/11/1388 و 22/3/1383

2- نور، 19

در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می شناسد و شما نمی شناسید». از این رو، رسانه های مدرن و قوی برای مقابله با فرهنگ و سبک منحرف غربی و نیز برای صادر نمودن ارزش ها و مبانی اسلام در تمدن نوین اسلامی ضروری و اجتناب ناپذیر است. به همین دلیل مقام معظم رهبری در مناسبت های مختلف بر تقویت رسانه های مدرن در تمدن نوین اسلامی تأکید می کنند و در خصوص هجمه رسانه ای تمدن غربی هشدار می دهند. برای مثال اصطلاح «جنگ نرم» در نگاه معظم له بیانگر هجوم بی امان رسانه ای تمدن غربی برای استحاله فرهنگی کشورهای مسلمان و حتی سایر کشورها است.

ایشان درباره سوء استفاده گسترده غرب از ابزار هنر به ویژه هنرهای نمایشی و سینما می فرمایند: «سیاستمداران غربی با استفاده از این روش، به دنبال سلیقه سازی و ترویج سبک زندگی غربی در سایر جوامع هستند». ایشان همچنین درباره اهمیت صنعت فیلم سازی برای انتقال فرهنگ ها بحث می کنند که تمدن غربی به اهمیت آن پی برده است و اکنون در حال پیاده سازی نیات درونی خود برای تسلط بر سایر فرهنگ ها هستند و در این کار بر اساس کار کارشناسی و با استفاده از جامعه شناسان، روانشناسان و مورخان، ضعف های ملت ها به ویژه ملت های اسلامی را بررسی می کنند. همچنین با شناخت راه های تسلط بر آن ها، ساخت فیلم های خاصی را به فیلم سازان سفارش می دهند که در این زمینه همه مسئولان مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور مراقبت کنند. (1)

14) بهبود روابط بین الملل: ارتباطات بین جوامع در دنیای کنونی بسیار پیچیده شده است و جوامع به ناچار با یکدیگر دارند. علت این موضوع این است که جمعیت جهان و نوع نیازهای بشری دچار تغییرات اساسی شده است. در تمدن های گذشته به علت محدودیت جمعیت و نیازهای آنان، اگر تمدنی به هر دلیلی با سایر تمدن ها ارتباط نداشت، شاید دچار اختلال های شدید در میان جامعه نمی شد. زیرا ارتباط جوامع با یکدیگر کم و در حد معاملات پایاپای بود. اما در دنیای کنونی وضعیت برعکس شده و میزان ارتباط جوامع با

ص: 257

یکدیگر بسیار افزایش یافته است و بسیاری از صاحبان قدرت از این طریق بر سایر ملت‌ها تأثیر می‌گذارند. برای مثال در صنعت نفت که موضوعی جهانی است، منافع همه کشورها آنچنان درهم تنیده شده است که با کوچک‌ترین اتفاقی در جهان، بازار آن دچار نوسان می‌شود. بر این اساس در تمدن نوین اسلامی به دو دلیل به روابط با سایر تمدن‌ها نیاز است: موضوع اول همان بحث رفع نیازهای افراد جامعه است؛ زیرا ممکن است در تمدن اسلامی کالایی به اندازه رفع نیاز داخلی وجود نداشته باشد و از طریق این رابطه، به جبران آن کمبود پرداخت. اما موضوع دوم که از طریق روابط بین‌الملل باید آن را مورد توجه قرار داد، موضوع انتقال مبانی نظری انسان‌ساز و جامعه‌ساز اسلام است تا بدین وسیله مقدمه ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. همان ذخیره الهی که تمدن نوین اسلامی را تا درجه اعلاش پیش خواهد برد. مقام معظم رهبری با تأسی بر مبانی فکری و معرفتی امام خمینی (ره) بر دیپلماسی بین‌المللی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. ایشان از جهانی بودن مکتب سیاسی امام خمینی (ره) یاد می‌کنند که به دنبال صادر نمودن استقلال و عزت انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها بود. به اعتقاد ایشان نوع صدور پیام مکتب اسلام توسط امام (ره) به بشریت با آنچه آمریکا و سایرین با زور و توسل به بمب اتم به دنبال آن هستند، بسیار تفاوت دارد. در مکتب سیاسی، امام فکر درست و سخن جدید خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند. معظم له حرکت‌های پدید آمده در فلسطین و سایر کشورها را تحت تأثیر پیام جهانی انقلاب اسلامی ایران می‌داند که توسط بنیانگذار انقلاب در پیکره تاریخ تنیده شده است. به همین جهت موضوع فلسطین در اندیشه ایشان، موضوعی شخصی بین فلسطین و اسرائیل نیست، بلکه به همه مسلمانان مربوط می‌شود. (1)

15) صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای نوین بشر:

در محور فقه نیاز جان را ببند* در بین اصول وحدت و سان را ببند

ص: 258

چون فقه و ولی بها دهد بر همه امر* در اوج زمان خواست روان را ببند

دین اسلام که به عنوان دین خاتم معرفی شده است. (1)

باید برای هر مسئله جدیدی که در تمدن نوین اسلامی در خصوص نیازهای بشر مطرح می شود، راهکار داشته باشد و این امر به جامعیت قوانین اسلام باز می گردد. مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تأکید دارند که در حوزه های علمیه باید افرادی مسلط به دانش های مورد نیاز برای پاسخگویی به نیازهای جدید پرورش یابند. وی می فرماید: روزی که در جامعه و کشور ما صد نفر، پانصد نفر، هزار نفر شخصیت روحانی مانند امام وجود داشته باشند، شما ببینید چه حرکت عظیمی در این جامعه به وجود خواهد آمد. وقتی در جامعه ما صدها نفر شخصیت دارای دانش دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی در فلسفه و کلام و فلسفه جدید و محاجه با شبهه افکنان وجود داشته باشند، ببینید چه اتفاق عظیمی در جامعه می افتد. وقتی به وسیله همین مجموعه، هزاران کتاب، مجله و مقاله های علمی در سطح دنیا با زبان های مختلف منتشر شود، شما ببینید چه خورشید فروزانی از این نقطه عالم بر همه فضای فکری جهان بشری پرتو خواهد افکند. تحقق همه این امور میسر است. (2)

در مجموع مقام معظم رهبری در تعریفی کلی، شاخصه تمدن اسلامی را بهره مندی انسان ها از همه ظرفیت های مادی و معنوی می دانند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. از جمله شاخصه های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کردند و مقام معظم رهبری به شیوه منسجم تری درباره آن ها سخن گفتند، عبارت اند از محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر. اما معظم له با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، مسأله تمدن نوین اسلامی را با مؤلفه های جدیدی مانند

ص: 259

1- احزاب، 40

2- بیانات مقام معظم رهبری، 22/3/1385

ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری را مطرح نمودند تا تمدن اسلامی پویا شود و در رقابت با دنیای مدرن غرب باقی بماند و پویایی خود را حفظ کند. (1)

انسان نمی تواند بدون معنویت دوام آورد. تمدن منهای معنویت برای بشر همانند خشکی برای ماهی است که زندگی در آن محال است. انسان معاصر، با گذشت چند قرن معنویت ستیزی، امروز، تشنه و آشفته، همچون قحطی زدگان به سنت های معنوی و ابعاد عرفانی ادیان پناه آورده و هرکس بخشی از آن را برگرفته و گروهی را گرد خویش آورده است. انقلاب اسلامی ایران در این روزگار با طرحی تازه برای زندگی و تمدن بشری پا به عرصه ی وجود گذاشت و آمد تا انسان را به راه راست معنویت و حیات طیبه رهنمون شود. در این راه توفیق یافت که با نیروی برتر معنوی بر نیروهای سلطه گر حیات دنیا و تمدن مادی غلبه کند و امکانات و موقعیت شایسته ای را در جهان به دست آورد. امروزه، چشم ها و گوش های فراوانی به سوی آن گشوده شده اند تا پیام آن را دریافت کنند. به اعتقاد مقام معظم رهبری تمدن سازی اسلامی با عنایت به مولفه های خود سازی و جامعه پردازی به همت و خرد دسته جمعی نیاز دارد که در سایه وحدت، انضباط، کار، تلاش، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و داشتن رسانه های قوی به وجود می آید.

آیا محبوبیت انقلاب در جهان، مقدمه ای برای تحقق گام دوم و ظهور است؟

انقلاب کرده، همی غوغا به پا اندر جهان* چون که با آن همره است روح و روان انس و جان

در چنین حالی بخوان وصف کسان و ناکسان* تا شوی آگه ز گام دوم و صاحب زمان

ص: 260

1- واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله) مرتضی اکبری فریدون رضائی (با کمی تغییر)

تبیین، ترویج و تبلیغ ارزش های برآمده از انقلاب اسلامی ایران و در واقع صدور آن به همه جای عالم تنها به منزله تثبیت و طرح ارزش های انقلابی نیست؛ بلکه ایجاد زمینه و بستری مناسب و جهانی برای شکل گیری انقلاب مهدوی است. امام خمینی قدس سره در این باره می گویند: «امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود» همچنین می فرمایند: «... ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان - که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است - به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می کنیم... خداوندا!... انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما» (1) در خاتمه این کتاب مطالب بیشتری در این خصوص مطرح خواهد شد. ان شاء...

آنچه دوست و دشمن در خصوص محبوبیت انقلاب و رهبر آن به آن معترفند، بخاطر صدور ارزشها انقلاب و عظمت و بزرگی و اثرگذاری آن است. آیا عظمت این انقلاب خود دلیل روشنی بر این حقیقت نیست که انقلاب اسلامی ایران همان انقلاب وعده داده شده ی مردم مشرق زمین است؟ همان انقلابی که به ظهور امام زمان عج ختم خواهد شد؟ همان انقلابی که پرچم آن توسط سید خراسانی به امام زمان عج سپرده خواهد شد؟ همان انقلابی که در راستای تحقق گام دوم انقلاب با تمام توان به پیش خواهد رفت... آری ای عزیز بزرگوار آنچه در ادامه می خوانی نمونه هایی بسیار کوچک از تاثیرات انقلاب در بیان دوست و دشمن است. لطفا با دقت و تامل آنها را ملاحظه فرما:

فیدل کاسترو رهبر کوبا: «پس از فروپاشی شوروی سابق به صحت توصیه های آیت الله خمینی به گورباچف پی بردم و معتقدم مدل قرآنی رهبر فقید ایران باید به جای مدل های

ص: 261

غربی در دستور کار برنامه های جهانی قرار گیرد... آنچه در ایران رخ داده است یک انقلاب واقعی و مردمی بود. این انقلاب دارای نیروی عظیمی نیز هست و لازم است که ما همبستگی و حمایت خود را با آن اعلام کنیم»

نلسون ماندلا رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی: «امام خمینی نه تنها رهبری بزرگ برای ایران بود، بلکه رهبری برای تمامی نهضت‌های آزادیبخش جهان به شمار می رفت.

شهید دکتر فتحی شقاقی، دبیر کل پیشین جنبش جهاد اسلامی فلسطین: «دنیا باید بداند که بازتاب شعارهای امام خمینی رحمه الله در فلسطین، در هیچ جای دیگر دنیا نظیری نداشت. دلیل آن این است که همان گونه که امام راحل به زندگی ایرانی ها معنا بخشید، به زندگی ما در فلسطین نیز چنین مفهومی بخشید. پیش از او، ما در یک حالت یأس و ناامیدی به سر می بردیم و معتقد بودیم که نمی توان این دشمن مستکبر را شکست داد و رژیم صهیونیستی را از بین برد. امام با به دست آوردن پیروزی، امید را در ما زنده کرد. امروز نیز به رهبری آیت الله خامنه ای، علی رغم تمامی مشکلات و محاصره های موجود، در همان مسیر حرکت می کند.» (1)

شهید عارف حسین حسینی، از رهبران شیعه پاکستان: «انقلاب اسلامی ایران، در مردم مستضعف پاکستانی اثر خوبی بر جای گذاشته، به طوری که مردم مسلمان این کشور را از درون منقلب نموده است. هم اکنون جوانان ما از اهل علم تقاضا دارند، همان چیزی که علما و روحانیون ایران به جوان های خود آموخته و این انقلاب عظیم و آسمانی را به وجود آورده اند، به آنان بیاموزند».

برونوکراسیکی، صدر اعظم سابق اتریش: «من از شخصیت های مذهبی و دینی نیستم، ولی می توانم این مسأله را بگویم که انقلابی که در ایران رخ داده است، موجب علاقه بیش تر به اسلام در خارج از جهان اسلام شده است و روشن فکران دنیا، به دلیل علاقه

ص: 262

ای که به اسلام پیدا کرده اند، توجه خود را به انقلاب اسلامی معطوف داشته اند. می توان گفت این انقلاب در خارج از جهان اسلام، نفوذ فراوانی کرده است».

ژولیوس نایرره رئیس جمهور تانزانیا: «انقلاب ایران معادلات جهانی را بر هم زده است ... انقلاب اسلامی ایران از مردمی ترین و اصیل ترین انقلابهای جهان است. ما برای این انقلاب احترام و ارزش فراوانی قائل هستیم. ایران، هم نیرومند است و هم غیر متعهدترین کشور جهان است.»

ماروین زونیس (Marvin Zonis) مدیر موسسه مطالعات خاورمیانه دانشگاه شیکاگو: «پیام ایران به عقیده ی من، تکان دهنده ترین ایدئولوژی سیاسی قرن بیستم، از زمان انقلاب بلشویک است. و اگر بپذیریم که بلشویسم، بازمانده قرن نوزدهم است، آن وقت گمان می کنم که تنها یک انقلاب خوب در قرن بیستم داشته ایم، و آن، همین انقلاب است؛ این پیام قدرتمند، در طی مدت های مدید با ما خواهد بود، صرف نظر از هر اتفاقی که بر سر آیت الله خمینی بیاید.»⁽¹⁾

حافظ اسد رئیس جمهور فقید سوریه: «انقلاب اسلامی ایران برای تمام منطقه یک پیروزی است. اکنون در ایران رژیم انقلابی - اسلامی با شعار نه شرقی - نه غربی سر کار است که توانسته کلیه امور سیاسی، نظامی و استراتژیک را در منطقه از اساس واژگون سازد. انقلاب اسلامی ایران، روابط خارجی خود را با امپریالیست ها قطع کرده و پایگاه های نظامی بیگانگان را از میان برداشته و راه سرفرازی در پیش گرفته است. رژیم اشغالگر قدس آن چنان از انقلاب اسلامی به وحشت افتاد که بارها از ارباب خود آمریکا گله کرد که چرا نمی تواند جلو تأثیر انقلاب اسلامی ایران را که منجر به پیروزی فلسطین خواهد شد، بگیرد».

رادیو لندن: «او (امام خمینی) انقلابی را رهبری کرد که جهان را لرزاند.»

عبدالحمید اجل سفیر الجزایر در ایران: «الجزایر به انقلاب ایران مباحثات می کند.»

ص: 263

خبرگزاری آسوشیتد پرس مورخ 14/3/1368: «آیت الله خمینی یک شاه را سرنگون کرد، یک ابرقدرت را مبهوت نمود و با پیام وحدت و قدرت اسلامی خود، جهان را تکان داد.»

احمد بن بلا از رهبران انقلاب الجزایر و نخستین رئیس جمهور این کشور: «انقلاب ایران، قبل از هر چیز یک انقلاب فرهنگی است. به طور کلی مخالفت با انقلاب اسلامی، در غرب طرح ریزی می شود و این مخالفت را، سرمایه داران رهبری می کنند. انقلاب اسلامی ایران در قلب ها جای دارد، به ویژه در قلب جوانان الجزایر، تونس، مغرب، سوریه و... آن چه برای من در مورد انقلاب ایران مهم است، این است که برای نخستین بار، انقلابی با طرح فرهنگی تولّد یافته است. ما باور داریم که انقلاب ایران بر مبنای اسلام انجام گرفته است. مابه ارزش معنوی و حقانیت این انقلاب اعتقاد داریم. بی جهت نیست که این انقلاب، وحشتی در دل دولت هایی که نفت ما را می بردند، ایجاد کرده است.»

روژه گارودی، اندیشمند فرانسوی: «انقلاب اسلامی دارای معنای جدیدی بود که نه تنها حکومت سیاسی، اجتماعی و استعماری را سرنگون کرد، بلکه مهمتر از این تمدن و جهان بینی خاصی را که در مقابل دین علم شده بود، واژگون ساخت.»

حبيب شطی، دبیرکل سابق سازمان کنفرانس اسلامی: «انقلاب ایران به همه نشان داد که اسلام چه قدر قدرت مند است و این که ایمان می تواند به مسلمانان کمک کند تا به حکومت دل خواه خود برسند. ما می خواهیم جامعه جدیدی بر مبنای اصول اسلامی بسازیم و امیدواریم انقلاب اسلامی ایران مدل و الگوی ما قرار بگیرد.»

ریگان رئیس جمهور اسبق آمریکا: «به دلیل اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در صدد کاوش برای یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآمدیم... انقلاب ایران یک واقعیت تاریخی است.»

مشاور امنیت ملی ریگان: «انقلاب اسلامی یک حقیقت تاریخی است و باید یک ایران مستقل و از نظر اقتصادی و نظامی با ثبات را باور داشت.»

گورباچف رهبر پیشین شوروی سابق: «آیت الله خمینی توانست اثری بزرگ در تاریخ نوین جهان بگذارد.»

روزنامه ایندپندنت چاپ لندن مورخ 15/3/1368: «بندرت اتفاق می افتد که یک مرد به تنهایی بتواند مسیر تاریخ را عوض کند، اما این درست همان کاری بود که آیت الله خمینی از عهده آن برآمد.»

میشل فوکو "جامعه شناس فرانسوی: "محور و قطب اصلی انقلاب اسلامی ایران، معنویت گرایی است. این انقلاب به جای آنکه بازگشت به ارزشهای کهن باشد، درصدد ارائه تعریف جدیدی از عقلانیت است. عقلانیتی که در آن معنویت، جایگاه ویژه ای دارد. این ویژگی، انقلاب اسلامی را از سایر انقلابها متمایز کرد و آن را به الگویی جدید تبدیل نمود."

"راینهاردلو"، مدیر انستیتوت پژوهشهای فلسفی در هاننور آلمان، در کتابی که خلاصه مباحث 30 تن از متخصصان، عالمان و فیلسوفان در سمینار "اسلام و مسیحیت در اروپا" را دربر دارد: «نقش اسلام در بیست سال اخیر قرن ما، یک جهش و پیشرفت مهم و درعین حال، شگفت آفرین پیدا کرده است. با توجه به اثرگذاری انقلاب اسلامی در احیای تفکر دینی، به مسیحیان توصیه می کنیم که اسلام را بهتر بشناسند و با مسلمانان باب گفتگو را باز کنند."

امام جمعه رتردام هلند حاج شیخ اسرافیل دمتریکن: "عزت مسلمانان و مستضعفان جهان، در گرو وجود انقلاب اسلامی ایران بوده و هست و قبل از این انقلاب، در

خارج از کشور حتی از بیان اعتقادات خود بیمناک بودیم. به برکت این انقلاب که باعث دلگرمی و حمایت از شیعیان مظلوم جهان شده، توانستیم الگوی مناسبی را به جهانیان ارائه و در دنیای غرب به فعالیت های دینی و مذهبی مشغول باشیم."

دانیل پایپز "Daniel paipes یکی از فعالان انجمن سیاست خارجی ایالات متحده امریکا: "باید بپذیریم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای ما امریکایی ها ضروری است که زمینه ای جهت مطالعه و تحقیق پیرامون مذهب فراهم آوریم."

دانیل پایپس، رئیس انستیتو پژوهش های سیاست خارجی آمریکا: «آمریکا نخواهد توانست با مسلمانان سازش کند. ماچند سال پیش حساسیت خاصی نسبت به اسلام نداشتیم، اما امروز این گونه نیست. امروز مسلمانان به انقلاب اسلامی نظر دارند و از آن الگوبرداری می کنند. اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر بیش تر خواهد شد و این برای ما قابل تحمل نیست»⁽¹⁾

در هر حال با عنایت به دیدگاه های مزبور در راهبردی که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم ترسیم فرموده اند؛ نقطه هدفی بیان می شود که دنیا برای ولایت عظمای آماده شود. اگر از طرفی جهان مخصوصاً نخبگان آن اینگونه آماده شوند... و از طرفی اگر با این راهبرد؛ گام دوم با توجه به همه جوانب با برنامه ریزی کاربردی و محکم برداشته شود؛ مقدمات ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) فراهم خواهد شد. معظم له همانطور که قبلاً مطرح شده در بیانیه مهم و راهبردی مورد نظر به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از زندگی به تبیین ویژگی های مسیر پر افتخار پیموده شده در 40 سال گذشته و برکات خیره کننده انقلاب اسلامی در رساندن ایران عزیز به جایگاه شایسته ملت پرداخته و با تأکید بر امید واقع بینانه به آینده و نقش بی بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان ها، خطاب به جوانان و آینده سازان ایران مقتدر، الزامات این جهاد بزرگ را در هفت سرفصل اساسی بیان کردند.

ایشان در این بیانیه ضمن بیان هفت توصیه به جوانان ایرانی در زمینه های علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، خواستار توجه آنان به این موضوعات شدند. بنابر این نکته مهم در این راستا این است که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم خطاب به جوانان فرمودند: «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های

ص: 266

دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند» و با تمام وجود همراه با معرفت و بصیرت بنا بر خواست فطرتشان و فریاد خاموش درونشان بگویند:

به هر جا می رود چشمم، نمی بیند نگاهت را * زهر سو می پرد قلبم، نمی یابد سپاهت را

نگاه من همه درد و دوایش را تو می دانی * ز غیبت تا ظهور یار، بخوانم من فقاقت را

کم و کیف برنامه ریزی برای تحقق گام دوم انقلاب چگونه باید باشد؟

دان که گام دوم این انقلاب اندر جهان * خواست فطرت بوده و داد تمام روح و جان

پس نما برنامه ریزی وفق علم روزگار * تا شود اجرا تمام متن آن با هر توان

در مصرع دوم این رباعی آمده است که: "خواست فطرت بوده و داد تمام روح و جان" آری ای عزیز بزرگوار واقعا خوشا بر احوال انسانی که بر خلاف افکار مادی ای که توسط ایسم های مختلف در جهان غرب بر بشریت حاکم شده با شناخت و معرفت در مسیر پیام جاودانه و فطری این بیانیه الهی؛ با یقین و باور گام بر می دارد. مضمون رباعی مزبور این است که باید با برنامه ریزی جامع و کامل؛ مفاد بیانیه گام دوم انقلاب در عرصه های مختلف جامه عمل به خود گیرد. مقام معظم رهبری عنوان می فرمایند که انقلاب اسلامی در افق خود برای سال های بعد و دهه های بعد راه حل دارد و مشکلات موجود را بدون راه حل نمی داند، بلکه معتقد است مشکلات و موانع با راهکار قابل حل است. ارائه نقشه راه برای برنامه ریزی و پیمایش گام دوم انقلاب به شرح زیر است:

الف: بازخوانی نقاط ضعف و قوت مسیر طی شده برای کاهش فاصله بین باید ها و واقعیت ها؛

ب: توجه به برنامه های دشمن که گاهی در قالب جنگ نرم یا اقدامات نظامی و جنگ اقتصادی و جنگ های نیابتی و... همراه است و برای غفلت زایی نخبگان، مسئولین و آحاد ملت صورت می گیرد؛

ج: پای بندی به اصول و آرمان های غیر قابل تغییر اما منعطف برای تعیین تاکتیک های جدید؛

د: دادن ابتکار عمل به جوانان و اعتماد و ایمان به توانمندی آنان به عنوان سرمایه عظیم انسانی.⁽¹⁾

این بیانیه مسیری که انقلاب اسلامی طی 40 سال گذشته آمده و نیز قرار است به کدام سمت برود را نشان می دهد. این بیانیه ناظر به واقعیت های میدانی نوشته شده است و برخلاف برخی که می گویند خیلی آرمان گرا است، روی واقعیت های میدانی تمرکز دارد. این بیانیه یک خط مشی است و در آن بایدها و نبایدهایی برای آینده بشریت وجود دارد. از این منظر در این نقطه حساس که چهل سال از انقلاب گذشته است، تدوین این بیانیه حرکت لازم و ضروری بود؛ هرچند این قضیه به همین جا ختم نمی شود و باید همه نهادها و سازمانهای مسئول برای اجرای این بیانیه با فهم عمیق و درک گسترده برنامه های خودشان را تدوین کنند. اولین و مهم ترین بحث در این بیانیه فهم و درک عمیق این سند است که جهت گیری ها باید جزئی شود و نباید به کلیات و مطالب تکراری پرداخت و کلی گویی در این بیانیه کفایت نمی کند. این بیانیه راهنمایی برای عملیاتی شدن است که باید سازمان ها و نهادها در بخش خودشان اهداف خود را مشخص و اقدام لازم معمول گردد. این بیانیه می تواند یک سند مادر برای سیاست های کلی و قانون گذاری از طرف مجلس باشد که همه قوا باید آینده نگری را در این رابطه انجام دهند تا نقشه راه 40 سال آینده کشور مشخص شود.

ص: 268

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (ره)

آنچنان که از متن بیانیه گام دوم بر می آید، ایشان در نگاه به گذشته، حال و آینده به ظرفیت ها توجه داشته اند و برنامه ریزی کشور را از دستیابی به اهداف سند چشم انداز 20 ساله کشور به تحقق اهداف مطلوب در افق 40 ساله تسری داده اند. که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. به نوعی بیانیه گام دوم انقلاب یک سند پویا است و موارد فراوانی برای استخراج راهبردهای محوری برای رشد و پیشرفت را شامل می شود که باید در بستر برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت در قالب ظرفیت سازی های مقتضی به منصفه ظهور و بروز برسد. در این بیانیه راهبردی هدف نهایی از انقلاب اسلامی، تمدن سازی نوین اسلامی است و تحقق این هدف نیاز به یک کار سنگین علمی و فرهنگی دارد. البته قبل از همه چیز خودسازی فردی، اندیشه ای، سازمانی و ساختاری و بازسازی دانش؛ لازمه رسیدن به خودسازی است که از گام های مهم پیش از تمدن سازی به حساب می آید.

در خصوص راهکارهای توسعه ی معنوی می توان گفت: در برابر آسیب ها و موانع موجود، راهکارهایی برای توسعه ی معنویت اسلامی وجود دارد که اعمال آنها برای افزایش نفوذپذیری در قبال جریان های معنویت گرای غیر اسلامی و وارداتی ضروری است. این راهکارها به سه صورت قابل اجراست. برخی از این راهکارها تنها با کار علمی و بعضی دیگر با برنامه ریزی اجرایی قابل عمل است. مواردی نیز وجود دارد که از سویی به فعالیت های علمی و از دیگر سو به برنامه های مدیریتی و اجرایی مربوط می شود. راهکارهای پیشنهادی عبارتند از: الف- تثبیت هویت معنوی از نظر اسلام ب- گسترش و تقویت رویکرد اجتماعی و نتیجه گرا در ابعاد مختلف خود سازی ج- حمایت از مؤسسات آموزشی و پژوهشی در حوزه ی عرفان و خودسازی د- اهتمام مدیران اجرایی به استفاده از کارشناسان ممتحن و پژوهشگر در عرصه های مختلف مخصوصا رسانه های نوشتاری، شنیداری و تصویری.

راهکارهای توسعه ی خود سازی و نهاد معنویت به ترتیب زیر پیشنهاد می گردد:

الف- برنامه های فرهنگی:

- شناسایی ابتلائات عام معنوی و اخلاقی جامعه و برنامه ریزی جهت آسیب زدایی در محورهای شناخته شده.
- الگو سازی و بازنمایی شخصیت های برجسته ی اخلاقی و معنوی و انتشار زندگی نامه ی آنها و تهیه ی فیلم زندگی ایشان.
- تولید کتب و نشریات معنوی جذّاب، در سطح کودکان، نوجوانان و عموم مردم.
- استفاده از رسانه ی ملی (صدا و سیما) در توسعه ی معنویت د جامعه ی اسلامی با تولید و پخش برنامه هایی با مضامین معنوی و زیر نظر کارشناسان زبده و پرهیز از پخش هرگونه برنامه ای که الگوسازی منفی به دنبال دارد.
- استفاده از ابزار پرنفوذ هنر در ارتقای سطح معنوی جامعه و دعوت از هنرمندان (شاعران، خطّاحان، داستان سرایان، فیلم سازان خوش نویسان) برای تولید فیلم، رمان، داستان، تابلوهای نقاشی، طرّاحی، خوشنویسی، پویانمایی (انیمیشن) و سرود، با موضوعات معنوی.
- مشارکت فعّال آموزش و پرورش از طریق بازآموزی معنوی پدران، مادران و مربیان توسط نهاد انجمن اولیا و مربیان.
- جهت دهی معنوی به اوقات فراغت جوانان با همکاری سازمان ملّی جوانان و سایر سازمان ها و نهادهای مرتبط.
- بهره گرفتن از فنون روانشناسی اجتماعی و تکنیک های تبلیغاتی برای ترویج معنویت اسلامی.
- غنی سازی برنامه های معنوی مراکز رسمی آموزش و پرورش از مهدکودک تا مراکز آموزش عالی و حوزه های علمیّه.
- بهینه سازی متون درسی اخلاق و عرفان اسلامی در دانشگاه ها.
- تدوین منشور اخلاق برای سازمان ها و نهادها و تلاش برای اجرای آن و التزام بدان.

- ایجاد مجتمع های بزرگ فرهنگی - تفریحی با جهت گیری معنوی و تربیتی برای جوانان.

- تأسیس مؤسسات و مراکز مطالعاتی و حمایت از هسته های مطالعات معنوی.

- بهره گیری از ظرفیت های بی نظیر مساجد، هیأت ها و مراسم مذهبی برای ترویج و تعمیق هرچه بیشتر هنجارهای معنویت ناب اسلامی. برگزاری دوره های

تربیت مربی عرفان و اخلاق برای ائمه ی جماعات و تأکید بر جهت دهی بیش از پیش ظرفیت های محراب و منبر به سوی تربیت اخلاقی و تزکیه ی نفوس.

- سرمایه گذاری بیشتر برای تأسیس مراکز مشاوره ی اسلامی با مدیریت کارشناسان متخصص و متعهد.

- بسترسازی برای ارادت ورزی بیش از پیش مردم به اهل بیت عصمت و طهارت: و بیان شیوه ی سلوک ایشان.

- ترویج و حمایت از نقاط قوت در فرهنگ ملی، مثل فضایل راسخ و نهادینه شده ی عشق به خدا، عبادت، حیا، احترام به بزرگ تر، مهربانی، غیرت، مهمان نوازی و ...

- اجرای مسابقات کتاب خوانی، مقاله نویسی، عکاسی، شعر و ... با مضامین معنوی.

- تهیه ی سبد فرهنگی (مشمول بر کتاب و اسلاید و نرم افزار و کاست) با مضمون تجربه های عینی و قصه های مستند و معتبر در رابطه با مسایل معنوی و ترویج آنها در میان نوجوانان و جوانان.

- بازآفرینی و انتشار قصه های معنوی موجود در ادبیات کهن فارسی به زبان روز.

ب. برنامه های اجتماعی:

- تسهیل ارتباط های چهره به چهره با شخصیت های معنوی و در معرض انظار و افکار عمومی قرار دادن رفتار آنها.

- آسیب شناسی فرهنگ عمومی در عرصه ی رفتار و باورهای معنوی.

- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی، ایجاد حساسیت ارزشی و پرورش روحیه ی مواجهه با عوامل آسیب زای بهداشت روانی و اسباب تهدید

سلامت معنوی جامعه از طریق تشکیل تیم های گسترده ی کارآمد و آموزش دیده ی امر به معروف و نهی از منکر در بین مردم، به ویژه جوانان.

- شناسایی و برنامه ریزی برای جایگزینی سرگرمی های غفلت زا.

- مقابله با سیاست گذاری های اقتصادی، فرهنگی، تبلیغی و ... که منجر به کمرنگ شدن ارزش های اخلاقی در جامعه می شود، از قبیل تبلیغ تجمل گرایی و مصرف زدگی و دامن زدن به روحیه ی تکاثر، چشم هم چشمی و

- توجه بیشتر مادی و معنوی به مراکز گروهی، مانند پادگان ها و زندان ها و مراکز بازپروری با به کارگیری مدیران دلسوز، تأمین بودجه ی مناسب فعالیت های فرهنگی و ایجاد ساختار کارآمد تربیتی - معنوی.

- تجلیل از شخصیت های اخلاقی و معنوی در هر مجموعه ی کاری یا صنفی و معرفی افراد نمونه با ذکر شاخصه های برتری آنان.

- بهره گیری از مقبولیت و محبوبیت شخصیت های اخلاقی، معنوی و نقش فراوان آنها در گسترش فرهنگ معنوی.

- اطلاع رسانی مناسب به جوانان در خصوص جلوه های حیات اخلاقی و معنوی هنرمندان و ورزشکاران محبوب و متعهد. (1)

بنابر این یکی از بزرگ ترین راه کارها و گام هایی که برای تحقق گام دوم انقلاب باید با جدیت برداشته شود؛ ضمن خود سازی، برنامه ریزی در عرصه های مختلف جهت عملیاتی شدن مفاد بیانیه مزبور به سوی آینده است. لذا برنامه ریزی برای رسیدن به آینده ای مطلوب است؛ برنامه ای که از نظر مدیران ارشد و طراحان و مجریان کلان یک کشور، قابل اجرا و عملیاتی شدن باشد. برنامه ریزی مورد نظر باید بعد از گذراندن مراحل تصویب، به عنوان هدف قابل دست یابی به شعار عمومی و ملی تبدیل شود و خواسته ها و اهداف ملی و جهانی در چارچوب آن اولویت بندی گردد. البته این بیانیه کاملاً شفاف

ص: 272

است و هیچ نکته ابهامی ندارد، بنابراین نیاز به تفسیر نیست و باید مورد اجرا قرار بگیرد. جوانان باید اجراکننده و پیگیر اجرای آن باشند. رسانه ها در خصوص بیانیه گام دوم انقلاب باید بصورت جدی تر وارد عمل شوند و ضمن تبیین و تشریح؛ از مسئولان بخواهند که برای تحقق بیانیه، پیوست

اجرائی داشته و پیگیر اجرائی شدن آن باشند. به نظر می رسد برای رسیدن به مقصود می توان از سیاست های کلی نظام در آینه چشم انداز بیست ساله که قبلا تنظیم شده (1)

در عرصه های مختلف به ترتیب زیر کمک گرفت:

الف) امور فرهنگی:

1. تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی؛ تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی.
2. ایجاد جامعه ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزش های اسلامی، فرهنگ مدار و شهروندانی آگاه، عزتمند و برخوردار از ملاک های درستکاری و احساس رضایتمندی.
3. رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به عنوان عناصر هویت ملی.
4. ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و تقویت نهاد خانواده.
5. نهاد سازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان و گسترش و تعمیق نهضت نرم افزاری و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری و...

ب) امور اجتماعی، سیاسی و دفاعی

1. تضمین حقوق مدنی و انسانی و دسترسی به فرصت های برابر برای افراد جامعه و احترام به نهادینه شدن حقوق معنوی افراد.
2. توسعه و تجهیز منابع انسانی آگاه، انعطاف پذیر و ماهر با قابلیت های مشارکت و فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری.

ص: 273

3. حاکمیت بخشیدن رویکرد و مبانی علمی و فنی، تمرکززدایی، شفاف سازی و پاسخگویی بر همه سطوح و فرآیندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری حوزه های حاکمیت کشور.

4. بهبود کیفیت زندگی، سلامت، امنیت غذایی، تربیت بدنی، رفع فقر و حمایت از گروه های آسیب پذیر و تحقق عدالت اجتماعی.

5. بهبود ساختار سیاسی، قضایی و ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه کشور.

6. تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تعادل منطقه ای و...

ج) امور اقتصادی:

1. تحقق رشد اقتصادی سریع، پیوسته و باثبات.

2. ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری.

3. تحقق رقابت پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی.

4. پشتیبانی از کارآفرینی، فعالیت های نوآورانه و ظرفیت های فنی و پژوهشگری.

5. تلاش برای مهار تورّم و افزایش قدرت خرید گروه های متوسط و کم درآمد جامعه.

6. ارتقای ظرفیت و توانمندی های بخش تعاونی، تسهیل فرایند دست یابی آن به منابع، اطلاعات و فن آوری، تسهیل ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی بین انواع تعاونی ها.

سامانه های مورد نیاز: باید به سامانه های سند چشم انداز توجه فراوانی داشت و برای تدارک آن سامانه ها، اقدامات جدی تر صورت داد. منظور از سامانه، آن دسته از عناصر و عواملی است که خمیر مایه و محتوای غنی بیانیه را در بر می گیرد. در این راستا نقش رسانه ها در تحقق گام دوم انقلاب همانطور که در ابتدا اشاره شد می تواند خیلی مهم و کارساز باشد. مقام معظم رهبری همواره و پیش از این بیانیه به اهمیت رسانه ها و فضای مجازی تأکید داشته اند. ایشان در تاریخ 19 دی 97 در دیدار مردم قم فرمودند «جوانان با هوشمندی، فضای مجازی را به ابزاری برای زدن تودهنی به دشمنان تبدیل کنند».

عمده مخاطب مقام معظم رهبری جوانان هستند و این نکته فوق العاده مهمی است. ایشان در همان سخنان اشاره می کنند که «دشمن در تلاش است با شایعه سازی و تهمت پراکنی مردم را مضطرب کند و به جان یکدیگر بیندازد که البته نمی تواند، اما مردم باید با این شگردهای دشمن مقابله کنند». مقام معظم رهبری به خوبی آرایش رسانه ای جدید را درک می کنند و نه تنها به رسانه های سنتی و قدیمی مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات آشنایی و توجه دارند، بلکه به رسانه های نوظهور، برنامه های تلفن همراه و شبکه های اجتماعی نیز توجه ویژه دارند و از جوانان که مخاطبان اصلی بیانیه هستند، می خواهند که از این ظرفیت استفاده کنند، مانع ناامید کردن مردم بشوند و تلاش رسانه ای دشمن را خنثی سازند.

برای محقق ساختن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی باید از منظر و بستر رسانه ها استفاده شود. امکان ندارد در سرفصل های مختلف همچون «علم و پژوهش»، «معنویت و اخلاق»، «اقتصاد»، «عدالت و مبارزه با فساد»، «استقلال و آزادی»، «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» و «سبک زندگی» که رهبری در بیانیه بدان اشاره داشته اند، محقق گردد، بدون اینکه از ابزارهای رسانه ای و فضای مجازی استفاده گردد.

گرچه عوامل مختلفی در رسیدن انقلاب اسلامی به قله ها نقش دارند، اما مهمترین و مقدم ترین عامل "رسانه ها" هستند. رسانه ها باید چشم و گوش مردم باشند و مسائل را به خوبی متوجه بشوند و به خوبی تبیین و اطلاع رسانی کنند، ضمن اینکه مشارکت مردم را برای تحقق بیانیه گام دوم فراهم سازند. رسانه ها با توجه به نقش نظارتی که دارند، اگر مسئولان در بخشی در راستای گام دوم انقلاب، وظایف خود را به خوبی انجام ندادند، می توانند بر عملکرد آنان نظارت و مطالبه گری کنند. مردم و جوانان اکنون با استفاده از تکنولوژی های جدید و فضای مجازی این امکان را دارند تا هم بر فعالیت های مسئولان نظارت بکنند و هم اینکه پیشرفت های انقلاب و کشور را علی رغم تحریم ها واقع نمایی بکنند و جلوی تبلیغات مایوس کننده دشمن را بگیرند.

مقام معظم رهبری به خوبی متوجه حجم و عمق تبلیغات رسانه های زنجیره ای معاند هستند و هم اینکه به ظرفیت جوانان در عرصه فضای مجازی آشنا هستند. یاد آوری دو نکته مهم است: نکته ی نخست اینکه مقام معظم رهبری در این بیانیه به موضوع «امید» توجه ویژه ای داشتند، ضمن اینکه دیگران را از امید کاذب برحذر داشته اند. این در برابر راهبرد آشکار دشمنان یعنی ناامیدسازی مردم قرار دارد. دشمنان به دنبال این هستند که مردم را به این جمع بندی برسانند که نظام ناکارآمد است و به بن بست رسیده است.

نکته دیگر اینکه «گام دوم انقلاب» بیانیه ای است که اداره انقلاب را از نسل گذشته به نسل جدید و جوان کشور واگذار می کند. تحقق محورهای این بیانیه نیز منوط به این است که رسانه ها و مسئولان پیوست رسانه ای و اجرایی داشته باشند. (1)

ضمن توجه به اهمیت رسانه ها در عرصه های مختلف که مطرح شد؛ نسبت به این سامانه ها که به طور کوتاه اما گویا ارائه می گردد نیز مسئولیتی سنگین دارد.

1. سامانه توسعه: در بافت نظام و جامعه ایرانی، توسعه یافتگی هنگامی معنا می دهد و سامانه به شمار می آید که با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی مردم ایران متناسب بوده، بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی این ملت متکی باشد. نیز بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق افراد تأکید ورزد و جامعه را از امنیت اجتماعی و قضایی بهره مند گرداند.

2. سامانه دانش پیشرفته: بهره مندی ملت ایران از دانش پیشرفته، موجب می شود این ملت در تولید علم و فن آوری توانمند گردد که این امر خود مستلزم تکیه نظام و مردم به سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی است.

3. سامانه امنیت، استقلال و اقتدار: این سامانه گرچه در درون خود ابعاد سه گانه ای دارد، ولی این ابعاد، مکمل یکدیگر هستند و در ارتباط تنگاتنگ با همدیگر عمل می کنند و بدین ترتیب یک سامانه را تشکیل می دهند. تأمین این سامانه جز از راه توانمندی بر

ص: 276

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (ره)

ابعاد سامان های دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت امکان پذیر نمی شود.

4. سامانه سلامت و رفاه: بر اساس این سامانه، جامعه ایرانی باید در آینده ای نزدیک از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، ریشه کنی فقر، فساد و تبعیض و نیز محیط زیست مطلوب برخوردار باشد.

5. سامانه تعهد و مسئولیت پذیری: جامعه برجسته و متعالی مورد توجه سند چشم انداز، باید جامعه ای فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، و نیز برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، تعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران، و همچنین مفتخر به ایرانی بودن باشد.

6. سامانه بلندمرتبگی: دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن آوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، و نیز رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل، همه از آثار و لوازم پرداختن به سامانه بلندمرتبگی است که باید در روح و جان و کالبد جامعه ایرانی دمیده شود تا از هم اکنون آتیه درخشنده و والایی را در افق دید او قرار دهد و او را به تحقق چنین آرمانی برانگیزاند.

7. سامانه نوید بخشی و الگودهی: جامعه ایرانی از جنبه های گوناگون باید به گونه ای رشد یابد که فکر و حرکتش بتواند نویدبخش جوامع اسلامی در سطح جهان باشد. این جامعه باید به صورت مشخص، با تمام وجود الگوی برجسته ای از مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه امام خمینی رحمه الله به جهان اسلام ارائه دهد. بر اساس این سامانه است که به تدریج سنت اسوه بودن امت اسلامی برای جهانیان به منصفه ظهور خواهد رسید و اسلام و ارزش های اسلامی، جایگاه اصلی خود را در میان جوامع بشری باز خواهد یافت.

8. سامانه عزّت، حکمت و مصلحت در تعامل سازنده با جهان: ملت سربلند و پرافتخار ایران، هیچ گاه خود را در محدوده مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی یا در چارچوب اندیشه‌ها و سلیقه‌های قومی و ملی محبوس نمی‌کند، بلکه راه تعامل مؤثر و سازنده با جهان را همیشه به روی خود گشوده می‌یابد. به یقین امت اسلامی ایران بر اساس رهنمودهای قرآنی و معارف الهی و به اقتضای روحیه انقلابی خود، در برابر هرگونه تعاملی با جهان، به اصول عزّت، حکمت و مصلحت پای بند است و به هر قیمتی شده، نخواهد گذاشت این اصول خدشه دار شود.

آیا دستاوردهای معجزه‌گونه انقلاب؛ پشتوانه‌ای محکم برای گام دوم است؟

روزی بر این عالم، دو قطب پوشالی* در ادّعا عالی، در باطن تو خالی

حاکم بود و گویی، هر یک به تنهایی* می‌گفت منم حاکم، در کاخ رسوایی

(یکی لیبرال و همراه سرمایه* یکی کمونیست و شعار بی‌مایه)

شاه کثیف ما، با آن همه افساد* تابع غرب بود و با لیبرال همزاد

فرمانبر غرب و خار و خس ایشان* عصیانگر و خالی در حد یک طوفان

ما را به دست غرب محتاج و می‌پنداشت* خود را برای ما دردانه می‌انگاشت

هر فرد غربی که، آمد به خاک ما* ما را ذلیل و خوار، خود را چنان مولا

می‌دید و از ما ها، حق توحش خواست* یعنی که ما وحشی، او بوده است بی‌کاست

اما نمی‌دانست، گوید همی قرآن* هرکس شود بی‌دین، پست است و چون حیوان

تا این که روح الله، با شور و با ایمان* از عمق جان برخاست، آمد به این میدان

حرف امام این بود، انسان شده محزون* با کاخ استبداد، دلها شده پر خون

با تکیه بر ایمان، در پرتو قرآن* آگه نمود انسان، در غربت و پنهان

شاه ستمگر را، رسوا نمود آن یار* در کوی و هر برزن، در کوچه و بازار
کم کم شدند مردم، آگه ز استبداد* با حکم آن مولا، کردند قیام و داد
طاغوت عصیانگر، با حامیانی چند* کردند همه حيله، با زر و زور و پند
اما شه طاغوت، نابود شد و مغلوب* کاخ ستمکاران، ویران شد و منکوب
در وادی ایمان، مستکبر و شیطان* مایوس از طاغوت، گشتند همه حیران
گشت انقلاب ما، پیروز آن میدان* با وحدت و رهبر، در سنگر ایمان
حرف امام این بود، نه شرقی نه غربی(1)* راه خدا باشد، جمهور اسلامی
در واجبات حق، حفظ نظام اصل است* بر هر مسلمانی، گر چه که خود اهل است
پس ای عزیز من، تکلیف ما سخت است* هرکس کند تضعیف، دانی که بدبخت است
هم شرق و هم غربش، گردند همه نابود* این گفته حق رهبر و مولا بود

ص: 279

خواهی که تو هر روز، شوی چنان آرام *راه ولی در پیش، رها تو شو از دام

با وحدت امت، حفظ نظام هر آن *آید بر این ملت، در پرتو ایمان

تکلیف ما مردم در فتنه‌ی دوران *پرهیز از شبهه، در صحنه‌ی میدان

جان کلام این است، با وحدت و ایمان *در راه رهبر رو، با سر و هم با جان

تا که شوی آرام، از عمق روح و جان *راه ولی باشد، راه همان قرآن

مثنوی مزبور اگر چه با زبان عامیانه و با آهنگی خاص سروده شده است ولی حقایق بسیار بزرگی را مطرح می کند و آن افول قدرتهای استکباری عالم از یک طرف و ظهور انقلاب شکوهمند اسلامی از سوی دیگر است... حال پس از حدود چهل سال این انقلاب الهی توانسته علی رغم تمام دشمنی های استکبار جهانی کارنامه بسیار موفقی از خود به یادگار بگذارد؛ کارنامه ای که به جرات و بدون هر گونه تعصب باید گفت به حق می تواند الگوی عملی بسیار ارزشمند؛ برای تمام آزادی خواهان جهان مخصوصا مسلمین عالم باشد.

توضیح اینکه دستاوردهای انقلاب در زمینه های گوناگونی قابل پژوهش و بررسی هستند. اما با توجه به ماهیت دینی انقلاب اسلامی، آثار تربیتی و فکری آن بیش از همه اهمیت پیدا می کند. اگر انقلاب اسلامی فقط موجب ارتقای وضع معاش مردم شده و نوع حکومت را از استبدادی به نوعی دیگر، که قابل تحمل باشد تغییر می داد، چندان نمی شد بر کام یابی آن اصرار ورزید؛ زیرا از انقلابی که وصف لازم آن «اسلامی» است، انتظاراتی فراتر از این مدنظر هستند.

انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای بی‌همتا بود که از پیش، تحلیلی برای آن وجود نداشت و حتی مبانی و مقدمات شناخت آن از اندیشه‌های جدید، غایب بود. لذا تحول در نظریه پردازان انقلاب‌ها را به عنوان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی می‌توان معرفی نمود. چرا که وقوع انقلاب اسلامی در ایران با تکیه بر ایدئولوژی خاص، رهبری آگاه و مردمی پرشور نشان داد که این انقلابی جبری و به دور از اراده و تفکر نیست. بلکه پیامد اندیشه سیاسی خاصی است که حتی در شرایطی که نظریه پردازان انقلابهای جهان، امکان وقوع انقلاب را منتفی می‌دانند، می‌تواند تحول عظیم در ساختارهای مختلف جامعه به وجود آورد و نظامی دیرپا را که از حمایت‌های داخلی و خارجی برخوردار است به نابودی بکشاند.

شاید همین دور ماندن قدرت نهانی در اندیشه سیاسی شیعه از ذهن نظریه پردازانی چون اسکاچپیل موجب شد تا وقوع انقلاب‌ها را تنها در قالب انقلاب‌های روسیه، فرانسه و چین ارزیابی نماید و نقش ایدئولوژی و مکتب را در وقوع انقلاب انکار نماید. این مهم بود که موجب شد ساختار نظری، نظریه پردازان انقلاب فرو ریخته و آنها را به اعتراف وا دارد. از باب نمونه اسکاچپیل با نوشتن مقاله‌ای در سال 1982 با عنوان "دولت تحصیلدار و اسلام شیعه در انقلاب ایران" می‌نویسد: "اگر در واقع بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که عمداً و آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی توده‌ای ساخته شده است تا نظام پیشین را سرنگون سازد، به طور قطع آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. انقلاب آنها صرفاً نیامد، بلکه به صورت آگاهانه و منطقی ساخته شد. این انقلاب قابل توجه، همچنین مرا وادار می‌سازد تا به درک خود در قبال نقش بالقوه و محتمل سیستم‌های عقاید و ادراک‌های فرهنگی در شکل بخشیدن به کنش‌های سیاسی، عمق و وسعت بیشتری ببخشم. این انقلاب مطمئناً شرایط یک "انقلاب اجتماعی" را دارا می‌باشد. مع الوصف وقوع آن به ویژه در جهت وقایعی که منجر به سقوط شاه شدند انتظارات مربوط به علل انقلاب‌ها را که من قبلاً در تحقیق تطبیقی - تاریخی ام در مورد انقلاب

های فرانسه، روسیه و چین تکامل و توسعه بخشیده ام زیر سؤال برد. "1) البته کسانی مثل «آرنولد توین بی» به جایگاه معنویت در حیات و تمدن بشری نیم نگاهی انداخته و تهی شدن از معنویت را موجب زوال آن دانسته و معتقد بودند: تمدن آینده از جایی غیر از غرب باید سربر آورد. اما این مختصر برای انقلابی عظیم با آثار سرشار و جاری بسیارش، به هیچ وجه کافی نبود.

این انقلاب بر خلاف تمام ایسم های موجود در جهان و مکاتب مادی غرب؛ با بازگشت به حقایق فراموش شده فطری، دین را در منظر اندیشه بشری پررنگ و برجسته نمود و در دو سطح «ملّی» و «جهانی» چاره ای باقی نگذاشت، جز اینکه رویکردی نوین به دین، معنویت، انسان و جهان پدید آید. انقلاب اسلامی در حقیقت، نوعی اندیشه بر مبنای جهان بینی معنوی و متفاوت با علم و فناوری رایج بر پایه جهان بینی مادی از مغرب تاریخ حقیقت و مشرق جغرافیای گیتی به طلوع کشاند و انسان، جهان، جامعه و تاریخ را با روی و نمای الهی، موضوع دانش و اندیشه قرار داد.

آری از دستاوردهای بارز و مهم انقلاب اسلامی، دین گرایی و گرایش بنیادی به دین اسلام است. انقلاب اسلامی ایران در دوران جنگ سرد و در زمان حاکمیت مکتب های لیبرالیسم و کمونیسم بر دو نیمکره زمین پدید آمد. در این دوران، استعمار، دین را افیون جامعه می دانست و رویکرد ضددینی نیز در حکومت های منطقه تبلیغ و تشویق می شد. اما انقلاب اسلامی با گرایش بنیادین به دین اسلام توانست بزرگ ترین رویداد تاریخی قرن بیستم را بیافریند. گرایش عمیق و بنیادی مردم به دین و عرضه عملی مردم سالاری دینی از سوی جمهوری اسلامی ایران، از دستاوردهای مهم ایران در بعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می آید. نتیجه این رویکرد تأمین مبانی تازه ای برای دانش و فضاها و شیوه های دست نخورده ای برای پاسخ به فریاد خاموش درون و شکوفایی فطرت بشریت بوده است.

ص: 282

و صاحب نظران معتقدند که با آغاز عصر امام خمینی رحمه الله، دین و دین داری در همه جهان گسترش یافته و زنده شده است. از این رو، کلیساها جان تازه ای گرفتند و حتی مذهبی بودن در اروپا با ارزش تلقی شد. خلاصه اینکه عصر امام خمینی رحمه الله، عصر احیای دین و معنویت در جهان معاصر به شمار می آید. یکی از اندیشمندان اسلامی در این باره گفته است: «مهم ترین دستاورد حرکت امام خمینی، احیای دین و دین گرایی در جهان معاصر بود؛ به گونه ای که به برکت این حرکت، نه تنها پیروان دین اسلام، بلکه پیروان دیگر ادیان، از جمله مسیحیت نیز حیاتی دوباره یافته و در نتیجه دین و دین گرایی در سایر ملل نیز افزایش یافت».

مع الوصف ای عزیز بزرگوار، انقلاب اسلامی نمودار اندیشه ای معنوی است که می تواند رنجوری و ناتوانی علم و فناوری را در ساختن تمدن طلایی برای انسان ها برطرف کند. لذا دگرگونی در کیفیت حیات فردی و اجتماعی، اصلی ترین شاخص انقلاب اسلامی است که با گشودن راه هدایت و ایجاد معرفت متعالی و راستین، صورت واقعی خود را می یابد و بر آن می بالد. اندیشه معنوی و پاکی که از طریق انقلاب اسلامی در قلب تاریخ رسوخ کرد، منظری سبز و روشن به روی حیات بشری گشود که در چشم انداز آن، ظهور منجی جهانی بسیار نزدیک به چشم می آید.

آری از مهم ترین پیامدهای تاریخ ساز انقلاب اسلامی، اقبال مردم جهان به اسلام و دین به معنای عام است. رواج اندیشه های اسلام خواهی در بین مسلمانان، تقویت و تعمیق بیداری اسلامی، پدید آمدن جنبش های اسلامی در کشورهای عربی و خاورمیانه (1) و رشد اسلام گرایی در غرب و شرق دور، همه از کارکردها و رهاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه و تحولاتی است که در تفکرات مردمان و فراتر از جغرافیای سیاسی این انقلاب رخ داده اند. انقلاب اسلامی حتی سبب شد که پیروان ادیان دیگر به دین خود رویگردی تازه داشته باشند و با ایمان هر چه بیشتر به دین خود اقبال ورزند.

ص: 283

1- منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها، دفتر نشر و پخش معارف، 1380، ص 225-255.

جان نیزبیت و باتریشیا آبردین در کتاب دنیای 2000 می نویسند: «در آمریکا، نسلی که در طی دهه 1970 هرگونه مذهب سازمان یافته را مردود می شمرد، امروز همراه با فرزندان خود به نیایشگاه ها باز می گردد... یهودیان تجدیدنظر طلب، که پنجاه سال پیش هرگونه اشاره به رویدادهای ماورای طبیعی را از کتاب های دعا حذف کرده بودند، اینک ارجاع مجدد به معجزات، اسطوره ها و ظهور مسیح را در دستور کار خود قرار داده اند. مورمون ها (mormon) سال 1987 را به دلیل جذب 27400 گرونده جدید بهترین سال تاریخ 158 ساله خود اعلام کردند. جشنواره های محلی و ناحیه ای مذهب «شینتو» (shinto) در ژاپن همزمان با مراسم آیینی چرخه های زندگی و بازگشت به معابد، رونقی تازه یافته است.

... جوانان چینی و اتحاد شوروی (سابق) به رغم فضای ضد مذهبی مدارس خود، با کنجکاوی به مجامع مذهبی نظر دوخته اند و در نهایت، ریشه همه این تحولات را یافته و می نویسند: نوعی نیروی سیاسی توانمند بر اساس اصول گرایی اسلامی ایران، افغانستان و کشورهای عرب را فرا گرفته و طبقات متوسط غربی شده ترکیه و مصر را هم تحت تأثیر قرار داده است. (1) هارود رو کوکسی، یکی از مدرّسان الهیات دانشگاه «هاروارد»، می گوید: «پیشگویان سه دهه پیش تر، که خبر از عقب نشینی مذهب در برابر تجدّد می دادند، به هیچ وجه نمی توانستند روند احیای مجدد مذاهب را پیش بینی کنند.» (2)

شلوغ شدن کلیساهای، برگزاری همایش هایی در باب «رابطه علم و دین»، نظرسنجی هایی که نشان دهنده انفجار معنویت گرایی در متن تمدن غرب هستند، (3) علاقه والدین به افزایش آموزش های دینی در مدارس، توسعه انجمن های مذهبی و حتی ابراز دین داری و یاد خدا در نطق های انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا و رشد شاخص تولید و استقبال از فیلم هایی با موضوعات دینی و افزایش 20 درصدی چاپ کتاب های مذهبی در برابر

ص: 284

1- جان نیزبیت و پاتریشیا آبردین، دنیای 2000، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، 1378، ص 418 و 419.

2- همان، ص 419.

3- میراحمدرضا حاجتی، عصر امام خمینی، قم، بوستان کتاب، 1381، ص 75.

همه حاکی از رویاوری جهانی دین هستند. هفته نامه فرانسوی آبرواتر از قول آندره مالرو می نویسد: «قرن 21 یا وجود نخواهد داشت و یا قرن مذهب خواهد بود.» سپس می افزاید: «پیش بینی مالرو به حقیقت پیوسته است.»(2)

همچنین با پیروزی انقلاب اسلامی، دست قدرت های بزرگ از مداخله در امور ایران و سرنوشت آن قطع شد و ایران بر اساس ایدئولوژی و منافع ملی، نحوه تعامل و روابط با دنیای خارج را تعیین کرد و آن را به مرحله اجرا درآورد. عزت و اقتدار ملی باعث شد تا جمهوری اسلامی در عرصه روابط بین الملل و نهادهای بین المللی، به ویژه در تحولات منطقه ای، از جمله در تحولات فلسطین و عراق حضوری سازنده، مؤثر و مقتدرانه داشته باشد. نقشی که آمریکا با وجود خصومت و دشمنی با ایران، بارها مجبور به اعتراف آن شد و مقامات این کشور بارها تأکید کردند که نمی توان نقش ایران را در تحولات منطقه ای نادیده گرفت.

در هر حال، پرسش از چیستی و چرایی پیشرفتهای شگفت انگیز و دستاوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی در قلمرو اندیشه، دو پیامد ارجمند به دنبال دارد: الف) پاسخ به چیستی آن، گستره اثرگذاری انقلاب اسلامی در راستای اهداف اصیل و اولیه آن را تبیین می کند. ب) پاسخ به چرایی، راه شکوفایی و توسعه ثمربرداری در این عرصه را فراخ می سازد.(3)

در اینجا به دستاوردهای انقلاب اسلامی بصورت خاص از منظر امام خمینی رحمه الله اشاره می گردد:

ما عاشق و هم پیرو راه خداییم * ما راه حق را با ولایت می شناسیم

در راه حق باکی ز جان دادن نداریم * ما تابع روح خدا، فرمانده کل قواییم

ص: 285

1- همان، ص 85-97.

2- همان، ص 84.

3- حمید رضا سیف، ماهنامه / معرفت / شماره 98، ویژه نامه انقلاب اسلامی

1. شکستن ابهت پوشالی ابرقدرت ها

2. صف آراییی در برابر نمایش قدرت آمریکا: امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگ ترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آراییی نموده است.

3. انتقال وحشت از دل مظلومان به دل مستکبران: جمهوری اسلامی ایران... این هنر را کرده که بت های عظیم تخیلی را شکسته و رعب و وحشت را از دل مظلومان

برداشته و در دل ستمگران گذاشته است و این خود از یک ملت بی عده و عده کافی، معجزه ای است که به قدرت الهی تحقق یافته است.

4. باز کردن دریچه نور و امید در دل مسلمانان: بحمد الله از برکت انقلاب اسلامی ایران، دریچه های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است و می رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فروریزد.

5. الگوسازی برای ملت های مستضعف: خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است درهم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت های مستضعف نمود.

6. حمایت از مسلمانان آزاده: ما اعلام حمایت می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد.

7. همگرایی امت اسلام: یکی از بزرگ ترین نتایجی که ما از این نهضت می بریم و بردیم، همین مواجه شدن با برادرهایی است که در طول این مدت مواجه نشدیم. در این مجلس، الا بن برادرهای ایرانی، بحرینی، پاکستانی دور هم نشستیم و مشکلات خودمان را می توانیم بیان کنیم.

8. انتفاضه فلسطین: اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست ها مقاومت می کنند... شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیادی کشاند... آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت.

ب) حوزه معنویت و اخلاق: یکی از برکات این نهضت، قضیه تحول روحی در جامعه ما هست. من مکرر این را گفته ام که این تحول روحی که در اینجا پیدا شده است و این نهضت توانست این تحول روحی را ایجاد کند به خواست خدای تبارک و تعالی، از این پیروزی که نصیب ما شده است و دست اجانب را کوتاه کردیم و دست خیانتکارها را، اهمیتش بیشتر است. این تحولات روحی به این زودی برای یک شخص هم حاصل نمی شود تا برسد به گروه ها، تا برسد به سراسر یک کشور.

ب) حوزه سیاست و حکومت:

1. سقوط سلطنت ستم شاهی: برکات این نهضت زیاد بود. بزرگ ترین برکات، شکستن سد بزرگ شاهنشاهی و راندن دزدها و چپاولگران از مملکت و قطع ایادی شرک و نفاق و قطع ایادی چپاولگران و نفت خواران بوده. اینها برکاتی بود که به ما تاکنون رسیده است.

2. آزادی سیاسی: نعمت آزادی، بالاترین نعمتی است که بشر دارد. شما فاقد بودید این نعمت را. نمی توانستید یک کلمه حرف بزنید. نمی توانستید اینجا با هم مجتمع بشوید. امکان داشت برای شما قبلاً امکان داشت که ماها بنشینیم با هم صحبت کنیم؟ نمی گذاشتند کسی از این در داخل شود.... خدا به شما نعمت آزادی را داده و شما را در امتحان این آزادی قرار داده که ببیند که شما با این آزادی چه می کنید.

ص: 287

3. استقلال سیاسی: امروز ایران اسلامی به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقصاء مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگل های منحرف را از کشور خود کوتاه [کرد] و به هیچ قدرتی اجازه نمی دهد که کوچک ترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. (آری از دستاوردهای برجسته جمهوری اسلامی ایران در سال های گذشته، استقلال سیاسی نظام جمهوری اسلامی از بیگانگان و حفظ این استقلال با وجود تهدیدهای فزاینده داخلی و خارجی بوده است. انقلاب اسلامی ایران، خارج از اراده و معادلات سیاسی دنیای شرق و غرب شکل گرفت و به

پیروزی رسید و در ادامه حیات سازنده و مؤثر خود در عرصه بین الملل نیز مرهون این استقلال است.)

4. تأسیس حکومت اسلامی: ما در این انقلاب پیروزی های فوق تصور داشتیم و مظلومیت های زیاد. بزرگ ترین پیروزی، تحول یک رژیم دو هزار و پانصد ساله مستکبر و ستمگر به یک رژیم اسلامی [است] که در راه اسلام می خواهد قدم بردارد و ان شاء الله بردارد.

من و تو ما شده و همدل و همخانه شدیم * با ولایت شده و راهی میخانه شدیم

و حدتی با دل ناب و بصری با ره ناز * با سعادت شده و ساقی دردانه شدیم

5. قانون اساسی: قانون اساسی، یکی از ثمرات عظیم، بلکه بزرگ ترین ثمره جمهوری اسلامی است.

(ت حوزه دین:

1. تجدید حیات اسلام: منت خدای تبارک و تعالی را، که شما جوانان برومند از هر جا که هستید توجه به اسلام کردید و اسلام را در این عصر، در این عصر ظلمانی، در این عصری که همه ارزش ها به باد رفته بود، اسلام را زنده کردید.

2. احیای ولایت فقیه: ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است. (از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، تعیین نوع حکومت است؛ حکومت مبتنی بر اسلام و اندیشه ولایت فقیه. این مدل حکومتی، تفکر بسیار پیشرفته و نوینی است که همواره کارآیی خود را حتی

در بحران‌ها نشان می‌دهد. البته دشمن به اهمیت و

کارآمدی مدل حکومتی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه آگاه است. از این رو آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل با استحاله سیاسی و فرهنگی و ترویج اسلام آمریکایی، می‌کوشند این مدل حکومتی را تضعیف کرده، آن را به شکست بکشانند.)

3. زمینه‌سازی برای قیام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه): انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. در این راستا در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت ... جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد»

همچنین

در پیشی گرفتن ایران در خیلی از حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، پزشکی و منطقه‌ای و حتی جهانی موضوعی است که در بیانیه گام دوم انقلاب انعکاس یافته است، از سوی دیگر توقف و ایستایی و درجا زدن مورد نهی و هشدار رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است: «ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت»

چون شود راهم همان راه امام * با سر و جان می‌روم سوی همام

سوی آن یار خراسانی به نام * با بصیرت، با شعوری تام تام

در جای دیگر از بیانیه مصادیق رکوردها و پیشرفت‌ها و پیشی گرفتن‌ها را اینچنین بیان می‌کنند: «رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا

ص: 289

و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد و بسی و ویژگی های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت گیری های انقلابی و جهادی است»

بنابر این موضوع پیشی گرفتن و پیشتازی در عرصه های مختلف جهانی؛ در آموزه های دینی مورد توجه قرار گرفته است، قرآن مجید مؤمنان راستین را با دو ویژگی به هم پیوسته توصیف می کند: «أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (1)

در کارهای نیک سرعت می گیرند و در عین حالی که بر همدیگر پیشی می گیرند. خصلت سرعت و ویژگی «سبقت» هر گاه کنار هم قرار گیرند رکوردها شکل می گیرد، در جای دیگری قرآن از مؤمنان می خواهد که جلودار پرهیزکاران باشند: «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (2) خداوندا ما را پیشوا و جلودار تقوایندگان قرار ده. خطاب هایی مانند «سارعوا» و «فاستبقوا» و مانند آن نشان دهنده این معنا است که دین اسلام دین حرکت سریع و پیشتازی در همه امور و پروژه ها است... (3)

در ادامه مطالبی که تا کنون مطرح شد؛ یکی از مهم ترین بخش های بیانیه گام دوم انقلاب این قسمت است که در هفت بند بیان می کنند که دستاوردهای انقلاب چه بوده است و در انتها هم در هفت بند بیان می کنند که چه باید بکنیم. در هفت بند می گویند انقلاب اسلامی در این 40 سال چه به دست آورده و در هفت بند هم می خواهند بگویند در 40 سال آینده چه باید بکنیم. البته برای اینکه از این هفت بند که مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است، یادی شود، به پنج واقعیت اشاره می کنند. آن پنج واقعیت عبارتند از: 1) حکومت مردمی و مردم سالاری، 2) اراده ملی، 3) میدان داری جوانان، 4) روحیه و باور «ما می توانیم»، 5) تحریم دشمنان که حضرت آقا می فرمایند تحریم دشمنان باعث اتکا به دستاورد داخلی شد.

ص: 290

1- سوره مؤمنون، آیه 61

2- سوره فرقان، آیه 74

3- ابوالقاسم یعقوبی، تأملاتی پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب

در اینجا ابتدا با عنایت به روح کلی حاکم بر بیانیه به بیانی دیگر بصورت کلی به برخی از آثار، نتایج و دستاوردهای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سپس به افتخارت ارزشمند چهل سال انقلاب بنابر منابع معتبر داخلی و خارجی بصورت موردی و جزئی تر اشاره می گردد:

1. ثبات و حفظ تمامیت اراضی: ضمانت ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله... که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود...

2. حرکت آفرینی در موتور پیشران عرصه علم و فن آوری و تقویت زیرساخت های اقتصادی و عمرانی و...: پیشرفت شگرف در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، در حالی که ایران پیش از انقلاب در تولید علم و فناوری صفر بود. در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت. به گونه ای که جهش در عرصه های مزبور باعث می شود تا ثمرات بالنده ی آن روزه روز فراگیرتر گردد.

3. تقویت مشارکت مردمی: تضمین و به اوج رسانیدن مشارکت مردمی در امور سیاسی مثل انتخابات و مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی و استکبارستیزی، و در موضوعات اجتماعی مانند: کمک رسانی ها و فعالیت های نیکوکاری... (دیگر دستاورد مهم انقلاب اسلامی، مشارکت فعال مردم در همه صحنه هاست. این مشارکت، از نظر علمی مفهومی گسترده تر از مردم سالاری دارد که امروز غرب از آن دم می زند و سخن می راند. آزادی و مردم سالاری، از اهداف مهم مردم در

برپایی انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی نیز تبلور آرمان دیرینه ملت ایران به شمار می آید. در طول سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این انقلاب با حضور همه طبقات مردم توانست با بحران ها و چالش های فزاینده داخلی و خارجی مقابله کند و به حیات خود ادامه دهد.)

4. رشد سیاسی آحاد مردم؛ ارتقای شگفت آور بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین المللی، تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین المللی و خارج کردن این سطح، از انحصار طبقه ی محدود و عزلت گزیده ای به نام روشنفکر...

5. احیای عدالت محوری: احیاء مفهوم و کارکرد عدالت در ایران در همه سطوح؛ مفهومی که تا قبل از انقلاب و در رژیم طاغوت مشمول حال طبقه محدودی از جامعه می شد. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور. جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیت های جهان در جابه جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرفه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است.

6. معنویت افزایی و اخلاق گرایی: افزایش دادن چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه. مصداق هایی که بیان می کنند بسیار جالب است، مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس و روحیه برادری و ایثار که واقعا در آنجا بود. که چطور عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه بالا رفت. الان هم خانواده های مدافعان حرم را می بینید، باز هم همین احساس را دارند.

7. استقامت و استکبارستیزی: نماد پر ابّهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قُلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت کار، روزبه روز برجسته تر شد. (1) و اما ای عزیز بزرگوار:

در اینجا به دستاوردهای عمومی هم می توان بصورت تیتروار اشاره کرد: گسترش تأمین اجتماعی و انواع بیمه های حمایتی؛ گسترش بهداشت عمومی؛ افزایش صادرات غیرنفتی؛ توسعه کشاورزی و دامداری؛ ایجاد و توسعه صنایع مادر؛ سوادآموزی؛ ایجاد مراکز تولیدی - صنعتی؛ پرداخت بدهی های خارجی؛ توسعه عمران و آبادانی مناطق محروم؛ توسعه شبکه حمل و نقل کشوری؛ توسعه شبکه مخابراتی کشور؛ توسعه و گسترش بخش انرژی در تمام زمینه های گاز، برق، نفت (توسعه پالایشگاه ها) و انرژی هسته ای؛ توسعه بخش تعاون؛ تغییر ساختار و محتوای هنر و ایجاد مضامین والای انسانی در آن؛ رشد چشم گیر ادبیات کودکان و نوجوانان؛ تکوین و رشد ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات مقاومت؛ پیشرفت کمی و کیفی سینما؛ ایجاد و توسعه مجامع علمی و

ص: 292

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (با کمی تغییر)

مراکز تحقیقی و پژوهشی؛ گسترش مراکز آموزش عالی؛ گسترش فرهنگ قرآنی و...، بخش دیگری از دستاوردهای انقلاب اسلامی به شمار می آید.

البته ای عزیز بزرگوار، جمهوری اسلامی ایران، هم به دلیل ماهیت انقلابی و اسلامی اش و هم به دلیل قرار گرفتن در یکی از نقاط استراتژیک جهان، همواره مورد تهدید بوده است. لذا برای مقابله با این تهدیدات یک دولت قوی به مجموعه ای از مؤلفه ها نیازمند است که عمده ترین آن ها مشارکت سیاسی، توسعه اقتصادی، و وفاق اجتماعی است که این مؤلفه ها در سه اصل کلی «مشروعیت»، «ظرفیت سیاسی در مدیریت و مواجهه با موضوعات گوناگون» و «وحدت ملی» تبلور دارند. بحمدا...، در مؤلفه های مزبور، جمهوری اسلامی ایران از امتیازات خوبی برخوردار است؛ یعنی دارای حکومتی الهی و مردمی است و مجموعه کلان نظام آن گونه که تاکنون نشان داده، توانایی حل و مدیریت مسائل و بحران ها و مواجهه با تهدیدات را در بعد داخلی و خارجی دارد و از وحدت ملی خوبی برخوردار است. البته در مورد همه اینها آسیب هایی وجود دارد که مسئولان نظام و مردم انقلابی باید با بصیرت لازم همواره هوشیار و آماده باشند.

جمهوری اسلامی به لطف الهی چهل سال پر از افتخارات درخشان و شگفت آور پشت سر گذاشت. در این خصوص مقام معظم رهبری در عبارت دوازدهم در آغاز بیانیه گام دوم انقلاب می فرماید: به رغم همه این مشکلات طاقت فرسا جمهوری اسلامی، روز به روز گام های بلندتر و استوارتری روبه جلو برداشت. این چهل سال شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت های شگفت آور در ایران اسلامی است.

در همین راستا رهبر معظم انقلاب از «ما می توانیم» به عنوان یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران یاد می کنند و می فرمایند که مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما می توانیم که امام بزرگوار به ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه ها رسانید. می گویند مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی همین ما می توانیم است... در ادامه به برخی از آثار شگفت انگیز «ما می توانیم» در عرصه های مختلف اشاره خواهد شد.

حال در ارزیابی دستاوردها، باید ضمن توجه به اهداف، امکانات و موانع، به شاخص ها و آمارهای رسمی و معتبر رجوع شود. در غیر این صورت، ضمن سلب اعتماد مردم، امکان برنامه ریزی صحیح را نیز سلب خواهد کرد. در اینجا، به برخی از مهم ترین دستاوردهای (عمدتا اقتصادی) انقلاب اسلامی بنابر منابع معتبر و معمولاً جهانی اشاره می شود. این موفقیت‌های مهم و بزرگ که به برخی از آنها در ادامه اشاره خواهد شد؛ واقعاً باور کردنی نیست... اما... بدون تعصب باید اذعان و اعتراف شود که باور این همه پیشرفت ارزشمند و رتبه های جهانی به برکت انقلاب اسلامی با مدیریت جهادی به یک معجزه شبیه است. لذا خواهشمند است با دقت و تامل لازم مورد به مورد آنها را ملاحظه فرما و برای هر یک بارها و بارها شکر خالق منان را بجا آور. البته لازم به یاد آوری است که سعی بر این بوده تا موارد زیر از منابع معتبر جهانی اخذ شود. در ضمن

مستندات

آنها در برنامه 20 که فقط اشاره به جایگاه و رتبه های زیر 20 ایران در مسائل مختلف علمی، اقتصادی، سبک زندگی و ... دارد؛ موجود می باشد. همچنین فیلم های مستند هر یک از موارد بیست گانه زیر را برنامه 20 در فضای گرافیکی به صورت موشن گرافیک دو بعدی همراه با مستندات، اطلاعات و آمار ارائه نموده است:

1) رتبه های تکان دهنده و کم نظیر علمی کشور:

یکی از مراجع رتبه بندی علمی، نشریه معتبر علمی «نیوساینتیست» است که در انگلستان چاپ می شود و اولین شماره آن سال 1335 منتشر شد. دفتر مرکزی این مجله در لندن است و بعد از چاپ در انگلستان، در آمریکا و استرالیا نیز منتشر می شود. نیوساینتیست به طور مرتب گزارش هایی آماری در خصوص رشد علمی کشورهای مختلف جهان منتشر می کند. در گزارش سال 1389 نیوساینتیست، ایران سریع ترین نرخ رشد علمی جهان را داشت و به تعبیر این مجله، ایران پیشروترین کشور جهان در عرصه تولیدات علمی بود. نرخ رشد علمی در ایران، یازده برابر میانگین جهانی بوده و آمار و مستندات مربوط به این رشد علمی را نیز در پایگاه اطلاعاتی وب سایت علم (Web of Science) منتشر کرده است. مهم ترین بخش های توسعه علمی در ایران، بنا به این

ص: 294

گزارش‌ها، هوافضا، دانش هسته‌ای و پژوهش‌های پزشکی هم چون سلول‌های بنیادی و مسأله‌شبییه‌سازی ژنتیکی بوده است.

یونسکو،

سازمان علمی فرهنگی ملل متحد نیز در گزارش خود از پیشرفت علمی کشورهای جهان به نام «به سوی سال 2030» که آخرین ویراست آن در سال 1395 منتشر شد، نشان می‌دهد ایران برترین کشور از نظر دانش نانو تکنولوژی در منطقه و در سراسر جهان اسلام است و از نظر جهانی نیز بعد از چین، آمریکا، هند، کره جنوبی، آلمان و ژاپن، در رتبه هفتم قرار دارد.

اما مهم‌ترین بخش این گزارش، نتیجه‌گیری آن است. در نتیجه‌گیری گزارش مربوط به ایران، ناظران یونسکو به این نکته اشاره می‌کنند که نظام وحشتناک تحریمی که از سال 1390 بر ایران حاکم شده نه تنها باعث افت پیشرفت علمی نشده، بلکه برعکس، به علت کم شدن مراودات ایران با جهان، توجه ایرانیان را به بازارهای داخلی جلب کرده و باعث شده شرکت‌های دانش‌بنیان با محصولات محلی تقویت شوند.

جمهوری اسلامی ایران از سال 2008 تا 2018 نرخ رشد 10.99 را به خود اختصاص داده است، اگر چه دشمنان انقلاب اسلامی سعی می‌کنند تا دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف از جمله علمی را انکار کنند؛ اما آمار و واقعیت‌ها چیز دیگری می‌گویند. گزارش اخیر «ان اس اف» که در دسامبر 2019 منتشر شده نشان می‌دهد که ایران به رتبه 15 تولید علم ارتقاء پیدا کرده و در میان 15 کشور اول از رتبه اول تولید علم در جهان برخوردار است.

2) رشد بی نظیر کشور در قدرت نظامی:

برای رتبه‌بندی قدرت‌های نظامی جهان، سایت گلوبال فایرپاور هر ساله رتبه‌بندی معتبری را ارائه می‌کند که معیار رتبه‌بندی نظامی کشورها قرار می‌گیرد. شاخص‌های مورد نظر برای این رتبه‌بندی، عبارتند از: نیروی انسانی، منابع طبیعی، منابع لجستیکی، جغرافیا، منابع مالی، نیروی دریایی، نیروی زمینی و قدرت هوایی. این‌ها، هشت شاخص اصلی قدرت نظامی یک کشور هستند. داده‌های آماری این سایت از میان 136 کشور جهان در

ص: 295

سال 1397 نشان می دهد که ایران در سراسر جهان سیزدهمین قدرت نظامی است. در این رتبه بندی کشورهای آمریکا، روسیه، چین، هند و فرانسه پنج جایگاه اول را اشغال کرده اند. البته برای این رتبه بندی امکانات و تجهیزات مرتبط به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی مقاومت بسیج در نظر گرفته نشده است. بنا به آمار «مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی» که یک اندیشکده معتبر آمریکایی است، از نظر نیروی انسانی، ایران رتبه هفتم جهان را دارد. هم چنین قدرت موشکی یکی از نقاط برجسته توان نظامی ایران در سال های اخیر است. در سراسر جهان تنها 26 کشور دارای صنعت موشکی هستند که در بسیاری از این کشورها این صنعت بسیار محدود و فرعی است. اما در ایران وضع به شکل دیگری است. سایت نشنال اینترست، در 23 ژانویه 2015 مقاله ای منتشر کرد به نام «5 سلاح جنگی ایرانیان که آمریکا باید از آن ها بترسد» و در صدر این سلاح ها به موشک سجیل اشاره کرد. بنا به این مقاله، ابرت گیشس وزیر وقت دفاع آمریکا در جلسه استماع کنگره گفته بود، «این موشک، بردی بین 2000 تا 2500 کیلومتر دارد.» یعنی همه پایگاه های آمریکا در منطقه در برد این موشک قرار می گیرند و برای همین خطرناک ترین موشک برای آمریکایی ها شناخته می شود. اما همه پیشرفت های دفاعی ایران در موشک خلاصه نمی شود.

بنا به نشنال اینترست، خطرناک ترین سلاح ایران در دریاها، زیردریایی های کلاس غدیر است که می توانند تنگه هرمز را برای آمریکایی ها ناامن کنند. به نوشته این گزارش، آمریکا از سال 1355 تا به امروز، یعنی در یک بازه 45 ساله، 8 تریلیون دلار تاکنون برای امنیت تنگه هرمز خرج کرده و حالا ایرانیان با زیردریایی های غدیر به راحتی می توانند هر کشتی مورد نظر در این تنگه را در هر جای آن هدف قرار دهند. تحریم های ایران تاکنون موفق نشده تا مانع از پیشرفت های دفاعی ایران شود. برای همین است که وقتی برجام بر مبنای توافق در زمینه اختلافات هسته ای ایران با غرب امضا شد، رئیس جمهور بعدی آمریکا با هدف تعطیل کردن صنایع موشکی ایران، توافق قبلی را ملغا کرد به این امید که

ایران با تسلیم شدن در برابر شرایط جدید آمریکا، قدرت دفاعی خود را در منطقه تعطیل کند.

3) آموزش و پرورش کودکان:

سال 1355 از جمعیت بالای شش سال کشور، تنها 47 درصد باسواد بودند. سال 1395، تنها سه دهه پس از انقلاب، جمعیت باسوادان در ایران به حدود 88 درصد افزایش پیدا کرد. برای باسواد کردن یک جامعه و بالا بردن سطح آموزشی، زیرساخت های متعددی در یک کشور نیاز است که یکی از مهم ترین آن ها مدارس است.

تعداد مدارس کل کشور در سال 1355، 47 هزار و 47 مدرسه بود اما در سال 1390، این تعداد به 91 هزار و 830 مدرسه افزایش پیدا کرد. همچنین مدارس غیرانتفاعی نیز که بخش دیگری از بار آموزش را به دوش می کشند در قبل از انقلاب تنها 1536 مدرسه بود که پس از انقلاب به 13 هزار و 137 مدرسه افزایش پیدا کرد. از نظر آموزش دانش آموزان تیزهوش نیز در سال 1350 در سراسر کشور تنها دو مرکز برای آموزش استعدادهای درخشان وجود داشت اما در سال 1390 این تعداد به 670 مرکز رسید. همچنین برای دانش آموزان استثنایی و دارای معلولیت نیز پیش از انقلاب تنها 237 مدرسه وجود داشت اما تا سال 1397 این تعداد به یک هزار و 284 مدرسه افزایش پیدا کرده است. بخش دیگری از مدارس، که برای تحقق عدالت آموزشی و معمولا برای تامین تحصیلات دانش آموزان روستایی پیش بینی شده مدارس شبانه روزی هستند. در سال 1357، در سراسر کشور فقط 65 مدرسه شبانه روزی وجود داشت اما پس از انقلاب، این مدارس به 3 هزار و 100 مدرسه افزایش پیدا کرده است. برای دانش آموزان عشایری نیز مدارس عشایری در نظر گرفته شده است. از این مدارس در سال 1357 تنها 1900 واحد وجود داشت اما در سال 1397 تعداد این مدارس به 5800 واحد رسیده است و به جز این مدارس، در مناطق محروم نیز 966 مدرسه نمونه دولتی مخصوص فرزندان مستعد این مناطق اختصاص داده شده است.

این پیشرفت‌ها جمعیت تحت پوشش آموزش را در سطح کشور افزایش داده است. به عنوان مثال، در سال 1357 در میان کودکانی که در سنّ مدرسه قرار داشتند، تنها 60 درصد جمعیت این کودکان در مدارس مشغول تحصیل بودند و 40 درصد باقی مانده به مدرسه نمی رفتند یا به سرعت ترک تحصیل می کردند که همین نرخ بی سوادی در کشور را افزایش می داد. اما پس از انقلاب نزدیک به 100 درصد کودکان سنّ مدرسه، مشغول تحصیل در مدارس هستند و با وجود این که جمعیت روستایی و عشایری کشور بسیار کمتر از سال 1357 است اما جمعیت دانش آموزان تحت آموزش در این حوزه ها نسبت به آن سال دو برابر افزایش پیدا کرده است.

آموزش و پرورش و افزایش سواد دانش آموزان کشور از مقطع ابتدایی تا متوسطه یکی از مهم ترین دلمشغولی های چهل ساله اخیر مسولان بوده و یکی از موفق ترین زمینه های عملکرد مسئولین را می توان در چهاردیواری کلاس های درس و تخته سیاه جستجو کرد.

4) رتبه های کم نظیر جهانی در «اندازه بازار»:

انجمن جهانی اقتصاد پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شد و هدف خود را تضمین ثبات مالی کشورها، تسهیل تجارت بین المللی، توسعه آمار کار، رشد اقتصادی باثبات در کشورها و در نهایت کاهش فقر اعلام کرده است. اینک 189 کشور از جمله ایران عضو این سازمان هستند. این سازمان برای محاسبه وضعیت اقتصادی کشورها، از شاخصی استفاده می کند که به آن «اندازه بازار» می گویند. اندازه بازار هر کشور، یعنی کل محصولاتی که یک کشور برای عرضه به بازار و مشتریان تولید می کند. برای محاسبه اندازه بازار، سه شاخص وجود دارد: اندازه بازار داخلی، یعنی کالاهایی که در بازار داخلی عرضه می شود، اندازه بازار خارجی، یعنی کالاهایی که صادر می شود، و در نهایت سهم صادرات از کل تولید ناخالص ملی یعنی این که چه قدر از کل پولی که در داخل کشور تولید می شود محصول بازار خارجی است.

ایران به علت تحریم ها در دوران پس از انقلاب با مشکلات اقتصادی زیادی دست به گریبان بوده اما با این وجود پیشرفت های بسیاری نیز داشته است. ایران در صادرات

بسیاری از محصولات کشاورزی و دامی و صنعتی در جهان دارای رتبه ی برتر است. ایران در زمینه صادرات فرش دستباف، خاویار، زعفران، پسته و زرشک، رتبه اول جهانی را دارد. در زمینه تولید میوه های زردآلو، خیار و گردو، ایران در جهان رتبه دوم را دارد. در زمینه تولید هندوانه ایران رتبه سوم جهان را دارد. در صادرات بادام ایران کشور چهارم جهان است، در تولید پیاز رتبه ششم، و در تولید گوجه، مرکبات و پشم گوسفند رتبه هفتم جهان را داراست. هم چنین ایران هشتمین صادرکننده بزرگ سیمان در جهان است و به جز این در مجموع هشتمین رده جهانی را در میان تولید مرغ و میوه جات را داراست. حجم بالای تولیدات کشاورزی و دامی

در ایران، نشان می دهد که ایران آمادگی و ظرفیت تامین امنیت غذایی مردم را دارد.

با وجود این، محصولات کشاورزی و دامی در واقع کوچک ترین بخش اقتصاد ایران را در بر می گیرد. بنا به برخی از آمارها کشاورزی تنها 11 درصد از اقتصاد ایران را در بر می گیرد و دو بخش دیگر اقتصاد ایران، یعنی صنعت و خدمات، بسیار بزرگ تر و حجیم تر از بخش کشاورزی هستند. در بخش خدمات، مثلاً در زمینه گردشگری، ایران توانسته از سال 1370 تاکنون، 33 میلیون نفر به آمار گردشگران خارجی خود اضافه کند که از نظر میزان رشد جذب گردشگر، کشور هفتم جهان است.

در بخش صنعت نیز ایران در طی سال های اخیر با رشد چشمگیر 6.5 (شش و نیم) درصدی در صادرات محصولات پتروشیمی همراه بوده است. 2.5 (دو و نیم) درصد بازار جهانی کودهای نیتروژنی، بیش از 3 درصد بازار اتیلن جهان، 4 درصد بازار اوره جهان، 4 درصد بازار سولفور و نزدیک به 4 درصد بازار آمونیاک جهان در اختیار ایران قرار دارد. با توجه به همین حضور ایران در بازارهای خارجی و داخلی، انجمن جهانی اقتصاد در سال 1395 حجم بازار ایران را در رتبه نوزدهم جهانی قرار داد.

5) ایران بالاترین کشور در شاخص توسعه انسانی:

محاسبات ریاضی شاخص های انسانی کمی پیچیده است. اما عناصری مانند عمر طولانی، زندگی سالم از نظر بهداشتی، شاخص آموزش و تحصیلات، و استاندارد یک

زندگی آبرومندانه، در داخل شاخص های انسانی مد نظر است. مجموع این پارامترها طی محاسباتی کنار هم قرار می گیرد و عددی را به دست می دهند که عدد شاخص توسعه انسانی نامیده می شود. این شاخص ها توسط دفتر توسعه سازمان ملل برای سنجش کیفیت زندگی ملت های مختلف جهان به کار گرفته شد. امید به زندگی، بهداشت، نظام آموزشی و درآمد. میانگین این ها یکی از جامع ترین معیارها برای مقایسه توسعه یافتگی کشورها را به دست می دهد. میانگین پیشرفت ایران در سال های پس از انقلاب نیز محاسبه شده است. بنا به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، در فاصله

سال های 1358، یعنی درست سال اول تشکیل جمهوری اسلامی تا سال 1395، این میانگین روی هم رفته، رتبه اول میزان رشد شاخص توسعه انسانی را به خود اختصاص داده است. یعنی در طی 4 دهه بعد از انقلاب، هیچ کشوری به اندازه ایران نتوانسته شاخص توسعه انسانی را افزایش دهد. میانگین رشد شاخص توسعه انسانی در جهان، بین 69 تا 73 صدم درصد بوده است. رشد ایران، از دوبرابر متوسط جهانی هم بیشتر بوده و سالانه یک و شش صدم درصد توسعه را نشان می دهد. اما این میزان رشد شاخص را نشان می دهد. کمبودها چطور؟ یعنی ایران تا چه حد موفق شده کمبودهای شاخص توسعه را جبران کند؟ بنا به گزارش فاینانشال تریبیون که در 30 اردیبهشت 1395 منتشر شد، از نظر جبران کسری این شاخص ها نیز ایران بعد از کره جنوبی در رتبه اول جهان قرار دارد. یکی از نکاتی که در این گزارش به آن اشاره شده، بیمه عمومی در ایران است. بنا به این گزارش، 700 هزار نفر که به علت فقر از پس هزینه های درمانی بر نمی آمدند توسط پوشش بیمه ای در کشور درمان شدند. باید به یاد داشت حتی در کشوری مانند آمریکا نیز بیمه همگانی هنوز وجود ندارد. باراک اوباما سعی کرد یک بیمه محدود برای 40 میلیون نفر از جمعیت 300 میلیون نفری آمریکا درست کند که با مخالفت شدید گروه های مختلف سیاسی و کارتل های بزرگ اقتصادی روبرو شد. تا سال 1388 هر سال 45 هزار بیمار آمریکایی به علت نداشتن بیمه درمانی از بین می رفتند. شرکت های داروسازی در آمریکا هزینه های درمان را برای نفع خود همواره بالاتر نگه می دارند. در ایران اما دولت خود وضعیت داروهای ضروری و بیمه همگانی را به

عهده گرفته است. این باعث شده که امید به زندگی در کشور افزایش یابد. به گزارش فاینانشال تریبیون، سال 1358، یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امید به زندگی در میان مردم ایران، فقط 54 سال بود. یعنی میانگین سنی که یک ایرانی عمر می کرد 54 حساب می شد که با کشورهای بحران زده و جنگ زده آفریقایی قابل قیاس است. اما در طی سال های پس از انقلاب این رقم رشد کرده و در سال 1393 به بیش از 75 سال رسیده است که به استاندارد کشورهایمانند ژاپن و کره نزدیک می شود. با این وجود، این واقعیت ها همواره از سوی رسانه های اصلی جهان کنار گذاشته می شود و به آن اشاره نمی شود چرا که ایران در اردوگاه غرب نیست و بنابراین هدف نه افزایش رضایت عمومی که ایجاد احساس نارضایتی است.

6) تولید ناخالص ملی «مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان»:

تولید ناخالص ملی، یعنی این که کل ارزش فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی طی یک دوره زمانی مشخص، که معمولاً یک سال مالی است، چه اندازه بوده است؟ یعنی اقتصاد کشور در طی یک سال چه اندازه ثروت تولید کرده است. تولید ناخالص ملی یکی از شاخص های مهم برای ارزیابی و رتبه بندی اقتصادی کشورهاست. شاخص دیگر، برابری قدرت خرید است. این شاخص یعنی با توجه به ارزش پول ملی، نسبت هزینه های دو سبد کالای یکسان در دو جامعه مختلف چه اندازه است. مثلاً شرکت زنجیره ای مک دونالد در آمریکا که بزرگ ترین تولیدکننده همبرگر در جهان است و در اکثر کشورها شعبه دارد، اگر این همبرگر در آمریکا دو دلار و در انگلیس سه دلار قیمت خورده باشد، معنایش این است که قدرت خرید مردم آمریکا برای همبرگر مک دونالد بیشتر از قدرت خرید مردم انگلستان است. در واقع تولید ناخالص ملی کشورها به این ترتیب بر اساس برابری قدرت خرید سنجیده می شود یعنی با مجموع پولی که در طی یک سال مالی در یک کشور به خصوص تولید شده، مردم آن کشور چقدر قدرت خرید بالایی دارند. اسم این شاخص هست: تولید ناخالص ملی بر اساس برابری قدرت خرید.

دو منبع برای آمار و رتبه بندی این شاخص در جهان بیشتر از باقی منابع اهمیت دارد. اولی، صندوق بین المللی پول است که به علت این که خودش نیز به کشورهای مختلف پول قرض می دهد بسیار برایش مهم است که وضعیت این کشورها چیست و آیا توان پس دادن وام ها را دارند یا خیر. بنابراین سعی می کند ارزیابی دقیقی از وضعیت اقتصادی کشورها داشته باشد. دومین منبع نیز بانک جهانی است که هم

خودش به علت این که در فعالیت های اقتصادی و وام به کشورها نقش دارد، سعی می کند با دقت زیادی تولید ناخالص داخلی را بر اساس برابری قدرت خرید در کشورهای مختلف ارزیابی کند.

آخرین

آمار صندوق بین المللی پول به سال 1396 برمی گردد که در آن چین رتبه اول جهان را دارد و پس از آن به ترتیب کشورهای آمریکا، هند، ژاپن، آلمان و روسیه قرار می گیرند. در این رتبه بندی، ایران در مقام هجدهم جهانی و بالاتر از کشورهای استرالیا و تایلند قرار گرفته است. آمار بانک جهانی، آخرین بار در سال 1395 منتشر شد که در آن پنج رتبه اول، از آن چین، آمریکا، هند، ژاپن و آلمان بود. در این آمار اما رتبه ایران تغییری نکرده و ایران در مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان قرار دارد. این آمار را در حالی باید در نظر گرفت که ایران برخلاف همه این کشورها در شرایط عادی اقتصادی قرار ندارد بلکه جنگ اقتصادی و تحریم از سوی غرب علیه ایران در جریان است و رسانه های غربی نیز تصویری ویران از اقتصاد ایران برای ایرانیان ترسیم می کنند.

(7) توسعه های خیره کننده در صنایع دانش بنیان:

صنایع دانش بنیان، فناوری های جدیدی هستند که بر پایه علوم جدید ساخته می شوند و در واقع آینده توسعه فناوری ها در جهان را تشکیل می دهند. یکی از این فناوری ها، فناوری فضایی است. کشورهای پیشرفته برای گسترش سفرهای فضایی به سیارات جدید و خصوصا مریخ و استفاده از منابع سیارات در حال برنامه ریزی هستند. از میان 195 کشور در جهان، فقط 11 کشور دارای فناوری پرتاب ماهواره به فضا هستند، که مرحله مورد نیاز برای رسیدن به فناوری ارسال انسان به فضا و اکتشافات فضایی است. هم چنین تنها شش کشور در جهان تاکنون موفق شده اند به فضای خارج از جو موجود زنده بفرستند به نحوی

ص: 302

که موجود زنده سالم به زمین برگردد. پس از انقلاب، با فعالیت گسترده دانشمندان هوافضای کشور، ایران، هم در میان 11 کشور دارای فناوری پرتاب ماهواره به شکل بومی قرار دارد، و هم در میان شش کشوری که با موفقیت موجود زنده به فضا پرتاب کرده و به زمین برگردانده اند.

اما یکی از دیگر حیطه های صنعت دانش بنیان که ایران در آن پیشتاز است، صنعت هسته ای است. در این صنعت، که آینده انرژی کشورهای جهان را شکل می دهد و از آن در زمینه های دیگری هم چون پزشکی، کشاورزی و صنعت نیز بهره گرفته می شود، در سراسر جهان، پیش از این فقط 13 کشور وجود داشتند که فناوری چرخه کامل سوخت هسته ای یعنی از مرحله اکتشاف اورانیوم تا استخراج آن از معدن، تولید کیک زرد و تبدیل آن به گاز یو.اف.6 را در اختیار داشتند. ایران چهاردهمین کشور دنیاست که این فناوری را با توان دانشمندان و متخصصین داخلی به دست آورده و اینک چرخه کامل سوخت هسته ای را در اختیار دارد.

یکی دیگر از حیطه های صنعت دانش بنیان، حیطه سلول های بنیادی است. سلول های بنیادی برای تولید اعضای بدن و شبیه سازی ژنتیکی موجودات استفاده می شود. متخصصین ایرانی از پیشگامان حیطه سلول های بنیادی در جهان هستند. در سطح جهانی ایران بعد از آمریکا رتبه دوم گسترش و تحقیقات دانش سلول های بنیادی را به عهده دارد و پس از ایران، کشورهای کره جنوبی، استرالیا، چین و اسپانیا قرار دارند. هم چنین در سال 1396 ایران از نظر تولیدات زیست فناوری در رتبه 13 جهان و در رتبه نخست منطقه قرار گرفت. تولیدات زیست فناوری شامل محصولات تکنولوژیک است که از طریق دانش زیست شناسی و شناخت ارگانیسم های زنده توسعه می یابد.

به جز این سه حیطه اصلی صنایع دانش بنیان، حیطه های دیگری نیز هستند که دانشمندان ایرانی در آن زمینه ها در حال پیشرفت هستند. در صنعت نانو تکنولوژی ایران رتبه ششم جهانی را در اختیار دارد و در آینده یکی از کشورهای مطرح در زمینه فناوری نانو است. این پیشرفت ها محصول رشد علمی ایران است که از سال 1374 تاکنون، از

نظر میزان رشد علمی، رتبه اول جهان را در اختیار دارد. در رشته های کامپیوتر، ریاضیات و پزشکی، ایران در میان بیست کشور برتر دنیا قرار دارد و این پیشرفت ها در حال تغییر چهره صنعت در ایران هستند.

(8 شاخص جینی «توزیع ثروت عادلانه بهتر از آمریکا، روسیه و...»:

تولید ناخالص ملی یک کشور ممکن است زیاد باشد. یعنی حجم زیادی پول در طول یک سال در داخل یک کشور تولید شده باشد. اما این پول زیاد، ممکن است به شکل عادلانه و برابر تقسیم نشده باشد. اقتصاددانان برای محاسبه این که توزیع ثروت در میان مردم به چه صورتی انجام پذیرفته نیز فرمولی ابداع کرده اند که می تواند اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی کشورها را اندازه گیری کند. این شاخص نخستین بار توسط یک جامعه شناس و متخصص آمار ایتالیایی به نام کورادو جینی [Corrado Gini] اختراع چاپ شد. امروزه مهم ترین منبع محاسبه و استخراج شاخص جینی کشورها، بانک جهانی است. بانک جهانی که پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شد، یک سازمان مالی بین المللی است که برای حفظ تعادل مالی در جهان ساخته شده و با پرداخت وام به کشورهای دارای صلاحیت سعی می کند اوضاع اقتصادی دنیا را کنترل کند. این سازمان هدف خودش را کاهش فقر اعلام کرده است. شاخص جینی به این سازمان کمک می کند تا چشم انداز توزیع ثروت در کشورهای مختلف را با دقت بیشتری شناسایی کند. فرمولی که برای شاخص جینی به کار می رود، عددی را به عنوان خروجی می دهد که هر چه به صفر نزدیک تر باشد نشان می دهد که اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در کشور کمتر است و هر چه این عدد از صفر به سمت بالا میل کند، معنای آن این است که ثروت در کشور به شکلی نامنسجم و ناعادلانه توزیع می شود.

سال هاست که کشورهایی مانند سوئد و نروژ بهترین وضعیت از نظر ضریب جینی را دارند یعنی توزیع ثروت در این کشورها به شکلی عادلانه و همگون تر صورت گرفته است. علت این امر در چنین کشورهایی معمولاً کم شدن فساد اقتصادی با وجود نظارت های قوی دولت، پرداخت منظم مالیات ها از سوی شهروندان و صنایع بزرگ خصوصی، کاهش

نرخ بیکاری و تحت پوشش گرفتنِ بدنهٔ اجتماع ذیل چترهای حمایتی نظیر بیمه های کار یا بیمه های بهداشت و سلامت است. اما در این میان وضعیت ایران چیست؟

سال 1344 عدد ضریب جینی در کشور، بیش از نیم (پانصد و دو هزارم) بود. در دههٔ پنجاه نیز با افزایش بی سابقهٔ قیمت نفت، این عدد به 0.495 (چهارصد و نود و پنج هزارم) رسید و فقط در مدت کوتاهی پس از آن به 0.42 (چهل و دو صدم) نزدیک شد. اما در طی چهل سال پس از انقلاب اقتصاد کشور موفق شد عدد شاخص جینی را در کشور از بالای 0.4 (چهار دهم) به 0.3736 (سه هزار و هفتصد و سی و شش) در سال 1392 برساند. این آمار وضعیت ایران را از نظر عادلانه بودن توزیع ثروت و کاستن شکاف طبقاتی، بهتر از کشورهای برزیل، شیلی، مالزی، آرژانتین، چین، قطر، آمریکا، روسیه و ترکیه نشان می دهد. این یعنی این که در طول چهل سال پس از انقلاب، سیاست گذاری های اقتصادی با وجود همهٔ مشکلات، در مسیر کاهش شکاف طبقاتی و توزیع عادلانه تر ثروت بوده است.

(9) رشد عجیب در شاخص انرژی:

شاخص توسعهٔ انرژی، اسم یک فرمول اندازه گیری جهانی است که قرار است میزان اثرگذاری انرژی در کشورها در جهت توسعهٔ انسانی آن ها را اندازه بگیرد. یعنی این که کشورها تا چه اندازه توانسته اند از انرژی برای بهتر کردن زندگی مردم استفادهٔ حداکثری را بکنند. این شاخص را آژانس بین المللی انرژی یا IEA طراحی کرده است. چهار عنصر مهمی که این شاخص اندازه می گیرد، میانگین مصرف انرژی تجاری، میانگین مصرف برق مسکونی، سهم سوخت های مدرن و در نهایت سهم جمعیت دارای دسترسی به برق است. بنا به اعلام آژانس بین المللی انرژی، جمهوری اسلامی ایران توانسته رتبهٔ دوم شاخص توسعهٔ انرژی در سراسر جهان را به دست بیاورد.

مقایسهٔ وضعیت برق رسانی در ایران پیش از انقلاب و پس از انقلاب می تواند ابعاد این تحول را روشن کند. در سال های پیش از انقلاب، فقط 4350 روستا در سراسر کشور برق داشتند. بعد از انقلاب اما در اتفاقی بی سابقه 99 درصد جمعیت روستایی در 52 هزار و

520 روستا صاحب برق شدند؛ عددی که 12 برابر تمام دوران پیش از انقلاب بوده است. همچنین پس از انقلاب، برای اولین بار بود که تمام شهرهای ایران صاحب برق می شدند.

البته همه چیز فقط انرژی برق نیست. در زمینه گازرسانی نیز همین مساله وجود داشت. با این که گاز در همان دوران مظفرالدین شاه قاجار کشف شد، اما دولتمردان ایران تا سال 1344 به فکر استفاده از آن نیفتادند. تازه بعد از آن نیز نه تنها در روستاها که حتی در شهرها هم گاز توزیع نشد. در سراسر ایران فقط 50 هزار خانه و آن هم در 5 شهر کشور گاز طبیعی داشتند. اما در سال های پس از انقلاب، میزان گازرسانی از 50 هزار خانوار به 14 میلیون خانوار افزایش پیدا کرد یعنی 280 برابر بیشتر شد. همچنین برای اولین بار بود که به روستاها نیز گاز داده شد و اینک بیش از 10 هزار روستا دارای گاز هستند.

ایران همچنین توانسته از گاز به عنوان سوخت خودرو نیز بهره بگیرد و به این ترتیب از محیط زیست و سلامت شهروندان نیز پاسداری کند. سال 1380، ایران با دو میلیون و 860 هزار خودرو گازسوز، رتبه اول در ناوگان خودروهای گازسوز جهان را در اختیار داشت و هنوز هم یکی از کشورهای عمده در زمینه خودرو گازسوز به شمار می آید. نحوه استفاده از انرژی در ایران بعد از انقلاب، شیوه زندگی مردم را متحول کرده است؛ این همان چیزی است که شاخص توسعه انرژی در پی کشف و اندازه گیری آن است.

10 رتبه های بی سابقه و استثنایی در صنعت و معدن:

جمهوری اسلامی ایران امروز در زمینه های مختلف صنعت و معدن در حال پیشرفت است. بنا به آمار سازمان زمین شناسی آمریکا و نیز سازمان زمین شناسی انگلستان، در زمینه معدن، ایران بزرگ ترین تولید کننده فیروزه جهان و سومین تولید کننده بزرگ گچ در جهان است. هم چنین در زمینه تولید سنگ های تزئینی و ساختمانی نیز ایران سومین تولید کننده بزرگ جهانی است. در تولید آهن، ایران رتبه هشتم جهان را دارد و از نظر تولید مس نیز ایران دوازدهمین تولید کننده بزرگ مس در جهان محسوب می شود. در تولید فلز روی نیز ایران رتبه چهاردهم جهانی را دارد.

اما محصول استراتژیک فولاد از محصولاتی است که در جهان به عنوان صنعت مادر شناخته می شود و از میان 195 کشور جهان، کمتر از 70 کشور توانایی تولید فولاد دارند. کشورهایی که صنعت فولاد ندارند امکان پیشرفت ندارند و در بهترین حالت نسبت به کشورهای که تولیدکننده فولاد هستند وابسته می شوند. پیش از انقلاب، برای دهه ها آمریکا و اروپا به شاه اجازه تولید فولاد نمی دادند و می گفتند ایران نیازی به صنعت فولاد ندارد. این شوری ها بودند که اولین بار در ایران کارخانه فولاد ساختند اما کارخانه به علت مدیریت نادرست در دوران پهلوی نتوانست به میزان تولید قابل توجهی برسد. بعد از انقلاب ناگهان تولید فولاد در ایران رشد کرد و در جهشی شگفت انگیز به 18 برابر متوسط جهانی رسید. امروز، ایران سیزدهمین تولیدکننده بزرگ فولاد در جهان است.

یکی دیگر از صنایع پایه ای برای ایجاد زیرساخت های عمرانی در هر کشوری، صنعت سیمان است. کشورهایمانند چین و آمریکا در صدر تولیدکنندگان سیمان جهان قرار دارند. از این نظر نیز ایران با پیشرفتی شگفت انگیز در سال های بعد از انقلاب، بنا به آمار سایت راهنمای سیمان جهان، توانسته هشتمین تولیدکننده بزرگ سیمان جهان در سال 1397 باشد. البته سازمان زمین شناسی آمریکا رتبه ایران را رتبه یازدهم جهانی می داند که باز از نظر میزان تولید در میان بالاترین کشورهای تولیدکننده سیمان جهان قرار دارد.

هم چنین ایران در تولید آلومینیوم نیز پیشرفت های بی سابقه ای کرده است. در جهان صنعت، بعد از آهن، آلومینیوم به عنوان پرکاربردترین فلز جهان شناخته می شود. ایران در سال 1393 جایگاه نوزدهم تولید آلومینیوم جهان را داشته است. هم چنین ایران در جمع 26 کشور تولیدکننده اکسید آلومینیوم در جهان قرار دارد. عمده تولیدکنندگان اکسید آلومینیوم، آمریکا، کانادا و کشورهای صنعتی اروپایی در کنار چین و ژاپن هستند.

هم چنین از سال 1391 صنعت هوانوردی ایران، شامل خطوط هوایی، ایمنی پرواز و دیگر مسائلی که در امتیازدهی به صنعت هوانوردی یک کشور موثر است، از بین 147 کشور جهان که دارای این صنعت هستند در رتبه دهم جهانی قرار گرفت که در آن سال یک رتبه بالاتر از آمریکا بود. واقعیت آن است که خطرناک ترین کشورها از نظر صنعت

هوانوردی با بیشترین آمار سقوط هواپیما و تلفات هوایی عبارتند از ایالات متحده آمریکا، روسیه، برزیل، کانادا و کلمبیا. نام ایران حتی در میان بیست کشور دارای بیشترین میزان سقوط هواپیما نیز وجود ندارد.

11) رتبه های باور نکردنی در صنعت خودرو:

195 کشور در جهان وجود دارند. از این تعداد، فقط 55 کشور صنعت خودرو قابل توجه دارند. از این 55 کشوری که دارای صنعت خودرو هستند، تنها بیست کشور است که سالانه بیش از یک میلیون دستگاه خودرو تولید می کنند و ایران در سال 1396 با تولید بیش از یک میلیون و پانصد هزار خودرو در سال، در رتبه شانزدهم جهانی تولید خودرو قرار دارد. صنعت خودرو در ایران، بعد از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، سومین صنعت بزرگ کشور است که 10 درصد تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده و 4 درصد کل نیروی کار کشور معادل 700 هزار نفر در این صنعت مشغول کار هستند. در زمان پهلوی، در ایران سالانه فقط حدود 35 هزار خودرو تولید می شد. اما پس از انقلاب و در دهه شصت، تولید خودرو به 161 هزار دستگاه در سال رسید. اما در دهه هشتاد، صنعت خودرو ایران در جهش ناگهانی به بیش از 817 هزار دستگاه در سال 1384 رسید و سرانجام برای اولین بار در سال 1387 از سقف یک میلیون دستگاه عبور کرد. صنعت خودرو در ایران چنان گسترده شد که در دهه 80 از نظر میزان رشد تولید در رتبه پنجم جهانی پس از چین، تایوان، رومانی و هند قرار گرفت.

سال 1386، میزان صادرات خودرو ایران، حدود 500 میلیون دلار در سال بود اما در سال بعد، سال 1387 صادرات خودرو ایران به کشورهای خارجی با دوبرابر افزایش به یک میلیارد دلار رسید. همچنین از سال 1391 پلتفرم ها و طراحی های داخلی برای تولید خودرو به مرحله عمل رسیده است. صادرات خودرو در ایران توانسته صنایع دیگری را هم تکان دهد. امروزه حدود 1200 شرکت با نزدیک به 15 هزار کارخانه به تولید قطعات خودرو مشغول هستند و از نظر صادرات نیز، 39 کشور خارجی خریدار قطعات خودرو از ایران هستند. هم چنین بنا به آمار سال 1393 ده واحد تولیدی تایلر در کشور مشغول به

فعالیت هستند که سالانه 240 هزار تن تایر تولید می کنند، رقمی که 70 درصد نیاز داخلی تایر را پوشش می دهد. اما به جز صنایع جانبی، دانشگاه ها و علوم نیز درگیر صنعت خودرو شده اند.

صنعت نانو تکنولوژی نیز برای پیشرفت خودروهای ایرانی فعال شده و متخصصان این عرصه برای تولید قطعاتی هم چون صندلی های ضدباکتری، رنگ مقاوم در برابر خراشیدگی، شیشه های آب گریز، فیلترهای هوای بدون نیاز به تعویض، داشبوردهای ضدلکه و محصولاتتی از این قبیل به کار می آیند. متخصصین نانو تکنولوژی هم چنین در سال 1390 روغن موتور تولید کرده اند که فرسایش موتور، مصرف سوخت و دمای موتور را کاهش می دهد.

از سال 1395 پژوهش های علمی در ایران برای ساخت خودروهای بدون راننده نیز آغاز شده است. هم چنین با تولید گسترده موتورهای گازسوز برای جلوگیری از آلودگی هوا، در سال 1389 ایران رتبه دوم جهانی را در تولید خودروهای گازسوز به دست آورد.

12 ارتقاء خیره کننده در فناوری ارتباطات:

سال 1265 هجری-شمسی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، برای اولین بار تلفن به ایران آمد. این تلفن، یک رشته سیم بود که بین تهران و حضرت عبدالعظیم در ری کشیده شده بود و نزدیک 8 کیلومتر طول داشت. سال 1287 وزارت پست و تلگراف تاسیس شد و از سال 1302 قراردادهای احداث خطوط تلفن زیرزمینی با شرکت های زیمنس و هالسکه بسته شد. سه سال بعد، سال 1305، اولین تلفن نسل جدید با 2300 رشته کابل در اکباتان تهران آماده بهره برداری شد.

از 1265 که اولین بار تلفن به ایران آمد تا 1357 که انقلاب اسلامی پیروز شد، در 92 سال حکومت های قاجار و پهلوی، جمعا 850 هزار شماره تلفن در سراسر کشور به وجود آمد. این در حالی بود که از سال 1357 تا 1396، تعداد خطوط ثابت تلفن در کشور به بیش از 30 میلیون شماره رسیده بود یعنی در ظرف چهل سال به اندازه 35 برابر 92 سال پیش از آن، در کشور توسعه خطوط تلفن انجام شد.

قبل از انقلاب، فقط 312 روستا خط تلفن داشتند که البته صرفاً به معنای ایجاد خط ارتباط تلفنی بود و نه این که به خانه های روستایی خط تلفن داده شده باشد. بعد از انقلاب اما به 48 هزار و 958 روستا، تلفن خانگی داده شد و روستاهای دارای ارتباط نیز به 55 هزار و 135 عدد رسید که 176 برابر کل دستاوردهای پیش از آن در این زمینه بوده است.

اما فناوری تلفن همراه سال 1372 به ایران آمد. امکان ارسال پیامک در ایران در سال 1381 اضافه شد. از آن زمان، دولت های مختلف جمهوری اسلامی سعی کرده اند تا از نظر فناوری ارتباطی نیز ایران را به روز نگه دارند. امروز در ایران 74 میلیون نفر تلفن همراه دارند که از این نظر کشور ما در جهان رتبه 22 جهانی را دارد. فناوری تلفن همراه موجب شده تا سرویس تلفن بی سیم به روستاهای صعب العبور نیز رسانده شود. سرویسی به نام دبلیو ال ال (WLL) که تا سال 1396 یک میلیون و 511 هزار و 933 روستا با آن به شبکه مخابرات کشور متصل شده اند.

اینترنت عمومی هم از سال 1372 وارد کشور شد و ابتدا استفاده های دانشگاهی داشت. از 1374 اما کاربران عمومی از طریق همان خطوط تلفنی که در سراسر کشور توزیع شده بود توانستند برای اولین بار به شبکه جهانی اینترنت متصل شوند. نخستین کافی نت ایرانی نیز سال 1379 راه اندازی شد و اولین ADSL هم سال 1383 آغاز به کار کرد. ایران با یکصد مرکز ارائه دهنده خدمات اینترنت به مشترکان خود، در

رتبه نهم جهانی ایستاده است و از نظر تعداد کاربران نیز که رقم آنان به 42 میلیون نفر در سراسر کشور می رسد رتبه 17 جهان را دارا است.

همه این آمارها و دستاوردها و این توسعه مدام ابزارهای ارتباطی و شبکه اینترنتی در ایران توسط دولت های مختلف در حالی انجام می شود که رسانه های غربی ایران را به اختناق رسانه ای و فضای محدود گردش اطلاعات متهم می کنند.

13) سلامت عمومی « امید به زندگی از 57 سال به 76 سال »:

در سال های قبل از انقلاب، از هر 1000 تولد، 111 نوزاد در ایران فوت می کردند. به این شاخص می گویند شاخص «مرگ و میر نوزادان» که یکی از آمارهای اصلی در

شناخت وضعیت سلامت عمومی یک جامعه است. در سال 1395 اما این تعداد به حدود 10 نوزاد در 1000 نوزاد رسیده است. در جهان، میانگین این آمار، 31 مرگ در هر 1000 تولد است و در غرب آسیا 20 مرگ در هر 1000 تولد. یعنی آمار ایران از وضعیت فاجعه بار دوران پیش از انقلاب در این زمینه تا سال 1395 حتی از میانگین جهانی و منطقه ای نیز بهتر شده است. اما آمار مرگ کودکان در هنگام تولد، تنها شاخصه سلامتی در کشورها نیست. یکی دیگر از شاخصه ها، مرگ و میر کودکان زیر 5 سال است. در دوران پهلوی، از هر هزار تولد زنده، 174 کودک، پنج سالگی خود را نمی دیدند. اما این آمار تا سال 1395 به 36 کودک کاهش پیدا کرده است. شاخصه دیگر سلامتی؛ مرگ و میر مادران در هنگام بارداری و زایمان است. در دوران پهلوی، از هر 100 هزار مادر، 245 نفر در مراحل زایمان و بارداری جان خود را از دست می دادند. اما در سال های پس از انقلاب تا 1395 این آمار به 20 نفر در 100 هزار نفر رسیده است.

در نهایت، امید به زندگی که از مهمترین شاخص ها پیشرفت یک ملت محسوب می شود و به نوعی حاصل همه تلاشهای انقلابی در این دوران می باشد به لطف الهی از 57 سال به 76 سال افزایش پیدا کرده است. امید به زندگی مردان که در دوران پهلوی حدود 56 سال بود حالا 72 سال شده و امید به زندگی زنان که در دوران

پهلوی 57 سال بوده حالا 76 سال شده است که رتبه ایران در جهان، جزء شاخص ترین کشورها از نظر پیشرفت امید به زندگی به شمار می آید.

اما یکی از عوامل موثر در بهبود وضعیت سلامت مردم، افزایش تعداد پزشکان است. سال 1356 در کشور جمعا 14 هزار و 700 پزشک وجود داشت. به علت کمبود پزشک در آن سال ها کشور مجبور بود از خارج پزشک وارد کند. اما بعد از انقلاب، تعداد پزشکان به 27 هزار و 122 نفر تا سال 1390 افزایش پیدا کرده است. از نظر آموزش پزشکی نیز پیش از انقلاب کل دانشکده های پزشکی کشور 7 دانشکده بود که در دل دانشگاه های دیگر قرار داشت. بعد از انقلاب اما 40 دانشگاه مستقل علوم پزشکی به وجود آمده است که در سراسر کشور به تربیت دانشجو در رشته های مختلف مرتبط با بهداشت و درمان می پردازند. ایران امروز برخلاف دوران پهلوی از نظر تعداد چشم پزشک و متخصص مغز و اعصاب، رتبه اول غرب آسیا را دارد.

اما از نظر میزان تختخواب یا ظرفیت پذیرش بیمار، قبل از انقلاب مجموع این ظرفیت 56 هزار نفر بود اما تا 1390 این ظرفیت به 103 هزار و 365 تختخواب رسیده است. اما بیشترین کار در روستاها انجام شده است. سال 1356، هزار و پانصد مرکز بهداشت و درمان روستایی وجود داشت اما این تعداد فقط تا سال 1390 تقریباً به 2914 مرکز بهداشت و درمان روستایی رسیده است.

از نظر داروسازی هم پیش از انقلاب، تنها 25 درصد نیاز دارویی کشور در داخل کشور تولید میشد و 75 درصد باقیمانده از خارج می آمد. اما پس از انقلاب داروسازی نیز ناگهان رشد کرد و حالا 95 درصد داروهای مورد نیاز کشور در داخل کشور تولید می شود و فقط 5 درصد داروهای بسیار خاص است که از خارج وارد می شود. شرکت های بیمه ای هم از 12 شرکت به 28 شرکت افزایش پیدا کرده اند و جمعیت تحت پوشش بیمه درمانی که در سال 1356 فقط یک میلیون و 800 هزار نفر بوده اند بعد از انقلاب بیش از 36 برابر شده و به 65 میلیون نفر رسیده است.

پیشرفت های ایران در زمینه تحقیقات پزشکی و رویان نیز در جهان زبانزد است و چشم انداز آینده نشان می دهد که با گسترش پژوهشگاه ها و اختراعات پزشکی، ایران مقصد توریسم درمانی در منطقه خواهد بود.

(14) کولاک و دگرگونی در حمل و نقل شهری مخصوصاً مترو:

در سراسر جهان، 4416 شهر بزرگ وجود دارد؛ یعنی در این شهرها بیش از 150 هزار نفر زندگی می کنند. از این تعداد، بنا به آمار سال 1396، فقط 182 شهر دارای مترو هستند. این 182 شهر، در 56 کشور قرار دارند. قدیمی ترین سیستم مترو جهان، متعلق به شهر لندن پایتخت انگلستان است که در سال 1242 هجری شمسی افتتاح شد، یعنی 155 سال پیش. از آن زمان، کشورهای پیشرفته مدام در حال گسترش سیستم حمل و نقل شهری خود بوده اند که بخش مهمی از این سیستم حمل و نقل شهری، ساخت مترو بود. هرچند حرف و حدیث ساخت مترو همواره در ایران وجود داشت، اما تنها سال 1350 بود که مسئولین رژیم پهلوی به فکر ساخت مترو در تهران افتادند. آن ها البته این کار را

به غربی‌ها سپردند. قرار شد فرانسوی‌ها سال 1356 کار را شروع کنند. کار ساخت مترو بعد از انقلاب تا آغاز جنگ ادامه پیدا کرد اما به سرانجام نرسید و شرکت‌های غربی ایران را ترک کردند. بعد از پایان جنگ، کشور به تدریج به فکر بازسازی افتاد. سرانجام سال 1374 کار روی مترو تهران شروع شد و سال 1377 اولین خط مترو تهران افتتاح شد. سرعت رشد مترو در تهران بعد از این به شکل خیره‌کننده‌ای بالا-بود. تا مرداد سال 1397، 204 کیلومتر خط مترو با 116 ایستگاه مترو در تهران ساخته شده و تعداد واگن‌های فعال تهران نیز به 1000 واگن رسید که روزانه بیش از سه میلیون مسافر را جابه‌جا می‌کند. برای فهم اندازه 204 کیلومتر مترو تهران باید به خاطر داشت که شهر بزرگی مانند لس‌آنجلس در آمریکا تنها 28 کیلومتر مترو دارد یا طول خط مترو در توکیو 195 کیلومتر است یا شهر برلین پایتخت آلمان 151 کیلومتر مترو دارد و یا هنگ‌کنگ در چین 174 کیلومتر طول مترو دارد.

خط سوم مترو تهران از آزادگان تا چهارراه ولیعصر به تنهایی طولانی‌ترین خط مترو غرب آسیا تا این زمان بوده است. ایستگاه مترو شهر آفتاب نیز بزرگ‌ترین ایستگاه مترو غرب آسیا است. مترو تهران، از نظر طول خط، نوزدهمین مترو بزرگ سراسر جهان است و از نظر قیمت، ارزان‌ترین مترو جهان محسوب می‌شود. در جهان، لندن و در آسیا توکیو گران‌ترین قیمت بلیط مترو را دارند.

اما تهران، تنها نقطه آغاز ساخت مترو در ایران نبود. سال 1390، مترو مشهد، سال 1393، مترو شیراز و سال 1394 مترو شهرهای اصفهان و تبریز نیز راه‌اندازی شده است و طول این متروها مدام در حال گسترش است. تعداد شهرهای دارای مترو در ایران تا الان بیشتر از کشورهای آلمان، کانادا، اسپانیا و انگلستان است و به زودی شهرهای دیگری مثل اهواز، کرج، قم و کرمانشاه نیز به شهرهای دارای سیستم مترو در ایران خواهند پیوست.

ساخت و گسترش مترو تنها بخشی از توسعه حمل و نقل شهری ایران در سال‌های بعد از انقلاب است. سیستم انتقال سریع اتوبوس موسوم به بی‌آر تی نیز بخش دیگری از

توسعه حمل و نقل شهری در ایران است. بی آر تی نوعی از حمل و نقل سریع اتوبوسی است که قوانین و مقررات آن در جهان و در سال 1391 توسط موسسه «سیاست حمل و نقل و توسعه استاندارد» وضع شده است. طولانی ترین خط بی آر تی جهان در شهر جاکارتا پایتخت اندونزی قرار دارد که 231 کیلومتر طول دارد. بی آر تی در تهران طولی به درازای 150 کیلومتر دارد و روزانه یک میلیون و هشتصد هزار نفر را جا به جا می کند. در ایران، به جز تهران، شهرهای تبریز، اصفهان، کرمان و مشهد نیز دارای سیستم بی آر تی هستند.

15) رتبه های ارزشمند در حمل و نقل:

اولین بار راه آهن در سال 1291 وارد کشور شد. از آن زمان تا سال 1357 که انقلاب اسلامی در ایران رخ داد، حکومت های سابق در مدت 66 سال حدود 4676 کیلومتر راه آهن ساختند. سال 1357 با وقوع انقلاب، فعالیت های ساخت و ساز راه آهن در کشور مدتی متوقف شد. کمی بعد جنگ هم شروع شد. اما ایران از سال 1360 دوباره فعالیت ساخت راه آهن را شروع کرد و تا سال 1392، یعنی ظرف 32 سال، 5500 کیلومتر خط ریلی ساخت. این یعنی سرعت ساخت راه آهن در سال های بعد از انقلاب به بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. در میان 148 کشور جهان که اتحادیه بین المللی راه آهن آمار ریلی آنان را زیر نظر دارد، ایران اینک با بیش از یازده هزار و یکصد کیلومتر خط آهن از نظر طول ریلی در جهان، رتبه بیست و یکم جهانی را دارد. اما خط راه آهن، تنها یکی از ابزارهای اندازه گیری قدرت سیستم حمل و نقل یک کشور است. ابزار دیگر برای اندازه گیری سیستم حمل و نقل یک کشور، جاده های آن هستند.

قبل از انقلاب، در ظرف حدود 60 سال، همه راه های کشور روی هم رفته، از آزادراه و بزرگراه تا راه های اصلی و فرعی و راه های روستایی سرجمع 49 هزار و 405 کیلومتر می شد. بعد از انقلاب، در ظرف 40 سال، تعداد این راه ها به 131 هزار و 590 کیلومتر رسید یعنی دو و نیم برابر شد. قبل از انقلاب، از تمام این راه ها، تنها 50 کیلومتر آزادراه بود اما در ظرف سی سال اول پس از انقلاب یعنی تا سال 1387، به بیش از سی و یک برابر افزایش پیدا کرده و 1556 کیلومتر آزادراه جدید ساخته شده است.

راه های روستایی قبل از انقلاب، عمدتاً راه های خاکی بود و تنها 200 کیلومتر از راه های روستایی آسفالت شده بود. بعد از انقلاب، آن 200 کیلومتر راه آسفالت روستایی به 72 هزار و 236 کیلومتر رسید. یعنی بیش از سیصد و شصت و یک برابر! اما راه های غیر آسفالتی مشهور به راه شوسه، یعنی جاده هایی که زیرسازی شده اند اما به جای آسفالت در روی آن از شن استفاده شده، قبل از انقلاب 8000 کیلومتر بوده که بعد از انقلاب، آمار این راه به 100 هزار کیلومتر رسیده یعنی بیش از دوازده برابر شده است.

امروز ایران مجموعاً بیش از 214 هزار کیلومتر جاده دارد که از نظر حجم جاده رتبه 26 جهانی را دارد و از نظر حجم بزرگراه در جهان نیز، رتبه 21 جهانی را داراست.

در نهایت، حمل و نقل دریایی، یکی دیگر از مهم ترین شاخصه های قدرت سیستم ترانزیت یک کشور است. حمل و نقل دریایی به خصوص از نظر ارتباطات

تجاری و بازرگانی با دنیا و از طریق اقیانوس ها اهمیت بسیاری دارد. بنا به آمارهای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سی.آی.ای، ایران از نظر قدرت تجارت دریایی، با دارا بودن 739 کشتی، رتبه سی ام تجارت دریایی جهان را داراست و بالاتر از دانمارک، کانادا، مکزیک، امارات متحده و آلمان قرار دارد. از دوره قاجار تا دوره محمدرضا پهلوی، کل ناوگان بازرگانی دریایی ایران، فقط شامل 42 کشتی بود و ظرفیت باربری کل این کشتی ها از 525 هزار تن بیشتر نبود. پس از انقلاب تا سال 1364 این کشتی ها به 72 فروند و ظرفیت نیز از 525 هزار به 2 میلیون 600 هزار تن افزایش پیدا کرد. اما از سال 1365 تا 1375، به علت خسارت های جنگ بر ناوگان کشتی رانی بازرگانی ایران، دولت باید کشتی های صدمه دیده را جایگزین می کرد، برای همین مقداری از ظرفیت کشتی رانی کاسته شد. اما از 1375 برنامه افزایش ظرفیت کشتیرانی کشور دوباره شروع شد و تا پایان سال 1379، کشتی ها به 90 فروند و به ظرفیت 2 میلیون 587 هزار تن رسیدند. از 1380 تا 1387، در یک جهش بزرگ، 18 کشتی به ناوگان کشتی رانی ایران اضافه شده و 108 کشتی، جمعاً ظرفیتی بیش از چهار میلیون تن باربری دریایی را برای کشور به ارمغان

آورده است. این تعداد کشتی، کشتی های عمده هستند که ظرفیت اصلی بازرگانی کشور را بر دوش دارند و گرنه جمع کشتی های بازرگانی ایران از 700 کشتی نیز بیشتر است.

به این ترتیب با پیشرفت در ساخت و ساز ریل راه آهن، جاده ها و افزایش ناوگان دریایی، ظرفیت حمل و نقل کشور روز به روز در حال افزایش می باشد.

16) شاخص های بسیار عالی در کشاورزی:

موسسه منابع جهانی یا دبلیو-آر-آی، یک سازمان پژوهشی جهانی غیرانتفاعی است که در سال 1361 توسط یک وکیل محیط زیستی آمریکایی به نام جیمز گوستاو اسپت (James Gustave Speth) تاسیس شده و روی حوزه های غذا، جنگل ها، آب، انرژی، شهرها و تغییرات اقلیمی پژوهش می کند. بنا به آمارهای جهانی این موسسه، ایران در میان 195 کشور جهان، رتبه سیزدهم از نظر تولید غلات را داراست. این بدین معناست که ایران یکی از اصلی ترین تولیدکنندگان مواد غذایی است چرا که غلات مهم ترین بخش رژیم غذایی انسان ها را تشکیل می دهند. سازمان خواروبار جهانی، فائو، وابسته به سازمان ملل متحد نیز از نظر تولید گندم، ایران را در رتبه دوازدهم جهانی و از نظر تولید جو، ایران را در رتبه چهاردهم جهانی قرار داده که آمارهای موسسه منابع جهانی را تایید می کند. سازمان جاسوسی آمریکا، سی.آی.ای، نیز در اطلاعات نامه خود نشان می دهد که ایران از نظر سرانه آبیاری زمین در رده چهاردهمین کشور جهان قرار دارد. هم چنین بنا به آمارهای بانک جهانی از نظر کل مساحت زمین های کشاورزی، ایران بیست و یکمین کشور جهان است. پیشرفت صنعتی در زمینه کشاورزی نیز از سوی بانک جهانی مورد نظارت قرار گرفته و ایران اینک از نظر تعداد ماشین های کشاورزی که روی این زمین ها کار می کنند رتبه بیست و دوم جهانی را دارد.

مهم ترین صادرات کشاورزی ایران در جهان که رده اول جهانی را دارد، زرشک، پسته، خاویار و زعفران است؛ بسیاری از این محصولات اساسا ابتدا در اقلیم ایران به وجود آمده و توسط ایران به دیگر نقاط جهان معرفی شده اند. در رده بعدی، خرما و زردآلو، دومین

محصولات پرتولید در داخل ایران است. و در رده سوم، میوه هایی مانند گیلان، هندوانه، ملون، سیب و انجیر قرار می گیرد.

با وجود اقلیم بیابانی، حدود یک سوم خاک ایران برای زراعت مناسب است؛ یعنی 51 میلیون هکتار. پیش از انقلاب، سیستم آبرسانی تنها به یک سوم زمین هایی می رسید که در اطراف سدهای بزرگ قرار داشتند و رشد تولید محصولات کشاورزی در آن سال ها به طور میانگین تنها 2 درصد بود. اما اینک رشد محصولات کشاورزی 60 تا 70 درصد شده و در برخی زمینه ها میزان تولید حتی چندبرابر بیشتر شده است. تولید محصولات باغی کشور نیز در سال 1396 در مقایسه با سال 1356 یعنی بعد از چهل سال، بیست برابر شده است. این رشد خودش را در میزان مصرف و رژیم غذایی مردم نیز نشان می دهد. امروز، مردم 9 برابر دوران پیش از انقلاب میوه و سبزی مصرف می کنند. در حالی که در همین مدت چهل سال، در سطح جهان، میزان مصرف میوه و سبزی تنها 2.3 برابر رشد کرده یعنی رشد مصرف میوه و سبزی در ایران بعد از انقلاب، حدود 4 برابر میانگین جهانی بوده است. جالب اینجاست که تمام توان تولید کشاورزی کشور در پیش از انقلاب تنها توانایی تامین مواد غذایی برای نیاز 33 روز کشور را داشت اما اینک 90 درصد مواد غذایی مورد نیاز کشور در داخل کشور تولید می شود و حتی در بخش واردات نیز با گسترش صنعت سیلوسازی، ذخیره سازی گندم در مقایسه با قبل از انقلاب، بیست برابر شده است. این یعنی نیاز گندم کشور از نظر ذخیره محصولات داخلی و واردات خارجی نیز کاملاً تامین می شود.

17) رشد قابل توجه آموزش عالی و پرورش نخبگان:

سال 1357 وقتی انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، در ایران تنها 310 هزار نفر به دانشگاه رفته بودند و در دانشگاه ها هم 170 هزار دانشجو وجود داشت. بعد از انقلاب اما تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی در مقاطع مختلف، با نزدیک به 18 برابر افزایش به 5 میلیون و 474 هزار نفر رسید و تعداد دانشجویان نیز با 23 و نیم برابر افزایش، به حدود 4

میلیون نفر رسیده است. طبیعتاً زیرساختِ چنین توسعه‌ای افزایش دانشگاه‌ها و رشته‌های تحصیلی در کشور بوده است.

پیش از انقلاب، در سراسر کشور فقط 223 دانشگاه و واحد آموزش عالی وجود داشت اما حالا بیش از 2 هزار و 540 دانشگاه و واحد آموزش عالی در کشور به وجود آمده است. 196 رشته علمی دوران کارشناسی حالا 914 رشته شده است و 182 رشته کارشناسی ارشد نیز به 1033 رشته افزایش پیدا کرده است. در رشته‌های دکتری تخصصی نیز 28 رشته اینک به 793 رشته افزایش پیدا کرده است. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها هم پیش از انقلاب تنها 9 هزار و 282 نفر بودند اما بعد از انقلاب، این رقم به 63 هزار و 818 نفر رسیده است.

این رشد فقط کمی نبوده است بلکه انباشت این رشد کمی به رشد کیفی نیز منجر شده است. ایران در سال 1382 از نظر میزان رشد تولید علم به مقام نوزدهم جهانی رسید. از نظر کیفیت دانشگاه‌ها نیز جمهوری اسلامی ایران اینک در میان 938 دانشگاه برتر جهان، 23 دانشگاه را به خود اختصاص داده است که بر اساس نظام رتبه بندی لایدن، یکی از نظام‌های معتبر ارزیابی دانشگاهی در جهان، طبقه بندی شده است. بر اساس همین رتبه بندی، ایران در جهان اسلام از نظر تعداد دانشگاه‌های برتر از همه کشورهای اسلامی دیگر جلوتر است. در میان کشورهای اسلامی بعد از ایران، ترکیه با 19 دانشگاه، مالزی با 5 دانشگاه و عربستان با 4 دانشگاه، در میان دانشگاه‌های برتر جهان قرار دارند. این دستاورد، نه تنها نسبت به دوران پهلوی که حتی در دوران جمهوری اسلامی نیز بسیار نوین است و حاصل چهار دهه رشد نظام آموزش عالی کشور است. حتی در سال 1391 هنوز هیچ دانشگاهی از کشور در رتبه بندی لایدن در میان دانشگاه‌های برتر جهان قرار نداشت. برای اولین بار، در سال 1392 پنج دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه شریف، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران در این رتبه‌های جهانی قرار گرفتند. بخشی از این موفقیت به علت بالا رفتن کیفیت دانش‌آموزانی است که وارد دانشگاه می‌شوند. در دانشگاه‌های برتر ایران، بسیاری از کسانی که تحصیل می‌کنند در

دوران پیش از ورود به دانشگاه دارای رتبه های علمی و المپیادی بوده اند. بعد از انقلاب، مسأله المپیادهای علمی به شدت مورد توجه قرار گرفت و جوانان ایرانی توانستند برای اولین بار سه مقام اول جهانی را در المپیاد شیمی سال 1374، المپیاد شیمی سال 1375 و المپیاد ریاضی سال 1377 را به دست آورند. همچنین دو مقام دوم جهانی در المپیاد فیزیک سال 1378 و المپیاد شیمی سال 1380 نصیب دانش آموزان ایرانی شد و در مقام سوم جهانی نیز دو المپیاد فیزیک در سال های 1374 و 1377 از دستاوردهای نخبگان ایرانی بود. مجموع حضور ایران در المپیادهای جهانی از سال 1366 تا 1380 در رشته های ریاضی، کامپیوتر، شیمی و زیست شناسی جمعاً 57 مدال طلا، 92 مدال نقره و 58 مدال برنز بود. این در حالی است که برخی از این المپیادها از سال های قبل از انقلاب برگزار می شده اند. مثلاً قدمت برگزاری المپیاد جهانی ریاضی به سال 1338 می رسد و المپیاد جهانی فیزیک از سال 1346 و المپیاد جهانی شیمی نیز از سال 1347 برگزار می شود. اما جوانان ایرانی در آن سال ها هرگز نتوانسته بودند در این المپیادها مقامی کسب کنند. کسب این افتخارات علمی که کیفیت دانشجویان حاضر در دانشگاه ها را نیز افزایش داده، محصول پیشرفت زیرساخت های آموزش و پرورش در دوران پس از انقلاب است.

اما در نهایت باید گفت که یکی از دگرگونی های اصلی دانشگاه های ایران پس از انقلاب، حضور چشمگیر دختران و زنان در آن هاست. پیش از انقلاب، از کل جمعیت دانشجویان کشور، تنها 23 درصد را دختران و زنان تشکیل می دادند. پس از انقلاب اما حضور دانشجویان دختر افزایش چشمگیری پیدا کرد و سرانجام در سال 1385 برای نخستین بار جمعیت دختران دانشگاه ها ناگهان از پسران پیشی گرفته و به 63 درصد رسید. این یعنی افزایش سه برابری دختران دانشجو در 27 سال.

18 فرهنگ و رسانه:

هر سال چند عنوان جدید کتاب روانه بازار نشر می شود؟ این پرسش، در هر کشور، پاسخی جداگانه دارد و حاصل آن، جدولی است که سازمان یونسکو، هر ساله عرضه می کند. ده کشور برتر در این زمینه، همگی از کشورهای قدرتمند علمی جهان هستند.

رتبه اول متعلق به چین است و پس از آن کشورهای آمریکا، انگلستان، ژاپن، روسیه، آلمان، هند و فرانسه قرار دارند. ایران در این فهرست، رتبه نهم را دارد و ایتالیا نیز جایگاه دهم را اشغال کرده است.

رتبه فرهنگی ایران فقط به کتاب محدود نمی شود. از نظر میزان حضور مردم در سینما، ایران رتبه نوزدهم جهان را دارد و سالانه 26 میلیون نفر به سینما می روند. همچنین از نظر تعداد تولید فیلم نیز بنا به آمار سال 1390، ایران با سالانه 76 فیلم، همین رتبه را در زمینه پر محصول ترین سینماهای جهان دارد. همچنین ایران از نظر تعداد شرکت های پخش فیلم که شاخصه مهمی در توزیع فیلم سینمایی محسوب می شود، طبق آمار سال 1390، با 94 شرکت، مقام دهم جهان را پس از آمریکا، انگلستان و آلمان و بالاتر از آرژانتین و سوئیس داراست. از نظر تعداد جوایز بین المللی، سینمای ایران پس از انقلاب تقریباً همه جوایز مهم جهانی را به دست آورده و از نظر میزان استقبال مخاطبان نیز از ده فیلم پرمخاطب تاریخ سینمای ایران، نه فیلم متعلق به دوران پس از انقلاب هستند.

اما رشد مطبوعات، یکی از مهم ترین شاخصه های انقلاب اسلامی در ایران است. در سال 1357 تنها چهار روزنامه در سراسر کشور منتشر می شد: روزنامه های کیهان، اطلاعات، آیندگان و رستاخیز. سال 1397 تعداد روزنامه های کشور به 56 روزنامه رسیده است و مهم تر از آن، هر چهار روزنامه سال 1357 یا وابسته به ارگان های حکومتی بودند یا متعلق به سناتورها و اعضای نزدیک به حکومت. در حالی که امروزه اکثر روزنامه های کشور را روزنامه نگاران مستقل و نیز بخش خصوصی اداره می کنند. البته این فقط آمار روزنامه هاست یعنی نشریاتی که هر روز منتشر می شوند. دیگر نشریات هفتگی و ماهانه رقمی بسیار گسترده تر را پوشش می دهند. بنا به آمار وزارت ارشاد در سال 1391 مجموع نشریاتی که منتشر می شدند 2 هزار و 635 نشریه بود که از این تعداد، 101 نشریه به شکل روزانه، 206 نشریه به شکل هفته نامه، 147 نشریه به شکل دو هفته نامه، 847 نشریه به شکل ماهنامه، 161 نشریه به شکل دو ماهنامه، 1251 نشریه به شکل فصلنامه، 234

نشریه به شکل دو فصل نامه، 26 نشریه به شکل سالنامه، 4 نشریه به شکل دو شماره در هفته، 4 نشریه به شکل سه شماره در هفته و 5 نشریه به شکل های دیگر منتشر می شوند. مهم تر از همه، گسترش فرهنگ مطبوعات به استان ها و شهرستان های دیگر است چرا که حدود 1290 نشریه در خارج از تهران و شهرهای دیگر منتشر می شوند.

در نهایت، یکی از دستاوردهای مهم دیگر انقلاب در زمینه فرهنگ و رسانه، گسترش رادیو و تلویزیون در سراسر کشور بوده است. پیش از انقلاب، تنها دو شبکه تلویزیونی و چند شبکه ملی و استانی رادیویی وجود داشت اما پس از انقلاب، مجموع شبکه های تلویزیونی، رادیویی، برون مرزی، استانی و اینترنتی که در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده به 130 شبکه بالغ می شود.

البته در خصوص اهمیت جایگاه رسانه ها بصورت کلی باید گفت: رسانه ها در عصر حاضر پر مشتری ترین و پراثرترین ابزار به شمار می روند، هم می توانند جبهه حق را تقویت کنند و ارزش های دینی و اسلامی را گسترش دهند و یک فرصت باشند و هم می توانند با دروغ پردازی و بزرگ نمایی عیوب و کوچک جلوه دادن خدمات، در ردیف تهدیدهای جامعه قرار گیرند. به نوعی رسانه تیغ دو دم است اگر در اختیار انسان خودساخته، انقلابی و خداباور قرار گیرد منشأ خیرات و حسنات می گردد و منبری بر فراز جامعه بشریت می شود که پوشش او مرزها را درمی نوردد و اگر هم در دست انسان های عقده ای کوتاه بین و کینه توز بیفتد فاجعه می آفریند و همه مرزهای انسانی و اسلامی را به هم می زند و مال و جان و آبرو و حیثیت دیگران را بر باد می دهد.

19) جایگاه ورزشی ایران در جهان:

رتبه های جهانی ورزش ایران در طی سال های پس از انقلاب عموماً بهتر شده اند. ابتدا نگاهی به ورزش های تیمی ایران بیندازیم. امروز ایران در زمینه والیبال نشسته مردان، رتبه اول جهانی را داراست و در زمینه رشته کبده، رتبه دوم جهانی را دارد. در زمینه فوتبال ساحلی نیز ایران مقام سوم جهانی را دارد. در فوتسال، رتبه ایران در جهان ششم است. در والیبال نشسته بانوان نیز ایران همین رتبه ششم را دارد. در والیبال مردان، ایران

هشتمین کشور برتر جهان است. در رشته بسکتبال با ویلچر نیز رتبه دهم (4) جهانی را دارد. در هندبال ساحلی، بسکتبال و فوتبال نیز ایران به ترتیب رتبه های بیست و دو (8)، بیست و چهار و سی و هفتم جهانی را دارند.

در این میان، ورزش معلولان یکی از افتخارآمیزترین زمینه های ورزشی برای ایرانیان بوده است که به علت وجود جانبازان دفاع مقدس در سال های پس از انقلاب از اهمیت و رشد زیادی برخوردار شده است. آقای سیامند رحمان، قوی ترین مرد دارای معلولیت در سراسر جهان شناخته می شود که در سال 1391 در پارالمپیک لندن توانسته بود مدال طلای وزنه برداری را کسب کند و در پارالمپیک سال 1395 نیز او در کنار یک شناگر اهل بلاروس و یک ویلچران اهل سوئیس به عنوان برترین ورزشکار مرد انتخاب شد. رحمان در المپیک 1395 موفق شد وزنه 310 کیلوگرمی را مهار کند که تاکنون در تاریخ پارالمپیک جهان چنین رکوردی بی سابقه است. تیم ایران در همین مسابقات توانست رتبه پانزدهم جهانی را کسب کند.

اما در ورزش های فردی، رتبه بندی های ایران در جهان وضعیت بهتری دارد. ایران در سه رشته وزنه برداری، کشتی آزاد و ووشو در سراسر جهان حرف اول را می زند و در کشتی فرنگی، کاراته و جودوی فردی، رتبه دوم جهانی را دارد. ایران در تکواندو جهان نیز رتبه سوم را دارد. در شمشیربازی رتبه چهارم جهان و در رشته تیروکمان (کمپوند) مردان رتبه دهم (15) را داراست. در تیراندازی، رتبه ایران در جهان چهاردهم است و در تیروکمان بانوان رتبه ایران هفدهم است. در شطرنج نیز ایرانیان رتبه 28 جهانی را دارند. هم چنین در مسابقات المپیک 1395، مجموع رتبه ایران در رشته های فردی، رتبه بیست و پنجم جهانی بوده است.

البته از نظر تعداد مدال، المپیک سال 1391 لندن برای ایرانیان بی سابقه بوده است. در این سال کاروان ایران که از 53 ورزشکار تشکیل شده بود توانست برای نخستین بار در تاریخ کشور، جمعا چهارده مدال، شامل پنج مدال طلا، شش مدال نقره و دو مدال برنز کسب کند و به این ترتیب در سراسر جهان رتبه پانزدهم و در رقابت های مردان رتبه

یازدهم جهانی را به دست آورد. این در حالی است که در سال های قبل از انقلاب، حداکثر مدال های کاروان ایران در یک دوره از المپیک، شامل هفت مدال می شده است.

ورزش ایران با وجود مشکلات و تحریم ها هم چنان در حال پیشرفت است. فوتبال ایران پیشرفت کرده و به همان نسبت در رشته های دیگر ورزشی نیز پیشرفت های ایرانیان چشمگیر بوده است. با این چشم انداز، امید می رود که ورزش ایران در سال های آینده منتظر روزهایی بهتر باشد.

20 قدرت شگفت انگیز جهانی ایران از زبان دشمن:

هادسن که از معتبرترین موسسات نزدیک به حزب جمهوری خواه آمریکا است، ایران امروز را، هفتمین کشور قدرتمند جهان پس از آمریکا، چین، ژاپن، آلمان، روسیه و هند می داند. اما این فقط نظریه اتاق فکر هادسن نیست. امریکن اینترست در سال 1384 توسط یک استراتژیست آمریکایی، به اسم فرانسیس فوکویاما ساخته شد. فوکویاما نیز که به محافظه کاران آمریکا نزدیک است، معتقد بود که دموکراسی غربی همراه با اقتصاد سرمایه داری آخرین ایستگاه بشر است و پس از آن دیگر تاریخ به پایان می رسد. اما نظریه او درست از آب در نیامد. ظهور مقاومت اسلامی در اقصی نقاط جهان، حریف دیگری را برای مبارزه با غرب پدیدار کرده بود: اسلام. اصلی ترین پرچم دار اسلام در روزگار جدید، ایران بود و طبیعی بود که حالا موسسه فوکویاما، امریکن اینترست، جمهوری اسلامی ایران را با دقت زیر ذره بین گرفته و مورد مطالعه و پژوهش قرار بدهد. حالا امریکن اینترست هم به نتیجه مشابهی رسیده است و پس از آمریکا، چین، ژاپن، روسیه، آلمان و هند، ایران را هفتمین کشور قدرتمند جهان می داند. اما چنین برآوردهایی فقط توسط راست گراها و اتاق های فکر محافظه کار ارائه نمی شود. نشریات چپ و مستقل و اقتصادی نیز نظرات مشابهی دارند.

روزنامه چپ گرای ایندپندنت نیز در جدیدترین گزارش خود در تیرماه 1397، ایران را سیزدهمین کشور قدرتمند جهان می داند که نسبت به سال گذشته اش، سال 1396 یک رتبه بالاتر رفته است. بیزینس اینسایدر، نشریه اقتصادی انگلستان نیز ایران را در رتبه

چهاردهم و سایت خبری یو.اس نیوز نیز ایران را در رتبه سیزدهم قدرتمندترین کشور جهان طبقه بندی کرده است. این در حالی است که ایران در طی سالیان اخیر تحت شدیدترین تحریم های تاریخ جهان بوده است و به جز این، تحریم های معمول آمریکا و غرب نیز از همان اول انقلاب تا به امروز شامل حال کشور شده است. ضمن این که کشور هشت سال مورد حمله خارجی قرار گرفت که طولانی ترین جنگ قرن بیستم بود و بارها ترور و کودتا و جنگ نرم و شورش خیابانی را تجربه کرد. در تمام این سال ها رسانه های فارسی زبان تحت حمایت غرب، مدام از ایران این سال ها به عنوان کشوری یاد می کردند که به علت انقلاب اسلامی ضعیف شده و توانش را در عرصه های مختلف از دست داده است. اما آمارهای کشورهای غربی حرف دیگری می زند. این آمارها بر اساس شاخص های مختلفی از قدرت نظامی تا اقتصاد و نفوذ سیاسی به دست آمده و بر اساس معدلی از این شاخص ها، قدرت این کشورها را به نمایش می دهد. حضور ایران، در تمامی این آمارها، همواره در میان 15 کشور اول قدرتمند جهان و در بسیاری از موارد، در میان 10 کشور قدرتمند جهان، هم چنان ادامه دارد. این در حالی است که خبرگزاری 31 تیرماه 1397 خبر داد که منابعش به طور موثق تایید کرده اند که کاخ سفید، مرحله جدیدی از عملیات جنگ روانی و رسانه ای را برای تحریک نارضایتی عمومی در ایران آغاز کرده است. هدف، پایان اقتدار ایران در جهان است و این جنگ جدید تازه در آغاز راه است.

بخاطر همین است که رهبر بزرگوار انقلاب در جای جای بیانیه گام دوم به نقش تخریبی رسانه ها به ویژه رسانه های مجازی اشاره کرده اند از جمله: «دشمنان انقلاب با انگیزه ای قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید.»

لذا کانون های ضد قدرت جهانی اسلام، شبانه روز فعالیت می کنند تا مسیر جوانان ما را تغییر دهند و ذهن و فکر و نگاه آنان را نسبت به آینده راکد و یأس آلود جلوه دهند. مسئولان، نهادها و مردم باید هوشمندانه با این پدیده خانگی و فراگیر برخورد کنند و تا

کار از کار نگذشته، پیش بینی های لازم را مخصوصاً برای حفظ اخلاق و معنویت آینده داران این نظام الهی تدارک بینند. معظم له می فرماید: «ابزارهای رسانه ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره گیری از این ابزارها را به چشم خود می بینیم. دستگاه های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البتّه به معنی رفع مسؤولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست.»

قرآن نسبت به این گونه خطرهای فرهنگی و تهاجم های ویرانگر و شیخون های غارتگر هشدار داده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (1) اگر فاسقی - که پایبند به تقوا نیست - به شما خبر و گزارشی داد آن را تحلیل و بررسی کنید تا گرفتار ندامت و پشیمانی نگردید. همواره «اراجیف بافان» و «شایعه گستران» و «مأموران جنگ روانی» بوده و هستند که مانند بمباران شیمیایی، فکر و جان و روح و روان مردم را مسموم می کنند و به اهداف شومشان نزدیک می شوند.

آنها در گام اول تغییر در افکار و اندیشه ها ایجاد می کنند و علامت سؤال پیرامون باورها و اعتقادات جوانان می گذارند و روحیه اباحه گیری را رواج می دهند و در گام دوم زمینه گناه و فساد های جنسی و غیر آن را فراهم می آورند، البته روش اینها به تبعیت از شیاطین گام به گام است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (2) ای مؤمنان از گام های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.

مع الوصف باید گفت که شکستن محاصره تبلیغاتی بیمار دلان بر علیه این همه ارزش و موفقیت های شگفت انگیز و معجزه گونه کار و وظیفه همه انسانها پاک و ارزشمند است.

ص: 325

1- سوره حجرات، آیه 6

2- سوره نور، آیه 21

چرا که همواره در جامعه فعال و پویا و با انگیزه و با ایمان و در کنار نیروهای جهادی و انقلابی، اراجیف بافان و منفی‌گرایانی هستند که حاضر نیستند واقعیات جامعه را ببینند و درصدد سیاه‌نمایی و جنگ روانی علیه حرکت اثباتی

جامعه دینی می‌باشند. باید در برابر این کانون‌های فساد و معنویت‌سوز و ناامید ساز ایستاد، کلوخ انداز را پاسخ‌سنگ است، انفعال در این میدان گناه است، باید فعال بود و هجومی به هجمه‌ها کرد و به تهاجم‌ها پاسخ داد. رهبر حکیم و فرزانه در بیانیه به این جهت نیز توجه دقیق دارند: «بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید»⁽¹⁾.

در هر حال کانون‌های کینه و ضریت خوردگان از نهضت اسلامی و نیز سیلی‌نوشان از نظام اسلامی؛ همواره در تلاش‌اند تا با جنگ روانی روحیه جهادی و انقلابی ملت ایران را تضعیف کنند و آنان را نسبت به آرمان‌های ایشان سست و بی‌اعتماد سازند. از این رو با تبلیغات گوناگون و ترفندهای فریبکارانه و شگردهای شیطانی می‌کوشند؛ لشکر خدا را از دین و رهبری آن جدا سازند و با گل‌آلود کردن فضای امن و آرامش بخش جمهوری اسلامی ماهی خویش را بگیرند و به اهداف شوم و پلید خود برسند.

مقام معظم رهبری در این زمینه در بیانیه می‌فرمایند این حرکت تبلیغی منفی پیش و بعد از انقلاب اسلامی وجود داشته و همچنان ادامه دارد: «هرچند دست‌تپاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد»⁽²⁾.

ص: 326

1- بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری، 22 بهمن ماه 1397

2- همان

قرآن کریم ضمن اشاره به این جریان نفوذ و نفاق می فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا نَقِيًّا» (1) اگر

منافقان و بیماردلان و آن ها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس را در مدینه پخش می کنند دست بردارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم سپس مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند و از همه جا طرد می شوند و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی مجازات خواهند شد. (2)

نتیجه اینکه توجه به مفهوم «کارآمدی» اقتصاد سالم و مؤلفه های آن و در نظر گرفتن دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه های گوناگون، مبین کارآمدی، و موفقیت انقلاب اسلامی است که با اتکا به خداوند و حمایت های گسترده مردمی، توانسته شرایط و مراحل گوناگون جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات را به خوبی پشت سر بگذارد که در مجموع، در میان تمامی انقلاب های جهان بی نظیر است. در عین حال، چالش های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی نیز همواره آرمان ها و دستاوردهای انقلاب را با مشکل روبه رو ساخته اند. از این رو، دست یابی به اهداف تعیین شده از سوی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و تحقق کامل آرمان های آن نیازمند نقد واقع بینانه وضع موجود، علت یابی مشکلات و بررسی دلایل عدم تحقق برخی از اهداف و آرمان های انقلاب با ارائه راه کارها و پیشنهاد های سازنده می باشد.

حسن ختام بحث کارآمدی انقلاب اسلامی، گفتاری از مقام معظم رهبری است: «... بنده اعتقاد این است که نظام اسلامی از همه دولت هایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی تر عمل کرده است. بدون تردید، نظام جمهوری اسلامی در همه بخش ها قوی عمل کرده است. عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته اند؛ پشتوانه مردمی هم به آن ها کمک کرده است. در بخش هایی ما با قدرت وارد میدان شده ایم که فکرش را نمی توانستیم بکنیم. در همه بخش ها این طور

ص: 327

1- سوره احزاب، آیه 60 و 61.

2- ابوالقاسم یعقوبی، تأملاتی پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب،

است. الآن جای توضیح و بیان آمار نیست. البته اقتضای این دوره از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر، انقلابی تر، مؤمنانه تر و همه امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم. البته کم کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد. بین این ها باید تفکیک قایل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد. یک نشانه کارایی نظام، وجود شماسست. جوان دانشجوی مؤمن و معتقد به نظام می تواند حرف و انگیزه خودش را قوی در فضای جامعه مطرح کند. حرف شما فردا در تمام فضای جامعه منتشر می شود. این نکته خیلی مهمی است. این خودش کارآمدی این نظام است. کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است. نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام، مجموعه عملکرد مثبت و منفی ای است که دستگاه های نظام دارند. اما این برآیند مثبت است. (1)

آیا بیانیه گام دوم انقلاب زمینه ساز ظهور حضرت حجت(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) است؟

چرا عدل و عدالت، بهر این سامان نمی آید * مگر منجی ی حق، از جانب یزدان نمی آید

چرا بازار عطاران، ز رونق وانی نمی افتد * مگر بوی خوش یوسف، ز آن کاشان نمی آید

چرا امشب، نمی خواند مرا مجنون زیبایی * مگر زیبا تر از مجنون، دل جانان نمی آید

چرا ساقی مرا خواند، به می و هم به میخانه * مگر آن دلبر خوبان، می مستان نمی آید

چرا پیراهن یوسف، شمیمی بر مشام دارد * مگر عطر رخ مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه)، ز آن کنعان نمی آید

چرا مطرب همی گوید، ز چنگ و نی و هم آهنگ * مگر آن نی نواز حق، در این دوران نمی آید

چرا تاریکوغمدار است، قلوب آدمی هر دم * مگر نور خداوندی، مه تابان نمی آید

ص: 328

چرا مشق شب سردم، ندای حجت حق است* مگر گرمای آن یارم، در این داستان نمی آید
چرا عشق درون اینک، خموش و بی فروغ باشد* مگر شور و شعف دائم، ز آن شعبان نمی آید
چرا عییم کند غافل، به جرم انتظار دائم* مگر روزی در این عالم، شه شاهان نمی آید
چرا آن غیر بیگانه، درون من کند خانه* مگر لطف خداوندی، به آن یاران نمی آید
چرا این انقلاب بی شک، پیام و حرف مولا است* مگر حرف خمینی ها، ز آن کاروان نمی آید
چرا مستکبران هر دم، دهند پیغام ویرانی* مگر این باغبان هرگز سوی ریحان نمی آید (1)
چرا کافر شده اینک، پلید و پست و عصیانگر* مگر فریاد پاکی ها، چنان باران نمی آید
چرا در پرده باشد گوهر و دردانه زهرا(سلام علیها)* مگر محبوب قلب ما، ز آن پنهان نمی آید
چرا جاهل کند تکفیر، چو من دیوانه اش هستم* مگر دیوانه کویش، به آن میدان نمی آید
چرا دست پلید و زشت، بود اسرائیل ملعون* مگر روح مسیحایی، به جسم و جان نمی آید
چرا دشمن صهیونی، زحق عاصی تر از قبل است* مگر فریاد دادخواهی، ز مظلومان نمی آید
چرا ذات سکولاریسم، همه پوچ است و دنیایی* مگر معنا ترین معنا، ز آن بوستان نمی آید
چرا افکار لیبرال، نوای گرم شیطانی است* مگر جان جهان، روزی ز نخلستان نمی آید
چرا غرب و همان شیطان، جهان داری بود دادش* مگر اوج جهاننداری، به این کیهان نمی آید

ص: 329

1- مگر مولای عالم گیر، چو یک باغبان نمی آید

چرا ایسم های دنیایی، همی گویند که حیوانی* مگر فریاد فطرتها، ز آن قرآن نمی آید

چرا داد خموش من، بود داد بنی آدم* مگر هر پاسخی بی شک، ز آن انسان نمی آید

چرا پیغام هر مرسل، نوید انتظار دارد* مگر صوت رسول حق، چنان لقمان نمی آید

چرا عشق شهید حق، تنفر از همه ظلم است* مگر ظلم و ستم آخر، به قبرستان نمی آید

چرا شوق حقیر هر دم، امید دیدن یار است* مگر این انتظار روزی، ز حق پایان نمی آید

یکی از انگاره هایی که به جد و پیوسته درباره انقلاب جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) مطرح است، زمینه سازی و مقدمه چینی سیاسی برای آن است. در این راستا مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم بر تمدن سازی جهت ظهور یار تاکید فرموده و امام خمینی (ره) نیز یک ایده و نظریه کاملی در این خصوص ارائه داده اند که در یک عبارت می توان آن را چنین بیان کرد: "با تمام امکانات پیش به سوی انقلاب مهدوی". بر اساس این رویکرد، منتظران و شیعیان واقعی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه)، نقش و مسئولیت مهم سیاسی - اجتماعی در ظهور و شکل گیری حکومت جهان گستر مهدوی دارند و به همین جهت باید با تمام توان و امکانات در بستر سازی و مقدمه چینی آن بکوشند.

زمینه سازی؛ آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) است که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می تواند طلعه مبارکی برای این امر باشد. امام خمینی (ره) می فرمودند: "انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام، به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد" (1) و «امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب

ص: 330

جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیه الله - ارواحنا له الفداء - باشد»(1)

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود»(2) توضیح

اینکه انقلاب اسلامی و مهدویت، دشمن مشترکی دارند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل است، کیان اسلام را

تهدید می کند. در مقابل، انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی نه غربی» عَلم مبارزه بر ضد دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است.

هدف انقلاب اسلامی و جامعه مهدویت، برچیده شدن فساد، اجرای قوانین اسلام، استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان، و به اهتزاز درآوردن پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان با تکیه بر قدرت الهی و توده های مردم است. بنابراین می توان گفت که جنبش های اسلامی معاصر، حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید، آنان را از عزلت و حقارت نجات داد و اسلام را به عنوان تنها راه حل برای زندگی سیاسی مسلمانان مطرح ساخت. تکیه و تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت برای رسیدن به جامعه مهدوی؛ همه قشرها را در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی بر علیه استکبار محیا نموده است.

همزمان دنیا پرستی و الحاد و کفر نیز در غرب رشد یافت. یکی از ثمرات این تفکر شیطانی، تلاش برای دستیافتن به منافع مادی بیشتر به هر روش ممکن است. تفکر مادی، جنگ ها و جنایت های بی شماری را در قرنهای متوالی بر بشریت تحمیل کرد. جنگ جهانی اول و دوم و بمب اتمی بر سر مردم هیروشیما نمونه هایی از هزاران دستاورد این نظام کفرآلود و ماده پرست غرب است. اما به دلیل وجود منابع غنی ثروت در خاورمیانه و خصوصا ایران، چپاول منابع این بخش از کره زمین، جزو اهداف اصلی دنیاپرستان قرارگرفت و مقابله با مهمترین عامل بازدارنده برای دست درازی آنها یعنی دینداری مورد

ص: 331

1- همان: ج 16، ص 131.

2- همان: ج 15، ص 62.

توجه جدی قرارگرفت. و درست از همین جا بود که جنگ میان اهداف مادی گرایانه غرب و اندیشه های الهی مردم ایران آغازشد.

البته تقابل دو جریان حق و باطل در انتها به یک سرنوشت محتوم خواهند رسید؛ تمام ادیان و مکاتب الهی، بشریت را به این موضوع متوجه کرده اند که انسان در مقطعی وارد عالم شده است و انسان هایی که در این مقطع در عالم حضور دارند در معرض دو دعوت جبهه خداوند یا شیطان هستند. خداوند وعده داده است که این رقابت در یک نقطه به یک جنگ عالم گیر منجر خواهد شد که پیروزی نهایی نیز از آن جبهه حق خواهد بود؛ جریان منجی گرایی که در ادیان الهی وجود دارد در این قالب وارد می شود؛ هر مذهبی در درون ادیان به این موضوع اشاره می کند. از دیگر سوی وقتی به جریان تاریخی نگاه می کنی زوال حاکمیت ها و قدرت ها و جوامع را می بینی؛ مطالعه تاریخ بشریت، فارغ از داده های دینی نیز همین مطلب را تأیید می کند؛ وقتی تاریخ حکومت ها را مشاهده می کنی به عظمت آنها پی میبری؛ برخی پادشاهان بناهای عظیمی برای دفاع از خود و آسایش و همچنین قبر خود می ساختند. ولی پس از پیشرفت های ظاهری تمدن ها، همه آنها گرفتار زوال شدند.

نکته مهم این است که اگر جامعهای فهم دقیقی از آنچه که در آن هست و باید به آن برسد و همچنین فهم درستی از ابزارهایی که باید داشته باشد را با خود همراه داشته باشد؛ موفق تر خواهد بود. شاید امروز برای کسی قابل باور نباشد که تمدن غربی و آمریکایی رو به زوال است؛ همچنان که دیروز زوال شوروی و سوسیالیسم برای کسی قابل باور نبود. لذا شاید سال های نه چندان دور در کتب تاریخ مدارس از زوال این تمدن هم نوشته شود؛ این تصور برای کسانی که به مهدویت اعتقاد دارند قابل باور باشد.

آری زوال تمدن غربی در حال رخ دادن است و در آینده ای نزدیک بشریت بدون تردید شاهد آن خواهد بود. هدف کلیدی گام دوم انقلاب که توسط مقام معظم رهبری بیان می شود، زمینه سازی مقدمات ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) است؛ ایشان فرمودند که گام اول انقلاب برداشته شده است و بیانیه گام دوم مبنی بر حرکت در زمینه تحقق ظهور

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) است؛ این انقلاب قطعاً عالم اسلام را باید بگیرد و مقدمه ظهور شود. جوانان، پیشگامان گام دوم انقلاب اسلامی هستند؛ هم اینک فرصت بازگشت به معنویت امروز در فضاهای مختلف بسیار قوی است؛ محتوای قوی و فاخر و یارگیری قوی باید از سوی آحاد مردم مخصوصاً فعالان دانشجویی و مهدوی صورت گیرد.

آن روز که غیبت ولی، بار گرفت * با بانگ رسا شاهد عیار گرفت

عارف بود آن یار، که آرام گرفت * در دامن حق، تا به سحر، یار گرفت

حضرت آقا در بیانیه گام دوم فرمودند «شعارهای انقلاب اسلامی کهنه شدنی نیست. چرا که تجلی و تحقق این شعارها در آرمان شهر مهدوی خواهد بود. برای نمونه عدالت یکی از شاخص های برجسته جامعه موعود خواهد بود که ما نیز باید از آن الگوگیری کنیم. انقلاب اسلامی براساس نظام امامت شیعه شکل گرفته و تالی تلو حکومت معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) است. یعنی امورات توسط نائب و جانشین عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) اداره می شود. مدیریت انقلاب اسلامی با محوریت اعتقاد به منجی موعود و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) است.

نخستین وظیفه انقلاب اسلامی احیای نام امام (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) و دعوت جهانیان به آرمان های اساسی اسلام، سنت، قرآن و اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) است. امام رضا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روایتی می فرمایند: «خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده نگاه دارد.» در انقلاب اسلامی ولایت مطلقه فقیه ضمن اینکه مردم را به خود دعوت می کند؛ در راستای آن به اسلام، سنت، قرآن و اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) دعوت می کند. این کار در حقیقت احیای نام امام (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) و معرفی ایشان به مردم جهان است.

ز قلب هر بشر گویا، به حسن تو نشان باشد * تمام عشق این دنیا، ز عشق تو جوان باشد

همه فکر و وجود من، فدایت ای عزیز جان * فدای راهت ای مولا، چوراه تو عیان باشد

وظیفه حکومت اسلامی در قبال امام(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) را تصدی امور توسط جانشینان عام ایشان در زمان غیبت است پیش از انقلاب اسلامی نیز جانشینان عام امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) اجمالاً وظایفی مانند مقام فتوا و قضا را به خوبی انجام می دادند، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر این دو وظیفه، وظیفه اجرایی کردن و مدیریت امور توسط جانشینان عام حضرت(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) نیز محقق شد.

سومین وظیفه حکومت اسلامی نسبت به صاحب الزمان(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) الگوگیری از آرمان شهر مهدوی برای ادامه راه انقلاب و حکومت اسلامی است: هر چند دو وظیفه نخست یعنی احیای نام امام(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) و تصدی امور اجرایی به خوبی انجام گرفته ولی درباره وظیفه سوم متأسفانه نقص های فراوانی دیده می شود. متأسفانه زیاد نتوانستیم به سمت الگوگیری از آرمان شهر مهدوی حرکت کنیم. چون نگاه الگویی به آرمان شهر مهدوی یا وجود نداشته و یا اگر وجود داشته بسیار کم رنگ و حداکثر در حد فردی بوده است. در حالی که ما علاوه بر وظیفه انتظار ظهور، باید تشبه و مشابهت اجتماعی، سیاسی و... به جامعه موعود پیدا کنیم که برای رسیدن به این هدف می توان از آرمان شهر مهدوی در تدوین الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت بهره جست.

چهارمین وظیفه حکومت اسلامی در برابر امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) زمینه سازی عام ظهور به معنای معرفی و ترویج نام و آرمان شهر مهدوی در جهان است. متأسفانه در معرفی امام(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) و مرام و آرمان شهر مهدوی به جهانیان خوب عمل نکردیم در حالی که این وظیفه حکومت اسلامی در عصر غیبت است. البته حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری این مباحث را فرموده اند ولی این تنها کافی نیست بلکه باید بدنه حکومت اسلامی نیز به این امر اعتقاد داشته و برای آن تلاش کند.

از مأمَن دل، بویولی می آید * فریاد خوش منجی حق می آید

بنگر که، ولی امر ما می گوید * عاشق شو، چو عاشق نبی می آید

بنابراین تأثیر بیانیه گام دوم انقلاب بر مبحث ظهور مهم است. در این باره، دو موضوع مطرح می شود. نخست، تأثیر مهدویت بر بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟ دوم، بیانیه گام دوم انقلاب چه تأثیری در تحقق جامعه منتظر و آرمان شهر مهدوی ایجاد می کند؟

درباره موضوع نخست باید گفت رهبراندیش ورز انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب به سرگذشت چهل سال انقلاب اسلامی اشاره کردند که مهم ترین و بزرگترین ویژگی چهل سال گذشته انقلاب اسلامی، تحقق حکومت اسلامی و جانشینی نایبان عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) بود. البته این ویژگی با تأثیر از مهدویت ایجاد شده است. درباره موضوع دوم نیز ایشان به چالش های دیروز و امروز انقلاب اسلامی اشاره کردند و فرمودند که سیاست های استکباری مهم ترین مشکل و چالش انقلاب اسلامی است. درباره ی مهدویت و آرمان شهر مهدوی نیز مستکبران و مشرکان در آیه اظهار که می فرماید «لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» مهم ترین مشکل معرفی شده و تأکید می شود که آرمان شهر مهدوی به دنبال جایگزین سازی مهدویت با استکبار مشرکان

است. این نشانگر پیوند میان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با آرمان شهر مهدوی است.

انقلاب اسلامی سبب شد مردم به مهدویت نسبت به گذشته باورمندی بیشتری پیدا کنند، انقلاب اسلامی شرایطی را فراهم کرد که مردم باور بیشتری به مقوله ظهور، تشکیل حکومت اسلامی، جامعه آرمانی و کلان شهر مهدوی پیدا کنند. چرا که دیدند ولی فقیه به عنوان تالی تلو امام (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) نیز در پی تحقق این اهداف است. مهم ترین بخش تجلی مهدویت در تمدن سازی نوین اسلامی است، در تمدن سازی نوین اسلامی مسائلی مانند علم، دانش، عدالت محوری و... مطرح می شود که تمام این ویژگی های آرمانی در مهدویت به اوج خود می رسد.

درباره ارتباط میان انقلاب اسلامی و مهدویت لازم است گفته شود انقلاب اسلامی از دو جهت با موضوع مهدویت در ارتباط است اول اینکه این انقلاب ریشه در باورها و اعتقاداتی دارد که موضوع مهدویت نیز در آن باورها ریشه دارد. فلذا در راستای هدف کلی مهدویت که همان اقامه عدل و ریشه کنی ظلم و ستم از جهان و برقراری حکومت

صالحان می باشد انجام شده است و در واقع نسخه کوچکی از همان انقلاب جهانی حضرت مهدی می باشد. و دوم اینکه این انقلاب با اقداماتی که در راستای بسط ارزش ها و گسترش پیام اسلام در سراسر جهان انجام می دهد زمینه را برای ظهور منجی عالم بشریت فراهم می سازد.

علاوه بر این دو معنا یکی دیگر از معانی اتصال انقلاب اسلامی به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) می تواند این باشد که در پرتو انقلاب اسلامی و فراهم شدن زمینه های مساعد، شهر قم به مرکز نشر معارف اسلامی تبدیل خواهد شد که در نتیجه آن همگان از معارف دینی با خبر خواهند شد و در نتیجه حجت بر تمام ساکنان روی زمین تمام خواهد شد و پس از آن حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) قیام خواهند نمود و با توجه به اینکه پیش از ظهور با اکثر مردم اتمام حجت شده است؛ اکثریت مردم معارف حق را شنیده و ایمان خواهند آورد و تنها افراد معاند خواهند ماند که حضرت با آنها درگیر خواهد شد. چنان که در حال حاضر به برکت زمینه های فراهم آمده و با بهره گیری از تجهیزات و امکانات پیشرفته، علوم و

معارف اسلامی در حال نشر به اقصی نقاط جهان بوده و در حال حاضر علاوه بر برنامه های تبلیغی به شیوه سمعی بصری، مبلغین فرهنگ اسلامی در سراسر جهان مشغول فعالیت های تبلیغی هستند که ثمرات آنها را در گسترش روز افزون اسلام با قرائت شیعی آن و یا علاقمندی به اسلام مشاهده می گردد و به خاطر همین گسترش اسلام است که دشمنان حساسیت ویژه ای در زمینه اسلام پیدا کرده و به تخریب چهره آن می پردازند. در روایات نیز در زمینه آنچه گفته شد مطالبی وجود دارد که مؤید این تفسیر از اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) می باشد.

به عنوان مثال در روایتی از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نقل شده است: "به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی می گردد و علم و دانش از آنجا رخت بر می بندد... و از شهری که آن را قم می نامند ظهور می کند و آنجا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می گردد به گونه ای که روی زمین هیچ مستضعف (فکری) نمی ماند که از دین آگاهی نداشته باشد حتی زنان پرده نشین، و این زمان نزدیک به زمان ظهور قائم ما خواهد بود. خداوند قم و

مردمش را جانشین حضرت حجت قرار می دهد و اگر چنین نبود زمین اهلس را فرو می برد و حجتی بر زمین نمی ماند. بنابراین علم و دانش از شهر قم به مشرق و مغرب جهان سرازیر می شود و حجت بر جهانیان تمام می گردد به گونه ای که هیچ شخصی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آنگاه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) ظهور می کند و عذاب الهی بر کافران به دست آن حضرت فرود می آید زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر هنگامی که حجت بر آنان تمام شده باشد". (1)

و این که این انقلاب و به تبع آن بیانیه گام دوم از جمله مقدمات ظهور و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) می باشد. ریشه در معانی روایی نیز دارد که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می گردد. مجموعه روایات عصر ظهور در منابع معتبر شیعه و اهل سنت خبر از وقوع انقلابی الهی در مشرق زمین و تشکیل حکومتی مقدمه ساز ظهور در این سرزمین کهن می دهند، روایات شریف با تعبیر مختلفی از مکان این انقلاب نام برده اند، برخی روایات از عبارت "من مشرق" استفاده کرده و روایات دیگری از عبارت "من خراسان"، "اهل طالقان"، "اهل دیلم"، "اهل القم" و... اما اکثر محققین و راویان اعتقاد دارند که تمامی این عبارات بر کلیت سرزمین ایران دلالت می کند، این حقیقت را به خوبی می توان در کلام بنیانگذار این انقلاب الهی مشاهده کرد: انقلاب ما آغاز نهضت جهانی اسلام به پرچمداری حضر حجت است!

رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند: «مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه را برای حرکت جهانی مهدی [عج] فراهم می سازند.» (2) همچنین فرموده اند: «خداوند متعال در شب معراج به من فرمودند: یا محمد از جمله عطاهایی که به تو مرحمت فرموده ایم آن است که یازده مهدی از نسل تو می باشند و آخر آنها کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند و به وسیله او زمین پر از عدل و داد می گردد. عرض کردم اینها چه وقت ظاهر می شود، پروردگار متعال علایمی را فرمود، از جمله: «مردی از اولاد حسین پیش از

ص: 337

1- بحار الانوار، ج 60، ص 217

2- سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1368، ب 34، ح 4088؛ کنز العمال، ح 38657؛ الزام الناصب، ج 2، ص 14

ظهور حضرت مهدی قیام و انقلاب خواهد نمود.»⁽¹⁾ قابل توجه است که در این روایت خبر دهنده خالق هستی و مخاطب و شنونده پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). معلوم است وقتی که خداوند متعال خبر از انقلاب کسی بدهد او فرد عادی نیست و انقلاب او هم باید انقلاب عظیمی بوده باشد و در تاریخ حداقل تاکنون مانند این انقلاب به وقوع نپیوسته است. و از قرائن دیگری که در اینجا اشاره می شود می توان این خبر را مصدق انقلاب اسلامی ایران دانست.

و نیز فرموده اند: ما اهل بیته هستیم که خدا آخرت را برای ما خواسته است و این اهل بیت من بعد از من دچار بلاء شده و (از حقوق خود) محروم خواهند شد تا اینکه عده ای که بیرقهای سیاهی دارند از طرف مشرق می آیند و دو مرتبه یا سه مرتبه حق خود را طلب می کنند و حق را به آنها نمی دهند تا اینکه جنگ کنند و غالب شوند، آنگاه حق آن ها را به آنها می دهند ولی قبول نمی کنند و حق را به مردی از اهل بیت من رد می کنند و او زمین را پر از عدل می کند بعد از آنکه از ظلم پر شده باشد هر کدام از شما آن را درک کردید باید خود را به آن برسانید و لو اینکه با دست و سینه خود از روی برف بروید زیرا که او مهدی علیه السلام است.⁽²⁾

هنگامی که پرچم های سیاه از خراسان به راه افتاد به سوی بشتابید و لو با سینه خیز رفتن بر روی برفها باشد، که صاحبان آن پرچم ها طرفداران حق هستند، آنها حق را مطالبه می کنند ... و پیش می تازند تا پرچم ها را به مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تسلیم کنند، آگاه باش که آنها یاران مهدی اند و زمینه سلطنت جهانی او را فراهم می سازند، دلهای آنها چون قطعات آهن است، هنگامی که پرچم های سیاه را مشاهده کردید که از سوی مشرق به حرکت درآمده فارسیان را گرامی بدارید که دولت ما در میان آنها می باشد.⁽³⁾

ص: 338

-
- 1- شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و اتمام النعمه، ج 1، ص 251.
 - 2- فتنه و آشوبهای آخر الزمان (ترجمه ملاحم و الفتن)، باب 93 متن، ص: 36
 - 3- غیبت شیخ طوسی ص 262، ملاحم و الفتن ص 27

امام کاظم (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: مردی از قم، مردم را به حق فرا می خواند. پیرامونش گروهی گرد می آیند که دل هایشان مانند پاره های آهن است. توفان های وزنده، آنان را نمی لرزاند و از جنگ خسته نشده و نمی هراسند. به خدا توکل کرده و عاقبت از آن پارسایان است. (1) چون حکومت بنی فلان سپری شود، خداوند با مردی از ما اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَام) بر آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) منت می نهد، که با تقوا گام می سپارد و بر اساس هدایت رفتار می کند، و در کارهایش رشوه نمی گیرد، به خدا سوگند نام خود او و پدرش را می دانم، آنگاه به محضر امام عادل از ما می رسد. (2) چون نشانه های ظهور فرا رسد، خداوند یکی از شیعیان ایرانی را برمی انگیزد که گرامی ترین اسب سوار عرب (هاشمی و بلندمرتبه است) است، خداوند به وسیله آنها دین را یاری می کند. (3) وقتی که دیدید از طرف مشرق بیرقهای سیاهی نمایان شد فارس را اکرام کنید، زیرا که دولت ما در میان آنها است. (4)

امام باقر می فرمایند: در یکی از روزها عمر و ابابکر و زبیر و ابن عوام و عبدالرحمن بن عوف در منزل رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جمع شدند. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جمع آنان نشستند، در حالی که نعلین حضرت پاره شده بود. به علی (عَلَيْهِ السَّلَام) داد تا اصلاحش نماید، در این حالت حضرت فرمودند گروهی از ما در طرف راست عرش خدا بر منبرهایی از نور قرار دارند که صورتهایشان نورانی و لباسهایش نیز نورانی است و نور صورتشان چشم بینندگان را خیره می کند. ابوبکر و زبیر و عبدالرحمن سؤال کردند آنها چه کسانی هستند، پیامبر سکوت کردند، علی (عَلَيْهِ السَّلَام) پرسیدند؟ پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند: آنها کسانی هستند که به واسطه روح الله دوست هم می گردند و متحد می شوند بدون آن که اغراض مادی یا خویشاوندی داشته باشند و آنان شیعیان تو هستند یا علی و تو امام آنها می باشی. (5) پس از پیروزی

ص: 339

1- بحار 57/215

2- بشاره الاسلام ص 161

3- همان، ص 29

4- ملاحم و الفتن ص 16

5- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 68، ص 139، چاپ اسلامی.

انقلاب اسلامی آیت الله صدوقی در ملاقاتی خدمت امام عرض کرده بودند. آقا این روح الله که در حدیث (تحابوا بروح الله) شما هستید؟ زیرا امروز تمام اقشار مردم به واسطه رهبری دوستی شما متحد شدند، امام با لبخندی گذشت. (1)

پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند: مردم از مشرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) فراهم می سازند. امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ): خداوند سبحان قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام قائم مقام حضرت ولی عصر می گرداند و دانش از این شهر به شرق و غرب عالم منتشر می گردد و آن گاه قائم ظهور می کند. (2)

همچنین امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند: می بینم گروهی از مشرق زمین قیام می کنند و طالب حق می باشند اما آنان را اجابت نمی کنند، مجدداً بر خواسته هایشان پافشاری می کنند؛ اما مخالفان نمی پذیرند وقتی چنین وضعی را مشاهده می کنند، شمشیرها را به دوش کشیده و در مقابل دشمن می ایستند. این جاست که پاسخ مثبت می گیرند. اما این بار هم نمی پذیرند تا این که همگی با هم قیام می کنند و آن چه به دست می آورند (انقلاب) جز به دست توانای صاحب شما (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) به کس دیگری نمی سپرند. کشته های آنان شهید محسوب می گردد، اگر من آن زمان را درک می کردم خویشتن را برای صاحب این امر نگه می داشتم. (3)

و دهها حدیث دیگر...

صفات که از روایات فوق برای انقلاب موعود استخراج می شود:

1- این انقلاب در مشرق زمین رخ خواهد داد.

2- انقلابیون خواستار حق هستند اما به آنها داده نمی شود.

3- رد کردن پاسخ مثبت حاکمان و قیام همه جانبه

4- کشته های آنها شهید محسوب می شوند.

ص: 340

1- دشتی، محمد، آینده سازان، ص 70.

2- ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1368، حدیث 4088. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، ص 125.

3- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 52، ص 243، چ اسلامیه. غیبت نعمانی - ترجمه غفاری، ص: 383

5- رهبر انقلاب آنها مردی از قم است.

6- نماد حرکت آنها پرچم های سیاه است.

7- انقلاب مشرق زمین صاحب پرچم هدایت است و مسلمانان به هر قیمتی باید آن را یاری کنند.

8- انقلابیون درگیر جنگی طولانی با دشمنان خود خواهند شد.

9- بوی پرچم های انقلاب موعود چون مشک به همه جا می رسد (انقلاب موعود محبوب ملتهاست)

10- رهبران انقلاب روایات از سید قمی تا خراسانی و شعیب و یاران آنها بسیار محکم و قدرتمند هستند.

11- مرحله آخر انقلاب مشرق زمین ، تسلیم پرچم به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریفه) می باشد

در هر حال تمجید و ستایشهای متعددی از مقام و منزلت ایرانیان در نزد اهل بیت(عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) در روایات وجود دارد که در مقایسه با سایر اقوام و ملل بی نظیر است. برخی از این عبارات و روایات تمجیدکننده و ستایشی مرتبط با ظهور و برخی بدون ارتباط با ظهور است، اما بسیاری از این روایات به رسالت و نقش بزرگ و مهم اهل مشرق زمین در حوادث ظهور اشاره دارند. همانگونه که روایاتی معتبر در منابع شیعه و اهل سنت بیان می دارند قیام سید خراسانی و پرچم های سیاه در ادامه انقلاب اولیه مردم ایران است و به عبارتی دیگر آخرین مرحله این انقلاب می باشد که به ظهور منتهی خواهد شد، انقلابی مقدسی که با خون صدها هزار شهید به بار نشسته و محافظت شده است همان انقلاب موعود روایات در آستانه ظهور است که ائمه اطهار(عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) در طی دهها روایت شریف از قرنهای پیش بشارت وقوع آن را داده بودند. این روایت معجزه آسا فرازهای انقلاب اسلامی و به بیانی نوید بخش تحقق بیانیه گام دوم انقلاب است. و مژده اتصال این انقلاب را به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) می دهد.

می شود روزی که آن سید علی * پیرو خود را کند چون مهدوی

با خلوصی که دهد جان را جلی * راه مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) را رود دور از کژیلذا رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم فرمودند «شعارهای انقلاب اسلامی کهنه شدنی نیست.» چرا که تجلی و تحقق این شعارها در آرمان شهر مهدوی خواهد بود. برای نمونه عدالت یکی از شاخص های برجسته جامعه موعود خواهد بود که ما نیز باید از آن الگوگیری کنیم. باید دانست که انتظار به دو صورت منفعل یا پویا صورت می گیرد.

در انتظار منفعل آینده نگری، الگوگیری و عمل راسخ جدی گرفته نمی شود. ولی در انتظار پویا زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و... برای تحقق آرمان های شهر مهدوی صورت می گیرد. تلاش ما باید در جهت حفظ انتظار پویا باشد. چون باورمندی به فرهنگ مهدویت بسیار گسترده شده و اکنون آمادگی جهانی برای آن وجود دارد. ما باید الگوگیری از آرمان شهر مهدوی را در زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و... خود برجسته کنیم. باید به دنبال امیدبخشی و هدایت بخشی باشیم.

در این راستا وحدت، یکپارچگی و خیزش جوامع اسلامی و ملت های مستضعف می تواند، یکی از زمینه ها و مقدمات مناسبی برای شکل گیری انقلاب جهانی باشد. استراتژی "وحدت امت اسلامی" و "نزدیکی جوامع ستمدیده و مستضعف" از ایده های بنیادین امام خمینی (ره) است که هم باعث تقویت و توانمند شدن آنان می گردد و هم زمینه ساز و مقدمه ای برای انقلاب جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) (1)

بدون اتحاد و یکپارچگی حق طلبان، خدا باوران و بی بهرگان از قدرت (مستضعفان)، حرکت به سمت جامعه موعود الهی، به کندی پیش خواهد رفت و دست قدرتمندان و مستکبران برای استضعاف و بهره کشی از دیگران بازتر خواهد بود.

بنابر این یکی از زمینه های مهم تشکیل حکومت جهانی مهدوی، قیام و خیزش عمومی مستضعفان، مظلومان و ستمدیدگان است که امام خمینی (ره) با فریادی رسا، آنان

ص: 342

را به این امر دعوت فرموده اند: "ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند"⁽¹⁾ لذا از جمله اعتقادات معظم له در جهت تحقق انقلاب موعود تشکیل حزب فراگیر مستضعفان و به دنبال آن تشکیل حکومت واحد اسلامی با جمهوری های مستقل می باشد. توضیح اینکه برای انسجام در صفوف نهضت های رهایی بخش جهانی و مقابله با استکبار و بیدادگری، باید حزب فراگیر مستضعفان و صالحان شکل بگیرد تا همه نیروها ید واحد ای شده و در برابر دشمنان قرار بگیرند. آن امام بزرگوار در این خصوص فرموده اند:

"من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است، از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و وراثت ارض برای مستضعفین است - محقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند و با تفرقه کاری انجام نمی گیرد. اکنون که نمونه ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع تری، در تمام قشرهای انسان های تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین» که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند..."⁽²⁾

و در ارتباط با طرح تشکیل دولت اسلامی با حضور همه کشورهای مسلمان می فرمایند: «شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت ها و عمال سر سپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار را - که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند - از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمت گزار متعهد، زمام امور را به

ص: 343

1- همان: ج 11، ص 376.

2- همان: ج 9، ص 280 و 281

دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل به پیش بروید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشانید و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رسانید، به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است»⁽¹⁾ بر اساس این مدل و الگو، ضمن تشکیل حزبی واحد در سطح جهان با عنوان حزب ا...؛ تلاش جهت جمع بین دولت های اسلامی و دولت بزرگ اسلامی، زمینه ای برای رسیدن به انقلاب موعود و حاکمیت مستضعفان و صالحان بر روی زمین است.

در مجموع با عنایت به بیانیه کام دوم انقلاب بدون تردید انقلاب مشرق زمین، پرچم حق را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) تسلیم خواهد کرد. چرا که یکی از اصلی ترین وجوه و خصوصیات انقلاب مردم مشرق زمین، پایان درخشان آن و سپردن پرچم به دست امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) می باشد، این حقیقت مقدس همانطور که مطرح شد در احادیث بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است، چه فرازاها و عباراتی که مستقیماً از سپرده شدن پرچم انقلاب موعود به دست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) خبر می دهند و چه عباراتی که به حضور فعال و قدرتمند ایرانیان در درگیریهای عصر ظهور اشاره دارند. لذا بنابر روایات متعدد که به برخی از آنها اشاره شد؛ ان شاء... انقلاب مردم مشرق زمین به ظهور منتهی خواهد شد و ایرانیان حضوری فعال و پررنگ در ظهور مقدس داشته و به عنوان یاران اصلی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریفه) نقش بی بدیل در شکست دشمنان خواهند داشت. علاوه بر آن بشارتهای متعددی از دهها سال پیش وجود دارد که حاکی از آن است که پرچم این انقلاب قطعاً به دست صاحب اصلی آن خواهد رسید... از جمله این بشارت الهی امام خمینی (ره): «من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام، مژده پیروزی نهایی می دهم...»⁽²⁾

ص: 344

1- همان: ج 21، ص 448

2- همان: ج 2، ص 112

البته رسیدن به جامعه آرمانی و موعود، نیاز به کوشش، جهاد و مبارزه فرهنگی، سیاسی، نظامی و... دارد و همه آن‌ها باید از سوی باورداران به منجی موعود و زمینه سازان انقلاب جهانی صورت گیرد. در هر حال امام خمینی قدس سره امت مسلمان ایران را به جهت جهاد، ایثارگری و فداکاریشان، زمینه سازان ظهور معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «سلام بر امت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار

می‌کنند...»⁽¹⁾ همچنان که مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب با تمام وجود بر مردم انقلابی ایران درود می‌فرستند...

تمام ساقیان را من، چنان دیوانه می‌دانم * همان دیوانگی را برتر از، میخانه می‌دانم

عزیزم روز و شب گوید، شمیمی بر مشام آید * همان بوی خوش یوسف، ز آن خمخانه می‌دانم

زبوی یوسف زهرا (سلام علیها)، خراباتی شده عطار * همان بورا فراتر از، همه گلخانه می‌دانم

پر و بالم همی سوزد، ز اشک و داغ پنهانی * همان پروانه را دردل، ز آن شمع خانه می‌دانم

تمام زور و بازویم، فدای عشق مولایم * همان راه و ره مولا، ز آن زورخانه می‌دانم

غلام پیر عرفانم، کنم جان را فدای جان * همان جان را ز کوی جان، ز آن جانانه می‌دانم

زمکر آدم و شیطان، شده خسته دل و جانم * همان مکر بنی آدم، ز هر کاشانه می‌دانم

نفوس و فکر سکولار، کند پنهان همه معنا * همان معنی و هم معنا، ز آن سامانه می‌دانم

جهان در دام لیبرال، شده مخروبه و غم بار * همان فکر پلید و شوم، چو یک ویرانه می‌دانم

چرا بعضی بدون فکر، کنند تبلیغ استکبار * همان پیر و بی فکر را، چنان دیوانه می‌دانم

ص: 345

1- همان: ص 325

الا ای یار محرومان، جهان تا کی شود ویران *همان روح جهانداری، ز آن ریحانه می دانم
مگر روزی در این عالم، نمی آیی برون جانم *همان عدل و عدالت را، ز آن دردانه می دانم
اگر عمر جهان یک روز، بود باقی به پیش حق *همان روز ظهور یار، چو صد پیمانہ می دانم
حقیر در اوج انتظار، کنم هر دم ز جان نجوا *همه عشاق عالم را، چنان پروانه می دانم

نتیجه گیری

گفتنی ها را ولی امر بگفت * تا که بیدارم کند روز نخست

گر چه بودم غافل و دور از ولی * گفته هایش روح و جانم را شکفت

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خامنه ای در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با صدور بیانیه ای خطاب به ملت شریف ایران و به ویژه جوانان، ضمن برشمردن فراز و نشیب های طی شده چهل ساله اول پیروزی انقلاب اسلامی و در اشاره به ظرفیت های عظیم کشور در حوزه های مختلف، آینده ای روشن و بالنده برای ایران اسلامی ترسیم کردند. از آنجا که خطاب این بیانیه به عموم ایرانیان بوده و معظم له باین شیوا و همه فهم، اصول و مؤلفه های پیشرفت و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی را تبیین فرموده اند، متنی است که سلاقی متکثر را به خود جلب می کند؛ متنی از موضع حکمت که قابلیت بررسی از زوایای گوناگون و با نگاه های تخصصی مختلف را به مخاطبان برای حرکتی انقلابی در تمام عرصه ها منتقل می کند.

در ضمن باید دانست که رهبر معظم انقلاب این بیانیه را به عنوان یک دستورالعمل برای مسئولان صادر نکردند بلکه بیانیه ای برای توده های مردم به ویژه جوانان بود؛ این جوان ها هستند که در دهه های آینده صاحبان انقلاب خواهند بود؛ بنابراین تأکید معظم له

بر به کارگیری جوانان است. همچنین دشمن سعی می کند امت انقلابی ندانند در کدام نقطه ایستاده اند، ولی رهبری نشان دادند که امت اسلامی در بلندای تاریخ هستند و در پیچ بزرگ تاریخ که آغاز شده و ادامه دارد، این آنها هستند که در بسیاری از عرصه ها حرف اول را می زنند. در این بیانیه دستاورد های شگرف گذشته در حوزه های امنیت، ثبات سیاسی، علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و تثبیت اراده ملی در کانون مدیریت کشور و نگاه به مسائل بین المللی، سنگین نمودن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور و افزایش عیار معنویت و اخلاق و ایستادگی شکوهمند در برابر قدرت های استکباری به ویژه آمریکای جهانخوار تبیین شده است که قابل تحلیل های جدی است. در گذشته دو قطب و دو بلوک شرق و غرب در دنیا بودند، ولی انقلاب اسلامی وقتی شکل گرفت یک قطب جدیدی ایجاد کرد باید در تقویت و معرفی آموزه ها و آرمان های این قطب نوین

کوشید و در تقابل ایدئولوژیک با غرب پیشران بود. و با خود سازی و جامعه پردازی با عزمی راسخ به طرف تمدن سازی برای ظهور یار حرکت کرد. ان شا... .

پس ای رفیق پر توان * در خاتمه این را بدان

فریاد هر ولایتی * در هر زمان و حالتی

باشد به آن ستمگران * طومار عمر ناکسان

با هر نژاد و هر زبان * برچیده گردد بی گمان

پایان عمر این جهان * حکم خدا گردد عیان

و اما در پایان بدان و هوشیار باش که این ولایت نیست که به ما احتیاج دارد بلکه این ما هستیم که برای رسیدن به آرامش و سعادت واقعی در دنیا و آخرت به آن نیاز داریم. آری:

فکر نکن مولای پاک ملک و دین* احتیاج دارد به ما در این زمین
او که هست در دار دنیا خود وزین* منبع خیر است و هم حبل المتین
من به او دارم نیاز ای نازنین* تا شوم چون او همی اهل یقین
داد خاموش بشر خواهد همین* چون که داد فطرتش باشد چنین
او بدون شک بود اهل یمین* چون که در ایمان خود بوده امین
راه حق با فقه وی گشته عجین* عشق دین دارد به سیما و جبین
روشنی بخش ره است در عالمین* می کند جان را رها از ظلم و کین
فتنه ها را می کند خنثی چو مین* با بصیرت می شود یاری معین
در ره قرآن و دین چون بهترین* با جهاد خود کند فتوحی مبین
این حقیر گوید ولی همچون نگین* می درخشد چون ستاره در زمین⁽¹⁾

ص: 348

- * قرآن کریم. (1379). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- * نهج البلاغه، ن: فیض الاسلام، مرکز نشر آثار فیض الاسلام، تهران، 1368
- * بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری، 22 بهمن ماه 1397
- * ابن کثیر، اسماعیل عمرو، (1419ق)، تفسیر القرآن العظیم، جلد 6، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- * ابن منظور، محمد بن مکرم، (1414ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- * ابن خلدون، عبدالرحمن، (1375)، مقدمه؛ ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- * اکبری، مرتضی، (1390)، درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران. ایلام: جوهر حیات.
- * اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (1398)
- * آشوری، داریوش، (1382ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مروارید.
- * آلن چالمرز، چیستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، فصل سوم، تهران، سمت، 1378،
- * امام خمینی، صحیفه امام خمینی (1387ش)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- * انوری، حسن، (1389ش)، فرهنگ سخن، تهران، نشر سخن.
- * بابایی، علی، جزء سی قرآن بصورت منظوم، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)
- * بابایی، علی، دیوان حقیر، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول 89 چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین
- * بابایی، علی، تنها راه سعادت...، برترین اندیشه، چاپ اول 89 چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین
- * بابایی، علی، بحرانه‌های معرفتی فلاسفه غرب، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین
- * بابایی، علی، سالمترین پیام، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین
- * بابایی، علی، مقصد نهایی بشر، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین
- * بابایی، علی، پرستش عالیترین نیاز، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین
- * بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، (1981م)، صحیح بخاری، جلد 1، ترکیه: انتشارات معاصر استانبول.

* بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان و جانبازان. 1379/08/11.

* پارسانیا، حمید، علم و فلسفه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1377، بخش اول،

* پاولی فایرآبند، بر ضد روش، ترجمه مهدی قوام صفری، فکر روز، 1375،

* تدا اسکاچپول، دولت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران.

* تدا اسکاچپول، دولت ها و انقلاب های اجتماعی، ترجمه سیدمجید روئین تن، تهران، سروش، 1376.

ص: 349

- * رودگر، محمدجواد، کارکردهای معنویت در عرصه های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری
- * زارع پور، محمد (1375) حدیث ولایت، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- * گروه مطالعاتی شهید آوینی، مبانی نظری هنر شهید آوینی، تهران، نبوی، 1374.
- * سیف، حمید رضا، ماهنامه / معرفت / شماره 98، ویژه نامه انقلاب اسلامی
- * سیف، حمید رضا، خودشناسی عرفانی، قم نشاط، 1381، ص 166.
- * سیف، حمید رضا، مبانی انسان شناختی تأثیر معنویت در سلامت... 1384،
- * جان احمدی، فاطمه، (1388)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
- * جان نزیبیت و پاتریشیا آبردین، دنیای 2000، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، 1378،
- * حرّ عاملی، محمّد. (1391ق.). وسائل الشّیعه. چاپ چهارم. بیروت: دار إحياء التّراث العربی.
- * عبدالوهاب فراتی، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، انجمن معارف اسلامی ایران، 1381،
- * صحیفه سجّادیّه. (1376). امام علی بن حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ). قم: نشر الهادی.
- * طباطبائی، محمّدحسین. (1417ق.). المیزان فی تفسیر قرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
- * طبرسی، فضل بن حسن، (1360)، مجمع الایمان فی تفسیر القرآن، جلد 17، مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران: فراهانی.
- * فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا، (1391)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره 9.
- * - فیض کاشانی، محمدحسن بن الشاه مرتضی، (1361)، کتاب العلم (ارزش دانش و دانشمند در اسلام)، ترجمه اسدالله ناصح، بی نا.
- * - قربانی، زین العابدین، (1370)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
- * - قرشی، علی اکبر، (1386)، قاموس قرآن، چاپ پانزده، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- * کلینی رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق، (بی تا)، اصول کافی، جلد 1 و 2، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: حیدری.
- * مطهری، مرتضی. (1387). مجموعه آثار؛ تعلیم و تربیت در اسلام. چاپ چهارم. تهران: صدرا.
- * مطهری، مرتضی (1377) مجموعه آثار، ج 2، تهران: انتشارات صدرا.

* مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1403ق.

* مقصود فراستخواه، دین و جامعه، شرکت سهامی انتشار، 1377،

* مکنون، ثریا، جرعه جاری، به کوشش علی ذو علم، نقش انقلاب اسلامی در تحوّل ارزش ها، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1377،

* موسوی الخمینی، روح ا... (1367) صحیفه امام، ج 8، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

* مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، قم: انتشارات پاسدار اسلام. (1373)

* منوچهر محمّدی، انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها، دفتر نشر و پخش معارف، 1380،

* میراحمدرضا حاجتی، عصر امام خمینی، قم، بوستان کتاب، 1381،

* لیاواتسن، فوق طبیعت، ترجمه شهریار بحرانی و احمد ارزمند، تهران، امیرکبیر، 1377.

* نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السّلام) لاحیاء التراث - 1988م، بیروت، لبنان

* امام خامنه ای (دام عزّه العالی)، بیانات، (بر گرفته از سایت www.khamenei.ir) مصاحبه ها و گفتگوهای مختلف در سایت های مختلف از جمله سایت اسوه، www.zibaweb.com سایت پرسمان اخلاق <http://akhlagh.porsemani.ir/node> و...

کتابهای زیر نا کنون از این شاعر و مولف چاپ و منتشر شده است:

- 1) جزء سی قران بصورت منظوم، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)
- 2) دیوان حقیر، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1388) چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین
- 3) تنها راه سعادت در پرتو بهترین نوع مدیریت، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)
- 4) بهترین روش زناشویی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).
- 5) منظومه همسرمداری، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394)
- 6) بهترین راه انتخاب همسر، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).
- 7) بهترین روش برای دوران خوب نامزدی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).
- 8) تنها راه خوشبختی در همسرمداری، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

9) ارزشمندترین لحظه ها استفاده از فرصتها، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)

10) معنا درمانی (درمان افسردگی و.. بدون استفاده از داروهای شیمیایی) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1395)

11) عطر یاد، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1385)

ص: 351

- (12) نه گفتار، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)
- (13) فطرت و کمال انسانی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- (14) پرستش، کاملترین پاسخ به عالیترین نیاز، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- (15) سالمترین پیام برای سعادت واقعی بشر، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- (16) مقصد نهایی انسان، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- (17) نقش عجیب مذهب در ایجاد آرامش همسران، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394)
- (18) بصیرت افزایی رمز و راز ولایت مداری و سعادت، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1395)
- (19) بحرانهای مکاتب و فلاسفه غرب در حوزه های انسان شناسی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1397)
- (20) غزلیات حقیر، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1397)
- (21) قرآن، تنها کتاب نجات بخش، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- (22) حجاب، فریاد خاموش فطرت، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- (23) نقش حجاب در بهداشت روانی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- (24) نامه ای بی نظیر برای فرزندانم، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- (25) توفیق انجام کار خیر و عمل صالح، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- (26) صفات ناب برای فطرت‌های پاک، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- (27) رباعیات حقیر اصفهانی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- (28) دوبیتی های حقیر اصفهانی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- (29) کلیات آنچه والدین باید بدانند، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- (30) آنچه والدین باید قبل از تولد فرزند بدانند، (فرزند پروری 1) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- (31) بهترین روش تربیت فرزند در هفت سال اول، (فرزند پروری 2) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- (32) بهترین روش تربیت فرزند در هفت سال دوم، (فرزند پروری 3) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)

33) آنچه والدین باید در هفت سال سوم بدانند، (فرزند پروری 4) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)

همچنین دهها مقاله در مجلات تخصصی دانشگاهی و روزنامه های داخلی و بین المللی منتشر کرده است.

ص: 352

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

